



مجله علمی-تحقیقی دعوت

سال پنجم، شماره دوم، خزان و زمستان ۱۴۰۳ هـ ش

شماره مسلسل: ۱۱





مجله علمی-تحقیقی دعوت

ACRED code: RCTD- PNJA+00-4-23 | REG code: RCTD - PNJR- 00+12-22

سال پنجم، شماره دوم، خزان و زمستان ۱۴۰۳ هـ ش

شماره مسلسل: ۱۱

اعضای هیئت تحریر

پوهاند دکتر عبدالله نورعباد
دکتر عنایت الله خلیل هدف
دکتر شیر علی ظریفی
دکتر محمد یوسف نیازی
پوهنوال دکتر جنیدالله ظهیر
پوهنمل دکتر نصر من الله مجاهد
دکتر حبیب الرحمن رحیمی
دکتر سید طاهر عرفانی
استاد امین الله مساعد رازقی
استاد عبدالمنان دھزاد
استاد ابوالحسن صالحی

صاحب امتیاز

پوهنتون دعوت

سر دبیر

دکتر عنایت الله خلیل هدف

مدیر مسؤول

لعل محمد دوراندیش

مترجم انگلیسی

دکتر سید طاهر عرفانی

طرح جلد و برگ آرایشی

عبدالواحد دستگیر

محتوای مقالات، تعبیر کننده نظریات نویسندگان آن است، و الزاماً تمثیل کننده آراء و پالیسی پوهنتون دعوت نمی باشد.

آدرس: کابل، چهار راهی قمبر، ناحیه پنجم، پوهنتون دعوت - دفتر مجله علمی-تحقیقی

۰۷۰۷۲۰۰۲۳۲

www.dawat.edu.af

journal@dawat.edu.af

فهرست مطالب

- ۱ سرمقاله
- ۵ سنجش اثربخشی سازمانی مکاتب دولتی و خصوصی حوزه پنجم تعلیمی شهر کابل
- لعل محمد دوراندیش / lm.dorandish@gmail.com
- ۴۳ رقابت قدرت‌های بزرگ در آسیای مرکزی
- دکتر سید طاهر عرفانی / erfani55@gmail.com
- ۷۵ د قرآن کریم په رڼا کې د اسراف غندنه (موضوعي څېړنه)
- دکتر نصرمن الله مجاهد / nasrafghani@gmail.com
- ۹۵ تأثیر خرافات بر باورهای دینی و اصلاح آن در پرتو شریعت اسلام
- مجیب الله رحیمی / ustadrahimi12@gmail.com
- ۱۳۶ بررسی سیر تاریخی و فقهی اصطلاحات رکوع و سجده در مصاحف شریف
- ننگیالی قادری / nangyalai20.23@gmail.com
- ۱۴۵ بررسی فرایند مشروعیت حکومت‌ها در اسناد بین‌المللی
- رحیم حسین حسینی / R.H.Hussaini1374@gmail.com
- ۱۶۳ مدل‌های حل و فصل منازعات بین‌المللی در چارچوب رئالیسم؛ از رقابت قدرت‌ها
- علی عبدالله عنایت شفیع / aliabdullahenayat@gmail.com
- ۱۸۴ مقصد رفع الحرج وعلاقته بالدعوة الإسلامية
- پوهنوال دکتر جنیدالله ظهیر / junaiddullahz@yahoo.com

سرمقاله

سپاس و ستایش بی‌پایان خدای بزرگ را که قلم را آفرید و منزلتی والا برای آن مقرر فرمود، و به آن و آنچه بندگان با قلم می‌نگارند، سوگند یاد نمود. «ن والقلم و ما یسطرون» (سوره قلم، آیه ۱)

درود و سلام بی‌کران بر روان مطهر حضرت محمد مصطفی -صلی الله علیه وسلم- پیامبر خاتم و معلم بشریت، که چراغ هدایت و رحمت برای جهانیان بود.

با توفیق خداوند منان یازدهمین شماره «مجله علمی تحقیقی دعوت» زیور طبع به تن کرد. در این شماره از مجموع مقالات ثبت شده در بخش تحقیقات علمی پوهنتون، تعداد اندک مقالات علمی متنوع دینی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به زبان‌های فارسی، پشتو و عربی توسط مرورگران گزینش گردید که به خامه استادان اندیشمند پوهنتون دعوت و قلم به دستان فرهیخته کشور به رشته تحریر درآمده است. فشرده و پاره‌ای از این مقالات قرار آتی محضر خوانندگان گرامی پیشکش می‌گردد:

- از اینکه اثر بخشی سازمانی در عرصه آموزش و پرورش یکی از مؤلفه‌های تأثیر گذار به شمار می‌رود، یکی از مقالات این مجموعه تحت عنوان «سنجش اثر بخشی سازمانی مکاتب دولتی و خصوصی حوزه پنجم تعلیمی شهر کابل» این امر مهم را در چارچوب نظریه کارکردگرایی مورد بررسی قرار داده است.
- در عرصه جنوپلیتیک؛ مقاله رقابت قدرت‌های بزرگ در آسیای مرکزی، با تمرکز بر کشور عزیز ما افغانستان و موقعیت جئواستراتژیک آن به مثابه یکی از میادین رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی مطمح نظر و تحلیل گروه نویسندگان مجله قرار گرفته است، که برای خواننده گرامی خالی از فایده نیست.

- در عرصه دینی-فرهنگی و اقتصادی؛ موضوع کسب و خرج مال و پیامدهای آن برای فرد و جامعه دیدگاه قرآن و آموزه‌های اسلام به شرح، تحقیق و تحلیل گرفته شده است. واضح است که مال در بینش اسلامی جان‌مایه حیات بشر و ابزار تعالی و رفاه جوامع انسانی و مهم‌ترین وسیله عمران و آبادانی دنیاست. اسراف و تبذیر در مال از نظر قرآن کریم و آموزه‌های اسلام امر مذموم و نا جایز خوانده شده است.
- در جهان امروز شناسایی و مشروعیت حکومت‌ها در چوکات قواعد قانون بین الملل و اسناد بین المللی تعریف و تنظیم گردیده است. حکومت‌ها بعد از کسب مشروعیت داخلی مبتنی بر رضایت مردم، ناگزیر اند وضعیت خود را مطابق قواعد و اسناد قانون بین الدول عیار نمایند. در این شماره مقاله «بررسی فرایند مشروعیت حکومت‌ها در اسناد بین‌المللی» به این مهم پرداخته و موضوع مشروعیت و عضویت حکومت در اسناد بین المللی را به نقد و نظر گرفته است که برای پژوهشگران عرصه روابط بین الملل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.
- روشنگری و آگاهی علمی در روشنایی احکام شریعت اسلامی یکی از اهداف اساسی مجله علمی تحقیقی دعوت است. اسلام دین علم و خردورزی است و آموزه‌های آن بر پایه وحی ثابت الهی و سنت صحیح پیامبر گرامی اسلام استوار بوده، از هرگونه باورهای مبتنی بر ظن و گمان، هوای نفس و خرافات، مبرا می‌باشد. مقاله علمی «پدیده خرافات و تصحیح آن در پرتو شریعت اسلامی» به این امر به خوبی پرداخته است که در راستای تصحیح افکار و تربیه سالم افراد جامعه نقش مؤثر خواهد داشت.
- حل و فصل منازعات بین المللی در همه عصرها، مخصوصاً در جهان معاصر امروزی در عرصه روابط بین الملل، با ملاحظه شدت درگیری‌ها و منازعات

بین المللی، در سایه ناکارآیی سازمان‌های بین المللی و معیارهای دوگانه یکی از حوزه‌های مهم و کاربردی برای علاقه‌مندان حوزه روابط بین الملل است. مقاله «مدل‌های حل و فصل منازعات بین‌المللی در چارچوب رئالیسم؛ از رقابت قدرت‌ها تا مدیریت تنش‌ها» در چارچوب نظریه‌های واقع‌گرایی با ابعاد مثبت و منفی آن در این مقاله به رشته تحریر و تحلیل در آمده است. طوری‌که ملاحظه می‌شود، مقاله مزبور حل و فصل منازعات بین المللی را از دیدگاه نظریه‌های واقع‌گرایی یا رئالیزم به بررسی گرفته است. با در نظر داشت اینکه نظریه‌های واقع‌گرایی به حیث یک گفتمان مطرح در سیاست بین الدول و روابط بین الملل نتوانسته و نمی‌تواند راه‌کارهای عملی و قابل قبول برای حل منازعات بین المللی ارایه نماید. توقع می‌رود که نویسنده مقاله در تحلیل‌های آینده خود راهکار حل و فصل منازعات بین المللی را در چارچوب نظریه‌های دیگر، به طور خاص نظریه اسلامی روابط بین الملل به بحث و بررسی مقایسه‌ای بگیرد تا تحلیل مقایسه‌ای میان نظریه رایج رئالیزم و نظر اسلامی روابط بین الملل انجام شود.

محورهای ذکر یافته در بالا و موضوعات علمی مختلف دیگر در این شماره مجله علمی تحقیقی دعوت نگارش یافته است که برای خوانندگان گرامی و دانش پژوهان حوزه‌های دینی و اجتماعی و جامعه اکادمیک حایز اهمیت می‌باشد. توقع می‌رود خوانندگان فرهیخته و اندیشمند مقاله‌های علمی این مجله را با دید نقادانه مطالعه نموده و با پیشنهادات سازنده و ارسال مقالات علمی و تراوش‌های فکری و قلمی خود برای چاپ در مجله علمی تحقیقی دعوت به غنای این ارگان نشراتی بیفزایند.

دکتر عنایت الله خلیل هدف

سر دبیر

لعل محمد دوراندیش

آمر تحقیقات علمی و مدیر مسؤول مجله

تحقیقی دعوت

lm.dorandish@gmail.com

ORCID: 0009-0004-9297-5477

عبدالواحد دستگیر

عضو همکار آمریت تحقیقات پوهنتون

دعوت

wahiddastager@gmail.com

ORCID: 0009-0009-0836-7142

عطاء الحق احمدی

مدیر آموزشی لیسه عالی قطرات نور- ناحیه

پنجم کابل

Info@qataratnoor.edu.af

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۲/۰۷

پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵

www.dawat.edu.af

Journal@dawat.edu.af

سنجش اثربخشی سازمانی مکاتب دولتی و خصوصی حوزه

پنجم تعلیمی شهر کابل (۲۰۲۰ - ۲۰۲۴)

چکیده

این تحقیق به هدف سنجش اثربخشی سازمانی مکاتب دولتی و خصوصی حوزه پنجم تعلیمی شهر کابل (۲۰۲۰ - ۲۰۲۴) با روش توصیفی - همبستگی انجام شده است. جامعه آماری این تحقیق را تعداد ۳۴۹۳ تن معلمان مکاتب دولتی و خصوصی حوزه پنجم تعلیمی شهر کابل تشکیل می دهد که با استفاده از فورمول کوکران با در نظر داشت ۵ % خطا و ۹۵ % اطمینان تعداد ۳۴۶ تن با روش نمونه گیری احتمالی از نوع خوشه ای بحیث جمعیت نمونه تحقیق انتخاب گردید. ابزار گردآوری داده ها در این تحقیق پرسشنامه استاندارد بوده که روایی پرسشنامه توسط کارشناسان تأیید گردید و پایایی آن با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ ($\alpha=0.93$) به دست آمد. داده ها در دو بخش توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم افزار (SPSS) تجزیه و تحلیل گردید. نتایج آزمون T مستقل نشان داد که میزان اثربخشی سازمانی مکاتب پایین تر از حد معیار ($Q1 > 9/90$) بود. نتایج آزمون رگرسیون نشان داد شاخص رضایت شغلی بیشترین تأثیر را بر اثربخشی سازمانی داشته است. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بیانگر آن بود که همه شاخص ها رابطه مثبت و بالایی با اثربخشی سازمانی داشت و میزان رابطه مؤلفه سلامت سازمانی بیشتر از بقیه بوده است. میزان اثربخشی سازمانی مکاتب دولتی و خصوصی یکسان گزارش و لیسه عالی خصوصی قطرات نور نسبت به سایر مکاتب دولتی و خصوصی اثربخش تر ارزیابی گردید.

واژه های کلیدی: اثربخشی سازمانی، نوآوری، تعهد سازمانی، رضایت شغلی، سلامت سازمانی.

Abstract

This study aimed to measure the organizational effectiveness of public and private schools in the fifth educational district of Kabul from 2020 to 2024 using a descriptive-correlation method. The statistical population of this study consisted of 3,493 teachers of public and private schools in the fifth educational district of Kabul, who were selected as the research sample population using the Cochran formula with a 5% error rate and 95% confidence level using a cluster probability sampling method. The data collection tool in this study was a standard questionnaire, the validity of which was confirmed by experts and its reliability was obtained using the Cronbach's alpha test ($\alpha=0.93$). The data were analyzed in two descriptive and inferential sections using SPSS software. The results of the independent T-test showed that the level of organizational effectiveness of the schools was lower than the standard level ($Q1 > 9.90$). The results of the regression test showed that the job satisfaction index had the greatest impact on organizational effectiveness. The results of the Pearson correlation test indicated that all indicators had a positive and high relationship with organizational effectiveness, and the relationship of the organizational health component was higher than the others. The organizational effectiveness of public and private schools was reported to be the same, and Qatrat Noor Private High School was evaluated as more effective than other public and private schools.

Keywords: Organizational effectiveness, innovation, organizational commitment, job satisfaction, organizational health.

Dawat Academic Journal

Fifth Year, Issue 2
(Fall & Winter 2024-2025)

Volume
11

Received: 2025-2-25
Accepted: 2025-3-15

www.dawat.edu.af
Journal@dawat.edu.af

بیان مسئله

استمرار و بقای هر جامعه‌ای مستلزم آن است که مجموعه باورها، ارزش‌ها، رفتارها، گرایش‌ها، دانش‌ها و مهارت‌های آن به نسل‌های جدید منتقل شود. سازوکار این انتقال، فرایند آموزش و پرورش و نهادهای آموزشی است که دارای اثربخشی سازمانی بیشتری باشند؛ چراکه دانشمندانی مثل پیتر دراگر بر این باور است که اثربخشی؛ یعنی انجام دادن کارهای شایسته و اثربخشی سازمانی، فرایند چرخشی و مداومی است که از طرح و برنامه شروع می‌شود و شامل تمام فعالیت‌های است که هم در جهت دستیابی به هدف‌های سازمان است و هم تعیین می‌کند که انجام آن‌ها تا چه اندازه خوب و مطلوب صورت گرفته است. (سروری، ۱۳۹۹) از این رو، اثربخشی سازمانی نهادهای آموزشی در خصوص انتقال دانش، باورها، تجارب، نوآوری، تربیه نسل خلاق و... نقس مؤثری دارد.

امروزه نهاد آموزش و پرورش از جمله ابزارهای مهم تحقق اهداف و مقاصد اجتماعی و از پایه‌های اساسی رشد و توسعه هر کشوری محسوب می‌شود. (ایمانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳) با این وجود، همه سازمان‌های آموزشی در ایفای نقش و دستیابی به اهداف خویش یکسان عمل ننموده و برخی عملکرد خوب و برخی دیگر عملکرد ضعیف داشته اند. از سوی دیگر، حساسیت و اهمیت کیفیت آموزش و پرورش و تأثیر آن بر سرنوشت آتی فراگیران و دانش‌آموزان، به دغدغه اولیا و خانواده‌دها مبدل و باعث آن شده است که آن‌ها در جست‌وجوی مکاتبی باشند که به نظر آن‌ها عملکرد خوب و اثربخش دارند. از این رو، اهمیت آموزش و پرورش و تأثیرات آن بر سرنوشت جامعه، توجه اندیشمندان حوزه‌های مختلف علوم را به تحقیق و پژوهش در زمینه تعریف، تبیین و شناسایی عوامل مرتبط با اثربخشی سازمانی جلب نموده است.

افغانستان از سده‌های قدیم مهد علم و دانش بوده، از نظام‌های تعلیمی و تحصیلی استقبال درخور توجه صورت گرفته است. طی سال‌های اخیر، نظام تعلیمی افغانستان شاهد پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای چون افزایش سریع در تعداد مؤسسات تعلیمی خصوصی در پهلوی مؤسسات تعلیمی دولتی بوده است. با وجود کثرت مکاتب، نارسایی‌ها و مشکلاتی چون فقدان سیاست روشن برای جذب، حفظ و ارتقای کیفی و شغلی نیروی انسانی در مکاتب خصوصی، تمرکز اداری به ویژه در مکاتب دولتی، غیر معیاری بودن فضای آموزشی، بی توجهی به تفاوت‌های فردی و سبک‌های یادگیری دانش آموزان، عدم توجه به نظریه‌های نو در آموزش و پرورش، شکست تحصیلی دانش آموزان، نرخ بالای مردودی، محدود بودن راه یابی فارغان به آموزش عالی و... در کل نظام تعلیمی افغانستان کماکان وجود دارد. با توجه به این مسائل و مبرمیت ضرورت سنجش اثربخشی سازمانی مکاتب به عنوان سازمان‌های تربیت کننده نیروی انسانی سایر سازمان‌ها، در تحقیق کنونی با گزینش مُدل کارکردهای چهارگانه تالکوت پارسونز، به سنجش اثربخشی سازمانی مکاتب دولتی و خصوصی حوزه پنجم تعلیمی شهر کابل طی سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۴ پرداخته می‌شود. بنابر احصائیه آمریت حوزه پنجم تعلیمی شهر کابل، تعداد ۱۳۶ باب مکتب در این حوزه تعلیمی در سال ۱۴۰۳ فعالیت داشته و خدمات آموزشی عرضه می‌دارند که از مجموع رقم یاد شده، تعداد ۲۸ باب مکتب دولتی و ۱۰۸ باب مکتب خصوصی می‌باشند. در واقع مسأله اصلی تحقیق کنونی این است تا بدانیم که میزان اثربخشی مکاتب دولتی و خصوصی حوزه پنجم تعلیمی شهر کابل طی سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۴ چقدر بوده است.

ضرورت و اهمیت تحقیق

آموزش و پرورش یکی از نهادهای مهم جامعه است که مسوولیت بزرگ شکوفاسازی استعدادهای انسانی و تحقق اهداف فردی و اجتماعی را بر عهده داشته و فراگیران را برای ایفای مؤثر نقش در جامعه آماده می‌کند. با توجه به این مأموریت

حساس و تأثیر عملکرد مکاتب و مدارس بر آینده فراگیران، تمایل اولیای دانش آموزان به مکاتب و سازمان‌های آموزشی اثربخش بیشتر بوده که با صرف هزینه زیاد همواره می‌کوشند فرزندان خود را به دست مکاتبی بسپارند که عملکرد بهتری داشته اند. از این رو، شناسایی مکاتب و مدارس که به بهترین نحو ممکن زمینه شکوفاسازی استعدادهای دانش‌آموزان را فراهم نموده و به نیازهای روزافزون جامعه و انتظارات اولیا و ذینفعان خویش پاسخ دهند، ایجاب تحقیق و پژوهش را می‌نماید. پژوهش در زمینه اثربخشی سازمانی مکاتب و عوامل مؤثر بر آن، در ارائه تصویر نسبتاً کلی از چگونگی فعالیت‌های مکاتب، کمک کرده باعث آن می‌شود که مدیران مکاتب و دست‌اندرکاران حوزه آموزش و پرورش، برنامه‌های آموزشی خویش را ارزشیابی نموده و به تغییر و تحول سازمانی، توسعه‌سازمانی و متغیرهای چون سلسله مراتب، سیاست‌های پاداشی، فراگردهای تصمیم‌گیری و ارتباطات سازمانی توجه بیشتر نموده و خط فکری مناسبی برای بهبود فعالیت‌ها اتخاذ نمایند.

نتایج جست‌وجو در بانک‌های اطلاعاتی و مراجعه به مراکز پژوهشی، حاکی از عدم انجام پژوهش در خصوص موضوع تحقیق کنونی در جامعه مورد نظر دارد. هرچند در پژوهش‌هایی به بررسی متغیر اثربخشی سازمانی پرداخته شده است؛ ولی تحقیق که به سنجش اثربخشی سازمانی مکاتب دولتی و خصوصی پرداخته باشد، یافت نشد. پژوهش‌های زیادی مشابه عنوان تحقیق کنونی در بیرون از جامعه مورد نظر (افغانستان) انجام شده است که با توجه به تفاوت نوع نظام، شرایط و وضعیت سازمان‌ها، قوانین و دیگر عوامل، قابلیت کاربرد مناسب را در جامعه مورد نظر نداشته هرچند از پژوهش‌های مذکور در کلیات می‌توان استفاده کرد. بنابراین، تحقیق کنونی از این لحاظ تازه بوده و طوری که در فوق گفته شد، می‌تواند مدیران و دست‌اندرکاران بخش را در اتخاذ خط فکری جهت بهبود فعالیت‌ها کمک کند.

اهداف تحقیق

هدف کلی: سنجش اثربخشی سازمانی مکاتب دولتی و خصوصی حوزه پنجم تعلیمی شهر کابل طی سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۲۴.

اهداف جزئی: با توجه به عنوان و هدف اصلی تحقیق، اهداف فرعی تحقیق کنونی چنین مطرح می‌شود:

- دریافت میزان ابعاد چهارگانه (نوآوری، تعهدسازمانی، رضایت شغلی و حفظ الگوها) اثربخشی سازمانی مکاتب؛
- تبیین رابطه بین اثربخشی سازمانی و مؤلفه‌های (نوآوری، تعهدسازمانی، رضایت شغلی و حفظ الگوها) آن؛
- سنجش میزان اثربخشی سازمانی مکاتب حوزه پنجم تعلیمی به تفکیک نوعیت آن (دولتی و خصوصی)؛
- شناسایی مکاتب دولتی و خصوصی با اثربخشی سازمانی بالا.

سوال‌های تحقیق

- سوال اصلی: میزان اثربخشی سازمانی مکاتب دولتی و خصوصی حوزه پنجم تعلیمی شهر کابل طی سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۴ چقدر بوده است؟
- سوال‌های فرعی: باتوجه به سوال اصلی تحقیق، سوالات فرعی به گونه زیر طراحی می‌شود:

- کدام یک از ابعاد چهارگانه (نوآوری، تعهدسازمانی، رضایت شغلی و حفظ الگوها) بیشترین تأثیر را بر اثربخشی سازمانی مکاتب دارند؟
- رابطه بین اثربخشی سازمانی و مؤلفه‌های آن در مکاتب چگونه است؟
- میزان اثربخشی سازمانی مکاتب دولتی بیشتر است یا خصوصی؟
- کدام یک از مکاتب دولتی و خصوصی بیشترین اثربخشی سازمانی را دارند؟

تعریف نظری و عملیاتی متغیر تحقیق

- تعریف نظری: اثربخشی سازمانی درجه‌ای است که یک سازمان به اهداف خود تحقق می‌بخشد. (دفت، ۱۳۹۰)

- تعریف عملیاتی: منظور از اثربخشی سازمانی در این تحقیق نمره‌ای است که معلمان مکاتب به پرسش‌های مطرح شده در خصوص ابعاد چهارگانه (نوآوری، تعهدسازمانی، رضایت شغلی و حفظ الگوها) می‌دهند.

پیشینه تحقیق

پژوهش‌گران متعددی از منظرهای متفاوتی به مطالعه اثربخشی سازمانی پرداخته‌اند. بناً با در نظرداشت تناسب نظری و روشی، شماری از تحقیقات که عمدتاً در سال‌های اخیر انجام یافته‌اند شامل موارد ذیل‌اند:

- احمدزی (۱۴۰۲) در رساله پایان کارشناسی ارشد خویش به بررسی تأثیر ثبات شغلی بر اثربخشی سازمانی از دیدگاه مدیران وزارت معارف پرداخته است. نتایج این تحقیق بیانگر آن است که بین ثبات شغلی و اثربخشی سازمانی رابطه در حد ۰.۴۶۶ که یک رابطه نسبتاً متوسط می‌باشد، وجود داشته است. همچنان آزمایش فرضیه‌های فرعی حاکی از آن بوده است که همه مؤلفه‌های ثبات شغلی با اثربخشی سازمانی وزارت معارف رابطه مثبت داشته؛ اما میزان این رابطه‌ها متفاوت بدست آمده است. به طوری که مؤلفه انگیزش کارکنان با داشتن ضریب همبستگی ۰/۸۳۲ مؤثرترین عامل در اثربخشی سازمانی و مؤلفه مشارکت کارکنان با داشتن ضریب همبستگی ۰.۲۶۵ دارای کم‌ترین تأثیر بر اثربخشی سازمانی بوده است. مؤلفه‌های شرایط مطلوب کار و توجه به انتظارات کارکنان به ترتیب دارای مقادیر ضریب همبستگی ۰.۳۶۷ و ۰.۲۹۹ با متغیر وابسته اثربخشی سازمانی بوده است.

- افشین (۱۴۰۲) تأثیر رفتارهای خلاقانه معلمان بر اثربخشی سازمانی مدارس را به بررسی گرفته و دریافته است که رفتارهای خلاقانه معلمان و همچنین اثربخشی و مؤلفه‌های تولید و ارتقاء ایده سازمانی مدارس در پیش‌بینی اثربخشی سازمانی مدارس مؤثر اند.
- عظیمی و قنبری (۱۴۰۲) در تحقیقی تحت عنوان «پیش‌بینی اثربخشی سازمانی مدارس براساس مؤلفه‌های خودکارآمدی معلمان در مدارس ابتدائی شهر همدان» به این نتیجه دست یافته اند که از بین مؤلفه‌های خودکارآمدی، مؤلفه درگیر کردن فراگیران بیشترین توان را در پیش‌بینی اثربخشی سازمانی مدارس دارد. با توجه به نتایج پژوهش می‌توان گفت باورها و احساس خودکارآمدی معلمان بر بهره‌وری و اثربخشی سازمانی مدارس اثرگذار است.
- نیکنامی و نجفی (۱۴۰۱) در پژوهشی به مقایسه اثربخشی مدارس ابتدایی دولتی و غیردولتی شهر اراک در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ پرداخته اند. آن‌ها در این پژوهش به این نتایج دست یافته اند که بین اثربخشی مدارس ابتدایی دولتی در مقایسه با مدارس غیردولتی شهر اراک تفاوت معنی‌دار وجود دارد و این تفاوت به نفع مدارس غیردولتی می‌باشد. بین مدارس ابتدایی دولتی و غیردولتی در بعد مواد درسی تفاوت معنی‌دار وجود دارد و این تفاوت به نفع مدارس غیرانتفاعی است. بین مدارس ابتدایی دولتی و غیردولتی در بعد تصمیم‌گیری تفاوت معنی‌دار به نفع مدارس غیردولتی وجود دارد. بین مدارس ابتدایی دولتی و غیردولتی در بعد منابع تفاوت معنی‌دار به نفع مدارس غیردولتی وجود دارد. بین مدارس ابتدایی دولتی و غیردولتی در بعد نتایج تفاوت معنی‌دار وجود ندارد. بین مدارس ابتدایی دولتی و غیردولتی در بعد رهبری تفاوت معنی‌دار به نفع مدارس غیردولتی وجود دارد. بین مدارس ابتدایی دولتی و غیردولتی در بعد جو آموزشی

تفاوت معنی‌دار به نفع مدارس غیردولتی وجود دارد. اثربخشی مدارس پسرانه نسبت به مدارس دخترانه، به جزء مؤلفه نتایج در سایر مؤلفه‌ها بیشتر است.

- حمید رحیمیان و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیقی «نقش رهبری خدمت‌گزار در میزان اثربخشی سازمانی مدارس» را بررسی نموده‌اند. طبق نتایج بدست آمده از این تحقیق، میان رهبری خدمت‌گزار و اثربخشی سازمانی همبستگی مثبت وجود دارد. همچنین، میان مؤلفه‌های چهارگانه رهبری خدمت‌گزار با اثربخشی سازمانی و مؤلفه‌های آن نیز همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود دارد. نتایج رگرسیون چندگانه نشان داده است که از میان ابعاد رهبری خدمت‌گزار، به ترتیب سه عامل خدمت‌رسانی، قابلیت اعتماد و تواضع بیشترین توان را در پیش‌بینی اثربخشی سازمانی دارند.

- زکی و همکارانش (۱۳۹۴) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی رابطه بین سبک مدیریت با اثربخشی سازمانی» چنین نتیجه‌گیری داشته‌اند که بین سبک‌های مدیریت با اثربخشی سازمانی مدارس مقطع ابتدایی، ارتباط مستقیم وجود دارد و بین مدیران مدارس دخترانه و پسرانه ابتدایی در زمینه سبک‌های مدیریتی و اثربخشی سازمانی مدرسه تفاوت وجود دارد. همچنین با افزایش سن و سابقه کار پاسخگویان، اثربخشی سازمانی مدرسه نیز افزایش یافته و تفاوت معنی‌داری در اثربخشی سازمانی مدارس به نفع زنان مشاهده شده است. علاوه بر آن، تحصیلات تأثیر چندانی بر اثربخشی سازمانی مدرسه نداشته است.

- حسنی و سامری (۱۳۸۹)، اثربخشی سازمانی مدارس متوسطه ناحیه یک شهر ارومیه را با استفاده از مدل پارسونز به بررسی گرفته و چنین نگاشته‌اند که مدارس دخترانه اثربخش‌تر از مدارس پسرانه هستند و بین اثربخشی سازمانی مدارس و مؤلفه‌های آن (نوآوری، تعهدسازمانی، رضایت شغلی و سلامت سازمانی) رابطه معنی‌دار وجود دارد.

- شریعت‌مداری (۱۳۸۸) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی رابطه بین سلامت سازمانی با اثربخشی مدیران مدارس مدیریت آموزش و پرورش شهر تهران» به این نتیجه دست یافته است که بین کلیه ابعاد سلامت (ساخت‌دهی، ملاحظه‌گری، پشتیبایی منابع، روحیه، تأکید علمی و یگانگی نهادی) و اثربخشی سازمانی رابطه معنی‌دار وجود دارد و پیشنهاد می‌کند که اگر مدیران مدارس در به کار بردن روش‌های ایجاد سلامت سازمانی تلاش کنند، اثربخشی مدارس آن‌ها در تمام ابعاد بهبود خواهد یافت.
- ابراهیم پور (۱۳۸۷) در نتیجه‌گیری تحقیق خویش تحت عنوان «بررسی رابطه بین انگیزه پیشرفت مدیران با اثربخشی سازمانی آنها در مدارس ناحیه ۱ و ۲ ارومیه» چنین نگاشته است که میان انگیزه پیشرفت مدیران با اثربخشی سازمانی آن‌ها رابطه وجود دارد. بدین معنا که هرچه انگیزه پیشرفت مدیران بالاتر باشد، اثربخشی سازمانی آن‌ها بیشتر است و مدیران با انگیزه پیشرفت بالا با توجه به عواملی مانند انطباق مدرسه با محیط متغیر، تحقق هدف در مدرسه، انسجام و مداومت در سازمان آموزشی، میزان اثربخشی مدرسه را بالا می‌برند.
- ربیعی و صالحی (۱۳۸۶)، نرخ‌های آموزشی و کیفیت آموزش و پرورش مدارس دولتی و غیرانتفاعی در استان چهارمحال و بختیاری را مقایسه نموده اند. آن‌ها در این پژوهش به این نتیجه رسیده اند که بین سلامت روانی معلمان، ویژگی‌های فردی معلمان مدارس دولتی و غیرانتفاعی تفاوت معنی‌دار وجود ندارد. دانش آموزان مدارس غیرانتفاعی از کیفیت خدمات ارائه شده در این مدارس راضی‌تر از دانش آموزان مدارس دولتی هستند. نرخ ماندگاری و نرخ قبولی در مدارس غیرانتفاعی در هر سه مقطع بیشتر از مدارس دولتی است.
- حیدری فرد (۱۳۸۰) در تحقیقی به بررسی رابطه بین تعهدسازمانی و اثربخشی مدیران مدارس متوسطه دولتی پرداخته است. محقق در نتیجه‌گیری نهایی تحقیق

خویش نگاشته است که بین تعهدسازمانی با اثربخشی مدیران مدارس رابطه وجود دارد.

- اخبار فر (۱۳۷۹) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی رابطه هسته کنترل مدیران مدارس متوسطه با اثربخشی سازمانی آنها در نواحی چهارگانه ی شهر شیراز» چنین نگاشته است که با توجه به مدل چهارگانه کارکردی سیستم اجتماعی پارسونز که شامل انطباق مدرسه با محیط، تحقق هدف، انسجام در سازمان آموزشی و تداوم در سازمان آموزشی بوده و نتایج بیانگر آن بوده که هسته کنترل روابط معنی داری با چهار بعد اثربخشی سازمانی مدیران داشته است. در مجموع، هرچه هسته کنترل مدیران به سوی درونی تر بودن، گرایش داشته است، اثربخشی سازمانی مدیران میانه بیشتری را نشان می دهد.

- کاظمی (۱۳۷۵) در پژوهشی، الگوهای اثربخش سازمانی را با تأکید بر معیارهای فرهنگ سازمانی مطالعه نموده و بعد از تحلیل و تجزیه به این نتیجه دست یافته است که با بهبود فرهنگ سازمانی می توان اثربخشی سازمان ها را افزایش داد. مرور پژوهش های فوق الذکر بیانگر آن است که هرچند تعدادی از این پژوهش ها با رویکرد تحقیق حاضر انجام شده و اثربخشی سازمانی سازمان ها و مدارس را در چارچوب دیدگاه کارکردی به بررسی گرفته اند؛ اما کمتر به مقایسه مدارس دولتی و خصوصی پرداخته شده است. در این تحقیق سعی شده است که افزون بر سنجش کلی اثربخشی مکاتب دولتی و خصوصی، اثربخشی سازمانی هر یک از دو دسته مکاتب دولتی و خصوصی جداگانه بررسی و مقایسه صورت گیرد. همچنان که قبلاً گفته شد، اکثر پژوهش های پیشین در بیرون از افغانستان انجام شده است و با توجه به تفاوت نوع نظام آموزشی، شرایط و وضعیت مکاتب، قوانین و دیگر عوامل، قابلیت کاربرد مناسب در جامعه مورد نظر را ندارند. بنابراین، تحقیق کنونی از این لحاظ نیز تازه می باشد.

چارچوب نظری تحقیق

مرور ادبیات موجود در حوزه اثربخشی سازمانی به طور عام و اثربخشی سازمانی مدارس به طور خاص بیانگر آن است که دیدگاه‌های متفاوتی از سوی صاحب‌نظران متعددی در خصوص این مفاهیم ارائه شده و به غنای هر چه بیشتر این حوزه افزوده اند. با توجه به گستردگی ابعاد مفهومی و نظری متغیر تحقیق حاضر، در تدوین مبانی نظری این تحقیق از نظریه‌هایی چون «آرگریس»، «اسمیت» «وستربرگ»، «لویین و لزوت» و رویکرد کارکردهای نظام اجتماعی پارسونز و در کل از رویکردهای نظری «مدل هدف منطقی»، «مدل منبع سیستم»، «رویکرد مبتنی بر فرایند درونی»، «رویکرد عوامل استراتژیک»، «رویکرد رقابتی ارزش»، «مدل ترکیبی هدف-سیستم» و «مدل اثربخشی» استفاده شده است. با توجه به گستردگی نظریه‌ها و مدل‌های مطروحه، باید نظریه و مدلی را انتخاب کرد که متغیر متذکره را طور جامع و بر مبنای دقیق و روشن مد نظر داشته و بیان نماید.

مرور دیدگاه و مدل‌های موجود در این حوزه مبین آن است که در برخی موارد بین نظریه‌های مزبور نقاط اشتراک و در برخی موارد دیگر نقاط افتراق وجود دارد. دستیابی به هدف، سازگاری با محیط، ایجاد و تقویت روحیه همکاری در راستای وحدت و یگانگی، حاکمیت جو سازمانی سالم، از مهم‌ترین نقاط اشتراک این نظریات و رویکردهای نظری می‌باشد. با توجه به این که اثربخشی یک مفهوم چند بعدی می‌باشد، مدلی که مؤلفه‌های یاد شده را یکجا نموده، مدلی ترکیبی هدف-سیستم می‌باشد. براساس این مدل، عملکرد موزون عناصر سازمان در راستای ادامه حیات و بقای سازمان مهم می‌باشد. به این معنی که سازمان‌ها از جمله مکاتب و دانشگاه‌ها باید چهار مشکل کارکردی را حل کنند. این چهار کارکرد عبارت اند از:

(۱) انطباق- به نیاز سیستم برای کنترل محیط خود مربوط است. مثل نوآوری و

(۲) کسب هدف- به منزله پاداش برای سیستم اهداف است که سیستم باید مقاصد خود را تعیین کند و منابع خود را مانند تعهدسازمانی برای کسب اهدافش بسیج نماید؛

(۳) یگانگی- انسجام وحدت اجتماعی در داخل سیستم؛ مثل رضایت شغلی معلمان و کارکنان؛

(۴) حفظ الگوها- حفظ سیستم ارزشی مانند الگوهای انگیزشی و فرهنگی سیستم

انطباق A	G کسب هدف
حفظ الگوها L	I یگانگی

نمودار ۱: کارکردهای چهارگانه نظام اجتماعی پارسونز

نوآوری A	G تعهد سازمانی
سلامت سازمانی (روحیه) L	I رضایت شغلی

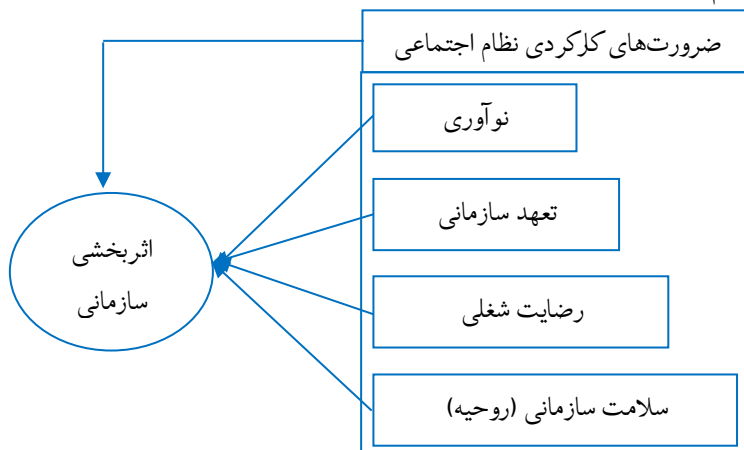
نمودار ۲: مولفه‌های چهارگانه اثربخشی سازمانی مدرسه با تکیه بر رویکرد کارکردهای چهارگانه نظام اجتماعی پارسونز (زکی و همکاران، ۱۳۸۵: ۳۳ به نقل از Hoy et al, ۱۹۸۵, ۱۹۹۰)

جامعه‌شناسان در بررسی سازمان‌ها بر مفهوم نظام اجتماعی تأکید دارند. از دید تالکوت پارسونز، همه نظام‌های اجتماعی از جمله مکاتب، باید این چهار مشکل کارکردی را حل کنند؛ یعنی انطباق، کسب هدف، یگانگی و حفظ الگوها. (هوی و میسکل، ۱۳۹۱: ۲۶۵)

بنابر آنچه گفته شد، نظریه کارکردهای چهارگانه نظام اجتماعی پارسونز در چارچوب مدل ترکیبی هدف- سیستم نسبت به سایر مدل‌ها، متغیر اثربخشی سازمانی را طور جامع و بر مبنای دقیق و روشن مد نظر دارد. از این‌رو به دلیل جامعیت، اعتبار و مقبولیت بیشتر، در تحقیق کنونی از این مدل استفاده شده است.

مدل مفهومی تحقیق

طوری که گفته شد، در تحقیق کنونی رویکرد کارکردهای چهارگانه نظام اجتماعی پارسونز در قالب مدل ترکیبی، مبنای باشد. به این اساس، مدل مفهومی پژوهش حاضر ذیلاً ترسیم گردیده است:



نمودار ۳: مدل مفهومی پژوه

روش شناسی تحقیق

مطالعات و تحقیقات اجتماعی را می توان بر اساس ملاک ها و معیارهای مختلفی دسته بندی کرد. انتخاب یک روش یا تکنیک خاص همواره بستگی به شرایط دارد. (رفیع پور، ۱۳۸۲: ۱۷) بناءً روش تحقیق می بایست که با رویکرد آن در هماهنگی کامل قرار داشته باشد. با در نظر داشت این، تحقیق کنونی که رویکرد کمی دارد و از لحاظ هدف، کاربردی می باشد؛ با استفاده از روش پیمایشی انجام شده است.

۱. جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش مجموع معلمان مکاتب دولتی و خصوصی حوزه پنجم تعلیمی شهر کابل می باشد. طبق احصائیه آمریت حوزه پنجم تعلیمی شهر کابل که معلومات لازم را در اختیار تیم تحقیقات پوهنتون دعوت و لیسه خصوص قطرات نور

قرار دادند، به تعداد ۱۳۶ باب مکتب در سال ۱۴۰۳ هـ.ش در این ناحیه تعلیمی فعالیت داشتند که از این میان، ۲۸ باب مشمول ۷ باب مکتب ذکور، ۵ باب اناثیه و ۱۶ باب مکاتب مختلط دولتی بوده و تعداد ۱۰۸ باب مکاتب خصوصی می‌باشد. تعداد کل معلمان شاغل در مکاتب دولتی و خصوصی حوزه پنجم تعلیمی شهر کابل در سال ۱۴۰۳ هـ.ش بالغ بر ۳۴۹۳ نفر بودند که از این جمع، تعداد ۱۲۶۲ نفر ذکور و ۲۲۳۱ نفر اناث می‌باشند. از مجموع رقم یاد شده، تعداد ۱۸۲۶ تن معلمان مکاتب دولتی و تعداد ۱۶۶۷ تن معلمان مکاتب خصوصی می‌باشند. قابل یادآوری است که مجموع افراد تحت آموزش مکاتب دولتی و خصوصی حوزه پنجم تعلیمی در سال ۱۴۰۳ هـ.ش، ۱۰۸۱۰۹ نفر شاگرد آمارگیری شدند که از این تعداد، ۷۰۹۲۴ نفر ذکور و ۳۷۱۸۵ نفر اناث می‌باشند.

۲. جمعیت نمونه

جمعیت نمونه تحقیق حاضر تعداد (۳۴۶) نفر از کل جامعه آماری (۳۴۹۳ نفر) می‌باشد که با استفاده از فورمول کوکران با سطح اطمینان ۹۵٪ و خطای نمونه‌گیری ۰/۰۵٪ برآورد گردیده است.

۳. روش نمونه‌گیری

نمونه‌گیری در این تحقیق با روش نمونه‌گیری احتمالی از نوع خوشه‌ای صورت گرفته است.

$$n = \frac{N t^2 pq}{N d^2 + t^2 pq}$$

در این فورمول:

$n = 346$ تعداد نمونه

$N = 3493$ جمعیت احصائیوی

$t = 1.96$ مقدار یا سطح استاندارد

$d = 0,05$ مقدار خطای نمونه‌گیری

$p = 0,5$ برآورد نسبت افراد که ویژگی مورد نظر را دارای می‌باشند.

$q = 0,5$ برآورد نسبت افراد که ویژگی مورد نظر را دارای نمی‌باشند.

$$= \frac{3493(1.96)^2(0.5)(0.5)}{3493(0.5)^2 + (1.96)^2(0.5)(0.5)}$$

$$= \frac{3354}{8.7325 + 0.9604} = \frac{3354}{9.6929} \approx 346.02$$

۴. روش جمع‌آوری اطلاعات

در تحقیق کنونی برای گردآوری اطلاعات در زمینه ادبیات و مبانی نظری و مطالعه یافته‌های علمی موجود در رابطه با موضوع تحقیق از منابع کتابخانه‌ای چون کتب، پایان نامه‌های تحصیلی و مقالات استفاده گردیده است و به منظور جمع‌آوری داده‌ها از جامعه آماری و اثبات فرضیه‌های تحقیق از پرسشنامه استفاده شده است. پرسش‌نامه مورد استفاده شامل دو بخش است. بخش اول شامل سوالات جمعیت‌شناختی بوده و بخش دوم آن سوالات مربوط به سنجش اثربخشی سازمانی برگرفته شده از پرسشنامه استاندارد را شامل می‌شود. روایی پرسش‌نامه از سوی کارشناسان تأیید، و هم‌چنان پایایی آن با استفاده از روش آلفای کرانباخ ($\alpha = 0.93$) محاسبه گردید. میزان آلفای کرانباخ متغیرهای تحقیق در جدول شماره (۱) آورده شده است.

جدول شماره (۱): میزان ضرایب آلفای کرانباخ متغیرهای تحقیق

مؤلفه / متغیر	نوع متغیر	تعداد سوالات	میزان آلفای کرانباخ
نوآوری	مستقل	۵	۰.۸۳
تعهدسازمانی (کسب هدف)	مستقل	۵	۰.۶۶
رضایت صغلی (یگانگی)	مستقل	۵	۰.۸۷
سلامت سازمانی (حفظ الگو)	مستقل	۴	۰.۸۱

۵. روش تجزیه و تحلیل

از آنجای که تحقیق حاضر یک پژوهش کمی بوده و در پژوهش‌های از این نوع، برای تجزیه و تحلیل داده‌های آن از روش‌های آماری تجزیه و تحلیل داده‌ها که با توجه به هدف محقق متفاوت اند، استفاده می‌شود. (حافظ‌نیا، ۱۳۹۵) بعد از بررسی یافته‌های اسنادی، داده‌ها با استفاده از قابلیت‌های نرم افزار بسته آماری برای علوم اجتماعی (SPSS) و Excel در دو بخش آمار توصیفی شامل؛ جداول توزیع فراوانی مطلق، میانگین جهت بررسی و مقایسه داده‌ها در بین جمعیت نمونه، و توصیف شاخص‌های تحقیق، و آمار استنباطی شامل بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها از طریق آزمون کولموگروف اسمیرونوف، پاسخ به سوال‌های تحقیق از طریق آزمون همبستگی پیرسون، و مقایسه میانگین‌ها از طریق آزمون تحلیل واریانس یک طرفه در سطح معناداری ۹۵ درصد ارائه شده است.

یافته‌های تحقیق

۴-۱. بررسی یافته‌های تحقیق

۴-۱-۱. توصیف جامعه آماری

جدول شماره (۲) اطلاعات جمعیت شناختی تحقیق را نشان می‌دهد؛ طوری که در جدول مذکور مشاهده می‌گردد کل جمعیت نمونه در این تحقیق ۳۴۶ نفر می‌باشد که به لحاظ جنسیت تعداد ۱۵۹ نفر معادل ۴۶.۰ درصد مرد و تعداد ۱۷۸ نفر معادل ۵۴.۰ درصد که بیشترین تعداد پاسخ دهندگان را به خود اختصاص داده اند، زن بوده می‌باشد. همچنان به لحاظ درجه تحصیلی، ۵۴ نفر معادل ۱۶.۰ درصد چهارده پاس، ۲۵۸ نفر معادل ۷۶.۶ درصد لیسانس، ۱۳ نفر معادل ۳.۹ درصد ماستر بوده است و تعداد ۹ نفر دیگر درجه تحصیلی خویش را مشخص نکرده اند. پاسخ دهندگان دارای درجه تحصیلی لیسانس بیشترین رقم پاسخ دهندگان در این تحقیق بوده اند. مدت خدمت

معلمان در این تحقیق در سه دسته تعریف شده است که بخش اول شامل معلمانی می‌شود که کمتر از ۲ سال پیشینه خدمت در آن مکتب را داشته‌اند و تعداد پاسخ دهندگان شامل این کتگوری در تحقیق کنونی ۱۲۰ نفر معادل ۳۶.۴ درصد بوده است. معلمان دارای بین ۳ تا سال سابقه خدمت، در کتگوری دوم بوده و تعدادشان ۸۲ نفر بوده است. همچنین تعداد ۴۸ نفر معادل ۱۴.۵ درصد پاسخ دهندگان، مدت خدمت خویش را بین ۶ تا ۱۰ سال بیان نموده‌اند و تعداد معلمان شامل کتگوری چهارم یعنی بیشتر از ۱۱ سال در این تحقیق ۸۰ نفر بوده است. از کل جمعیت نمونه تحقیق، تعداد ۱۶ نفر، مدت خدمت خود را مشخص نکرده‌اند. با ملاحظه جدول می‌توان بیان داشت که بیشترین تعداد پاسخ دهندگان به لحاظ مدت خدمت، افراد شامل دسته اول یعنی کمتر از ۲ سال بوده است. رقم فوق مبین این است که معلمان در مکاتب به خصوص مکاتب خصوصی ثبات شغلی کمتری داشته‌اند. همچنین اطلاعات شامل جدول مذکور بیانگر آن است که از کل ۳۴۶ نفر جمعیت تحقیق، تعداد ۱۸۶ نفر در مکاتب دولتی و ۱۶۰ نفر در مکاتب خصوصی مشغول خدمت بوده‌اند.

جدول شماره (۲): احصائیه‌ای توصیفی جمعیت نمونه تحقیق

متغیر	شاخص‌ها	تعداد	درصدی	درصدی اعتباری	مُد
جنسیت	مرد	۱۵۹	۴۶.۰	۴۶.۰	۲
	زن	۱۷۸	۵۴.۰	۵۴.۰	
	بکلوریا	۱۲	۳.۵	۳.۶	
	چهارده پاس	۵۴	۱۵.۶	۱۶.۰	
درجه تحصیل	لیسانس	۲۵۸	۷۴.۶	۷۶.۶	۳
	ماستر	۱۳	۳.۸	۳.۹	
	دکتر	۰	۰.۰	۵۴.۰	
	بی جواب	۹	۲.۶	۲.۶	
مدت خدمت	کمتر از ۲ سال	۱۲۰	۳۴.۷	۳۶.۴	۱
	بین ۳ تا ۵ سال	۸۲	۲۳.۷	۲۴.۸	

بین ۶ تا ۱۰ سال	۴۸	۱۳۹	۱۴۰۵	
بیشتر از ۱۱ سال	۸۰	۲۳۱	۲۴۰۲	
بی جواب	۱۶	۴۶	۴۶	
دولتی	۱۸۶	۵۳۸	۵۳۸	۱
خصوصی	۱۶۰	۴۶۰	۴۶۰	۴۶۰۲
نوعیت مکتب				

تراکم جمعیت تحقیق براساس جنسیت و درجه تحصیل در جدول شماره (۳) گزارش شده است. اطلاعات جدول مذکور حاکی از آن است که از کل جمعیت نمونه تحقیق، تعداد ۱۲ نفر دارای درجه تحصیلی بکلوریا مشمول ۴ نفر مرد و ۸ نفر زن بوده است. ۵۴ نفر دارای درجه تحصیلی چهارده پاس بوده که از این تعداد ۲۴ نفر به لحاظ جنسیت مرد و ۳۰ نفر دیگر زن بوده اند. تعداد پاسخ‌گویان دارای درجه تحصیلی لیسانس مجموعاً ۲۵۸ نفر بوده است که از این جمع ۱۱۸ نفر مرد و ۱۴۰ نفر دیگر زن بودند. تعداد ۱۳ نفر مشمول ۹ مرد و ۴ زن درجه تحصیلی خویش را ماستر تعریف نموده اند. به این ترتیب بیشترین تعداد پاسخ‌دهندگان در این تحقیق به لحاظ جنسیت متعلق به قشر اناث و دارای درجه تحصیلی لیسانس می‌باشد.

جدول شماره (۳): تراکم جمعیت آمار براساس جنسیت و درجه تحصیل

تحصیلات										متغیرها	
بکلوریا		چهارده پاس		لیسانس		ماستر		داکتر			
مرد	زنان	مرد	زنان	مرد	زنان	مرد	زنان	مرد	زنان		
۴	۲۰۶	۲۴	۱۵۰۵	۱۱۸	۷۶۰۱	۹	۵۰۸	۰	۰۰	م	جنسیت
۸	۴۰۴	۳۰	۱۶۰۵	۱۴۰	۷۶۰۹	۴	۲۰۲	۰	۰۰	ع	
۱۲	۳۰۶	۵۴	۱۶۰۰	۲۵۸	۷۶۰۶	۱۳	۳۰۹	۰	۰۰	کل	

جدول شماره (۴) تراکم جمعیت نمونه تحقیق را به براساس مدت خدمت و نوعیت مکتب نشان می‌دهد. طوری که در جدول ملاحظه می‌گردد از مجموع ۳۴۶ نفر معلمان پاسخ دهنده به پرسش‌های این تحقیق دارای پیشینه خدمت کمتر از ۲ سال بوده اند که از این رقم، تعداد ۱۳ نفر در مکاتب دولتی و تعداد ۱۰۷ نفر که بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده اند در مکاتب خصوصی شاغل می‌باشند. همچنان تعداد ۴۳ نفر معادل ۲۴.۴ درصد در کتگوری دوم سابقه خدمت؛ یعنی بین ۳ تا ۵ سال در مکاتب دولتی و ۳۹ نفر معادل ۲۵.۳ درصد افراد شامل کتگوری مذکور در مکاتب خصوصی ایفای وظیفه می‌نمایند. همچنان تعداد ۴۸ نفر بین ۶ تا ۱۰ سال سابقه خدمت داشته اند که از این جمع، تعداد ۴۲ نفر در مکاتب دولتی و ۶ نفر در مکاتب خصوصی مشغول بوده اند. همین گونه تعداد ۸۰ نفر از پاسخ دهندگان به پرسش‌های تحقیق دارای بیشتر از ۱۱ سال سابقه خدمت در معارف بوده اند که از این تعداد، ۷۸ نفر در مکاتب دولتی و ۲ نفر در مکاتب خصوصی بوده است. اطلاعات بیانگر آن است که بیشترین تعداد پاسخ دهندگان به پرسشنامه این تحقیق افراد دارای سابقه خدمت کمتر از ۲ سال می‌باشند که عمدتاً در مکاتب خصوصی ایفای وظیفه می‌نمایند.

جدول شماره (۴): تراکم جمعیت آمار براساس جنسیت و درجه تحصیل

مدت خدمت								متغیر ها	
بیشتر از ۱۱ سال		بین ۶ تا ۱۰ سال		بین ۳ تا ۵ سال		کمتر از ۲ سال			
م.ع.	م.د.	م.ع.	م.د.	م.ع.	م.د.	م.ع.	م.د.		
۴۴.۳	۷۸	۲۳.۹	۴۲	۲۴.۴	۴۳	۷.۴	۱۳	دولتی	نوعیت
۱.۳	۲	۳.۹	۶	۲۵.۳	۳۹	۶۹.۵	۱۰۷	خصوصی	مکتب
۲۴.۲	۸۰	۱۴.۵	۴۸	۲۴.۸	۸۲	۳۶.۴	۱۲۰	کل	

۲-۱-۴. توصیف مؤلفه‌ها و شاخص‌های تحقیق

جدول شماره (۵) نتیجه آمار توصیفی ابعاد و مؤلفه‌های متغیر اثربخشی سازمانی را نشان می‌دهد. براساس جدول مذکور می‌توان بیان کرد که کل جمعیت نمونه تحقیق یعنی ۳۴۶ نفر به پرسش‌های مربوط به مؤلفه نوآوری اثربخشی سازمانی پاسخ داده‌اند که کم‌ترین میزان این مؤلفه ۱.۲۰ و بیش‌ترین مقدار آن ۵.۰۰ بوده است. آمار میانگین نشان دهنده آن است که متوسط وجود نوآوری در مکاتب نزد نمونه مورد بررسی، ۳.۶۰ بوده است. انحراف معیار بیانگر آن است که متوسط پراکندگی وجود نوآوری در مکاتب از دید نمونه مورد بررسی از میانگین ۰.۸۸ بوده است. ضریب چوگی به‌دست آمده منفی و ۰.۳۳-، و همچنین ضریب کشیدگی مؤلفه نوآوری در سازمان منفی و ۰.۵۷- می‌باشد.

نتایج مربوط به شاخص تعهدسازمانی حاکی از آن است که تعداد ۳۴۵ نفر به پرسش‌های مربوط به این مؤلفه پاسخ داده‌اند که کم‌ترین میزان این مؤلفه ۱.۲۰ و بیش‌ترین مقدار آن ۵.۰۰ بوده است. آماره میانگین نشان دهنده آن است که متوسط وجود تعهدسازمانی نزد نمونه مورد بررسی، ۳.۰۰ با انحراف معیاری ۰.۸۴ بوده است. ضریب چولگی به‌دست آمده مثبت و ۰.۰۴ و ضریب کشیدگی آن نیز منفی و ۰.۸۴- می‌باشد.

همچنان، نتایج مربوط به شاخص رضایت شغلی نشان می‌دهد که تعداد ۳۴۵ نفر از کل ۳۴۶ نفر نمونه مورد بررسی به پرسش‌های مربوط این مؤلفه پاسخ داده‌اند. کم‌ترین میزان این مؤلفه ۱.۲۰ و بیش‌ترین مقدار آن ۵.۰۰ بوده است. آماره میانگین نشان دهنده آن است که متوسط رضایت شغلی نزد نمونه مورد بررسی، ۳.۵۰ بوده است. انحراف معیار بیانگر آن است که متوسط پراکندگی ادراک رضایت شغلی در نزد نمونه مورد بررسی از میانگین ۱.۰۶ بوده است. ضریب چولگی به‌دست آمده منفی و ۰.۱۹- بوده و همچنین ضریب کشیدگی این مؤلفه منفی و ۱.۲۴- می‌باشد.

نتایج مربوط به شاخص سلامت سازمانی حاکی از آن است که تعداد ۳۴۵ نفر به پرسش‌های مربوط به این مؤلفه پاسخ داده‌اند که کم‌ترین میزان این مؤلفه ۱.۵۰ و بیش‌ترین مقدار آن ۵.۰۰ بوده است. آماره میانگین نشان دهنده آن است که متوسط سلامت سازمانی و سالم بودن مکاتب از نظر نمونه مورد بررسی، ۳.۵۰ با انحراف معیاری ۱.۰۰ بوده است. ضریب چولگی به‌دست آمده منفی و ۰.۰۵ - و ضریب کشیدگی آن نیز منفی و ۱.۲۴ - می‌باشد.

آمارهای فوق نشان می‌دهد که نوآوری در سازمان با اوسط ۳.۶۰ در بالاترین رده از دید نمونه مورد بررسی بوده و مؤلفه‌های رضایت شغلی و سلامت سازمانی با اوسط یکسان ۳.۵۰ در رده‌های بعدی و همین‌گونه تعهدسازمانی با کم‌ترین میانگین ۳.۰۰ در آخرین رده قرار داشته‌اند.

جدول شماره (۵): آمار توصیفی ابعاد متغیر اثربخشی سازمانی

متغیرها آمارها	نوآوری	تعهدسازمانی	رضایت شغلی	سلامت سازمانی	نمره کل اثربخشی سازمانی
جمعیت نمونه	۳۴۶	۳۴۶	۳۴۶	۳۴۶	۳۴۶
معتبر	۳۴۶	۳۴۵	۳۴۵	۳۴۵	۰
خطا	۰	۱	۱	۱	۰
میانگین	۳.۶۰	۳.۰۰	۳.۵۰	۳.۵۰	۱۳.۳۵
انحراف معیاری	۰.۸۸	۰.۸۴	۱.۰۶	۱.۰۰	۳.۴۰
واریانس	۰.۷۸	۰.۷۱	۱.۱۳	۱.۰۰	۱۱.۵۷
چولگی	-۰.۳۳	۰.۰۴	-۰.۱۹	-۰.۰۵	-۰.۱۰
کشیدگی	-۰.۵۷	-۰.۸۴	-۱.۲۴	-۱.۲۴	-۱.۱۵
حداقل	۱.۲۰	۱.۲۰	۱.۲۰	۱.۵۰	۲.۸۰
حداکثر	۵.۰۰	۵.۰۰	۵.۰۰	۵.۰۰	۱۹.۴۰

۲-۴. تجزیه و تحلیل استنباطی داده‌ها

۲-۴-۱. بررسی نرمال بودن داده‌ها

جهت مقایسه داده‌ها و اطمینان از نرمال بودن داده از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف استفاده شده است که در این آزمون هرگاه $\text{sig} > 0,05$ باشد، حاکی از نرمال بودن داده‌ها و می‌توان از آزمون‌های پارامتریک استفاده نمود. اطلاعات جدول شماره (۶) و نمودار شماره (۱) حاکی از نرمال بودن داده‌ها در این تحقیق می‌باشد.

جدول شماره (۶): نتایج آزمون بررسی نرمال بودن داده‌ها

متغیر	میانگین	انحراف معیاری	سطح معنی داری
اثربخشی سازمانی	۱۳.۰۸	۳.۴۰	۰.۰۰۰۱

۲-۴-۲. بررسی سوالات تحقیق

جهت پاسخ به پرسش‌های تحقیق و فهم و تبیین چگونگی رابطه مؤلفه‌ها از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و آزمون‌های T استفاده شد که در ذیل نتایج آن تجزیه و تحلیل گردیده است.

سوال اصلی: میزان اثربخشی سازمانی مکاتب دولتی و خصوصی حوزه پنجم تعلیمی شهر کابل طی سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۴ چقدر بوده است؟

بر اساس جدول شماره (۷) می‌توان بیان کرد که میانگین اثربخشی سازمانی مکاتب دولتی و خصوصی حوزه پنجم تعلیمی شهر کابل، ۱۳.۰۸ با انحراف معیاری ۳.۴۰ از حد معیار مطلوب پایین‌تر به دست آمده است که این تفاوت با مقدار t به دست آمده در درجه آزادی ۳۴۵ با سطح معناداری $0,0001$ معنی دار به دست آمده است. بنابراین، می‌توان گفت که سطح اثربخشی مکاتب دولتی و خصوصی حوزه پنجم تعلیمی شهر کابل طی سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۴ پایین بوده است.

جدول شماره (۷): وضعیت اثربخشی سازمانی مکاتب حوزه پنجم تعلیمی شهر کابل

متغیر	میانگین	انحراف معیاری	حد معیار مطلوب (Q1)	مقدار T	درجه آزادی	سطح معنی داری
اثر بخشی سازمانی	۱۳.۰۸	۳.۴۰	۹.۹۰	- ۶۵.۱۶	۳۴۵	۰.۰۰۰۱

سوال اول: کدام یک از ابعاد چهارگانه (نوآوری، تعهدسازمانی، رضایت شغلی و حفظ الگوها) بیشترین تأثیر را بر اثر بخشی سازمانی مکاتب دارند؟

بر اساس جدول شماره (۸) می‌توان بیان کرد که همه مؤلفه‌های تحقیق وارد معادله شده و هیچ یک از مؤلفه‌ها از معادله حذف نگردیده است. روش ورود مؤلفه‌ها، قدم به قدم بوده است که براین اساس، مؤلفه سلامت سازمانی در قدم نخست و مؤلفه‌های نوآوری، رضایت شغلی و تعهدسازمانی به ترتیب در گام‌های بعدی وارد معادله رگرسیون شده‌اند.

جدول شماره (۸) مؤلفه‌های وارد و حذف شده در معادله رگرسیون

مدل	مؤلفه‌های وارد شده	مؤلفه‌های حذف شده	روش ورود
۱	سلامت سازمانی	.	Stepwise (Criteria: Probability-of-F-to-enter <= .050, Probability-of-F-to-remove >= .100)
۲	نوآوری	.	Stepwise (Criteria: Probability-of-F-to-enter <= .050, Probability-of-F-to-remove >= .100)
۳	رضایت شغلی	.	Stepwise (Criteria: Probability-of-F-to-enter <= .050, Probability-of-F-to-remove >= .100)
۴	تعهدسازمانی	.	Stepwise (Criteria: Probability-of-F-to-enter <= .050, Probability-of-F-to-remove >= .100)
a. متغیر وابسته: اثر بخشی سازمانی			

بر اساس جدول شماره (۹) می‌توان بیان کرد که میزان بتا مؤلفه‌های نوآوری، تعهدسازمانی، رضایت شغلی و سلامت سازمانی به ترتیب (۰.۲۶۳)، (۰.۲۵۲)، (۰.۳۱۷) و (۰.۲۹۹) به دست آمده است که با مقدار T به دست آمده در درجه آزادی

(۲۲۵۹.۵۹) و سطح معنی‌داری (۰.۰۰۰۱) حاکی از آن است که مؤلفه رضایت شغلی با داشتن بیشترین مقدار بتا بیشترین تأثیر را بر اثربخشی سازمانی مکاتب دولتی و خصوصی حوزه پنجم تعلیمی شهر کابل طی سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۴ داشته است.

جدول شماره (۹) نتیجه آزمون رگرسیون خطی

Sig	F	R ²	T	B	مؤلفه‌ها
۰/۰۰۰۱	۲۲۵۹.۵۹	۰.۹۳	۱۹.۴۲	۰.۲۶۳	نوآوری
		۱.۰۰	۲۰.۴۰	۰.۲۵۲	تعهدسازمانی
		۰.۹۷	۱۴.۹۰	۰.۳۱۷	رضایت شغلی
		۰.۸۶	۴۷.۵۳	۰.۲۹۹	سلامت سازمانی

سوال دوم: رابطه بین اثربخشی سازمانی و مؤلفه‌های آن در مکاتب چگونه است؟

براساس جداول شماره (۱۰) و (۱۱)، می‌توان بیان نمود که با توجه به این که سطح معنی‌داری هر یک از مؤلفه‌های نوآوری، تعهدسازمانی، رضایت شغلی و سلامت سازمانی ($\text{Sig}=0.0001$) کوچک‌تر از سطح خطا (۰/۰۵) است؛ ($P=0.0001$)؛ $\text{Value/Sig} < \alpha$ ؛ سطح معنی‌دار بوده و ضرایب همبستگی مؤلفه‌های یاد شده به ترتیب (۰.۸۱۸، ۰.۸۶۵، ۰.۹۰۷، $R=0.932$) محاسبه شده است. رابطه مؤلفه‌ها با متغیر اثربخشی سازمانی مثبت و در سطح بالا قرار گرفته است؛ ولی میزان و شدت این رابطه‌ها متفاوت بدست آمده است. طوری که مؤلفه سلامت سازمانی با داشتن ضریب همبستگی در حد ($R=0.932$) بیش‌ترین رابطه را با متغیر اثربخشی سازمانی مکاتب دولتی و خصوصی ناحیه پنجم تعلیمی شهر کابل از سال ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۴ داشته است. مؤلفه رضایت شغلی با در نظر داشت ضریب همبستگی ($R=0.907$) در رده دوم و مؤلفه‌های تعهدسازمانی و نوآوری با مقادیر ضریب همبستگی ($R=0.865$) و ($R=0.818$) در رده‌های بعدی قرار گرفته اند.

جدول شماره (۱۰): نتایج آماره‌های توصیفی متغیر اثربخشی سازمانی و مؤلفه‌های آن

مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف معیاری	سطح معنی‌داری
نوآوری	۳.۴۶	۰.۸۸	۰.۰۰۰۱
تعهدسازمانی	۲/۸۰	۰/۸۴	۰.۰۰۰۱
رضایت شغلی	۳/۴۲	۱/۰۶	۰.۰۰۰۱
سلامت سازمانی	۳/۴۱	۱/۰۰	۰.۰۰۰۱
اثربخشی سازمانی	۱۳.۰۸	۳/۴۰	۰.۰۰۰۱

جدول شماره (۱۱): نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین اثربخشی سازمانی و مؤلفه‌های آن

مؤلفه‌ها	نوآوری	تعهدسازمانی	رضایت شغلی	سلامت سازمانی	اثربخشی سازمانی
نوآوری	۱	۰.۶۴۱**	۰.۶۲۱**	۰.۶۷۵**	۰.۸۱۸**
تعهدسازمانی	۰.۶۴۱**	۱	۰.۶۹۷**	۰.۷۵۱**	۰.۸۶۵**
رضایت شغلی	۰.۶۲۱**	۰.۶۹۷**	۱	۰.۸۴۱**	۰.۹۰۷**
سلامت سازمانی	۰.۶۷۵**	۰.۷۵۱**	۰.۸۴۱**	۱	۰.۹۳۲**
اثربخشی سازمانی	۰.۸۱۸**	۰.۸۶۵**	۰.۹۰۷**	۰.۹۳۲**	۱

** همبستگی در سطح ۰/۰۱ (دو طرفه) معنی‌دار است.

سوال سوم: میزان اثربخشی سازمانی مکاتب دولتی بیشتر است یا خصوصی؟
 براساس جدول شماره (۱۲) می‌توان بیان کرد که با وجود آنکه میانگین اثربخشی سازمانی مکاتب دولتی ۱۳.۰۳ با انحراف معیاری ۳.۴۴ و میانگین اثربخشی سازمانی مکاتب خصوصی ۱۳.۱۲ با انحراف معیاری ۳.۳۶ متفاوت از هم به دست آمده است که این تفاوت با مقدار تی به دست آمده در درجه آزادی ۰.۱۷۳ و در سطح معنی‌داری ۰.۰۶ معنی‌دار به دست نیامده است؛ به این معنی که هر دو مکاتب دولتی و خصوصی

حوزه پنجم تعلیمی طی سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۴ اثربخشی سازمانی یکسانی داشته اند و هیچ کدام اثربخش‌تر از دیگری نبوده است.

جدول شماره (۱۲) مقایسه اثربخشی سازمانی میان مکاتب دولتی و خصوصی

متغیر	نوعیت مکتب	تعداد	میانگین	انحراف معیاری	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی داری
اثربخشی سازمانی	دولتی	۱۸۶	۱۳.۰۳	۳.۴۴	۰.۲۵	۰.۱۷۳	۰.۰۶
	خصوصی	۱۶۰	۱۳.۱۲	۳.۳۶	-		

سوال چهارم: کدام یک از مکاتب دولتی و خصوصی بیشترین اثربخشی سازمانی را دارند؟

بر اساس جدول شماره (۱۳) می‌توان بیان کرد که از مجموع ۲۳ مکتب دولتی و خصوصی شامل این پژوهش، لیسه خصوصی قطرات نور با داشتن میانگین (۱۶.۰۱) بیشترین میزان اثربخشی را در بین کل مکاتب داشته و لیسه نسوان پروفیسور محمد رسول امین با داشتن (۹.۴۲) میانگین کمترین اثربخشی را در میان مکاتب شامل این تحقیق طی سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۴ داشته است. با توجه به این اینکه مقدار سطح معنی‌داری مندرج در جدول شماره (۱۳) کوچک‌تر از حد معیار (۰.۰۰۵) می‌باشد، این تفاوت معنی‌دار به دست آمده است. به این معنی که لیسه خصوصی قطرات نور دارای بیشترین اثربخشی سازمانی که در صدر جدول فراوانی در بین مکاتب دولتی و خصوصی حوزه پنجم تعلیمی شهر کابل طی سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۴ قرار گرفته است.

جدول شماره (۱۳): توصیف مقایسه میانگین بهره‌وری نیروی انسانی با درجه تحصیلی

نام مکتب	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد	درجه اطمینان با ۹۵%		حداقل	حداکثر
				پایینی	بالایی		
لیسه خصوصی قطرات نور	۱۶.۰۱	۲.۶۱	۰.۵۶	۱۴.۸۲	۱۷.۲۰	۸.۸۰	۱۹.۴۰

لیسه خصوصی ایثار	۱۲.۴۵	۴.۰۴	۰.۹۰	۱۰.۵۵	۱۴.۳۴	۶.۸۰	۱۸.۸۰
لیسه خصوصی نوی دیوه	۱۲.۹۳	۲.۱۴	۰.۴۹	۱۱.۷۸	۱۳.۸۵	۹.۶۰	۱۵.۷۵
لیسه خصوصی شمس لندن	۱۴.۶۲	۲.۴۶	۰.۶۳	۱۳.۲۵	۱۵.۹۸	۹.۶۰	۱۷.۷۵
لیسه خصوصی نوی باخترا نمبر ۱	۱۱.۱۸	۳.۰۹	۱.۰۳	۸.۸۱	۱۳.۵۶	۷.۱۵	۱۷.۹۵
لیسه خصوصی احمد شاه ابدالی نمبر ۱	۱۱.۵۴	۳.۰۴	۰.۷۳	۹.۹۸	۱۳.۱۱	۷.۶۰	۱۷.۲۰
لیسه خصوصی محمد حنیف صدیقی	۱۳.۶۶	۳.۹۰	۱.۰۰	۱۱.۵۰	۱۵.۸۲	۷.۹۰	۱۹.۰۰
افغان خصوصی ښونځی	۱۴.۴۲	۳.۴۳	۱.۰۳	۱۲.۱۱	۱۶.۷۲	۷.۹۰	۱۷.۵۰
لیسه خصوصی کائنات	۱۰.۸۱	۲.۲۵	۱.۱۲	۷.۲۱	۱۴.۴۰	۷.۹۰	۱۳.۳۰
لیسه خصوصی ام الکتاب	۹.۴۳	۰.۷۷	۰.۳۸	۸.۲۱	۱۰.۶۶	۸.۴۰	۱۰.۲۵
لیسه خصوصی کائنات علم	۱۳.۵۳	۲.۰۱	۱.۰۰	۱۰.۳۳	۱۶.۷۴	۱۱.۰۵	۱۵.۶۰
لیسه خصوصی فضای نوین	۱۲.۵۸	۳.۹۰	۱.۳۸	۹.۳۱	۱۵.۸۴	۸.۵۰	۱۷.۵۰
لیسه خصوصی جابر بن حیان	۱۱.۸۰	۲.۲۰	۰.۷۳	۱۰.۱۰	۱۳.۵۰	۹.۳۰	۱۴.۹۵
لیسه خصوصی الهام دانش	۱۴.۳۸	۳.۹۸	۱.۹۹	۸.۰۴	۲۰.۷۲	۸.۵۵	۱۷.۵۵

لیسه نسوان محمد رسول امین	۹.۴۲	۰.۶۳	۰.۲۲	۸.۸۹	۹.۹۵	۸.۶۰	۱۰.۴۵
لیسه اسماعیل حسن زی	۱۱.۸۲	۳.۸۵	۰.۹۳	۹.۸۴	۱۳.۸۰	۶.۹۰	۱۷.۰۵
لیسه ابوذر غفاری	۱۲.۹۹	۴.۲۰	۱.۰۱	۱۰.۸۳	۱۵.۱۵	۲.۸۰	۱۷.۸۵
لیسه نسوان درخانی	۱۲.۷۱	۴.۱۴	۰.۹۵	۱۰.۷۲	۱۴.۷۱	۷.۲۰	۱۸.۱۰
لیسه ناهید شهید	۱۴.۹۷	۳.۲۳	۰.۷۰	۱۳.۵۰	۱۶.۴۵	۸.۹۵	۱۹.۲۵
لیسه غلام محمد غبار	۱۰.۹۹	۳.۲۱	۰.۸۲	۹.۲۱	۱۲.۷۷	۶.۵۰	۱۶.۸۵
لیسه نسوان وحدت	۱۵.۱۹	۳.۲۳	۰.۶۱	۱۳.۹۳	۱۶.۴۴	۸.۷۰	۱۸.۶۰
لیسه حضرت شمس المشایخ	۱۲.۲۰	۲.۳۸	۰.۴۳	۱۱.۳۱	۱۳.۰۹	۸.۴۰	۱۷.۷۰
لیسه نسوان سپین کلی	۱۳.۱۴	۱.۹۹	۰.۳۵	۱۲.۴۰	۱۳.۸۷	۹.۷۰	۱۸.۰۰
	۱۳.۰۸	۳.۴۰	۰.۱۸	۱۲.۷۲	۱۳.۴۴	۲.۸۰	۱۹.۴۰

بر اساس جدول شماره (۱۴) می‌توان بیان کرد که مجموعه مربعات کل اثربخشی سازمانی مکاتب دولتی و خصوصی حوزه پنجم تعلیمی شهر کابل ۳۹۹۴.۰۰۷ به دست آمده است که میانگین مربعات آن در درون گروهی ۸۴۵.۶۱۰ و در بیرون گروهی ۳۱۴۸.۳۹۷ محاسبه شده است که این مقادارها با درجه آزادی ۲۲ و ۳۲۳ و با مقدار F به دست آمده در سطح معنی‌داری ۰.۰۰۰۱ معنی‌دار به دست آمده است. بنأ نتیجه قابل تعمیم به جامعه آماری است.

جدول شماره (۱۴): نتایج آزمون مقایسه میانگین اثربخشی سازمانی در بین مکاتب جامعه آماری

مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	مقدار F	سطح معنی داری	درون گروهی
۸۴۵.۶۱۰	۲۲	۳۸.۴۳۷	۳.۹۴	۰.۰۰۰۱	بیرون گروهی
۳۱۴۸.۳۹۷	۳۲۳	۹.۷۴۷			مجموعه
۳۹۹۴.۰۰۷	۳۴۵				

بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۱-۵. بحث و نتیجه‌گیری

سازمان‌های آموزشی که از مهم‌ترین، مؤثرترین و گسترده‌ترین سازمان‌ها در هر جامعه‌ای می‌باشند، همانند سازمان‌های دیگر سعی اساسی برای تحقق اهداف سازمانی خود دارند و تلاش دارند تا با استفاده مؤثر و درست از منابع، بیشترین بازدهی را داشته باشند. با این وجود، همه‌ای سازمان‌های آموزشی بنابر دلایلی در تحقق اهداف سازمانی و تأمین نیاز اجتماعی موفق نبوده و از قافله رقابت بازمانده اند. به دلیل اینکه سازمان‌های آموزشی، حامل و سازوکار انتقال باورها، ارزش‌ها، رفتارها، گرایش‌ها، دانش‌ها و مهارت‌های هر جامعه‌ای در جهت بقا و استمرار آن می‌باشد، و حساسیت و اهمیت کیفیت آموزش و پرورش و تأثیر آن بر سرنوشت آینده فراگیران؛ همواره یکی از دغدغه‌های مهم خانواده‌ها بوده است که از دیر زمانی مورد توجه بوده است. با در نظر داشت آنچه تاکنون گفته شد، فهم و تبیین میزان اثربخشی سازمانی و این‌که چه عواملی در افزایش یا کاهش اثربخشی سازمانی سازمان‌های آموزشی مؤثر اند، محسوس است. بنا بر همین ضرورت، تحقیق حاضر با عنوان سنجش اثربخشی سازمانی مکاتب دولتی و خصوصی حوزه پنجم تعلیمی شهر کابل از سال ۲۰۲۰ الی ۲۰۲۴ با استفاده از مدل کارکردهای چهارگانه تالکوت پارسونز انجام شد. داده‌های لازم بعد از گردآوری، تجزیه و تحلیل و مشخص شد که شاخص نوآوری در سازمان با اوسط ۳.۶۰ در بالاترین رده از دید نمونه مورد بررسی بوده، مؤلفه‌های رضایت شغلی و سلامت سازمانی با اوسط یکسان ۳.۵۰ در رده‌های بعدی و همین گونه تعهد سازمانی با کم‌ترین میانگین ۳.۰۰ در آخرین رده قرار داشته اند.

نتایج آزمون T مستقل نشان داد میزان اثربخشی سازمانی مکاتب دولتی و خصوصی حوزه پنجم تعلیمی شهر کابل طی سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۴ از معیار مطلوب

(۹,۹۰ > Q) پایین‌تر بدست آمده است که این نتیجه با توجه مقدار سطح معنی داری ۳۵

($Sig = 0,001$)، معنی‌دار بوده است. به بیان دیگر، میزان اثربخشی مکاتب حوزه پنجم تعلیمی شهر کابل اعم از دولتی و خصوصی طی سال‌های مذکور پایین بوده است. این نتیجه با یافته‌ای تحقیق زکی و همکاران (۱۳۸۵) که حاکی از بالا بودن میزان هر یک از مؤلفه‌های چهارگانه و کل اثربخشی سازمانی دارد، همخوانی ندارد. به نظر می‌رسد که بی‌ثباتی شغل معلمان و تغییر و تبدیل سریع کارکنان در مکاتب خصوصی و نیز مشارکت پایین کارکنان در سازمان‌های دولتی و در نتیجه عدم رضایت شغلی و احساس تعلق پایین کارکنان نسبت به سازمان، از علل احتمالی باشد که پاسخ‌گویان پرسشنامه‌های این تحقیق در پاسخ‌های شان مشخص نموده اند.

نتایج آزمون رگرسیون خطی نشان داد که شاخص رضایت شغلی با داشتن بیشترین مقدار بتا (۰.۳۱۷)، بیشترین تأثیر را بر اثربخشی سازمانی مکاتب مورد بررسی داشته است. این یافته تحقیق کنونی با نتایج تحقیقات پیشین از جمله تحقیق زکی و همکاران (۱۳۸۵) همخوانی و همسویی دارد.

نتایج آزمون همبستگی در خصوص ترتیب رابطه متغیر اثربخشی سازمانی با مؤلفه‌ها و ابعاد آن نشان داد که ابعاد چهارگانه نوآوری، تعهدسازمانی، رضایت شغلی و سلامت سازمانی رابطه مثبت و بالایی با متغیر اثربخشی سازمانی داشته اند؛ ولی شدت این رابطه متفاوت به دست آمد. طوری‌که مؤلفه سلامت سازمانی با داشتن ضریب همبستگی در حد ($R=0.932$) بیش‌ترین رابطه را با متغیر اثربخشی سازمانی داشته است. مؤلفه رضایت شغلی با در نظر داشت ضریب همبستگی ($R=0.907$) در رده دوم و مؤلفه‌های تعهدسازمانی و نوآوری با مقادیر ضریب همبستگی ($R=0.865$) و ($R=0.818$) در رده‌های بعدی قرار گرفته اند. چنین نتیجه با تفاوت مؤلفه و مقدار ضریب همبستگی، در تحقیقات دیگری منجمله تحقیق حسنی و سامری (۱۳۸۹)، زکی و همکاران (۱۳۸۵)، شریعتمداری (۱۳۸۸) نیز حاصل گردیده است.

نتایج حاصل از آزمون واریانس یک طرفه بین اثربخشی سازمانی بر حسب نوعیت مکاتب تفاوت را نشان نداد. براساس این آزمون، با آن که متوسط اثربخشی سازمانی مکاتب دولتی ۱۳.۰۳ و میانگین اثربخشی سازمانی مکاتب خصوصی ۱۳.۱۲ متفاوت از هم به دست آمده است، این تفاوت در سطح معنی داری ۰.۰۶ معنی دار به دست نه آمده است. به این معنی که هم مکاتب دولتی و خصوصی حوزه پنجم تعلیمی طی سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۴ اثربخشی سازمانی یکسانی داشته اند و هیچ کدام اثربخش تر از دیگری نبوده است.

نتایج آزمون مقایسه اثربخشی سازمانی در بین مکاتب دولتی خصوصی بیانگر آن بود که لیسه عالی خصوصی قطرات نور با داشتن متوسط (۱۶.۰۱) با توجه به کوچک تر بودن سطح معنی داری از حد معیار (۰.۰۰۵) بیشترین اثربخشی سازمانی و لیسه نسوان پروفیسور محمد رسول امین با داشتن متوسط (۹.۴۲) کمترین میزان اثربخشی سازمانی را در بین کل مکاتب دولتی و خصوصی حوزه پنجم تعلیمی شهر کابل داشته اند.

با توجه به نتایج فوق، می‌توان گفت که افزایش یا کاهش میزان اثربخشی سازمانی در یک سازمان متأثر از عوامل مختلفی بوده که در این تحقیق با توجه به مدل کارکردهای چهارگانه تالکوت پارسونز، میزان اثربخشی سازمانی با در نظر داشت ابعاد چهارگانه نوآوری، تعهد سازمانی، رضایت شغلی و سلامت سازمانی، سنجش گردید. در این راستا، می‌توان بیان کرد که هر قدر سازمان بتواند با شرایط و تحولات محیطی و اجتماعی تطابق داشته، به خواسته‌ها و نیازهای کارکنان توجه مبذول نموده و رضایت ذینفعان خویش را بدست آورد، فرصت بیشتری برای افزایش میزان اثربخشی فعالیت‌های خویش را مساعد خواهد نمود.

۲-۵. پیشنهاد

با توجه به یافته‌های این تحقیق در راستای مدل پارسونز پیشنهاد می‌گردد که برای

افزایش رضایت شغلی و تعهدسازمانی صورت گیرد و روش‌های مناسب به‌سازی سازمانی یا سلامت سازمانی به کار گرفته شود.

سرچشمه‌ها

- ابرهیم پور، مقصود (۱۳۸۷) «بررسی رابطه بین انگیزه پیشرفت مدیران با اثربخشی سازمانی آن‌ها در مدارس ناحیه ۱ و ۲ ارومیه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه ارومیه.
- ایمانی، جواد ایمانی، باقری، مهدی، قورچیان، نادر قلی و جعفری، پریش. (بی تا). (شناسایی ابعاد مؤثر جهت ارتقاء اثربخشی مدارس متوسطه دوم استان هرمزگان)، نشریه علمی- پژوهشی فناوری آموزش.
- احمدزی، قریب‌الرحمن (۱۴۰۲) «بررسی تأثیر ثبات شغلی بر اثربخشی سازمانی از دیدگاه مدیران وزارت معارف»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، پوهنحی روان‌شناسی و علوم تربیتی، پوهنتون کابل.
- اخبار فر، علی (۱۳۷۹) «بررسی رابطه هسته کنترل مدیران مدارس متوسطه با اثربخشی سازمانی آنها در نواحی چهارگانه ی شهر شیراز»، پایان‌نامه ی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشکده روان‌روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شیراز.
- افشین، مهتاب (۱۴۰۲) «بررسی تأثیر رفتارهای خلاقانه معلمان بر اثربخشی سازمانی مدارس»، هشتمین کنفرانس ملی رویکردهای نوین در آموزش و پرورش، ۳۰ آذر و ۱ دی ۱۴۰۲.
- جلیلیان، کیومرث (۱۳۹۵) «بررسی اجمالی اثربخشی سازمانی»، فصلنامه مطالعات علم اجتماعی، دور ۲، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۵.
- حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۹۵) مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، چاپ بیست و دوم، تهران: سمت.

- حسنی، محمد و سامری، مریم (۱۳۸۹) «بررسی اثربخشی سازمانی مدارس متوسطه ناحیه یک شهر ارومیه با استفاده از مدل پارسونز»، فصلنامه مدیریت فرهنگ سازمانی، سال هشتم، شماره بیست و یکم، بهار و تابستان ۱۳۸۵.
- حیدری فرد، رضا (۱۳۸۰) «بررسی رابطه بین تعهدسازمانی و اثربخشی مدیران مدارس متوسطه دولتی» پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه ارومیه.
- دباغیان، محمد تقی (۱۳۹۷) بهره‌وری در اسلام، چاپ اول، تهران: اندیشه احسان.
- دفت، رچارد ال (۱۳۹۰) مبانی تئوری و طراحی سازمان، ترجمه: علی پاراساییان و سید محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- دلاور، علی (۱۳۹۵) احتمالات و آمار کاربردی در روان‌شناسی و علوم تربیتی، چاپ بیستم، تهران: رشد.
- ربیعی، محمد و صالحی، رضوان (۱۳۸۶) «مقایسه نرخ‌های آموزشی و کیفیت آموزش و پرورش نمونه‌های دولتی»، فصلنامه نوآوری آموزشی، سال ششم، شماره ۱۹، صفحات ۱۰۹-۱۴۰.
- رحیمیان، حمید، عباس پور، عباس و صرافان، فائزه (۱۳۹۵) «نقش رهبری خدمتگزار در میزان اثربخشی سازمانی مدارس»، فصلنامه پژوهش‌های رهبری و مدیریت آموزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، سال سوم، شماره ۱۰.
- رضاییان، علی (۱۳۸۹) انتظار عدالت و عدالت در سازمان (مدیریت رفتار سازمانی پیشرفته)، تهران: سمت.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۲) تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: شرکت سهامی انتشار.

- زکی، محمد علی، گودرزی، حسن و سوری، زهره (۱۳۹۴) «بررسی رابطه بین سبک مدیریت با اثربخشی سازمانی»، فصلنامه مطالعات رفتار سازمانی (ویژه نامه)، سال چهارم، شماره ۵ (شماره پیاپی ۱۶)، زمستان ۱۳۹۴.
- زکی، محمد علی، ادیبی سده، مهدی و یزدخواستی، بهجت (۱۳۸۵) «بررسی اثربخشی سازمانی مدارس آموزش و پرورش شهر اصفهان؛ آزمون مدل AGIL پارسونز»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره بیست و چهارم، شماره دوم.
- سروری، خلیل الرحمن (۱۳۹۹) مدیریت عمومی، کابل: انتشارات عازم.
- شاهدوستی، لیلا (۱۳۹۰) «نقش متغیرهای محیط خانه، پیشینه دانش آموز، جو مدرسه و فرایند تدریس در پیشرفت ریاضی دانش آموزان پایه سوم راهنمایی براساس مطالعات تمیز (۲۰۰۷)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان تبریز.
- شریعتمداری، مهدی (۱۳۸۸) «بررسی رابطه بین سلامت سازمانی با اثربخشی مدیران مدارس مدیریت آموزش و پرورش شهر تهران»، مجله علوم تربیتی، سال دوم، شماره ۶.
- عظیمی، زهرا و قنبری، سیروس (۱۴۰۲) «پیش بینی اثربخشی سازمانی مدارس براساس مؤلفه‌های خودکارآمدی معلمان در مدارس ابتدائی شهر همدان»، دومین کنفرانس ملی مطالعات خانواده و مدرسه.
- علاقه‌بند، علی (۱۳۹۳) مدیریت عمومی، چاپ بیست و هفتم، تهران: نشر روان.
- علی‌قلی، منصوره، بهرام‌نژاد، پریسا (۱۳۹۶) «بررسی تأثیر مدیریت دانش بر بهره‌وری نیروی انسانی، مطالعه موردی: پارک فناوری پردیس»، فصلنامه مطالعات حسابداری و مدیریت، دوره ۳، شماره ۱.

- قنبری، سیروش، عبدالملکی، جمال، احمدی، محسن و سورشجاعی، نسرین (۱۳۹۸) «نقش حرفه‌ای‌گرایی معلمان در اثربخشی مدرسه» فصلنامه توسعه حرفه‌ای معلمان، شماره دوم.
- کاظمی، عباس (۱۳۷۵) «طراحی الگوهای اثربخش سازمانی با تأکید بر معیارهای فرهنگ سازمانی»، پایان نامه دکترای مدیریت، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- نیک نامی، مصطفی و نجفی، معصومه (۱۴۰۱) «مقایسه اثربخشی مدارس ابتدایی دولتی و غیردولتی شهر اراک در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹»، مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، دوره ۸، شماره اول.
- هوی، وین ک و میسکل، سیسیل ج (۱۳۹۱) مدیریت آموزشی (نظریه، تحقیق و کاربرد)، ترجمه: نادر سلیمانی، محمود صفری و سید مرتضی نظری، چاپ دوم، تهران: سمت.

دکتر سید طاهر عرفانی

استاد بالمقطع برنامه ماستری روابط بین الملل

پوهنتون دعوت

erfani55@gmail.com

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۱۹

پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱۲/۲۰

www.dawat.edu.af
Journal@dawat.edu.af

رقابت قدرت‌های بزرگ در آسیای مرکزی

چکیده

با افزایش وابستگی اقتصادی جهان به منابع انرژی و اهمیت پیدا کردن هرچه بیشتر مناطق انرژی‌زا و نیز ظهور مجدد روسیه به عنوان بازیگر اصلی در بازار انرژی جهان، نفت و گاز آسیای مرکزی و خیزش چین به عنوان قدرت بسیار تأثیرگذار در عرصه بین الملل و شبکه ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی، رقابت و رویارویی میان قدرت‌های بزرگ در این منطقه مهم ژئوپلیتیکی افزایش پیدا کرده است. کشمکش‌های طولانی مدت میان قدرت‌های بزرگ، سیستم برای کنترل منابع نفت و گاز طبیعی آسیای مرکزی باعث شکل‌گیری «بازی بزرگ جدید» میان قدرت‌های بزرگ شده است. روسیه به عنوان بازیگر اصلی در آسیای مرکزی و چین نیز به عنوان قدرت نو ظهور و همسایه این شبکه ژئوپلیتیکی خواهان ایفای نقش فعال در این منطقه هستند. آمریکا نیز به عنوان کشوری فرا منطقه‌ای که منافع مهم انرژی را در این منطقه برای خود تعریف نموده و خواهان روابط هرچه نزدیک با این منطقه است. پرسشی که در این مقاله مطرح می‌شود این است که بازی قدرت برای تسلط بر منابع آسیای مرکزی میان چه کسانی است و کدام یک پیروز میدان خواهد شد؟ فرضیه ما این است که با توجه به اهمیت ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی برای قدرت‌های بزرگ، سیستم رقابت و رویارویی اصلی در این منطقه میان قدرت‌های بزرگ (آمریکا، روسیه و چین) خواهد بود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که به دلیل افزایش روزافزون قدرت چین، بازیگر اصلی در آینده این کشور خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: آسیای مرکزی، انرژی، بازی بزرگ جدید، روسیه، آمریکا،

چین و شبکه ژئوپلیتیکی.

Abstract

With the increasing economic dependence of the world on energy resources and the increasing importance of energy-producing regions, as well as the re-emergence of Russia as a major player in the world energy market, Central Asian oil and gas, and the rise of China as a very influential power in the international arena and the geopolitical network of Central Asia, competition and confrontation between the great powers in this important geopolitical region have increased. Long-standing conflicts between the great powers, the system for controlling the oil and natural gas resources of Central Asia have led to the formation of a "new great game" between the great powers. Russia as a major player in Central Asia and China as a new emerging power and neighbor of this geopolitical network want to play an active role in this region. The United States is also a trans-regional country that has defined important energy interests in this region for itself and wants the closest possible relations with this region. The question raised in this article is who is in the power game to dominate the resources of Central Asia and which one will win the battle? Our hypothesis is that, given the geopolitical importance of Central Asia for the great powers, the main system of competition and confrontation in this region will be between the great powers (America, Russia and China). The research findings show that due to the increasing power of China, it will be the main player in the future.

Keywords: Central Asia, Energy, New Great Game, Russia, America, China and Geopolitical Network.

Dawat Academic Journal

Fifth Year, Issue 2
(Fall & Winter 2024-2025)

Volume
11

Received: 2025-2-7
Accepted: 2025-3-10

www.dawat.edu.af
Journal@dawat.edu.af

مقدمه

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و ایجاد خلأ قدرت در شبکه ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی و وجود منابع غنی انرژی در این منطقه، باعث شد تا قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای، توجه‌شان را به این منطقه معطوف نمایند. براساس نظریات ژئوپلیتیک، در قرن ۲۱ قدرت برتر جهان کشور یا کشورهایی هستند که منابع انرژی جهان را تحت سلطه خود داشته باشند؛ زیرا از طرفی نبود چشم‌انداز روشن برای انرژی‌های جایگزین نفت و گاز و از جانب دیگر ارزانی این مواد سوختی و گرانی دیگر منابع انرژی و هم‌چنین روند رو به رشد تقاضای جهانی انرژی، روز به روز بر اهمیت استراتژیک این منابع در قرن ۲۱ می‌افزاید. در قرن ۲۱ شبکه‌های ژئوپلیتیکی که دارای منابع غنی انرژی باشند باعث رقابت و رویارویی قدرت‌های بزرگ شده و تعارض منافع بازیگران بزرگ نظام بین الملل را فراهم نموده و آن‌ها را درگیر رقابت می‌کند.

بازیگران اصلی نظام بین الملل همچون روسیه، امریکا و چین با علم به این مطلب که در ساختار جدید، بنیان قدرت از وجه نظامی به وجه اقتصادی و فناوری انتقال یافته است و محور دیپلماسی نه صرفاً تمرکز بر امور و مسائل سیاسی و نظامی، بلکه تمرکز بر مراودات اقتصادی نیز می‌باشد. بسیاری تلاش می‌کنند تا برای تحکیم ارکان مادی هژمونی خود بر اقتصاد جهانی با در پیشگیری الگوی رفتار سیاسی واقع‌گرایانه از انرژی هم به عنوان ابزار اعمال قدرت و نیز هدف قدرت و کسب ثروت بهره برداری کنند. (فرجی راد و شعبانی، ۱۳۹۲: ۱) منطقه اوراسیا در قرن جدید به دلیل برخورداری از منابع مهم انرژی و همچنین کنترل بر مسیر ارتباطی شرق و غرب جهان، اهمیت ویژه‌ای دارد. در گذشته، سلطه اتحاد جماهیر شوروی فضای مانور چندانی برای آمریکا و سایر قدرت‌های بزرگ باقی نمی‌گذاشت، اکنون بار دیگر رقابت‌های ژئوپلیتیک در این منطقه شدت پیدا کرده است. (عطایی و شیبانی، ۱۳۹۰:

مرکزی به طور ناگهانی در دسترس قدرت‌های خارجی قرار گرفتند. متعاقب آن چند دهه کشمکش برای کنترل بر منابع هیدرو کربنی، مسیرهای حمل و نقل و نفوذ بر منطقه که به عنوان «بازی بزرگ جدید» مطرح بوده، وجود داشته است. (Olcott, ۲۰۱۳: ۱) با توجه به نیازهای انرژی، چین به طور خاص در باره کنترل دریایی آمریکا بر مسیرهای ارتباطی دریایی در تنگه مالاکا، نگران است که از این طریق منافعش در خطر قرار گیرد. چین در نتیجه به دنبال منابع انرژی است که می‌تواند از طریق زمین به این کشور منتقل شود و این نیاز از طریق منطقه آسیای مرکزی تأمین می‌شود. از جانب دیگر روسیه به عنوان کشوری که آسیای مرکزی را در حوزه نفوذ سنتی خود می‌داند و آن را به عنوان حیاط خلوت خود تعریف می‌کند، به دنبال نفوذ هرچه بیشتر در این شبکه ژئوپلیتیکی خواهد بود. آمریکا که به دنبال تعریف منافع خود فراتر از نیمکره غربی است، به دلیل جذابیت‌های ژئوپلیتیکی این شبکه به دنبال سلطه و تسلط هرچه بیشتر در این منطقه بر می‌آید. وجود منافع متعارض قدرت‌های بزرگ در شبکه ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی باعث می‌شود که رویارویی و تصادم منافع آن‌ها در این منطقه افزایش پیدا کرده و قدرت‌های بزرگ در آن به مقابله و خنثی نمودن منافع همدیگر بپردازند. در این مقاله به دنبال بررسی رویارویی قدرت‌های بزرگ سیستم؛ یعنی روسیه، آمریکا و چین در شبکه ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی هستیم.

ادبیات پژوهش

در مورد رقابت قدرت‌های بزرگ در شبکه‌های ژئوپلیتیکی جهان از جمله شبکه ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی کارهایی انجام شده که هر کدام به یک زاویه و یک بُعد قضیه پرداخته است. در این زمینه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

- حسین حمیدی نیا و روح الله صالحی دولت آبادی در مقاله‌ای با عنوان انرژی عرصه «بازی بزرگ جدید» در آسیای مرکزی به دنبال بررسی نقش انرژی در رقابت

قدرت‌های بزرگ در آسیای مرکزی هستند. آن‌ها استدلال می‌کنند که وجود انرژی غنی آسیای مرکزی باعث شده که رقابت قدرت‌های بزرگ در این منطقه افزایش پیدا کند. رقابت قدرت‌های بزرگ در این شبکه ژئوپلیتیکی باعث رویارویی مداوم آن‌ها در این منطقه خواهد بود.

- بهرام امید احمدیان و روح الله صالحی دولت آبادی در مقاله‌ای با عنوان «اهداف و راهبردهای سیاست خارجی چین در آسیای مرکزی» به این مسئله می‌پردازد که فروپاشی شوروی باعث جلب توجه چین به این منطقه همسایه شده و تلاش پکن برای استفاده اقتصادی از این منطقه شده است.

- علی اکبر جعفری و مهرداد فلاح در مقاله‌ای با عنوان «هژمونی منطقه‌ای چین در آسیای مرکزی و موازنه تهدید با روسیه» بیان می‌کنند که در آسیای مرکزی روسیه تدافعی با چین تهاجمی رویا رو شده و هر روز بیشتر از قبل منافع خود را در خطر می‌بیند.

- جهانگیر کرمی و کوزه گر کالجی در مقاله‌ای با عنوان «الگوی ضد هژمونیک روسیه، چین و ایران در آسیای مرکزی» به دنبال بررسی الگوهای ضد هژمونیک مخالفان آمریکا در آسیای مرکزی است که این الگو از جانب روسیه، ایران و چین علیه هژمونی آمریکا اعمال می‌شود.

- الهه کولایی در کتابی با عنوان «بازی بزرگ جدید در آسیای مرکزی» نشر شده توسط وزارت خارجه، باور دارد که به دلیل منابع انرژی که در آسیای مرکزی وجود دارد، بازی بزرگ جدید در این منطقه توسط قدرت‌های بزرگ شروع شده که هر کدام به دنبال سهم خواهی بیشتر از انرژی این منطقه می‌باشد و این مسئله باعث شده که قدرت‌های بزرگ درگیر یک بازی بزرگ جدید شوند که تعامل در آن کار چندان ساده نیست.

- عبد الرضا فرجی راد و مریم شیبانی در مقاله‌ای با عنوان «سیاست روسیه در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز و چالش‌های فراروی آن پس از جنگ سرد» وضعیت روسیه و کشورهای چالش‌گر روسیه را در این منطقه مورد بررسی قرار داده و چین و آمریکا را به عنوان کشورهای چالش‌گر در مقابل روسیه در آسیای مرکزی معرفی می‌کند.

- مروری بر ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که مسئله رویارویی سه قدرت بزرگ روسیه، آمریکا و چین در شبکه ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی به خوبی مورد بررسی قرار نگرفته و این مقاله به دنبال بررسی این موضوع می‌باشد.

بنیان‌های نظری

اصولا ژئوپلیتیک از مسائل اساسی و مهم در سیاست نوین بین الملل به حساب می‌آید. مفهوم ژئوپلیتیک که در زبان فارسی از آن به عنوان سیاست جغرافیایی یاد می‌شود به عنوان دانشی که از بطن علوم جغرافیای سیاست برخاسته، مسیر طولانی داشته و مانند هر مفهوم دیگری توسعه یافته و حیاتی را در بستر زمان سپری کرده است. واژه ژئوپلیتیک ابتدا در سال ۱۸۹۹م، توسط رودولف کیلن که تحت تأثیر کتاب «جغرافیای سیاسی» فردریک راتزل قرار داشت، ارائه شد. (صفوی، ۱۳۸۹: ۲) مقصود کیلن از ژئوپلیتیک رابطه جغرافیایی طبیعی و زمین با سیاست بود. در نهاد این تعریف، اندیشه‌های امپریالیستی نهفته بود و به همین سبب تا بعد از جنگ سرد ژئوپلیتیک برای توصیف نزاع و مجادله جهانی بین شوروی سابق و آمریکا بر سر کنترل کشورها و منابع استراتژیک به کار گرفته می‌شد. (مویر، ۱۳۷۹: ۳۶۵-۳۶۳) ژئوپلیتیک به عنوان شکلی از دانایی و قدرت در دوره رقابت امپریالیستی بین سال‌های ۱۸۷۰ و ۱۹۴۵ زمانی متولد شد که امپراطوری‌های رقیب در طی جنگ‌های متعددی که با یکدیگر داشتند، خطوط قدرت را مرتب کرده، آن را تغییر داده و در آن

تجدید نظر کردند. خطوط قدرت مورد نظر تشکیل دهنده مرزهای نقشه سیاسی جهان بودند. (۱۵: ۱۹۹۸, Dalby) این شبکه‌های امپریالیستی توسط قدرت‌های بزرگ و برای رسیدن به اهداف آن‌ها در جهان شکل گرفت. به عبارتی می‌توان گفت، ژئوپلیتیک در یک تعریف ساده می‌تواند این باشد که قدرت‌های بزرگ درگیر چه هستند، چه اقدام و عملی را انجام می‌دهند و آن‌ها در چه کاری بهترین هستند. (Klieman, ۲۰۱۵: ۴)

اصولا ژئوپلیتیک بدنبال بررسی این موضوع است که چگونه فاکتورهای جغرافیایی از جمله سرزمین، جمعیت، موقعیت استراتژیک، منابع طبیعی و غیره بر روابط بین دولت‌ها و تلاش آنان برای کسب قدرت و استیلا بر دیگران موثر است. (قاسمی، ۱۳۸۷: ۴) به همین دلیل، نیروهای بنیادین ژئوپلیتیک، جهان و نظام بین الملل را در سطوح مختلف شکل می‌بخشد و شکل دهنده سیستم بین الملل می‌باشد. اهمیت ژئوپلیتیک با شروع قرن بیستم و ورود به قرن بیست و یکم بیش از پیش خود را نشان داده و اهمیت آن در روابط نوین بین الملل آشکار شده است. گرچند در ابتدا مسئله ژئوپلیتیک چندان مهم جلوه نمی‌کرد؛ اما با ورود به قرن بیستم و تبدیل سیستم بین الملل به یک سیستم بسته سرزمینی که فضا برای توسعه سرزمینی بسیار محدود و غیر ممکن شده بود، به آن توجه بسیار شد. علاوه بر آن، چرخه رقابت بین واحدهای بزرگ سیستمی به گونه‌ای بود که حفظ یا ارتقاء در آن، مستلزم توجه به جغرافیا و به بیانی، سلطه جغرافیایی بر مناطق مهم و راهبردی جهان بود. (قاسمی، ۱۳۹۰: ۲۹)

با به وجود آمدن نظریه ژئوپلیتیک پست مدرن در دوران جدید، ژئو اکونومی و اصالت اقتصاد در برابر نظامی‌گری بیش از دیگر نظریه‌ها، خود را به واقعیت نزدیک کرده است؛ حتی در نظریه‌های ژئوپلیتیک عصر پست مدرن نظیر «نظم نوین جهان»، «نظام تک قطبی، چند قطبی» «جهانی شدن» «پایان تاریخ» اقتصاد و مناسبات

اقتصادی به نحوی در بطن تمامی اندیشه‌های ژئوپلیتیک عصر پست مدرن نمود آشکاری دارد. به عبارت دیگر، ارائه نظریه‌های ژئوپلیتیک بدون در نظر گرفتن قدرت اقتصادی نمی‌تواند وضعیت ژئوپلیتیک قرن حاضر را تبیین کند. لوتواک معتقد است که زوال جنگ سرد در واقع نشان دهنده تغییر مسیر و حرکت نظام جهانی از سوی ژئوپلیتیک به سمت ژئواکونومی می‌باشد. (ویسی، ۱۳۸۸: ۹۵) در واقع، این قدرت‌ها هستند که سیاست‌های اقتصادی را در نظام جهانی اعمال و رهبری می‌کنند و برآیند این فرایند ژئواکونومی است که به عنوان پدیده‌ای سال جهت پوشش دادن به فضای جدید رقابتی در نظام جهانی و روشی برای توجیه و تحلیل سیاست‌های جهانی اکثر قدرت‌های غربی در آمده است. (Glassner & fahrer, ۲۰۰۴: ۲۷۱) منابع انرژی به عنوان یکی از مهم‌ترین متغیرهای ژئوپلیتیک در نظام سیاسی کنونی جهان در تعاملات بین المللی میان کشورها و نیز انتقال از مکان‌ها و فضاهای بدون انرژی یا نیازمند انرژی و نیز کنترل منابع تولید و مسیرهای انتقال انرژی و نیز فناوری و ابزارهای تولید، فناوری و انتقال و حتی مصرف انرژی برای حفظ سیادت جهانی و منطقه و به چالش کشیدن رقبا در عرصه بین المللی، جملگی دارای ابعاد مکانی، فضایی و یا جغرافیایی هستند و انرژی را به موضوع ژئوپلیتیکی مهم تبدیل نموده است. (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۰۳)

نظم نوین جهانی و ژئوپلیتیک

اصطلاح ژئوپلیتیک ترکیبی از چند فرهنگ مسلط ژئوپلیتیکی است که مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان دیدگاه پایان تاریخ آمریکا و نظم نوین جهانی، دولت‌های سرکش و تروریسم و برخورد تمدن‌ها دانست. تحولات سال‌های پایانه دهه ۱۹۸۰ چنان سریع و عمیق بود که تعدادی خبر از پایان تاریخ دادند. فرانسیس فوکویاما مقاله مشهور خود «پایان تاریخ» را منتشر نمود که توجه بسیاری را به خود جلب کرد. او ادعا نمود «اگر

به سیر رویدادهای یک دهه گذشته بنگریم، در می‌یابیم رویداد بسیار بنیادینی در تاریخ جهان به وقوع پیوسته است. در این رویدادها ما تنها شاهد پایان جنگ سرد یا گذشت دوره به خصوص در تاریخ بعد از جنگ نیستیم؛ بلکه شاهد پایان تاریخ هستیم؛ زیرا اکنون به نقطه پایانی تحولات ایدئولوژیک بشر و جهان شمولی مدل لیبرال دموکراسی غربی به عنوان شکل نهایی دولت‌ها رسیده‌ایم. (Fukuyama, ۱۹۸۹: ۶) خلاصه نظریه فوکویاما را می‌توان این گونه مطرح کرد که لیبرال دموکراسی شکل نهایی حکومت در جوامع بشری است. در دیدگاه فوکویاما نقشه مفهومی جدیدی خود نمایی می‌کند که ویژگی آن تقسیم جهان به غرب ایدئولوژیک نه جغرافیایی در مقابل بقیه جهان، و دوره بعد از تاریخی در برابر دوره تاریخی است. در فرهنگ ژئوپلیتیکی پایان تاریخ نیز مکان‌ها در سراسر جهان از نظر ویژگی‌های جغرافیایی خود مورد توجه واقع نمی‌شوند؛ بلکه از جهت طبقه‌بندی‌های ذهنی و فراگیر فلسفه غرب دیده می‌شوند. (میر حیدر، ۱۳۷۷: ۱۷)

ژئوپلیتیک نظام نوین جهانی زمانی توسط جورج بوش مطرح می‌شود که یک قطب قدرت که اتحاد شوروی باشد فروپاشیده و دنیای تک قطبی به رهبری ایالات متحده و سردمداری لیبرال دموکراسی به وجود آمده است. با پایان جهان دو قطبی و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ایالات متحده به عنوان هژمون بدون رقیب به دنبال تعریف نظم جدیدی از جهان بر می‌آید که با ارزش‌ها و خواست‌های آمریکا و متحدانش همخوانی داشته باشد. ژئوپلیتیک در این مقطع از زمان به جای تکیه به موقعیت ژئوپلیتیکی، با مبنا قرار دادن فرهنگ لیبرال دموکراسی در وضعیت ژئوکالچری شکل می‌گیرد. با مرگ اتحاد جماهیر شوروی و از میان رفتن تهدید جهانی امپراطوری شیطانی، ایالات متحده تجدید حیات اسلام را از زاویه رویدادها در ایران و دیگر سرزمین‌های اسلامی در قالب افراط‌گرایی دینی و بنیادگرایی اسلامی مطرح کرده است. (مجتهد زاده، ۱۳۷۹: ۴۶۳)

در ژئوپلیتیک نظام نوین جهانی به رهبری ایالات متحده آمریکا، نه تنها مسائل ژئوپلیتیکی از بین می‌رود؛ بلکه «ما» در مقابل «دیگران» شکل می‌گیرد. در گفتمان نظام نوین جهانی، ژئوپلیتیک بیشتر مربوط به جنگ فرهنگی میان گروه‌های تمدنی مختلف تلقی شده و گسل‌های فرهنگی و تمدنی شکل دهنده ژئوپلیتیک جدید می‌باشد. در این میان ساموئل هانتینگتن با بیان اینکه نظریه پایان تاریخ ناظر بر جنبه‌هایی از واقعیت‌های در حال ظهور است، برخورد‌های اصلی را در سیاست جهانی میان گروه‌های متفاوت از حیث تمدنی می‌داند. او می‌گوید: برخورد تمدن‌ها وجه غالب سیاست جهانی را تشکیل خواهد داد و در آینده، خطوط گسل بین تمدن‌ها، خطوط نبرد بین آن‌ها خواهد بود. (Huntington, ۱۹۹۳: ۲۲-۲۳) هانتینگتن از واقعیت‌های ملموس سیاسی-جغرافیایی که لازمه بررسی ژئوپلیتیکی است سخن نمی‌گوید؛ بلکه از ارزش‌های نهفته شده در هدف‌گیری‌های جهان‌نگری ویژه ایالات متحده در پایان قرن بیستم و آغاز قرن بیست و یکم سخن می‌راند. از دیدگاه هانتینگتن سیاست جهانی ویژگی فرهنگی به خود گرفته و لذا بر این پایه آرایش نوینی یافته است. در اینجا همگرایی بین کشورهای است که از لحاظ فرهنگی یا یکدیگر شبیه می‌باشند. کشورهایی که از لحاظ فرهنگی متمایز می‌باشند، از یکدیگر فاصله خواهند گرفت. در اینجا پیوندها و روابط سیاسی خود را با پیوندهای فرهنگی منطبق می‌سازند. (قاسمی، ۱۳۹۴: ۴۷) از منظر دیگر، ژئوپلیتیک در قالب رقابت‌های اقتصادی خود را نشان داده و مسئله ژئواکونومی به عنوان مهم‌ترین مسئله مورد توجه قرار می‌گیرد. قدرت‌های بزرگ به دنبال سلطه و تسلط بر مناطق مهمی ژئواکونومیک برآمده و در این راه با همدیگر وارد رقابت می‌شوند.

آسیای مرکزی و نظم آمریکا محور

اعلام نظم نوین توسط جرج هربرت واکر بوش رئیس جمهور آمریکا و همراهی تعدادی از کشورهای غربی، برای ایالات متحده اعتماد به نفس فراوانی را اعطا کرد که رهبری دنیای جدید در دستان این کشور است و دنیا باید خود را مطابق با نظم نوینی که آمریکامحورها خطوط آن را ترسیم می‌کند، همراهی کند. خطوطی را که ایالات متحده برای نظم نوین جهانی ترسیم می‌کند این مسئله است که منافع جهانی عین منافع ایالات متحده است و این آمریکا است که مسئولیت «رهبری» جهانی را به عهده دارد. نظم نوین آمریکامحور در نگاه اول دموکراتیک و آزاد اندیشانه به نظر می‌رسد؛ اما زمانی که پای ملت‌های دیگر کشیده می‌شود، عدم درک آمریکایی‌ها از این فرهنگ باعث به وجود آمدن نوعی عدم تساهل تعارض برانگیز در روابط بین الملل می‌شود.

در این میان نظم جهانی لیبرال مفهومی گسترده است که در عرصه روابط بین الملل توسط جان ایکنبری به آن پرداخته شده است. این مفهوم بر نظامی تأکید دارد که در چارچوب آن قدرت آمریکا افول یافته، تحولی در ساختار جهانی قدرت از نظام متمرکز به نظام چند قطبی رخ خواهد داد. در این چارچوب، جهان به نوعی در وضعیت تحول قدرت جهانی از قدرت متمرکز به نظام چند قطبی است که می‌توان آن را به مثابه «سیستم انتشار قدرت» یاد کرد که کشور چین شاید بیشترین بهره را از این انتقال قدرت، داشته باشد. (Ikenberry, ۲۰۱۴: ۵۶) براساس این دیدگاه، افول قدرت آمریکا و به وجود آمدن چالش‌گران دیگر از جانب سیستم بین الملل مشاهده می‌شود و قدرت‌های بزرگ موجود در درون سیستم نظم ژئوپلیتیک آمریکامحور را که بر مبنای «ما» و «دیگری» ترسیم شده و از رهبری لیبرال دموکراسی صحبت می‌کند به چالش طلبیده و هر کدام از قدرت‌های بزرگ سودای سلطه بر شبکه‌های ژئوپلیتیکی مهم را در سر می‌پروراند.

قدرت‌های بزرگ در نظام بین الملل نظم نوین آمریکا را به چالش طلبیده و به دنبال مشارکت در تصمیم‌گیری مسائل جهانی بر می‌آیند و اجازه نمی‌دهند ایالات متحده به تنهایی در مورد مسائل جهان تصمیم‌گیری کند. روسیه معاصر و ایالات متحده آمریکا در تعداد زیادی از مسائل بین المللی رقیب هم هستند تا اینکه شریک باشند. کرملین هژمونی ایالات متحده را به صورت جهانی به چالش می‌گیرد. اختلافات این دو کشور در مسائل مختلف از قبیل مسائل جهانی، خاورمیانه، مسائل هسته‌ای و امنیت مجازی، انرژی و ارزش‌ها را شامل می‌شود. روسیه در واکنش به تحرکات آمریکا در جهان و کشورهای حیات خلوت روسیه، اولویت‌ها و منافع ایالات متحده را در اروپا، خاورمیانه، مسائل هسته‌ای و بحث دموکراسی به چالش گرفت. روسیه برنامه نوسازی تسلیحاتی را روی دست گرفت تا جایگاه خود را در بازارهای انرژی جهان تثبیت بخشیده و سیاست‌هایی را اتخاذ کند که نفوذ غربی‌ها را در داخل حیات خلوت خود محدود کند. (Tsygancov, ۲۰۱۹: ۲) آسیای مرکزی یکی از این شبکه‌های مهم ژئوپلیتیکی به حساب می‌آید که روسیه خواهان نفوذ سنتی خود در این منطقه بوده و جلو نفوذ قدرت‌های بزرگ دیگر، مخصوصاً آمریکا، را می‌گیرد.

گرچند بعد از جنگ سرد نظم ژئوپلیتیکی آمریکامحور برای مدتی بر دنیا سایه افکننده بود؛ اما با تجدید قوای روسیه دوران پوتین، تأکید روسیه بر تغییر موازنه قدرت جهانی تأکید می‌ورزید. نظم جهانی از نظام بین المللی با مرکزیت آمریکا گذار نموده و به سوی نظامی پیش می‌رود که نقش آمریکا کم رنگ می‌شود. با این گذار هرگونه نظم بین المللی به وسیله قواعد رفتاری قدرت‌های بزرگ انعکاس داده می‌شود. بنابراین نظم نوین آمریکامحور با چالش‌های ژئوپلیتیکی مختلف از جانب قدرت‌های بزرگ سیستم، از جمله روسیه به عنوان قدرتی در حال تجدید قوا، و چین به عنوان قدرت در حال ظهور مواجه می‌باشد. تحرکات روسیه به گونه‌ای است که خواهان تعریف نظم جدید در نظام بین الملل بوده و اجازه نمی‌دهد که هژمونی آمریکا بر دنیا حفظ شود.

این رویارویی قدرت‌های بزرگ در کلیه مناطق مهم ژئوپلیتیکی از جمله شبکه ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی که دارای ذخایر مهم نفت و گاز هست، خود را بیشتر نشان می‌دهد.

ظهور جمهوری خلق چین در صحنه سیاست جهان از وقایع مهم سیاست جهان بعد از پایان جنگ جهانی اول محسوب می‌شود. اندازه فیزیکی و جمعیت چین، رشد سریع، جایگاه ژئواستراتژیکی، پویایی‌های داخلی، و بعضاً نگرش عدم حفظ وضع موجود، مسائل اقتصادی، اجتماعی و نظامی همگی چین را به جایگاهی رسانده که نقش عظیم - و شاید سرنوشت‌ساز - در شکل‌دهی نظم نوین جهانی بازی می‌کند. ایالات متحده به عنوان قدرت برجسته نظامی، سیاسی و اقتصادی جهان با چالش سختی از جانب چین، مخصوصاً در آسیا، مواجه شده است. پکن نقش برجسته‌ای را در سیاست خارجی واشنگتن در سه دهه اخیر بازی کرده است. شروع قرن جدید مجموعه چالش‌هایی را با ظهور چین برای آمریکا به وجود آورده است به گونه‌ای که آمریکا را مجبور به تجدید نظر در راهبردها و سیاست‌هایش نموده است. (Swain, ۲۰۱۱: ۲)

امروزه چین به عنوان یک قدرت معارض در مقابل نظم آمریکامحور عرض اندام نموده و موقعیت ایالات متحد را به عنوان یک قدرت هژمون به معارضة طلبیده است. همزمان با رشد اقتصادی، گسترش حضور منطقه‌ای و افزایش دامنه فعالیت‌های بین‌المللی چین، زمینه برای چالش این کشور با آمریکا در عرصه‌های اقتصادی، استراتژیک و جهانی مساعدتر می‌شود. قدرت‌یابی چین و جایگاه آن در نظام بین‌الملل، یکی از مهم‌ترین موضوعات مناظره‌های بین‌المللی نظریه‌پردازان و سیاست‌گذاران سیاست خارجی آمریکا به ویژه از آغاز سده بیست و یکم به این سو بوده است. چین که قدرتی غیر قابل پیشی‌بینی برای آمریکایی‌ها به حساب می‌آید، اینک به موضوع مهم و دائمی سیاست خارجی این کشور تبدیل شده است. نظم ژئوپلیتیکی آمریکامحور با شروع سده بیست و یکم به راحتی توسط چین به چالش

طلبیده شده است. روسیه دوران پوتین نیز با شروع قرن بیست و یکم خواهان نقش آفرینی بیشتر در شبکه‌های ژئوپلیتیکی جهانی برآمده است.

چین و آمریکا در مجموعه مسائل مختلف با هم اختلاف نظر دارند و هر دو کشور به عنوان قدرت‌های برتر جهان همدیگر را در این مسائل به چالش می‌طلبند. این مجموعه مسائل عبارتند از: ۱- روابط میان قدرت‌های کلیدی آسیا؛ ۲- ساختارهای امنیتی و سیاسی دوجانبه و چند جانبه؛ ۳- برنامه‌های نوسازی نظامی ایالات متحده و چین؛ ۴- توسعه اقتصادی؛ ۵- چالش‌های ضد تروریسم و ضد تکثیر هسته‌ای؛ ۶- تهدیدهای امنیتی غیر متعارف؛ و ۷- تلاش برای بهبود حقوق بشر و دموکراس. (Swain, ۲۰۱۱: ۱۲) این مجموعه مسائل نقاط افتراق‌زا میان چین و آمریکا به حساب می‌آید. تعارضات چین و آمریکا گرچه از زمان‌های قدیم وجود داشته است؛ اما بعد از سال ۲۰۰۰ این تعارضات بیشتر محسوس و ملموس بوده و چین در قامت یک قدرت بزرگ و تقریباً ابرقدرت در مقابل آمریکا قرار می‌گیرد. به موازات قدرت‌یابی چین در نظام بین الملل، قدرت اقتصادی و نظامی ایالات متحده رو به افول می‌گذارد.

با نگاهی به اندیشه رئالیست‌های بدبین که معتقدند مهم‌ترین ویژگی چین امروز، در حال ظهور بودن آن است، می‌توان از چالش‌زا بودن چین نسبت به نظم ژئوپلیتیکی آمریکامحور اذعان کرد. براساس نظریه رئالیست‌های بدبین قدرت‌های در حال ظهور همیشه به دنبال برهم زدن نظم موجود و بنیادگذاشتن نظم جدید هستند. چنانکه جان می‌ر شایمر اذعان می‌کند که ظهور چین نمی‌تواند مسالمت‌آمیز باشد و اگر رشد چشم‌گیر اقتصادی آن طی یکی دو دهه آینده تداوم یابد، ایالات متحده و چین وارد رقابت امنیتی تنگاتنگ خواهند شد که قابلیت بسیار بالای برای تبدیل آن به جنگ برخوردار است. می‌ر شایمر پیش‌بینی می‌کند که چین پر قدرت و در حال صعود، احتمالاً در صدد بیرون راندن ایالات متحده از آسیا برخواید آمد، همان‌گونه که ایالات متحده، قدرت‌های بزرگ را از نیم کره غربی بیرون راندند. (چکینی زاده، ۱۳۸۶: ۳۰)

تلاش چین برای تسلط بر آسیا با واکنش شدید ایالات متحده مواجه خواهد شد. با توجه به سوابق تاریخی به خوبی می‌توان دریافت که سیاست‌گذاران آمریکایی در مقابل تلاش چین برای نیل به هژمونی در آسیا چه واکنشی نشان خواهند داد. ایالات متحده در قبال رقبای همتراز خود با مدارا رفتار نمی‌کند. این کشور همان گونه که در قرن بیستم نشان داده است، تصمیم جدی برای باقی ماندن به عنوان تنها هژمون منطقه‌ای جهان دارد. بنابراین ایالات متحده در پی مهار و محدودسازی چین بر خواهد آمد و در نهایت تلاش خواهد کرد آن را به گونه‌ای تضعیف کند که توان تسلط بر آسیا را نداشته باشد. (Mersheimer and Berzenski, ۲۰۰۴)

رویارویی آمریکا و روسیه در آسیای مرکزی

ایالات متحده به فکر نفوذ در آسیای مرکزی با تأمین حمایت اقتصادی از کشورهای تازه استقلال یافته قرار می‌گیرد؛ اما جنگ ایالات متحده با تروری که از افغانستان آغاز شد، نفوذ آمریکا را در منطقه با تأسیس پایگاه نظامی در قرقیزستان و ازبکستان کاملاً تثبیت کرد. این جنگ نیروهای آمریکا را در قلب آسیای مرکزی آورد. (۲: ۲۰۰۴, Kleveman) ایالات متحده به صورت فعال، مسئله استراتژیک پروژه خط لوله انتقال نفت و گاز را از خزر در دستور کار خود قرار داد. همچنین واشنگتن به صورت فعالانه به دنبال نفوذ در قفقاز جنوبی از طریق همکاری اقتصادی و نظامی با گرجستان و آذربایجان بر آمد. (Kuzio, ۲۰۰۲) این حقیقت که نخبگان سیاسی دولت‌های جدی اوراسیا در تلاش تأسیس حاکمیت و دوری از تسلط روسیه بودند، تعقیب اهداف ایالات متحده را در منطقه تسهیل می‌کرد. (Kanet, Raquel, ۸۱: ۲۰۱۰) به دلیل اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئو اکونومیکی منطقه آسیای مرکزی، آمریکا به دنبال رزش قدرت جهان خود در این منطقه به صورت فعال بوده است.

روسیه به عنوان بازیگر اصلی در منطقه به حساب می‌آید. پنج کشور جداشده از اتحاد شوروی-قزاقستان، قرقیزستان، تاجکستان، ترکمنستان و ازبکستان-و کشورهای جنوب قفقاز به عنوان حیات خلوت روسیه به حساب می‌آیند. این کشورها از شوروی جدا شده‌اند و حضور هر بازیگر دیگر خارج از منطقه برای روسیه افت پرستیژ را در نظام بین الملل به وجود می‌آورد. واقعیت مجاورت جغرافیایی و ناسازگاری بخشی از اهداف سیاسی ایالات متحده با منافع نخبگان سیاسی کشورهای منطقه، شانس روسیه را برای بازیگری در این منطقه افزایش می‌داد. (See Kanet and Raquel, ۲۰۱۰: ۸۱) فدراسیون روسیه توانست در مقابل آمریکا پیروز میدان بیرون شده و نقش خود را به عنوان کنشگر خارجی مسلط در تمام این منطقه توانست بازی کند. در «بازی بزرگ جدید» برای نفوذ در آسیای مرکزی دولت‌های محلی صرفاً ابزاری در دست قدرت‌های بزرگ نبودند؛ بلکه رهبران محلی با استفاده از منابع انرژی و موقعیت مهم ژئوپلیتیکی و عوامل دیگرشان توانستند به نفع خود بهره‌برداری نموده و انتخاب‌کننده یکی از قدرت‌های بزرگ برای ائتلاف باشند.

حضور آمریکا در آسیای مرکزی اهمیت ژئوپلیتیکی این منطقه را نشان می‌دهد. هدف درازمدت و کلان آمریکا این بود که با ورود به حیات خلوت روسیه و حضور در منطقه از شکل‌گیری پیمان‌ها و اتحادهای نظامی با ترکیب‌های متفاوتی از ایران، روسیه، هند و چین و برخی دولت‌های آسیای مرکزی جلوگیری کند. در کنار مهار رقبا، تسلط بر مناطق دارای انرژی، مخصوصاً نفت و گاز را برای تأمین منافع انرژی خود تثبیت نموده و سهم خود را از اقتصاد جهانی بیش از پیش افزایش دهد.

روسیه به عنوان وارث اصلی اتحاد جماهیر شوروی در منطقه کشورهای مستقل مشترک المنافع، منافع خاصی دارد و تقریباً بدون رقیب است. رویکرد کلی و اساسی روسیه در کل منطقه کشورهای مستقل مشترک المنافع حفظ انحصاراتی است که از زمان شوروی برای این کشور باقی مانده است. این انحصارات اقتصادی شرایطی را

برای روسیه فراهم می‌آورد که هم رفتار جمهوری‌های بازمانده از شوروی را کنترل نماید و هم اینکه حد اکثر منافع را برای روسیه بدست آورد. این انحصارات در سه بخش اصلی انرژی، ارتباطات و حمل و نقل جمع شده است.

ایده اورآسیاگرایی روسیه در قالب طرح «اوراسیایی بزرگ» نوعی تقابل استراتژیک با ایده «آسیای مرکزی بزرگ» آمریکاست. دیدگاه آمریکایی، آسیای مرکزی بزرگ‌تر علاوه بر جمهوری‌های سابق شوروی؛ شامل افغانستان، پاکستان و هند نیز می‌شود. حضور ایالات متحده و تأثیرگذاری آن بر مناسبات امنیتی اوراسیا برای کشورهای همچون روسیه و چین قابل پذیرش نیست و هر دو قدرت در تلاش برای خروج آمریکا از اوراسیا و حفظ محورهای ژئواکونومیک و ژئو استراتژیک این منطقه برآمده اند. (Olcott, ۲۰۰۴: ۳۷۵) اوراسیا به عنوان آئینه تمام نمای سیاست بین الملل شناخته می‌شود که در آن آمریکا به عنوان ابر قدرت مداخله‌گر جهانی نفوذ خود را گسترش می‌دهد و در مقابل، قدرت‌های منطقه‌ای از تسلط آمریکا بر این منطقه جلوگیری می‌کند. به نظر می‌رسد که هژمونی آمریکا امروز به دنبال تکرار تجربه خاورمیانه در اوراسیا نیز است؛ چرا که تکرار این تجربه در اوراسیا می‌تواند علاوه بر کنترل رقیبان ژئوپلیتیک همچون روسیه و چین، هژمونی جهانی این کشور را نیز تقویت نماید. (برژینسکی، ۱۳۸۵: ۱۲۷) گرچند روسیه دیگر از قدرت سابق برخوردار نیست؛ اما این کشور همچنان می‌تواند برای آینده آمریکا خطرآفرین باشد. ایالات متحده با حمایت ناتو تلاش می‌کند از شکل‌گیری یک هسته قدرت جدید توسط روسیه در اوراسیا جلوگیری کند.

برژینسکی در کتاب «یک استراتژی برای اوراسیا»، هدف کلی آمریکا در این منطقه ژئوپلیتیکی را بدین شکل دسته‌بندی می‌کند:

هدف کوتاه‌مدت؛ تثبیت تکثرگرایی ژئوپلیتیک رایج در منطقه در جهت جلوگیری از ایجاد یک ائتلاف خصومت‌آمیز که بتواند پیشتازی آمریکا را به چالش بکشد.

هدف میان مدت جستجوی شرکای سازگار به رهبری آمریکا در تأمین امنیت از طریق همکاری.

هدف بلندمدت؛ ایجاد هسته جهانی مسوولیت و اشتراک سیاسی به نحوی که هیچ قدرتی توان رقابت چالش برانگیز با آمریکا را نداشته باشد. (رضایی، ۱۳۸۹: ۱۲)

رویارویی آمریکا و چین در آسیای مرکزی

در حال حاضر چین سومین کشور صادرکننده جهان است و پیش‌بینی می‌شود که از نظر حجم تولید ناخالص داخلی تا سال ۲۰۳۹ م به جایگاه ایالات متحده آمریکا دست پیدا کند. به همین دلیل است که بخش بزرگی از ادبیات سیاسی در دو دهه اخیر به ظهور یا صعود چین در ساختار نظام بین الملل اختصاص یافته است. ساموئل هانتینگتن در میانه دهه ۱۹۹۰م که چین هنوز به مرحله کنونی رشد و تأثیرگذاری خود نرسیده بود، ایده چین بزرگ را یک مفهوم صرفاً انتزاعی نمی‌دانست و معتقد بود که چین بزرگ، واقعیتی فرهنگی و اقتصادی است که با شتاب در حال رشد و تبدیل شدن به یک واقعیت سیاسی است. (هانتینگتن، ۱۳۷۸: ۲۷۰)

چین در طول دوران رقابت با ایالات متحده نه سیاست شفاف در قبال آمریکا از خود بروز داده و نه تعامل مطلق با این کشور داشته است. آنچه که در سیاست خارجی چین در آسیای مرکزی دیده می‌شود به نوعی رویارویی با آمریکا در عمل و ساکت بودن در سیاست‌های اعلانی است. روند مناسبات دوجانبه چین و آمریکا را مخصوصاً در سطح منطقه آسیای مرکزی می‌توان تحت عنوان «دوران رقابت‌های استراتژیک» نام‌گذاری کرد که این روند با وجود تغییر دو نسل رهبری در چین (نسل‌های چهارم و پنجم) و نیز روی کار آمدن دولت جمهوری خواه و دموکرات در آمریکا تاکنون ثابت و پایدار باقی مانده است. عوامل بسیاری در شکل‌گیری این شرایط جدید نقش داشتند. وقوع حادثه یازده سپتامبر سال ۲۰۰۱، اشغال افغانستان، حضور مستقیم نظامی آمریکا

در منطقه آسیای مرکزی به ویژه با در اختیار گرفتن دو پایگاه نظامی خان آباد ازبکستان و ماناس قرقیزستان به موازات نگاه استراتژیکی و ژئوپلیتیکی آمریکا به طرح‌های اقتصادی منطقه از جمله خطوط انتقال انرژی موجب شد نگاه رهبران چین به منطقه آسیای مرکزی به صورت قابل توجهی تغییر کند. پکن پس از سال ۲۰۰۱ مرحله متفاوتی را در سطح منطقه آسیای مرکزی به نمایش گذاشت که در کانون آن حضور پر قدرت در عرصه تحولات اقتصادی منطقه بود. (کالچی، ۱۳۹۴: ۳۴۰)

هوشینگ ژائو پژوهشگر چینی در مورد مسائل دفاعی و امنیتی آمریکا و چین در آسیای مرکزی این گونه می گوید:

ساختارهای منافع آمریکا و چین در منطقه آسیای مرکزی کاملاً متناقض است. در حوزه امنیت غیر سنتی، دو کشور دارای دشمنان و اهداف مشترک هستند؛ اما در حوزه امنیت سنتی، از منافع بسیار متفاوتی برخوردارند. این موارد موجب پیچیدگی روابط دو کشور شده است. اگرچه دو طرف می‌توانند در مبارزه علیه تروریسم در آسیای مرکزی با همدیگر همکاری داشته باشند و منافع امنیتی مشترکی را تعریف کنند؛ اما با وجود این، حضور نظامی آمریکا در منطقه آسیای مرکزی موجب نگرانی پکن است. این موضوع، ماهیت پیچیده روابط آمریکا و چین است: هر دو کشور در صدد مبارزه با تروریسم به عنوان تهدیدی علیه امنیت و ثبات هستند؛ اما هرگونه همکاری دو کشور موجب بروز تضادهایی در حوزه امنیت سنتی می‌شود. این تناقضی که میان واقع‌گرایی و منطق ژئوپلیتیک وجود دارد، به طور ضمنی در روابط دو کشور در جهان پس از جنگ سرد قابل مشاهده است. (Zhao, ۲۰۱۲: ۱۸۷)

چین یکی از بزرگ‌ترین واردکنندگان مواد خام و انرژی است که در این میان آسیای مرکزی مهم‌ترین منطقه برای چین در همسایگی این کشور محسوب می‌شود. در راهبرد، امنیت ملی چین، افزایش قدرت این کشور در آسیا از اولویت خاصی برخوردار است. در واقع، نیاز چین به مواد اولیه و منابع انرژی به افزایش حضور سیاسی چین

در آسیا، افریقا و آمریکای لاتین منجر شده است. به همین خاطر نیز می‌توان گفت چین مهم‌ترین رقیب آمریکا در حوزه انرژی به شمار می‌آید. چین شبکه‌ای از خطوط لوله نفت و گاز در آسیای مرکزی ایجاد کرده که تا حدود زیادی ژئواکونومیک منطقه را تغییر داده است. (Cooley, ۲۰۱۲).

رویارویی روسیه و چین در آسیای مرکزی

بدون تردید روسیه تأمین کننده اصلی امنیت در کشورهای آسیای مرکزی است؛ اما چین در چند سال اخیر فعالیت‌های نظامی و امنیتی خود را به طور قابل توجهی افزایش داده است تا جایی که نشانه‌های از رقابت و رویارویی میان آن‌ها مشاهده می‌شود. روسیه و چین تعهدات نظامی و امنیتی خود را در منطقه هماهنگ نمی‌کنند؛ مگر از طریق چهارچوب تمرین‌های نظامی مشترک که توسط سازمان همکاری شانگهای انجام می‌شود که سایر کشورهای عضو نیز در آن مشارکت دارند. با این حال، چین و روسیه هر دو سلاح می‌فروشند، تمرینات نظامی انجام می‌دهند و افسران نظامی را با کشورهای منطقه به صورت دو جانبه آموزش می‌دهند. علاوه بر این، روسیه دو پایگاه در منطقه دارد، یکی با بیش از ۷۰۰۰ سرباز در خارج از دوشنبه در تاجیکستان و یک پایگاه هوایی نظامی با بیش از ۵۰۰ سرباز در کانت قرقیزستان. چین به نوبه خود پایگاهی را در منطقه خود مختار گورنو بدخشان تاجیکستان ایجاد کرده است، اگرچه این پایگاه به طور رسمی یک ایستگاه مرزبانی است. (Shine, ۲۰۱۹)

حضور فعال چین و روسیه به عنوان دو قدرت برتر که اهداف مشابه، موازی و متقابل را در شبکه ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی دنبال می‌کنند، سبب شده سایر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به راهبردهای کنونی و گمانه زنی در باره آینده روابط این دو کشور توجه نمایند. بسیاری از ناظران بر این باور هستند به رغم شواهدی که

مبنی بر همکاری تقویت شده چین و روسیه در شبکه ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی در سال‌های اخیر وجود دارد، سطح فعلی تعامل میان چین و روسیه نمی‌تواند نمای مناسبی برای پنهان کردن سوء ظن و بی‌اعتمادی عمیق بین دو کشور باشد. (جعفری و فلاح، ۱۴۰۲: ۲۰۱)

در واقع، چین و روسیه برای حفظ قدرت سیاسی و اقتصادی و نفوذ در آسیای مرکزی با طرح‌های ادغام منطقه‌ای متناظر خود رقابت می‌کنند. دو طرح از انگیزه‌های بسیار متفاوت سرچشمه می‌گیرند. اتحادیه اقتصادی اوراسیایی مهم‌ترین تلاش روسیه برای گردآوری کشورهای شوروی سابق در اطراف خود از طریق اهرم اقتصادی است. یک کمربند-یک راه ضمن رفع موانع سرمایه‌گذاری و تجارت به دنبال پیوند زمینی با اروپاست. نقاط موازی بین کمربند اقتصادی جاده ابریشم و اتحادیه اوراسیا به تدریج از چند جهت موقعیت فعلی روسیه را به چالش می‌کشد. روسیه از طریق نهادهای فراملی مانند جامعه اقتصادی اوراسیا، فضای اقتصادی واحد و پیمان اتحادیه اقتصادی اوراسیا تلاش می‌کند تا بازار واحد را برای کالاها و خدمات در بین اعضا پیاده‌سازی کند. از سوی دیگر روسیه در تلاش است تا به کشور ترانزیت اصلی منابع انرژی از آسیای مرکزی تبدیل شود و صنعت گاز طبیعی منطقه را تحت سلطه خود در آورد. چین نیز قصد دارد از منابع عظیم آسیای مرکزی استفاده کند و بدین ترتیب انحصار انرژی روسیه در منطقه را به چالش بکشد. در واقع چین محتمل‌ترین رقیب روسیه برای دستیابی به قدرت هژمونیک در این منطقه است. جای شگفتی نیست که بسیاری از نخبگان روس نگرانند کمربند جاده ابریشم بتواند معماری تجاری روسیه را برای منطقه تضعیف ساخته، راه آهن ترانس سبیری را برای رسیدن به اروپا دور زده و بر دسترسی به مواد اولیه و قراردادهای زیر ساختی در آسیای مرکزی چیره گردد. (رئیس‌ی نژاد و بوشهری، ۱۴۰۱: ۱۴۰) از این رو، ورود چین به عصر ساخت ابتکارهای مربوط به اتصال، بخشی مهمی از پویایی‌های نوین منطقه‌ای این دو قدرت را به نمایش

می‌گذارد. تاکنون همه دولت‌های آسیای مرکزی به این طرح پیوسته‌اند و چین اهداف متعددی را در سطح بین الملل از قبیل این ابتکار دنبال می‌کند. (جعفری و فلاح، ۱۴۰۲: ۲۰۸)

جنگ اوکراین چشم‌اندازی سیاسی-جغرافیایی و اقتصادی بین المللی را به طور بنیادی تغییر داده است. از این رو یکی از مناطقی که در معرض تحول قرار گرفت، منطقه آسیای مرکزی است. جنگ در اوکراین چین را وادار کرد تا در گسترش نفوذ خود در اقیانوسیه و آسیای مرکزی و جنوبی فعال‌تر شود؛ در حالی که ایالات متحده و اتحادیه اروپا زیر بار سیاست‌های جنگ طلبانه در قبال روسیه و مشکلات اجتماعی و اقتصادی داخلی هستند. در واقع، حمله مسکو به اوکراین خطر تضعیف تعادلی را که مسکو و پکن با موفقیت در آسیای مرکزی حفظ کرده‌اند، به همراه داشته است. تقسیم کار غیر رسمی که در آن روسیه بازیگر اصلی امنیتی است و چین بر تعامل اقتصادی تمرکز می‌کند که در حال حاضر با ورود پکن به مناطق امنیتی با چالش مواجه شده است که سرعت تغییر می‌تواند شتاب بیشتری بگیرد. (Avdaliani, ۲۰۲۲)

در مجموع می‌توان گفت که روسیه و چین در آسیای مرکزی درگیر یک نوع موازنه تهدید هستند. نقش اقتصادی رو به گسترش چین در آسیای مرکزی در جهت‌گیری مجدد منطقه به چین در حوزه اقتصادی مشخص است، وضعیتی که چالشی مستقیم برای روسیه به حساب می‌آید. در واقع، این دو کشور بیشتر به عنوان بازیگران خود مختار در آسیای مرکزی با هم همکاری می‌کنند. وضعیتی که میان چین و روسیه در آسیای مرکزی وجود دارد می‌تواند با افزایش و کاهش سایه آمریکا به عنوان هژمون در این منطقه دچار همگرایی و واگرایی شود. با کوتاه شدن دست آمریکا از این شبکه ژئوپلیتیکی رقابت چین و روسیه افزایش پیدا خواهد کرد؛ اما با افزایش مداخلات آمریکا همگرایی بیشتر میان این دو کشور در آسیای مرکزی وجود خواهد داشت.

به واسطه رشد سریع تقاضا برای انرژی در چین، دولت این کشور در تلاش است تا راهی برای دستیابی به منابع انرژی حوزه آسیای مرکزی بیابد. چین در اندک زمانی به مهم‌ترین بازیگر در معادلات انرژی آسیای مرکزی تبدیل شده و توانسته با سرمایه‌گذاری‌های گسترده بخش مهمی از منابع انرژی منطقه را سوی بازار خود که بزرگ‌ترین بازار بزرگ مصرف در جهان است، سوق دهد. چین در این منطقه شبکه‌ای از خطوط لوله نفت و گاز ایجاد کرده است، شبکه‌ای که ژئواکونومی منطقه را تغییر داده است. در این چارچوب اولین خط لوله فراملی که چین احداث کرد، خط لوله نفت چین-قزاقستان است. (امیر احمدیان و صالحی، ۱۳۹۲: ۱۳) این خط که ۲۲۰۰ کیلومتر طول دارد، منابع نفت قزاقستان در سواحل دریای خزر و سایر منابع نفتی این کشور را به آلاشانکو در مرز چین و قزاقستان انتقال می‌دهد. این خط لوله چین را قادر می‌سازد تا به طور مستقیم و بدون واسطه روسیه از آسیای مرکزی نفت وارد کند. به علاوه، این خط لوله به چین امکان می‌دهد تا به منابع انرژی روسیه در غرب سیبری نیز متصل شود. (Blank, ۲۰۱۰: ۱۰-۱۲)

استراتژی انرژی چین در جهت آسیای مرکزی عمدتاً سه بعد دارد. اول، تأسیس روابط طولانی مدت انرژی با منطقه از طریق ادغام اقتصادی و توسعه روابط تجاری؛ دوم، ساخت خط لوله های مستقیم حامل نفت و گاز از کشورهای تولید کننده در منطقه به چین و سوم کاهش نقش کشورهای فرامنطقه‌ای حریص در دولت‌ها آسیای مرکزی است. (Naddakumar, ۲۰۰۹: ۱۰۳) چین اکنون به مهمترین خریدار انرژی منطقه و همچنین به مهمترین منبع تأمین مالی پروژه های نفت و گاز در کشورهای آسیای مرکزی تبدیل شده است. در سال ۲۰۰۹ چین وام ۳ میلیارد دلاری را برای توسعه یکی از میادین گازی به دولت ترکمنستان پرداخت کرد و در سال ۲۰۱۰ نیز وام ۱۰ میلیاردی به قزاقستان پرداخت کرد، وامی که در آینده باید از محل فروش نفت قزاقستان به چین بازپرداخت شود. علاوه براین، چین برنامه های گسترده‌ای برای

افزایش تعامل با کشورهای این منطقه در آینده دارد، برنامه هایی که نماد آن احداث چند خط لوله جدید در یک دهه آینده برای انتقال انرژی این منطقه به بازار چین است. به علاوه، دولت چین برنامه‌ای را برای تبدیل کردن سین‌کیانگ به کانون انرژی منطقه کرده است، برنامه‌ای که حدوداً ۱۰۰ میلیارد یوان برای اجرای آن هزینه خواهد شد. (Petersen, ۲۰۱۱: ۳۹)

چین برای تسخیر منابع و بازارهای انرژی آسیای مرکزی با موانع ژئوپلیتیک و سیاسی دشوار، از جمله رویارویی با آمریکا و روسیه مواجه است. این کشور برای بهره‌برداری از منابع گاز روسیه در منطقه سیبری، خواهان عبور خط لوله انتقال گاز به طول مستقیم به چین است؛ با این وصف این کشور اقدام به انعقاد قراردادهای متنوعی با سایر تولیدکنندگان بزرگ منطقه نموده است.

مجموع فعالیت‌ها و اقدامات چین و رشد سریع این کشور در عرصه‌های مختلف نشان دهنده این مسئله است که در رویارویی و رقابت میان سه قدرت برتر نظام بین الملل، چین با توجه به شواهد و مدارک رشد سریعش و با توجه به تعاملاتی خوبی که با دولت‌های آسیای مرکزی دارد، گامی به جلو نسبت به رقبای خود در این منطقه است. شبکه ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی در کشاکش منافع قدرت‌های بزرگ سیستم، در شرایط حاضر بیشتر تحت تأثیر اژدهای خفته‌ای است که الان در حال بیدار شدن است و می‌تواند دنیا را دچار تغییر و تحول کند.

روسیه و چین در خلأ قدرت آمریکا در آسیای مرکزی قطعاً وارد رقابت شد و هر کدام منافع بیشتر برای خود تعریف خواهد کرد؛ اما در حضور قدرت بزرگ مداخله‌گر مثل آمریکا، این دو کشور تلاش خواهند کرد تا از تنش‌های خود در این منطقه کاسته و نوعی سیاست همگرایی و تقسیم کار را دنبال کنند. این مسئله به دلیل ایجاد ائتلاف علیه قدرت مداخله‌گر، یعنی آمریکا، خواهد بود.

در مجموع مجموعه فاکتورهایی که می‌تواند چین را در این رویارویی در موقعیت برتر قرار دهد، عبارتند از:

اول، چین می‌تواند بسته‌های مالی و سرمایه‌گذاری گسترده در مقیاس غیر محتمل برای شرکت‌های غربی یا برای موسسات روسیه پیشنهاد دهد. دوم، برخی از تحلیل‌گران مدعی هستند که ریشه‌های موفقیت چین از سیاست عدم مداخله سیاسی‌اش در مسائل داخلی و پذیرش قوانین غیر رسمی موجود آن نشأت می‌گیرد. (Cabestan, ۲۰۱۱) چیزی که برای رهبران آسیای مرکزی جذاب‌تر است این است که استراتژی پکن توسعه پروژه‌های سرمایه‌گذاری است که برای هر دو طرف مفید است و از همه مباحث مربوط به امور سیاسی داخلی اجتناب می‌کند. (Gente, ۲۰۱۴) سوم، چین در عرصه‌های مختلف اقتصادی، نظامی و سیاسی در حال سبقت گرفتن از رقبای خود در عرصه جهانی است. روند رشد چین اگر اینگونه شتابان پیش رود می‌تواند به راحتی در آینده نه چندان دور از آمریکا عبور کرده و نظم جدیدی را در جهان تعریف کند. این مسئله شانس چین را در این رویارویی برای پیروزی بیشتر می‌کند.

نتیجه‌گیری

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، منابع انرژی آسیای مرکزی و انتقال آن و همچنین اهمیت ژئوپلیتیکی آن، سبب رقابت بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شده و عامل مهمی در شکل‌گیری استراتژی‌ها و سیاست‌های ژئوپلیتیک در این شبکه شمرده می‌شود که می‌توان رقابت قدرت‌های بزرگ ساختار مثل آمریکا، چین و روسیه را به عنوان بازی بزرگ جدید تحلیل کرد. به دلیل اینکه قدرت‌های بزرگ ساختار خود را از مصرف کنندگان اصلی منابع انرژی دریای خزر می‌دانند، نقش تعیین کننده‌ای در چرخه صدور انرژی آسیای مرکزی به بازار مصرف از طریق دولت‌های ترانزیت کننده انرژی دارند. جذابیت‌های ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی باعث رقابت قدرت‌های بزرگ در این منطقه شده و هر کدام به دنبال رسیدن به سهم بیشتر هستند. هر کدام از قدرت‌های بزرگ مثل آمریکا، چین و روسیه به دنبال حفظ سیاست خود بر منطقه هستند. تلاش روسیه برای تبدیل شدن به یک بازیگر موثر بین المللی در عرصه انرژی و نیز روند رو به رشد نقش و مشارکت قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی در قلمرو تحولات انرژی به خوبی بیانگر جایگاه ممتاز آسیای مرکزی در این زمینه می‌باشد. آمریکا نیز یکی از قدرت‌های اصلی صاحب نفوذ در منطقه است که نقش انرژی را برای پیشبرد اهدافش مد نظر قرار داده است. رشد وابستگی آمریکا به واردات نفت از منابع خارجی موجب شده است که همواره مناطق دارای ذخایر غنی انرژی در سیاست خارجی این کشور از اهمیت بالایی برخوردار باشند. چین نیز به عنوان قدرت نو ظهور فعالیت‌های گسترده‌ای را برای تسلط بر منابع انرژی منطقه ترتیب داده است. پکن میلیاردها دلار در انرژی منطقه سرمایه‌گذاری کرده و این سرمایه‌گذاری‌ها با استقبال جمهوری‌های آسیای مرکزی مواجه شده است. در مجموع به دلیل اهمیت فراوان شبکه ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی رقابت میان قدرت‌های بزرگ روز به روز تنگاتنگ‌تر شده و هر کدام به دنبال استفاده بیشتر بر می‌آیند.

سرچشمه‌ها

الف: منابع فارسی

- برژینسکی، زبینگیو (۱۳۸۵) پس از سقوط، ترجمه امیر حسین توکلی، تهران، انتشارات سبزان.
- بیسلی رایان کا و دیگران (۱۳۹۳) نگاهی تطبیقی به سیاست خارجی قدرتهای بزرگ، ترجمه عسکر قهرمانپور، تهران، ابرار معاصر.
- پل سالم در شان کلارک و سابرینا هوک (۱۳۹۳) آمریکا و قدرت‌های بالنده در خاورمیانه، تهران، نشر نی.
- جعفری، علی اکبر، فلاح، مهرداد (۱۴۰۲) هژمونی منطقه‌ای چین در آسیای مرکزی و موازنه تهدید با روسیه، روابط خارجی، سال پانزدهم، شمال اول.
- چکینی زاده، غلامعلی (۱۳۸۶) قدرت‌یابی چین: رویکردی نظری به تغییر در سیاست بین الملل، مجله پژوهش حقوق و سیاست، سال نهم، شماره ۲۲، بهار و تابستان.
- رضایی، علی رضا (۱۳۸۷) چین و موازنه نرم در برابر هژمونی ایالات متحده آمریکا در عرصه نظام بین الملل، فصلنامه رابهرد، شماره ۱۶.
- رئیسی نژاد، آرش و بوشهری، مصطفی (۱۴۰۱) مثلث جاده ابریشم نوین: چین، روسیه و اروپا، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸.
- شفیع، نوذر (۱۳۸۲) ژئواکونومی خط لوله گاز ایران به جنوب آسیا و پیامدهای امنیتی آن، فصلنامه سیاست دفاعی، شماره ۴۲، بهار.
- عزتی، عزت الله (۱۳۸۰) جغرافیای سیاسی جهان اسلام، قم، ترجمه و نظر المصطفی.

- عزتی، عزت الله (۱۳۸۲) ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم، چاپ اول، انتشارات سمت.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۸۷) ساخت ژئوپلیتیکی سیستم نوین بین الملل و استراتژی نظامی امنیتی ایالات متحده آمریکا، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۲.
- کالاجی، ولی کوزه‌گر (۱۳۹۴) سیاست خارجی آمریکا در آسیای مرکزی: روندها و چشم‌اندازها، تهران، مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی.
- کوهن، سائول برنارد (۱۳۸۷) ژئوپلیتیک نظم جهانی، ترجمه عباس کاردان، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- لورو، پاسکان؛ توال، فرانسو (۱۳۸۱) کلیدهای ژئوپلیتیک، ترجمه حسن صدوق، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- مجتهد زاده پیروز (۱۳۷۹) ایده‌های ژئوپلیتیک و واقعیت‌های ایرانی، تهران، نشر نی
- میر حیدر، دره (۱۳۷۷) ژئوپلیتیک: ارائه تعریفی جدید، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۵۱، زمستان.
- ویسی، هادی (۱۳۸۸) جایگاه خلیج فارس در تحولات ژئواکونومی جهان (مطالعه موردی: صادرات گاز طبیعی ایران) فصلنامه علوم سیاسی، سال دوازدهم، شماره ۴۶.

ب: منابع انگلیسی

- Andrei P. Tsygangov, (2009) Russia and America, the Asymmetri Rivalry, polity press, 2019 Tulepbegenova, Gulsana, the greater central Asia project: present state and evaluation, central Asia and Caucus, No 1(55).

- Available at: <http://www.nytimes.com/2012/06/09/Opinion>.
- Avdani, Emil (2022). Russia, s war creates opportunities for china in central Asia. Aavailable at: [http://chinaobservers.eu/Russias-war-creates opportunities for china in centra asian](http://chinaobservers.eu/Russias-war-creates-opportunities-for-china-in-centra-asian).
- Blank, Stephen (2010), "The Strategic Implications of the Turkmenistan-China
- Central Asia", EUCAM, Working Paper, London: Center for European Reform.
- Commerce, Available at: www.iccwbo.org/.../Policy%20Statement%2.
- Cabestan, J. (September 2011), "Energy Cooperation between China and
- Central Asia". In China analysis, Available at: [http://www.centreasia.eu/sites/default/files/publications_pdf/china_an alysis_the_new_greatgame_in_central_asia_september2011.pdf](http://www.centreasia.eu/sites/default/files/publications_pdf/china_analysis_the_new_greatgame_in_central_asia_september2011.pdf), Accessed on: 14 July 2015.
- Cooley, Alexander (2012), " In Central Asia, Public Cooperation and Private
- Dalby, Tuathail G., Dalby, S. and Routledge, (1998) the geopolitics reader, London, New York: routledge.
- Dhaka, Ambrish (2005) south Asia and central Asia- geopolitical dynamics, Mangal Deep Publications, Jaipur.
- Fukuyama Francis (1398) the end of history, national interest, vol1,16.

- Gente, R. (2014, January 24), "Is Russia Abandoning Turkmenistan
- Chronicles of Turkmenistan". Available At <http://www.chrono-tm.org/en/2014/01/is-russia-abandoning-turkmenistan>, Accessed on: 26 June 2015.
- Glassner Martin and Fahrer, Chuck (2004), "Political Geography", (USA: John
- Hausheng Zhao (2012) china and Afghanistan: china, s interest, stance, and perspective. A report of the centre for strategic and international studies Russia and Eurasia program, march.
- Ikenberry John, (2012) the future of the libral world order, foreign affairs, 17-29
- Ikenberry, John, Jisi, Wang and Feng Zhu (2015) America, China and the struggle for world order: ideas, traditions, historical legacies and global bisions, Palgrave Macmillan.
- Klieman, Ahoron (2015) great powers and geopolitics, international affairs in a rebalancing world, Springer publication.
- Mersheimer, John and Berezniki, Zenbegnew (2004) clash of tittans, www.foreignpolicy.com.
- Michael D. Swain (2011) America's challenges-engaging a rising china in the twenty first century, Carnegie Endowment for international peace, 2011.

- Nandakumar, Janardhanan (2009), "China's Search for Energy and its Strategy
- Olcott, M. B. (2013), "China's Unmatched Influence in Central Asia", Carnegie
- Endowment for International Peace, Available at [http://carnegieendowment.org/2013/09/18/china-s-unmatched-influencein-](http://carnegieendowment.org/2013/09/18/china-s-unmatched-influencein-central-asia/gnky)
- central-asia/gnky, Accessed on: 20 June 2015.
- Petersen, Alexanderes (2011), "China, Russia and Geopolitics of Energy in
- Pipeline Project", China Brief, No. 3
- Shin, Gerry (2019). In central Asia's forbidding highlands, a quiet newcomer: chines troops. The washington polt.
- towards Central Asia", Global Data – DMV Business and Market ResearchHyderabad, India, International Journal of Energy Sector Management, Vol. 3 No. 2
- Tsygancov, Andrei (2019) Russia and America: the asymmetric rivalry, Cambridge.

د قرآن کریم په رڼا کې د اسراف غندنه (موضوعي څېړنه)

لنډيز

په دې لنډه لیکنه کې د قرآن کریم د یوې مهمې موضوع په اړه چې د اسراف یا په ناوړه توګه د مال لګښت دې څېړنه ترسره کېږي. غواړم په دې لیکنه کې د موضوعي تفسیر او څېړنې کوم چې د توصیفي او تحلیلي په تګلارې بنا شوی د قرآن کریم هغه آیتونه راټول کړم چې د یادې موضوع په اړه بحث کوي. قرآن کریم د اسراف په اړه ګڼ آیتونه لري، چې ځینې یې د اسراف کولو څخه په منع کېدو او ځینې نور یې د اسراف کوونکو غندنه کوي. همدا راز قرآن کریم د اسراف کوونکو تشبیه د شیطانانو له ورونو سره ورکوي، او بیا د اسراف بدې پایلې په نښه کوي.

له شک پرته اسراف یوه بده پدیده ده چې ټولنه د تباهی په لور سوقوي او د وګړو ترمنځ واټونه او فاصلې ایجاد، مینه او محبت له منځه وړي، او پر ځای یې عداوت او دښمنۍ زېږوي. د دې لیکنې په پایله کې تر لاسه شوه چې د اسراف د کلمې مشتقات په قرآن کریم کې (۲۳) ځایه په (۲۱) آیتونو کې ذکر شوي، همدا راز د اسراف د مرادفې کلمې (تبذیر) مشتقات هم په قرآن کریم کې (۳) کرته یاد شوي، او یو ځل د (فرط) کلمه د اسراف په معنا کارول شوې ده. اسراف کول یوه بده پدیده ده، چې د شیطان وروڼه یې ترسره کوي، او ترسره کوونکي یې د هلاکت کندی ته غورځوي، او په آخرت کې یې جهنم ځای ګرځي.

کلیدي ټکي: اسراف، تبذیر، ناوړه لګښت، قرآن کریم، موضوعي، غندنه،

څېړنه.

Abstract

This brief article presents a thematic analysis of one of the important subjects in the Holy Qur'an—extravagance, or the misuse of wealth. The article uses a descriptive and analytical approach to collect and study Qur'anic verses that address this issue.

The Qur'an includes many verses related to extravagance; some of them explicitly prohibit it, while others condemn those who engage in it. Furthermore, the Qur'an likens extravagant people to the brethren of devils and highlights the destructive consequences of such behavior.

Without a doubt, extravagance is a harmful phenomenon that leads society toward ruin. It creates distances and divides among individuals, destroys love and affection, and gives rise to enmity and hatred.

The study concludes that derivatives of the word "extravagance" are mentioned 23 times in 21 verses of the Qur'an. Additionally, the synonymous term "Tabzir" appears 3 times, and the word "Farth" is used once in the same context. Extravagance is portrayed as an evil practice carried out by the devil's companions, leading individuals toward destruction and Hell in the Hereafter.

Keywords: Israf, Tabdheer, Holy Qur'an, Thematic, Condemnation, Research.

Dawat Academic Journal

Fifth Year, Issue 2
(Fall & Winter 2024-2025)

Volume
11

Received: 2024-11-30
Accepted: 2025-2-23

www.dawat.edu.af
Journal@dawat.edu.af

سریزه

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله وسلم وبارك على نبينا محمد وعلى آله
وأصحابه أجمعين. وبعد:

اسراف يا ناوړه لگښت يوه داسې پدیده ده چې ډېر خلک يې په اړه پام نه کوي، د استعمال په مختلفو شيانو کې له اړتيا څخه زيات مصرف کوي، کوم چې د ټولنې لپاره گټې ستونزې زېږوي او د خلکو او په ځانگړي ډول د بي وزلو ژوند د مشکلاتو سره مخ کوي.

له همدې امله اسلام کې اسراف ډېره بده پدیده ښودل شوې ده، او په قرآن کریم ورڅخه دځان ساتلو په اړه گټې سپارښتنې راغلې دي، او بيا اسراف کوونکي د شيطان له ورونو سره تشبیه شوي دي، نو لازمه وه چې د دې بدې پدیدې په اړه د قرآن کریم آيتونه راټول او هغه سپارښتنې ترې واخلو کومې چې د انسانانو لارښوونې لپاره شوې دي.

د موضوع ارزښت په دې کې دی چې گڼ شمير انسانان د ژوند په مختلفو اړخونو کې د اسراف ښکار شوي دي، او همدا بده پدیده په خلکو کې خپره شوې چې له امله يې په خوراک، خښاک، پوښاک او د ژوند په نورو چارو کې اسراف او له اړتيا زيات توکي استهلاکوي؛ کوم ته چې اسراف ويل کېږي، نو لازمه مې وگڼله چې په دې اړه د قرآن کریم هغه لارښوونې راټولې کړم چې له دې بدې پدیدې خلک منع او سختې سزاگانې يې ورته مقررې کړې دي.

زموږ په گران هيواد افغانستان کې چې يو له بې وزلو هيوادونو څخه دی، ډېر شتمن خلک د خوراک خښاک او پوښاک او داسې نورو خيزونو په استهلاک کې بې پروايي کوي، او هغه څه چې بايد غريبانو او فقيرانو ته ورسېږي بې ځايه غورځول کېږي، نو

له دې امله اړینه وه چې د دې موضوع په اړه د قرآن کریم سپارښتنې راټولې او په یوه مقاله کې ځای پر ځای شي.

همدا راز د اسراف په اړه سختو وعیدونو دې ته وهڅولم چې د اسراف په اړه لیکنه وکړم خو خپل هیوادوال د دې بد عمل له پایلو څخه خبر شي.

د اسراف موضوع په هره زمانه کې او هر ځای کې خورا اړینه موضوع ده، او له دې کبله طبیعي ده چې په یاده موضوع کې ډېرې لیکنې شوې، خو تر کومه چې څېړنیزې او تحقیقي لیکنې دي نو هغه زموږ په هیواد کې او په ځانګړې ډول پښتو ژبه کې په نشت شمېرل کېږي. د اسراف په موضوع کې په عربي ژبه ډېر څه لیکل شوي چې بېلګې یې په لاندې ډول دی:

۱. الاسراف في ضوء القرآن الكريم، د څېړونکې وفاء بنت يحيى الحسني د ماسترۍ تیزس دی چې تقریبا ۵۰۰ مخونه لري، او د أم القرى له پوهنتون څخه یې ماستري پرې اخیستې، دا اثر په عربي ژبه ده، او په کال ۱۴۲۹ هـ لیکل شوې.

۲. الاسراف، أنواعه وعلاجه في ضوء القرآن الكريم دراسة موضوعية، د دکتور بهاء الدين مرتضى مقاله ده، چې د جامعة الامام محمد بن سعود پوهنتون په علمي مجله (۵۲) مه ګڼه، ۱۴۴۰ هـ کال کې خپره شوې ده.

۳. الاسراف في ضوء القرآن الكريم دراسة قرآنية موضوعية، د دکتور محمود هاشم محمود عنبر مقاله ده، چې د الجامعة الاسلامية (غزة) پوهنتون په علمي مجله کې په ۲۰۱۱ م کال لومړۍ ګڼه کې خپره شوې ده.

پورتنۍ لیکنې یا خو خورا اوږدې دي، او یا که اوږدې نه دي خو په عربي ژبه دي چې زموږ د هیواد ډېر لوستونکي ترې ګټه نه شي پورته کولی، له دې کبله اړینه وه چې په پښتو کې په یاده موضوع کې لیکنه ولرو.

د څېړنې تگلاره

په دې څېړنه کې د موضوعي تفسیر له تگلارې څخه کار اخیستل شوی، کومه چې په توصیفي او تحلیلي څېړنې بنا ده، نو د قرآن کریم هغه آیتونه راټولوم چې د اسراف په اړه دي، بیا یې مرادف کلمات را اخلم او د مفسرینو د ویناوو په پام کې نیولو سره هغه آیتونه د موضوعي تفسیر په بڼه تفسیر او له هغې څخه فوائد، احکام او مسائل استفاده کوم. د یادونې وړ ده چې د قرآن کریم د معانیو ژباړه مې د قدرمن مولوي صاحب فاروق غلجي له ژباړې اخیستې ده.

د مقالې جوړښت

مقاله په لاندې بحثونو ویشل شوې:

- لومړۍ بحث: د اسراف معنا او مفهوم
- دوهم بحث: د اسراف مترادف کلمات
- درېیم بحث: د اسراف او تبذیر ترمنځ توپیر
- څلورم بحث: په قرآن کریم کې د اسراف او تبذیر د کلمو یادون
- پنځم بحث: په قرآن کریم کې د اسراف کلمې معناگانې
- شپږم بحث: د اسراف د غندنې په اړه د قرآن کریم اسلوب
- پایلې
- اخځلیکونه

لومړۍ بحث: د اسراف معنا او مفهوم

اسراف د (اَسْرَفَ يُسْرِفُ) له باب څخه اخیستل شوې کلمه ده چې ثلاثي اصل یې (سَرَفَ) دی او له حد څخه تېرېدلو، او له پامه غورځولو په معنا راځي، د انسان په کړنو کې له حد څخه تېرېدلو ته (السرف) وايي، او د مال په مصرفولو کې مشهور دی او

زیات استعمالېږي. (ابن فارس، ۱۳۹۹ هـ ۱۹۷۹ م، ۳ / ۱۵۳، راغب اصفهاني، بی تا ۲۳۰)

او د شریعت په اصطلاح کې د اسراف تعریف علماوو داسې کړی: «إنفاق المال الكثير في الغرض الخسيس». (الجرجاني، بی تا، ۲۰-۲۱) ژباړه: د معمولي موخې لپاره ډېر مال مصرفول.

دوهم مبحث: د اسراف مترادف کلمات

اسراف ګڼ مترادف کلمات لري، لکه: بذخ، تبذیر، فرط وغیره، خو په قرآن کریم کې د اسراف مترادف کلماتو څخه د تبذیر او فرط کلمات استعمال شوي دي، چې د (تبذیر) کلمه له (بَذَرَ) څخه اخیستل شوې کوم د شپندلو او ویشلو په معنا راځي، عرب وایي: «بذرت البذر» یعنې تخم مې وشپنده. او «بذرت المال» مال مې په اسراف سره وشپنده یا وويشه. (ابن فارس، ۱۳۹۹ هـ ۱۹۷۹ م، ۱ / ۲۱۶)

او تبذیر د شریعت په اصطلاح کې: «تفريق المال على وجه الإسراف» ژباړه: د اسراف په توګه د مال ویشل یا شیندل. (الجرجاني، بی تا، ۳۸)

او بله کلمه د (فرط) او (افراط) ده چې په اصل معنا کې خو د وړاندې والي، بیړې او زیاتوالي په معنا راځي خو کله کله د اسراف په معنا هم کارول کېږي لکه د قرآن کریم په دې آیت کې چې د ځینو مفسرینو په اند د اسراف په معنا کارول شوې ده، الله تعالی فرمایي: ﴿وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرْطًا﴾ [الکَاف: ۲۸] ژباړه: او د داسې کس مه مننه چې موږ د هغه زړه له خپله یاده غافل کړی او په خپل هوس پسې روان شوی او کار یې (یو مخ) تباهي او زیاتی دی. (۲۸)

د (فُرطاً) کلمې په اړه ابن الجوزي له ابو عبیده رحمهما الله څخه نقل کوي چې فرمایي: فرطاً: سرفاً وتضييعاً. یعنې د اسراف او ضایع کولو په معنا دی. (ابن الجوزي، ۱۴۲۲هـ/۷۸/۳)

لنډه دا چې د اسراف د کلمې مترادفات په قرآن کریم کې یوازې د (تبذیر) کلمه راغلې ده او یو ځای کې د (فرط) کلمه هم د ځینو مفسرینو په اند د اسراف په معنا کارول شوې.

درېیم بحث: د اسراف او تبذیر ترمنځ توپیر

ځینې مفسرین په دې نظر دي چې د اسراف او تبذیر ترمنځ توپیر نشته، بلکې دواړه د یو بل په معنا استعمالیږي. (ابو حیان، ۱۴۱۳هـ، ۶/۲۷، القرطبي، ۱۴۰۵، ۱۰/۲۴۷، ابن کثیر، ۱۴۱۶هـ/۵۳/۳).

خو د لغت له نظره هم څرگندېږي چې د اسراف او تبذیر ترمنځ توپیر شتون لري؛ ځکه چې اسراف یوازې په مصرفولو کې له حد څخه تېري کولو ته وايي او تبذیر بیا مال داسې مصرفول دي لکه چې بیخي وشیندل شي، نو له دې معلومېږي چې تبذیر له اسراف څخه د معنا په لحاظ زیاتوالی لري.

له دې کبله علماوو یې هم په دې ډول توپیر کړی دی: «الإسراف: صرف الشيء زائداً على ما ينبغي، أما التبذير فإنه صرف الشيء فيما لا ينبغي». (الجرجاني، بی تا، ۲۱) یعنې اسراف د اړتیا پر مهال د اړتیا څخه زیات مصرفولو ته وايي، او تبذیر له اړتیا پرته زیات مصرفولو ته وايي.

ځینو یې بیا داسې توپیر کړی دی چې: اسراف د لګښت اندازه کې له حد څخه تیري کولو ته وايي او تبذیر د لګښت په محل کې له حد څخه تیري ته وايي. (الکفوي، ۱۴۱۹هـ، ۱۱۳)

په هر صورت خو د قرآن کریم له آیتونو څخه هم معلومېږي چې د اسراف معنا عامه ده او تبذیر خاص ډول لگښت ته وايي.

بله مهمه خبره داده چې اسراف یوازې د مال لگښت لپاره نه استعمالېږي، بلکې هر څه چې بې ځایه مصرفېږي هغه ته اسراف وايي، لکه چې الله متعال د لوط علیه السلام د قوم عمل ته هم اسراف وویل ځکه چې دوی د حرث له ځای څخه گټه نه اخیسته او د خپلو خواهشاتو پوره کولو لپاره یې نا مناسب ځای کارولو. (راغب اصفهاني، بي تا، ۲۳۰)

الله تعالی فرمایي: ﴿إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّنْ دُونِ الْنِسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ﴾ [الأعراف: ۸۱] ژباړه: تاسو ښځې پرېږدئ نارینه ؤ ته شهوت لپاره ورځئ، بلکې تاسو (بالکل) له حده تېرېدونکي خلک یاست.

خلورم مبحث: په قرآن کریم کې د اسراف او تبذیر د کلمو ذکر

د (سرف) ماده په قرآن کریم کې د ټولو مشتقاتو سره په (۲۱) آیتونو کې (۲۳) ځله یاده شوې، (محمد فؤاد، ۱۹۸۲م، ۳۴۹-۳۵۰) چې د مختلفو اشتقاقونو بڼې یې په لاندې ډول دي:

- مصدر: (إسرافنا/إسرافاً) ۲ ځل.
- فعل ماضي: (أسرف/أسرفوا)، ۲ ځل.
- اسم فاعل مفرد: (مسرف) ۲ ځل.
- اسم فاعل جمع منصوب یا مجرور: (مسرفین) ۱۰ ځل.
- اسم فاعل جمع مرفوع: (مسرفون) ۳ ځل.
- فعل مضارع مفرد: (یسرف) ۱ ځل.
- فعل مضارع جمع: (یسرفوا) ۱ ځل.

- نهی جمع مخاطب: (ولا تسرفوا) ۲ خل.
- چې ټولټال: ۲۳ ځله کېږي.

پنځم مبحث: په قرآن کریم کې د اسراف کلمې معناګانې

په قرآن کریم کې د اسراف کلمه په شپږو معناګانو سره راغلې چې په لاندې ډول دي:

۱. اسراف د حرامو په معنا، لکه الله تعالی چې فرمایي: ﴿وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا﴾ [الْبَسَاء : ۶]. یعنې: په حرامه یې مه خورئ.
۲. د موجباتو مخالفت کولو په معنا، لکه چې الله تعالی فرمایي: ﴿فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ﴾ [الْإِسْرَاء : ۳۳] یعنې: د هغه څه مخالفت دې نه کوي چې واجب وي.
۳. د بې ځایه لګښت په معنا، لکه چې الله تعالی فرمایي: ﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا﴾ [الْفُرْقَان : ۶۷] یعنې: هغه کسان چې کله لګښت کوي نو نه بې ځایه مصرفوي او نه شومتوب کوي.
۴. له حد څخه تیري کولو په معنا، لکه چې الله تعالی فرمایي: ﴿وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا﴾ [الْأَعْرَاف : ۳۱] یعنې: خورئ او څښئ او له حد څخه تېری مه کوئ.
۵. د شرک په معنا، لکه چې الله تعالی فرمایي: ﴿وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ﴾ [غَافِر : ۴۳]، یعنې: مشرکان د اور څښتنان دي.
۶. د ګناهونو په معنا، لکه چې الله تعالی فرمایي: ﴿يَعْبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ﴾ [الزَّمَر : ۵۳] یعنې: ای زما هغو بندگانو چې په خپلو نفسونو باندې یې د ګناهونو زیاتۍ کړې. (فیروزآبادي، بی تا، ۱۰۵/۲)

او د (تبذیر) کلمه په مختلفو مشتقاتو سره درې کرته په قرآن کریم کې یاده شوې او هغه هم په یو سیاق کې چې الله تعالی فرمایي: ﴿وَلَا تُبْذِرْ تَبْذِيرًا ۚ إِنَّ الْمُبْذِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ﴾ [الإِسْرَاءُ : ۲۶ - ۲۷]. ژباړه: او بې ځایه لگښتونه مه کوه (۲۶) یقیناً بې ځایه لگښت کوونکي د شیطانونو وروڼه دي... (۲۷)

په دې آیت کې د نهی صیغه: (ولا تبذر...) او مصدر یې: (تبذیراً) او همدا راز اسم فاعل: (المبذرين)، صیغې استعمال شوي دي.

دا ټول پر دې دلالت کوي چې ډېر اسراف کولو څخه شریعت په ډېر تاکید سره منع کړې، کوم چې د مفعول مطلق له اسلوب څخه معلومېږي، او زیات اسراف کوونکي یې د شیطانونو وروڼه بللي دي، (مبذر) چې د اسم فاعل صیغه ده دلالت کوي چې د چا عادت اسراف کول وي نو هغه د شیطان ورور دی؛ ځکه اسم فاعل په استمرار او مداومت دلالت کوي.

شپږم مبحث: د اسراف د غندنې په اړه د قرآن کریم اسلوب

څرگنده ده چې اسراف یوه بده پدیده ده، نو حتمي ده چې په اړه به یې د قرآن کریم دریځ منفي وي؛ ځکه قرآن کریم د بدو خوښو او سپکو رواجونو او پدیدو د ختمولو، او د نفسونو د اصلاح لپاره نازل شوی دی، نو کله چې د قرآن کریم هغو آیتونو ته څیر شو کومو کې چې د اسراف یادونه کوي څرگندېږي چې قرآن کریم د اسراف څخه منع کوي، یا یې غندې، کله اسراف کوونکي د شیطانونو وروڼه بلل شوي، او یا یې اسراف کوونکي د الله تعالی له مینې محروم ګڼلي، او یا یې هم د اسراف کوونکو لپاره بد عواقب او پایلې ټاکلي دي، چې هغه آیتونه موږ د مختلفو عنوانونو لاندې یادوو:

لومړۍ: د اسراف څخه منع کول

د قرآن کریم په دوو ځایونو کې له اسراف څخه د (لا تسرفوا) په لفظ سره منع راغلې، او یو ځای کې د (لا تبذر) په لفظ منع راغلې، نو په دې سره د قرآن کریم په دریو ځایونو کې له اسراف څخه منع راغلې ده، او هغه درې واړه آیتونه په لاندې ډول دي:

۱- الله تعالى فرمائي: ﴿وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَّعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ، وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَعَآثُوا حَقَّهُ، يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾ [الأنعام: ۱۴۱] ژباړه: او دی هماغه دی چې په څپریو پراته او بې څپریو باغونه یې پیدا کړي او کجورې او کښتونه چې بېلا بېل خواړه لري، او زيتون او انار چې (په رنگ) سره ورته او (په خوند کې) سره بېل وي، له دې مېوو نه خورئ، چې کله ميوه نيسي او د هغه حق ورکوي (عشر) د فصل اخيستو په ورځ او اسراف مه کوي، بې شکه الله اسراف کوونکي نه خوښوي.

دې آيت کې د فصل او باغونو يادونه شوې ده، او پر انسانانو د لورونې په توگه د خرما، گڼو فصلونو، زيتون او انارو د مختلفو ډولونو د الله تعالى په قدرت سره د پيداينست ذکر راغلي، او بيا ويل شوي چې له دې ميوو څخه خورئ، او د رېبلو په ورځ يې زکات هم ورکړئ، خو اسراف مه کوي؛ ځکه الله تعالى اسراف کوونکي نه خوښوي. نو دا آيت په فصل، ميوو او باغونو کې د اسراف کولو څخه منع کوي، کوم چې خوراكي توکي دي.

۲- الله تعالى فرمائي: ﴿يَبْنَىٰ آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾ [الأعراف: ۳۱] ژباړه: اي د آدم

اولادې! د هر عبادت په وخت کې مو خپل د ښکلا لباس واخلي او خورئ. څښئ خو اسراف مه کوئ، بې شکه هغه (الله) اسرافیان نه خوښوي.

په دې دویم آیت کې هم خوراک ته اشاره ده، خو په سیاق کې د زینت یادونه هم شوې ده، چې د دنیا زینتونه ډېر دي لکه: لباس، موټر، کور وغیره، نو دې ټولو ته شاملېدلی شي.

اگر چې لومړي دواړه آیتونه د خوراک پر مهال د اسراف څخه د منع په اړه راغلي دي خو نه یې عامه ده، او ټولو هغو کړنو ته شاملېږي چې اسراف په کې شونی وي، نو هر څوک چې په هره کړنه کې اسراف کوي په دې نه یې شاملېږي.

شیخ عبد الرحمن السعدي د (وَلَا تُسْرِفُوا) په تفسیر کې فرمایي: په (وَلَا تُسْرِفُوا) کې نه یې عامه ده، یعنې په چارو کې له حد څخه تېری کول، که د فصل خاوند فصل په داسې توګه وخورې چې زکات پکې زیانمن شي، یا په زکات ورکولو کې له حد څخه تجاوز وکړي، او خپل ځان او کورنۍ زیانمنه کړي، دا ټول په هغه اسراف کې شاملېږي چې الله تعالی ترې منع کړې او نه یې خوښوي، بلکې بد یې راځي او پرې غوصه کېږي. (سعدي، ۱۴۲۱هـ، ۲۷۶).

۳- د تبذیر څخه د منع په اړه الله تعالی فرمایي: ﴿وَلَا تُبْذِرْ تَبْذِيرًا ۚ إِنَّ الْمُبْذِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ﴾ [الإِسْرَاءُ: ۲۶ - ۲۷]. ژباړه: او بې ځايه لګښتونه مه کوه، یقیناً بې ځايه لګښت کوونکي د شیطانونو وروڼه دي...

دا درېیم آیت بیا په خپلوانو، فقیرانو او مسافرو باندې د خرچ کولو له امر وروسته راغلی، په دې دلالت کوي چې بل ته په ورکړه کې هم باید له اسراف څخه کار وا نه خيستل شي.

کله داسې هم کېږي چې انسان د خپلوانو په مینه او محبت کې دې حد ته ورسې چې په تعامل کې ورسره ترې اسراف کېږي، نو له دې هم منع راغلی ده، او کله بیا

داسې وشي چې له پردیو سره ډېر اخلاص وکړي او خپل خپلوان د خپلولی له حقوقو څخه محروم شي چې دا هم اسراف کې راځي نو له دې کبله دې خبرې ته هم باید پوره پام وشي.

د اسراف څخه د نهی په اړه دا آیت د مدلول په لحاظ تر ټولو سخت او شدید دی، یو خو دا چې دلته یې اسراف عام ذکر کړی، چې هر ډول اسراف پرېږدئ، او بل دا چې اسراف کوونکي یې د شیطان وروڼه ښودلي دي، لکه څرنګه چې شیطان د الله تعالی د نعمتونو نا شکري وکړه، همدا راز اسراف کوونکي هم د الله تعالی د ورکړو نعمتونو نا شکري په بې ځایه او نا مناسب ډول مصرفولو سره کوي. (قاسمي، ۱۳۷۶هـ، ۳۹۲۱/۱۰)

نو په دې آیت کې د اسراف سخته غندنه شوې، او مُسْرِف د شیطان ورور ښودل شوی، او له اسراف کولو څخه منع شوې.

دوهم: اسراف د کافرانو او د شیطانانو د وروڼو صفت دی

قرآن کریم اسراف کول د کافرانو صفت بللی، د لوط علیه السلام د قوم کرڼې ته قرآن اسراف وویل؛ ځکه چې اسراف په عامه معنا سره یو شی په نا مناسب ځای کې استعمالولو ته وايي، او دوی دا کرڼه کوله، نو ځکه الله تعالی ورته وفرمایل: ﴿بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ﴾ [الْأَعْرَاف: ۸۱] ژباړه: بلکه تاسو (بالکل) له حده تېرېدونکي خلک یاست).

همدا راز فرعون تر ټولو خلکو ستر اسراف کوونکی و؛ ځکه چې د ربوبیت دعوی یې کوله، نو له دې کبله یې له حده تېری کړی و، او له اسراف کوونکو څخه وشمېرل شو، الله تعالی فرمایي: ﴿وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ﴾ [يُونُس: ۸۳] ژباړه: او فرعون خو حتماً په ځمکه کې زورواکی او له زیاتۍ کوونکو څخه ؤ.

فرعون په ظلم او فساد، د خلکو په وژلو، د وینو په تویولو، لویي او سرکښی کې له حد څخه تېری کړی و تر دې چې د ربوبیت دعوی یې کړې وه او د پیغمبرانو لمسي یې په مرییتوب سره نیولي وو. (الألوسی، بی تا، ۱۱/۱۶۹)

په پای کې وینو چې قرآن کریم اسراف کوونکو ته د شیطان د ورونو خطاب کړی دی، لکه چې فرمایي: ﴿إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيْطَانِ﴾ [الإِسْرَاءُ : ۲۷]. ژباړه: یقیناً بې ځایه لگښت کوونکي د شیطانانو وروڼه دي...

نو دې پایلې ته رسېږو چې اسراف کول د هر خبیث او رذیل انسان صفت دی، او مومن ته پکار ده چې له دې بد صفت څخه ځان وژغوري.

درېیم: د اسراف او تقتیر تر منځ توازن ساتل د مومنانو صفت دی

زموږ امت وسط امت دی، او تل الله تعالی دې امت ته د اعتدال او وسطیت لارښوونه کړېده، نو لکه څرنګه چې الله تعالی مسلمانان له اسراف څخه منع کړي دي همدا راز یې د هغه ضد څخه هم منع کړي چې بخل او شومتوب دی، نو مسلمان باید د اعتدال او میانه روی لار غوره کړي، لکه چې الله رب العزت فرمایي:

﴿وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا﴾ [الإِسْرَاءُ : ۲۹] ژباړه: او خپل لاس دې مه تر غاړې تړلی نیسه او مه یې داسې بشپړ پرانیستی چې بیا پر او پښېمانه کېږي.

اګر چې د آیت الفاظ په ظاهر کې رسول الله -صلی الله علیه وسلم- ته خطاب دی خو د هغه پورې خاص نه دي، بلکې ټولو مسلمانانو ته شامل دي، او باید ټول په خرچ کولو کې له میانه روی څخه کار واخلي، برابره ده چې په خپل ځان او کور باندې مصرف کوي او یا نورو باندې، او باید په داسې ځایونو کې مصرف ونه کړي چې د مصرف کولو وړ نه وي، او یا له اړتیا زیات مصرف کړي. له دې کبله الله تعالی د هغو مؤمنانو ستاینه کړې او خپل ځانګړي بندګان یې شمېرلي چې په مصرف کولو کې له

توازن او میانه روی څخه کار اخلي، نه اسراف کوي او نه بخیلان وي، الله تعالی فرمایي:

﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾ [الْفُرْقَان : ٦٧]

ژباړه: او هغوی چې کله لگښت کوي، نو نه زیاتۍ کوي او نه کنجوسي، بلکې د دې ترمنځ سم برابر وي. همدا غوره او مثالي تګلاره ده، چې د اعتدال او میانه روی لار ده، نه اسراف او نه شومتوب.

له دې آیت څخه معلومېږي چې مسلمان د مال په مصرف کولو کې خپلواک نه دی، او نه ورته جائز دي چې خپل مال څرنگه چې وغواړي مصرف کړي، بلکې د مال په مصرفولو کې هم د الله تعالی په حکم سره مقید دی، باید له وسطیت څخه کار واخلي؛ ځکه اسراف د نفس، مال او ټولنې لپاره ګڼ زیانونه لري، او همدا راز شومتوب د نفس او ټولنې لپاره زیانمن دی؛ ځکه چې مال د ټولنیزو خدمتونو سر ته رسولو وسیله ده، او اسراف او شومتوب د دغو خدماتو سر ته رسولو کې خلل پیدا کوي او بالاخره ټولنه ټکنۍ کېږي، او د اخلاقي او اقتصادي فساد لامل ګرځي، نو له دې کبله اسلام د وسطیت لار غوره کړه چې نه په کې اسراف وي او نه بخل، او اعتدال یې د سوچه مؤمنانو صفت ګرځولی دی. (سید قطب، ۱۴۱۲هـ، ۵/ ۲۵۷۹)

څلورم: د اسراف دنیوي او اخروي بدې پایلې

لکه څرنگه چې روښانه شوه چې اسراف یوه بده پدیده ده، او الله تعالی ترې په قرآن کریم کې منع کړې ده، نو لازمه ده چې اسراف به په شخص او ټولنه بدې پایلې پرېږدي، چې قرآن کریم د هغو بدو پایلو څخه چې له اسراف کولو څخه زېږي لاندې پنځو پایلو او عواقبو ته اشاره کړې:

۱. اسراف کوونکي الله تعالی ته ناخوښ مخلوق دی، الله متعال فرمایي: ﴿إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾ [الْأَعْرَاف : ۳۱] ژباړه: بې شکه الله اسراف کوونکي

نه خوشبوي او څوک چې د الله نا خوښ شي نو د هغه له رحمت څخه هم بې برخې کېږي، الله تعالى دې موږ وساتي.

۲. اسراف کوونکی له هدايت څخه بې برخې دی، او تل به په بې لارېتوب کې وي، الله تعالى فرمايي: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ﴾ [غافر: ۲۸]

۲۸] ژباړه: بې شکه الله هغه چاته لار نه ښيي چې زیاتې کوونکې دروغجن وي (۲۸) ﴿كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُّرْتَابٌ﴾ [غافر: ۳۴]، ژباړه: الله همدغه شان هر زیاتې کوونکې شک راوړونکې بې لارې کوي.

۳. اسراف کوونکي تباه کېدونکي دي، الله تعالى فرمايي: ﴿وَأَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ﴾ [الأنبياء: ۹]، ژباړه: او له حده اوښتونکي مو (ټول) تباه کړل. یعنې د اسراف کوونکي پایله هلاکت دی.

۴. الله تعالى له اسراف کوونکو سره د سخت عذاب ژمنه کړې ده. ﴿وَكَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ...﴾ [طه: ۱۲۷]

ژباړه: او په همدې ډول بدله ورکوو هغه چاته چې له بریده اوښتی وي، یعنې: د اسراف کوونکو لپاره د آخرت سخت عذاب ټاکل شوی.

۵. اسراف کوونکي دوزخیان دي: ﴿وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ﴾ [غافر: ۴۳]

ژباړه: او بې شکه زیاتې کوونکي خپله دوزخیان دي. یعنې د اسراف کوونکو ورستی عاقبت به دوزخ وي، او د دوزخ او دوزخیانو ملګري به وي.

پایلي

د دې موضوع په خپرلو سره لاندې پایلو ته رسېږو:

- اسراف د لغت په اعتبار له حد څخه زیات مصرفولو او یا له اړتیا څخه ډېر خرچ کولو ته وايي. او په اصطلاح کې د معمولي موخې لپاره ډېر مال مصرفولو ته وايي.
- د اسراف مترادف کلمات په قرآن کریم کې (تبذیر) او (فرط) کلمات کارول شوي، چې (تبذیر) مختلفو مشتقاتو سره درې ځلې، او (فرط) کلمه یو ځل د اسراف په معنا کارول شوې ده.
- ځینې علماء د اسراف او تبذیر ترمنځ د فرق قائلین نه دي، خو ځینو نور بیا داسې توپیر کوي چې اسراف د اړتیا پر مهال له اړتیا څخه زیات مصرفولو ته وايي او تبذیر له اړتیا پرته مصرفولو ته وايي.
- په قرآن کریم کې د اسراف کلمه په مختلفو مشتقاتو سره ۲۳ ځل په ۲۱ آیتونو کې ذکر شوې ده، چې کله د فعل په بڼه او کله د اسم په بڼه کارول شوې.
- د اسراف کلمه بیا په قرآن کریم کې په شپږو معناگانو راځي چې په مقاله کې یادونه شوې ده.
- اسراف یوه بده پدیده ده چې قرآن کریم په مختلفو اسلوبو سره غندلې ده.
- قرآن کریم له اسراف څخه په دریو مختلفو ځایونو، مختلفو سیاقونو او په مختلفو عبارتونو سره منع کړې ده.
- قرآن کریم اسراف د سترو کافرانو صفت بللی او اسراف کوونکي یې د شیطانانو وروڼه بللي دي.
- مسلمان باید د اسراف او شومتوب ترمنځ د اعتدال او میانه روی لار غوره کړي، نه باید اسراف کوونکی اوسي او نه بخیل.

- اسراف بدې پایلې لري چې قرآن کریم د اسراف پنځو بدو پایلو ته اشاره کړې ده، او مقاله کې یادې شوې دي.

اخځليکونه

- القرآن کریم
- ابن الجوزي، جمال الدي ابو الفرج عبد الرحمن بن علي الجوزي، دار الكتاب العربي-بيروت، (١٤٢٢هـ).
- ابن فارس، أحمد بن فارس بن زكريا، معجم مقاييس اللغة، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، (١٣٩٩هـ - ١٩٧٩م).
- ابن كثير، عماد الدين أبي الفداء إسماعيل الدمشقي، تفسير القرآن العظيم، جمعية إحياء التراث الإسلامي، مؤسسة الريان، الطبعة الأولى: ١٤١٦هـ - ١٩٩٦م).
- أبو حيان، محمد بن يوسف الأندلسي، البحر المحيط، دار الكتب العلمية بيروت لبنان، الطبعة الأولى (١٤١٣هـ - ١٩٩٣م).
- الألوسي، أبو الفضل محمود الألوسي، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني، دار إحياء التراث العربي - بيروت، (ب ت).
- الجرجاني، السيد الشريف الجرجاني الحنفي، دار المنار للطباعة والنشر، (ب ت).
- الراغب الأصفهاني، المفردات في غريب القرآن، دار المعرفة بيروت لبنان، (ب ت).
- السعدي، عبد الرحمن بن ناصر السعدي، تيسير الكريم الرحمن في تفسير كلام المنان، مؤسسة الرسالة، الطبعة الأولى (١٤٢١هـ - ٢٠٠٠م).
- سيد قطب، في ظلال القرآن، دار الشروق، الطبعة السابعة عشر (١٤١٢هـ - ١٩٩٢م).

- الفيروزآبادى، مجد الدين أبو طاهر محمد بن يعقوب، بصائر ذوي التمييز في لطائف الكتاب العزيز، المجلس الأعلى للشئون الإسلامية - لجنة إحياء التراث الإسلامي، القاهرة، (ب ت).
- القاسمي، محمد جمال الدين، محاسن التأويل أو تفسير القاسمي، دار إحياء الكتب العربية، الطبعة الأولى: (۱۳۷۶هـ - ۱۹۵۷م).
- القرطبي، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر القرطبي، الجامع لأحكام القرآن، دار إحياء التراث العربي بيروت (۱۴۰۵هـ - ۱۹۸۵م).
- الكفوي، أبو البقاء أيوب بن موسى الحسيني، الكليات، معجم في المصطلحات والفروق اللغوية، مؤسسة الرسالة بيروت-لبنان، الطبعة الثانية: (۱۴۱۹هـ - ۱۹۹۸م).
- محمد فؤاد عبد الباقي، المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الكريم، المكتبة الإسلامية استانبول-تركيا، (۱۹۸۲م).

محبب الله رحیمی

عضو کادر علمی پوهنځی شرعیات پوهنتون

دعوت

ustadrahimi12@gmail.com

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۷/۴

پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱۲/۱۵

www.dawat.edu.af
Journal@dawat.edu.af

تأثیر خرافات بر باورهای دینی و اصلاح آن در پرتو شریعت

اسلام

چکیده

خرافه به معنای سخن بی پایه، افسانه، و باور غیرعقلانی و غیردینی و رفتاری است که فاقد پشتوانه عقلانی و شرعی بوده و معمولاً ریشه در جهل، ترس، عادت یا تقلید از باورهای نادرست رایج دارد. خرافات از دیرباز یکی از عوامل مؤثر بر جنبه‌های مختلف زندگی بشر به‌ویژه باورهای دینی، بوده است. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، به هدف تبیین تأثیر خرافات بر باورهای دینی، در پی پاسخ به این پرسش که خرافه چه تأثیری بر باورهای دینی مردم دارد و چگونه می‌توان با بهره‌گیری از راهکارهای تربیتی، از آسیب‌های آن پیشگیری کرد؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که خرافه با تضعیف قوه تعقل، زمینه‌ساز رفتارهای مبتنی بر موهومات می‌شود و به سستی بنیادهای اعتقادی منجر می‌گردد. بررسی آموزه‌های قرآنی و روایی گواه آن است که خرافه‌گرایی می‌تواند از زوایای گوناگون بر باورهای دینی اثر گذارد؛ از جمله: شناخت نادرست از خداوند متعال، درک ناقص از معاد، کج‌فهمی دینی، ترویج اباحه‌گری، گریز از جهاد، دین‌زدایی، و تعطیلی تفکر. برای مقابله با این پدیده می‌توان از راهکارهای سلبی و ایجابی بهره گرفت که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: تبیین عوامل خرافه‌گرایی، تشریح پیامدهای خرافه‌باوری، و تلاش در جهت خرافه‌زدایی.

واژه‌های کلیدی: خرافات، باورهای دینی، انحرافات اعتقادی، اصلاح

دینی، شریعت اسلامی.

Abstract

Superstition means baseless talk, legend, and irrational and irreligious belief and behavior that lacks rational and religious support and is usually rooted in ignorance, fear, habit, or imitation of common false beliefs. Superstition has long been one of the factors affecting various aspects of human life, especially religious beliefs. The present article, using a descriptive-analytical method, aims to explain the effect of superstitions on religious beliefs, in order to answer the question of what effect superstition has on people's religious beliefs and how its harm can be prevented by using educational strategies? The research findings show that superstition, by weakening the power of reason, creates the basis for behaviors based on illusions and leads to the weakening of the foundations of belief. A study of Quranic and narrational teachings proves that superstition can affect religious beliefs from various angles; Including: incorrect knowledge of God Almighty, incomplete understanding of the resurrection, religious misunderstanding, promotion of obscenity, avoidance of jihad, de-religion, and closure of thinking. To deal with this phenomenon, negative and positive solutions can be used, the most important of which are: explaining the factors of superstition, explaining the consequences of superstition, and trying to eliminate superstition.

Keywords: Superstitions, religious beliefs, deviations of belief, religious reform, Islamic law.

Dawat Academic Journal

Fifth Year, Issue 2
(Fall & Winter 2024-2025)

Volume
11

Received: 2024-9-25
Accepted: 2025-3-5

www.dawat.edu.af
Journal@dawat.edu.af

مقدمه

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد خاتم النبيين، و على آله الطاهرين و صحابته أجمعين. وبعد! باور بر خرافات به عنوان پدیده فکری و ناشی از فرهنگ عقب مانده و سنتی جوامع انسانی، همواره در طول تاریخ بشر وجود داشته و در قالب باورها، رسوم و اعمالی ظاهر می شود که نه پایه ای عقلانی دارد و نه علمی. این باورها گاهی با اصول و آموزه های اصیل دینی نیز در تعارض می باشند. یکی از بزرگ ترین آسیب های که جوامع دینی به ویژه در دوران ضعف علمی و فرهنگی با آن مواجه شده است، آمیختن دین با خرافات و نسبت دادن امور باطل به دین الهی است؛ امری که موجب تحریف چهره حقیقی دین، گمراهی مردم و مانع رشد فکری و معنوی آنان شده است.

اسلام دینی است که بر عقل، علم و وحی آسمانی استوار است و هر گونه اعتقاد یا رفتار خلاف این اصول را مردود می داند. با این حال، در بسیاری از جوامع اسلامی به ویژه در جوامع سنتی، خرافات به عنوان مجموعه ای از باورها، و رفتارهای بی اساس، در لایه های مختلف زندگی مردم نفوذ کرده است. این باورها گاه به نام دین و گاه به عنوان بخش از فرهنگ بومی در قالب الگوهای مانند شگون، فال گیری، نحوست برخی از روزها، مراجعه نزد تعویذ نویس، طلسم گران، تقدس اشیاء یا افراد بدون مبنا و... بیشتر در جوامع سنتی به ویژه جوامع اسلامی وجود دارد. آنچه یادآوری شد، نمونه های از این خرافات هستند که با اصول بنیادین دین مانند توحید، توکل، قضاء و قدر در تعارض اند. مسئله مهم تاثیرگذاری این خرافات بر تغییر نگرش جامعه است. با توجه به واقعیت، بررسی ریشه ها، مظاهر و آثار خرافات، و تبیین راهکارهای اصلاحی و مبارزه با آن وظیفه ای مهم بر دوش عالمان دین، مبلغان و نخبگان فرهنگی است و این وضعیت نیاز جدی به بررسی دقیق و تحلیل علمی و فقهی دارد. بنا بر این

در این مقاله تلاش بر این صورت می‌گیرد تا با تکیه بر منابع اصیل اسلامی، تأثیرات خرافات بر باورهای دینی را به هدف شناسائی و تحلیل خرافات رایج در جامعه اسلامی، برجسته‌سازی نمونه‌های مشخص از باورهای و رفتارهای خرافی که در میان مردم شائع است و مقایسه آن با آموزه‌های اصیل اسلامی، تبیین دیدگاه شریعت اسلامی در باره خرافات، بررسی تأثیرات خرافات بر عقاید و رفتار دینی مردم، ارائه راهکارهای اصلاحی مبتنی بر شریعت اسلام و نیز تقویت تفکر نقادانه و عقلانی در برابر خرافات را به بررسی گرفته و به این پرسش (خرافات چیست و چه تأثیر بر باورهای اصیل دینی دارد؟) پاسخ ارائه کند. این تحقیق از نوع تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده و داده‌های لازم با رویکرد کتابخانه‌ای و کیفی جمع‌آوری شده است. نتایج این تحقیق تا جای می‌تواند به عنوان یک پاسخ علمی به این نیاز، در اصلاح باورهای دینی نقش مهم ایفا نماید. همین‌گونه جهت پیش‌گیری از انحرافات عقیدتی و شرعی با شناسایی خرافات و تبیین مرز آن‌ها با آموزه‌های دینی می‌تواند از گسترش باورهای نادرست و رفتارهای شرک‌آمیز جلوگیری نماید که اهمیت علمی و کاربردی تحقیق را مشخص می‌کند.

پیشینه تحقیق

پدیده خرافات همواره مورد توجه اندیشمندان علوم دینی، روانشناسان، جامعه‌شناسان و پژوهش‌گران فرهنگی بوده و آثار متعددی به زبان فارسی و عربی در این زمینه به نگارش در آمده است که از میان آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. **دین، خرافه و تحریف؛** نوشته‌ای است از محمد حسین ربانی که ایشان در این کتاب به بررسی مرز میان دین و خرافه می‌پردازد و تلاش می‌کند تا مخاطب را با دیدگاهی منطقی و دقیق نسبت به این موضوع آشناسازد. ایشان بیشتر از دلائل شرعی در رد خرافات استناد نموده اند؛ اما برای شناخت خرافه کمتر توجه صورت گرفت است.

۲. آسیب‌شناسی دین داری؛ نوشته‌ای سید عبد الله حسینی، ایشان در بخشی از این کتاب خود بحثی از خرافه نموده‌اند، مثلاً تعریف معیار و عوامل خرافات در جامعه؛ اما دلایل رد بر خرافه کمتر دیده می‌شود.

۳. حقیقت دین و افسانه خرافات؛ اثر از علامه محمد غزالی می‌باشد. ایشان به شکل عام از خرافات تعبیر بر بدعت‌ها نموده است و در ادامه بدعت را تقسیم‌بندی و دلایل رد آن را ذکر نموده است؛ ولی به رد خرافه و خرافه‌گرایی نپرداخته است.

تعریف مفاهیم

۱. مفهوم خرافه: خرافه در زبان عربی از واژه «خرف» گرفته شده که به معنای سخن بی‌اساس، موهوم و خیالی است که عقل آن را نمی‌پذیرد. ابن منظور می‌نویسد: «الْخُرَافَةُ الْحَدِيثُ الْمُسْتَمْلَحُ مِنَ الْكُذْبِ. وَسَمِيَ بِذَلِكَ لِحَدِيثِ خُرَافَةَ، وَهُوَ رَجُلٌ مِنْ بَنِي عَذْرَةَ أَوْ جَهينَةَ...» خرافه سخن دروغینی است که خوشایند و دلنشین به نظر می‌رسد. در اصطلاح خرافه، عقیده یا عملی است که بدون دلیل عقلی یا دینی پذیرفته شده و از باورهای نادرست و عوامانه برخاسته باشد. (ابن منظور، ۶۰۹، الی ۷۰۰ م: ۷۹)

۲. مفهوم انحراف: انحراف در لغت از ریشه «حرف» به معنای تمایل یافتن و کج شدن از مسیر مستقیم است. در اصطلاح، انحراف به معنای دور شدن از مسیر صحیح، فکری، اعتقادی یا رفتاری است. در حوزه دین، به معنی عدول از آموزه‌های صحیح دینی و گرایش به باورهای غلط یا افراط و تفریط است. (گروهی از دانشمندان زبان عربی فرهنگستان، ۱۹۵۶م: ۳۴) انحراف به معنای دور شدن از مسیر صحیح، فکری، اعتقادی یا رفتاری است. در حوزه دین، به معنی عدول از آموزه‌های صحیح دینی و گرایش به باورهای غلط یا افراط و تفریط است.

۳. باور دینی: باور دینی عبارت است از پذیرش قلبی و ذهنی نسبت به اصول و تعالیم دین، مانند ایمان به خدا، پیامبر، قیامت و دیگر آموزه‌های شرعی در «فرهنگ علوم انسانی» آمده است: باور دینی نوعی اعتقاد به مفاهیم و اصولی است که در یک دین خاص آموزش داده می‌شود و مبنای عمل فرد را شکل می‌دهد. (غلام رضا آزاد، ۱۳۸۱: ۳۷)

۴. انحراف دینی: انحراف دینی به معنای دور شدن از تعالیم اصیل و صحیح دین و پیروی از تفاسیر نادرست، بدعت‌ها، خرافات یا گرایش‌های افراطی یا تفریطی در دین است. در «فرهنگ معارف اسلامی» آمده: انحراف دینی خروج از اصول و روش‌های معتبر دین اسلام و پیروی از راه‌هایی است که با قرآن و سنت در تضاد باشد. (اعوانی، ۱۳۷۷: ۵۱)

۵. اصلاح دینی: اصلاح دینی به معنای بازگرداندن دین به حالت اصیل و خالص آن از طریق زدودن خرافات، بدعت‌ها و برداشت‌های غلط از دین است. اصلاح دینی یعنی بازسازی و تصحیح درک و اجرای آموزه‌های دینی بر اساس قرآن، سنت و عقل، با هدف زدودن انحرافات. (غلام رضا آزاد ۱۳۸۱: ۷۴)

حقیقت خرافات

در بیان حقیقت خرافه و معیار خرافه بودن، دیدگاه‌های مختلف و متفاوتی وجود دارد که باعث تضییق و توسعه دایره خرافه می‌شود.

الف- عقل‌گرایان: از نظر عقل‌گرایان هر چیزی که با عقل قابل توجیه و تبیین نباشد، خرافه است. برهمن اساس، در خصوص خرافه چنین نظر دارند: «انجام کارهای که هیچ‌گونه ریشه عقلانی ندارند». این معتقدات مجموعه‌ای از اخبار، عقاید، اندیشه‌ها، عادات و اعمال غیر عملی و خلاف منطق هستند که در رابطه با موضوعات

و پدیده‌های طبیعی و عینی به وجود می‌آیند. (سید عبد الله حسینی، ۱۳۹۵ ج ۱: ۱۴۹) به تعبیر دیگر، خرافات باورهای هستند که با شیوه‌های علمی قابل اثبات نباشند. ب- نقل‌گرایان: از نظر دینی و نقل‌گرایی، خرافه چیزی است که با دین و نیز علم قابل توجیه نباشد. (حسینی، ۱۳۹۵ ج ۱: ۱۵۰)

معیار خرافه بودن رفتارها

اگر برای خرافه بودن عمل‌ها و رفتارها، معیارهای لازم را در نظر بگیریم، سه معیار مهم برای خرافه بودن یک عمل و رفتار وجود دارد.

۱. کاذب و غیر واقعی بودن: مثلاً تأثیر داشتن ستاره‌ها در تحولات، تأثیر داشتن بت‌ها، و تابوها در وقائع عالم و نحس بودن بعضی ایام.

۲. مخالفت با عقیده صحیح عقلانی و شرعی: هر آنچه به باور صحیح عقلی و شرعی مخالف باشد خرافه است. مثلاً تثلیث، تجسید، حلول، تناسخ و...

۳. غیر منطقی و بی فائده بودن: هر باوری که منجر به رفتاری شود که فائده عقلانی نداشته باشد، خرافه است. مثل ترس از تابوها، جن‌ها، بت‌ها و قربانی کردن برای آن‌ها، اعتقاد به تقدس و شفادهی سنگ، درخت و... همه از مصادیق رفتارهای می‌باشد که بیهوده و بی فائده است. برخی رفتارهایی که در مراسم عزاداری انجام می‌شود، از قبیل قمه‌زدن، زنجیر زدن، برهنه‌کردن و... رفتار غیر منطقی و غیر عقلانی است. چنین رفتاری نه فائده جسمی دارد و نه روحی و نه فائده معنوی و اخلاقی و نه موجب رضای خداوند است. (سید عبد الله حسین، ۱۳۹۵ ش ج ۱: ۱۵۵)

نمونه‌های از خرافات

اعتقادات و باورهای زیادی غیر از باورهای دینی در میان جوامع اسلامی به ویژه در افغانستان وجود دارد که در قالب عبارات و جملات خاص به منظوره‌های خاصی کاربرد دارد که نه ریشه در دین دارد و نه پایگاه عقلانی و علمی دارد. تجربه نشان

داده است کاربرد این گونه باورها نتایج جزء ایجاد اضطراب، دلهره‌گی، تزلزل عقیدتی نسبت به باورهای دینی ندارد. برای فهم بیشتر موضوع لازم می‌دانم تا به گونه نمونه مواردی چندی از این عبارت و جملات خرافاتی را که شامل چشم‌دیدهای باحث می‌باشد که در مناطق مختلف افغانستان به عنوان مدرس، امام و یا به نحوی سفر نموده‌ام و در جمع مردم حضور داشتم، با توضیحات کوتاه بیان نمایم:

- استفاده از جاروب در شب: در زیادی از جوامع اسلامی به ویژه در افغانستان این امر دارای پیامد منفی تلقی می‌شود و به فال نیک گرفته نمی‌شود که همواره در قالب این جمله بیان می‌شود: «در شب خانه را جاروب نکن که خوب نیست- این جا مرده خانه نیست جاروب می‌زنی». یعنی اعتقاد بر این است که جاروب کردن در شب «شگون بد» دارد.
- ممنوعیت کالا شستن در روز دو شنبه: گفته می‌شود در روز دوشنبه کالا شسته نشود که سبب تهمت برای کالا شوینده می‌شود. در پیوند به این موضوع، کاربرد این عبارت همیشه معمول است: «روز دوشنبه کالا نشوی که بر تو تهمت می‌شود».
- گرفتن همزمان ناخن دست و پای: کاربرد عبارت دیگری در باره گرفتن ناخن‌های دست و پای در همزمان، مروج است که این گونه بیان می‌شود: «ناخن دست و پا را یکجا نگیرید که خوشی و غمت یکجای می‌شود».
- نتیجه دست زیر الاشه نشستن: کسانی که دست زیر الاشه گرفته و چرت می‌زنند، به باور مردم پیامد خوب ندارد و گویا در نتیجه آن پدرت را از دست می‌دهی یا یتیم می‌شوی که کاربرد آن در قالب این عبارت مروج است: «دست زیر آلاشه نشین که یتیم می‌شوی».

- گذاشتن موی سر در سوراخ دیوار: در خصوص گذاشتن موهای سر در سوراخ دیوار، باور بر این است: «موهایت را در یک سوراخ جا بجا کن، چون سر به جای قرآن است».
- عکس العمل در زمان انتقال میت از کنار خانه: در حین انتقال جنازه از یک محل بر محل دیگر، چنین توصیه می‌شود: «جنازه اگر از پیش خانه‌ات گذرانده شود دست خویش را در سرت بگیر، اگر نه سایه مرده بر سرت می‌زند».
- کارد سرچپه: در خصوص سرچپه گذاشتن کارد و یا چاقو باور بر این است: «کارد یا چاقو را سرچپه بگذاری که گناه دارد».
- پول دادن به کسی در اول روز: در مورد پول دادن به کسی در اول صبح چنین توصیه می‌شود: «صبح وقت کسی را پول ندهید که مفلس می‌شود».
- دادن نان هندو به طفل گنگ: باور بر این است که دادن نان هندو به طفل باعث باز شدن زبان او می‌شود. مثلاً چنین توصیه می‌شود: «نان هندو را به طفل بدهید که زبانش جور می‌شود».
- آمدن عروس نو به خانه: وقتی عروس نو به خانه می‌آید این جملات توصیه می‌شود: «بالای سر عروس قرآن بگیر! در پیش رویش خون کنی که پاو قدمش نیک می‌شود».
- جویدن ساجق در شب: در شب ساجق جویدن به معنای جویدن استخوان مرده است. در این خصوص چنین توصیه می‌شود: «شب ساجق نجوید که استخوان مرده را می‌جوید»

علل پیدایش خرافات

اولا باید تاکید نمود که خرافات در جوامع انسانی پدیده‌ای نیست که به یک بارگی و آنی شکل بگیرد؛ بلکه جا باز کردن خرافات در جوامع بشری امر تدریجی است که

فرهنگ‌های حاکم و عوامل موجود آن را به تدریج تقویت می‌کند. در این بحث، به چندین مورد تاثیرگذار در تقویت و شکل‌گیری اعمال و رفتار خرافاتی در زیر اشاره صورت می‌گیرد:

۱. جهل و ترس: مهم‌ترین علت شکل‌گیری خرافات، جهل از واقعیت و احساس خطر است. وقتی فردی علت حادثه و پدیده‌ای را نمی‌داند و از سوی، از آن ناحیه احساس خطر هم دارد، برای فهم آن ممکن است دچار خرافه شود. اما کسی که علت اصلی پدیده‌ها را می‌داند به خرافه مبتلا نمی‌شود. خرافه در ذهن‌های شکل می‌گیرد و پذیرفته می‌شود که از واقعیت رخدادها آگاهی کامل ندارد. (داودیان و ساعدی، ۱۳۴۴،

ج ۱: ۱۲۱)

۲. ظاهرگرایی در فهم پدیده‌ها: عامل دوم ظاهرگرایی در فهم پدیده‌ها است. انسان به دلیل فطرت خدادادی، موجود کنجکاو است و حس کنجکاوی یا جست‌وجوگری از مهم‌ترین ویژگی‌های انسان است که در دیگر حیوانات وجود ندارد.

۳. عمل‌گرایی در دفع و رفع خطرها: عامل سوم در پیدایش خرافات، عمل‌گرایی انسان در رفتارهای است که برای کنترل طبیعت و نیز کنترل خطرها و... می‌باشد که از هر چیز به عنوان وسیله که بتواند او را یاری کند، کمک می‌گیرد. بر طبق مثل عربی «الغریق یتشبث به کل حشیش» آدم در حال غرق شدن به هر چیزی دست می‌اندازد، به امید این که بتواند از آن برای نجات خود بهره ببرد و در فکر این نیست که آیا آن گیاه توان ننگه داشتن او را دارد یا نه؟ انسان در مواقع مریضی، گرفتاری، ترس و... همین گونه عمل می‌کند و به هر وسیله‌ای که گفته شود تأثیر دارد، دست می‌زند، چه تأثیر آن ثابت باشد یا نه؛ لذا برای درمان بیماری به رفتارهای که به هیچ وجه منطقی نیست، دست می‌زند.

۴. تقلید و عادت: یکی از عوامل بقا و گسترش خرافات، تقلید یا شناخت نیابتی

و عادت یا تربیت غیر مستقیم است. تقلید و عادت دو ویژگی مهم انسان است. تقلید

شیوه مهم یادگیری و عادت شیوه مهم در تربیت است. بخش عمده از عقیده گفتار و رفتار ناشی از تقلید و تربیت‌پذیری از دیگران است که از کودکی تا بلوغ به تدریج از طریق تقلید و الگوپذیری از بستگان و محیط فرا می‌گیرد.

۵. هیجان طلبی روح انسان: عامل دیگر بقاء و گسترش خرافات، کشش و جذابیتی است که در پدیده‌های خرافات و جود دارد. طبیعت انسان طوری است که نسبت به گفتار و رفتار غیر عادی و شگفت‌انگیز علاقه نشان می‌دهد. به همین جهت در جای جنگ و دعوا می‌شود همه به آن توجه می‌کند. (حسینی، ۱۳۹۵: ۱۵۸-۱۶۱)

پیامدهای خرافه‌گرایی

همان‌گونه که گفته خرافه‌گرایی به تدریج در جامعه به عنوان یک فرهنگ جای باز می‌کند، از نظر جامعه‌شناختی در تغییر جامعه نقش کلیدی دارد و افراد را می‌تواند سمت و سود دهد که به چند مورد تأثیرات آن در جامعه اشاره می‌شود:

۱. گمراهی: چنان که گفته شد، خرافه‌گرایی ناشی از جهل به واقعیت است. پذیرش خرافه و رفتار خرافی، انسان را از درک واقعیت‌ها محروم می‌کند و باعث گمراهی انسان می‌شود. بت پرستی ناشی از همین باورهای خرافی شکل می‌گیرد.

۲. خسارات مالی، جسمی و روحی: باور و عمل به خرافات، افزون بر آسیب‌های که بر شخصیت انسان وارد می‌کند، زیان‌ها و خسارات مالی روحی و گاهی جسمی هم دارد. معمولاً باورمندان به خرافات برای بر آورده شدن انتظارات خود مصارف سنگینی را متحمل می‌شوند. (همان منبع، ۱۳۹۵: ۱۶۸-۱۷۰)

۳. دیگر ستیزی و تعصب: یکی از مهم‌ترین آسیب‌های رفتاری دین‌داری که دین‌داری را با انحراف و تباهی مواجه می‌کند، تعصب و دیگر ستیزی است. کلمه تعصب از عصب، به معنی رشته‌هایی است که مفاصل را به هم وصل می‌کند. (ابن منظور، ۱۴۰۴: ۶۰۲) تعصب یعنی حمایت بی‌چون وچرا از خانواده و وابستگان، چه

ظالم باشند و چه مظلوم. طبیعت انسان به گونه است که در باره کسانی که با او پیوند دارند، احساس مسؤولیت می‌کند.

دیدگاه اسلام در مورد خرافات

یکی از اهداف قرآن کریم مبارزه با خرافات بوده که در جهان عصر نزول وحی در بین بشر خصوصاً در بین عرب‌ها وجود داشته است. در دین اسلام عقیده بت‌پرستی، ستاره‌پرستی و پرستش دیگر مظاهر طبیعت از جمله خورشید، ماه، حیوانات، اموات و ارواح منجمی و تأثیر آن‌ها در سرنوشت انسان شرک شمرده شده است.

خرافات باورها و اعمالی هستند که ریشه در وهم، جهل، تقلید کورکورانه یا فرهنگ‌های غیر اسلامی دارند، و با عقل و دین در تضاد اند. دین اسلام به عنوان دین عقل، توحید و فطرت، هرگونه خرافه‌پرستی را مردود دانسته و پیروان خود را به دوری از این گونه اعتقادات فرا خوانده است. (حسینی، ۱۳۹۵، ج: ۱، ۱۵۲)

دلائل رد و مبارزه با خرافات در قرآن کریم و حدیث نبوی

اسلام از بدو ظهور با تمام قدرت و توان با خرافه‌پرستی به مبارزه برخاسته و در صدد آن بود تا فکر بشر را از آلودگی‌ها و اوهام پاک و در جهت تعقل‌گرایی و حکمت و منطق هدایت کند که نمونه عملی آن را می‌توان در برخورد با بعضی از اوهام از سوی پیامبر اسلام -صلی الله علیه وسلم- مشاهده کرد:

۱. خرافه بودن رفتارهای خلاف دین: از دید اسلام هر عملی اعم از گفتار، رفتار و اعتقاد که برخلاف مبانی دینی و عقلی باشد، خرافه است. کسانی که خرافات را با دین مرتبط می‌دانند، یا دین را درست نشناخته‌اند یا از مغرضان هستند که با ایجاد شبهه و شائبه می‌خواهند چهره پاک دین را آلوده و مشوه سازند. اسلام خرافات را به منزله «غل» و زنجیرهایی می‌داند که بشر بر دست و پای فکر و روح خود بسته است. در

قرآن کریم در چهار جا درباره خرافات بحث نموده است که از جمله این مورد را

می‌توان ذکر کرد: ﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَإِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ ۖ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [الأعراف: ۱۵۷]

ترجمه: «آنان که از فرستاده خدا (پیامبر امی) پیروی می‌کنند؛ پیامبری که صفاتش را در تورات و انجیل که نزدشان است، می‌یابند. آن‌ها را به معروف دستور می‌دهد و از منکر باز می‌دارد، اشیاء پاکیزه را برای آن‌ها حلال می‌شمرد و ناپاکی‌ها را تحریم می‌کند و بارهای سنگین و زنجیرهایی را که بر آن‌ها بود، (از دوش و گردنشان) بر می‌دارد. در قرآن کریم «اغلال»، هم در مورد دنیا و هم در مورد آخرت بحث شده است. منظور از «غل» و «زنجیر» در دنیا، زنجیر جهل و نادانی، زنجیر انواع تبعیضات و زندگی طبقاتی، زنجیر بت‌پرستی و خرافات و زنجیرهای دیگرانند. پیامبران مبعوث شدند تا از طریق دعوت پیگیر و مستمر، با کمک علم و دانش و از راه دعوت به توحید و دعوت به اخوت دینی و برادری اسلامی و مساوات در برابر قانون، این زنجیرها را از دست و پای مردم بردارند.

قرآن کریم به تعقل و تفکر منطق دستور می‌دهد و تاکید دارد که خرافات بر خلاف عقل و منطق است. در قرآن کریم در جاهای مختلف می‌فرماید:

۱. ﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ [الرُّوم: ۲۴] در این نشانه آیاتی است برای قومی که عقل دارند. خرافه‌ها با عقل در تضاد است. بناء کسانی از قوه عاقله و تفکر خود را به کار بیندازند عمل خرافی را انجام نمی‌دهند.

۲. نهی از پیروی کورکورانه: ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ﴾ [البقرة: ۱۷۰]

ترجمه: چون به آنان گفته شود از آنچه الله نازل کرده پیروی کنید، گویند: بلکه ما از آنچه پدران خود را برآن یافته‌ایم پیروی می‌کنیم آیا هر چند نیاکان‌شان چیزی را درک نمی‌کرده و به راه صواب نمی‌رفته اند، بازهم در خور پیروی هستند؟ بنا بر این آیه و امثال آن از آیات امت اسلام اجماع دارند بر این که تقلید در عقاید جایز نیست. ۳. افسانه دانستن سخن پیامبر توسط کافران: ﴿إِنْ هَذَا إِلَّا أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ﴾ [الأنفال: ۳۱] ترجمه: این چیزی نیست جزء افسانه گذشته گان. این سخن مشرکین و خرافه پرستان است که قرآن را افسانه می‌خوانند،

۴. رد باورهای مشرکانه در نسبت دادن امور به نیروهای خیالی: در این خصوص خداوند متعالی می‌فرماید: ﴿وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبْحَنَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُصِفُونَ﴾ [الأنعام: ۱۰۰]

ترجمه: کافران با این همه دلائل روشن، فرشتگان و اهریمنان را شرکاء خدا می‌سازند؛ در حالی که خداوند خود آنان و همه ملائکه و شیاطین را آفریده است. لذا با اطلاع از این موضوع سزاوار نیست جز آفریدگار را بپرستند و آفریدگانی همچون خود را عبادت کنند. کافران از روی نادانی، پسران و دخترانی برای خدا بهم می‌بافند. خداوند منزله از همه این نقصها و عیبها است و به دور از صفاتی است که او را بدان‌ها توصیف می‌کنند.

در آیه مبارکه در زیر بیان می‌شود، آنچه را می‌گویند به اساس وهم و گمان است نه به اساس دلیل. (سید محمد طنطاوی، ج: ۱، ۱۴۵) ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ [المائدة: ۳]

ترجمه: امروز دین شما را برای تان کامل ساختیم، و نعمت خود را بر شما تمام نمودم، و اسلام را به عنوان دین و آئین برای شما انتخاب کردم. یعنی الله متعال برای شما حلال و حرام را بیان کرده است و جمع احکام که شما محتاج آن هستید، هر شی واضح گردیده است. هیچ نوع غموض و لبس در آن نیست و بطور کامل از غیر نقصان. نظر به آیه فوق ما معتقد هستیم که دین مقدس اسلام یک دین کامل بوده و رسول الله -صلی الله علیه وسلم- از طرف الله سبحانه و تعالی برایش امر شده است که دین الله را به طور کامل بدون هیچ کمی و کاستی به امت خود رسانده و هر عمل که سبب خیر و کامیابی بوده به امت خود بیان نموده است.

قسمی که عبد الله بن مسعود رضی الله روایت کرده است: «عن عبد الله ابن مسعود، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ شَيْءٍ يُقَرِّبُكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ وَيُبْعِدُكُمْ مِنَ النَّارِ إِلَّا قَدْ أَمَرْتُكُمْ بِهِ، وَلَيْسَ شَيْءٌ يُقَرِّبُكُمْ مِنَ النَّارِ وَيُبْعِدُكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ إِلَّا قَدْ هَيَّيْتُكُمْ عَنْهُ» (البغوي شرح السن، ۱۴۰۳، ج: ۱، ۳۰۵)

ای مردم چیزی نیست که شما را به جنت نزدیک و از آتش جهنم دور می کند، مگر شما را به آن امر نمودم، و چیزی نیست که شما را به آتش دوزخ نزدیک و از جنت دور می کند، مگر شما را از آن منع کردم.

در حقیقت وظیفه هر پیغمبر همین بود که تمام راههای سعادت و نیک بختی را به امت خود نشان دهد. چنانچه عبد الله بن عمر و بن العاص رضی الله عنهما روایت کرده که رسول الله -صلی الله علیه وسلم- فرمودند: «إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ نَبِيٌّ قَبْلِي إِلَّا كَانَ حَقًّا عَلَيْهِ أَنْ يَدُلَّ أُمَّتَهُ عَلَى خَيْرٍ مَا يَعْلَمُهُ هُمْ، وَيُنْذِرَهُمْ شَرًّا مَا يَعْلَمُهُ هُمْ» (صحيح مسلم، ۱۴۷۲، ج ۳: ۲۰۶) قبل از ما هیچ نبی نگذشته مگر بر وی فرض بود، که امت خود را به هر خیری که برایشان می دانست راهنمای می نمود و از هر شری که در موردشان می شناخت بیم می داد.

همچنان به سلمان فارسی رضی الله عنه کسی گفت: «قَدْ عَلَّمَكُم نَبِيُّكُمْ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى الْخِرَاءَةِ؟» (أبی داود، ۱۴۳۰ ج ۱: ۷) پیامبر شما تمام چیز را به شما تعلیم داده است و حتی طریقه قضاء حاجت را نیز یاد داده است. همچنان روایت شده است که رسول الله -صلی الله علیه وسلم- در برخی از سخنان خویش گفت: «فَإِنَّهُ مَنْ يَعِشْ مِنْكُمْ بَعْدِي فَسِيرَى اخْتِلَافًا كَثِيرًا، فَعَلَيْكُمْ بَسَنَّتِي وَسَنَّةَ الْخُلَفَاءِ، الْمَهْدِيِّينَ الرَّاشِدِينَ، تَمَسَّكُوا بِهَا وَعَصُوا عَلَيْهَا بِالنَّوَاجِذِ، وَإِيَّاكُمْ وَتَحْدِثَاتِ الْأُمُورِ، فَإِنْ كُلُّ مُحَدَّثَةٍ بَدْعَةٌ، وَكُلُّ بَدْعَةٍ ضَلَالَةٌ». (أبی داود، ۱۴۳۰، ج ۱: ۱۶)

هر آینه کسی که از شما بعد از من زندگی می کند اختلافات زیاد خواهد دید، پس در چنین حالت لازم است بر شما عمل کردن به سنت من و سنت خلفاء راشدین من، به آن سنت ها چنگ بزنید و به دندان های نواجذتان آن را محکم بگیرید و از اموری که در دین نو احداث می گردد خود داری نماید؛ زیرا هر امر نو پیدا در دین بدعت است و هر بدعت گمراهی است. امام ابو داود در تحت این حدیث امری جدید و نو پیدا در دین که بدعت و یا خرافه است مردود می داند.

یا این که رسول الله -صلی الله علیه وسلم- می فرماید: «وَمَنْ عَمِلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا فَهُوَ رَدٌّ». (بخاری، ۱۴۲۲، ج ۲: ۵۰)

کسی که عملی را به عنوان دین انجام دهد که بر وی امر ما نیست، آن عمل مردود است.

به این اساس کسانی که کارهای نو پیدا را در دین اضافه می کنند، ضمناً به رسول الله -صلی الله علیه وسلم- نسبت خیانت می کنند. از حذیفه رضی الله عنه نقل شده که گفته است: «كُلُّ عِبَادَةٍ لَمْ يَتَعَبَّدْهَا أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَلَا تَعْبُدُوهَا فَإِنَّ الْأَوَّلَ لَمْ يَدْعُ لِلْآخِرِ مَقَالًا». (شاطبی، ۱۴۲۲، ج ۲: ۶۳)

هر عمل را که اصحاب رسول الله -صلی الله علیه وسلم- به عنوان عبادت انجام نداده باشند، او را شما به عنوان عبادت انجام ندهید؛ زیرا اول امت (صحابه) هیچ

سخنی را برای امت‌های پسین باقی نمانده؛ بلکه تمام امور متعلق به عبادات را بیان کرده‌اند.

راهکارهای اصلاح خرافات از نظر اسلام

اسلام برای اصلاح این پدیده روش‌ها و راهکارهایی را ارائه کرده است.

۱. آموزش و آگاهی‌بخشی دینی: دین اسلام بر علم و آگاهی بسیار تأکید دارد. پیامبر اکرم -صلی الله علیه وسلم- فرموده است: «عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - : "طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ"». (ابن ماجه، ۱۴۳۰، ج ۱، ح ۲۲۴: ۱۵۱) طلب علم فرض است بر هر مسلمان اعم از زن و مرد فرض است. پس می‌توان گفت که تعلیم صحیح عقاید، توحید، شریعت، و فهم صحیح قرآن و سنت، راه اصلی مبارزه با خرافات است.

۲. ترویج توحید و مبارزه با شرک: بسیاری از خرافات از باورهای شرک‌آلود ناشی می‌شوند. مثلاً: اعتقاد به تأثیر ستارگان، جادو، یا بخت و اقبال. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا﴾ [النِّسَاء: ۴۸] تبلیغ خالص‌سازی عقیده توحیدی، اساس مبارزه با خرافات است.

۳. الگو قرار دادن پیامبر -صلی الله علیه وسلم- و صحابه: سیره پیامبر اسلام -صلی الله علیه وسلم- و خلفای راشدین پر از مواردی است که با خرافات مقابله کردند. پیامبر اکرم -صلی الله علیه وسلم- فرمود: «لا عدوی، ولا طيرة، ولا هامة، ولا صفر...» (ابی داود، ۱۴۳۰، ج ۶، ح ۳۹۲۱: ۶۹)

۴. اصلاح منبرها و رسانه‌های دینی: علما و خطیبان باید از طریق منبرها، رسانه‌ها و آموزش عمومی به نقد علمی و دینی خرافات بپردازند. امام غزالی در احیاء علوم

الدین هشدار داده است که اگر دین به دست نادانان بیفتد، به جای هدایت، موجب گمراهی مردم می‌شود. (امام غزالی، ۱۹۸۰م، ج ۱: ۲۰)

۵. جایگزینی سنت‌های صحیح اسلامی: با آداب خرافی برخی خرافات در لباس دین ظاهر شده‌اند، مانند روشن کردن شمع در قبور، فال‌گیری و... اسلام به جای این‌ها اعمال مشروع مانند دعا، صدقه، تلاوت قرآن و نماز حاجت را جایگزین می‌کند.

۶. رد صریح خرافات در قرآن و سنت: قرآن بارها به مبارزه با افکار جاهلی و بی‌اساس پرداخته است. ﴿إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا﴾ [التَّجْم: ۲۸] یعنی آنان جز گمان پیروی نمی‌کنند، و گمان هیچ‌گاه جای حقیقت را نمی‌گیرد.

۷. نقش حکومت و نهادهای دینی:

در فقه اسلامی، حکومت اسلامی مسئول است تا مظاهر خرافه‌پرستی را از جامعه دور سازد. عمر بن خطاب در خلافت خود، درختی را قطع کرد که برخی آن را مقدس می‌پنداشتند (ابن کثیر، البداية والنهاية، ج ۷: ۵۹)

۸. ایجاد ارتباط بین عقل و دین اسلام:

دین عقل و منطق است و دعوت به تفکر می‌کند: «أَفَلَا تَعْقِلُونَ؟» (بیش از ۲۰ بار در قرآن) وقتی عقل و وحی با هم به کار گرفته شوند، خرافات ریشه‌کن می‌شوند.

نتیجه‌گیری

خرافات، به عنوان باورهایی بی‌اساس و برگرفته از جهل، ترس یا عادات فرهنگی، در طول تاریخ در جوامع مختلف از جمله جوامع اسلامی نفوذ کرده‌اند و در بسیاری موارد موجب تحریف باورهای دینی اصیل شده‌اند. این باورهای نادرست گاه چنان با دین آمیخته‌اند که مرز میان اعتقادات دینی و خرافی را برای مردم عادی دشوار ساخته‌اند.

از مهم‌ترین تأثیرات منفی خرافات می‌توان به تضعیف توحید، سستی در توکل بر خدا، گسترش بدبینی میان مردم و یأس، و مانع‌تراشی در برابر عقل‌گرایی و پیشرفت فکری اشاره کرد. این امور نه تنها بنیان ایمان دینی را خدشه‌دار می‌سازند؛ بلکه جامعه را از مسیر رشد معنوی و علمی باز می‌دارند.

شریعت اسلام، بر پایه قرآن، سنت و اجماع علما، با خرافات به‌صراحت مخالفت نموده و انسان‌ها را به تعقل، تحقیق، توکل صحیح، و پابندی به اصول روشن دین فراخوانده است. پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وسلم نیز با آموزه‌ها و روش‌های تربیتی خویش، با خرافات رایج زمانه‌اش به مقابله برخاست و جامعه‌ای مبتنی بر توحید و عقلانیت بنیان نهاد. بنابراین، اصلاح باورهای خرافی در پرتو شریعت اسلامی نه تنها امکان‌پذیر است که بلکه ضرورتی جدی برای حفظ سلامت دینی جامعه است. این اصلاح باید از راه آموزش دینی صحیح، آگاهی‌بخشی از طریق منابع و رسانه‌ها، بازگشت به منابع اصیل اسلامی، و مبارزه فکری با ریشه‌های خرافات صورت گیرد. در این صورت است که می‌توان جامعه‌ای آگاه، دین‌مدار و به دور از انحرافات خرافی ساخت که در مسیر تحقق اهداف عالی اسلام گام بردارد.

سرچشمه‌ها

- قرآن کریم
- أبو داود سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي السَّجِسْتَانِي، (١٤٣٠) الناشر، دار الرسالة العالمية الطبعة، الأولى.
- ابن منظور، جمال الدين محمد بن مكرم (١٤٠٥) لسان العرب، نشر ادب الحوز.
- ابن كثير الدمشقي، أبي الفداء اسماعيل البدايه والنهايه (١٤٠٨) دار احياء التراث العربي، چاپ اول.
- أبو محمد الحسين بن مسعود بن محمد بن الفراء البغوي الشافعي (١٤٠٣) محيي السنة، الناشر: المكتب الإسلامي - دمشق، بيروت الطبعة: الثانية.
- بخارى، محمد بن اسمعيل بخارى (١٤٢٢) صَحِيحُ الْإِمَامِ الْبُخَارِيِّ الناشر: مكتبة المعارف للنشر والتوزيع، الرياض الطبعة: الأولى.
- بستامی، فواد (١٣٧٦) فرهنگ ابجدی عربی به فارسی، ترجمه رضا مهیار، تهران انتشارات اسلامی.
- شاطبي إبراهيم بن موسى (المتوفى: ٧٩٠هـ) الموافقات، دار ابن عفان، السعودية الطبعة: الأولى، ١٤١٢هـ - ١٩٩٢م
- داود يان وساعدى (١٣٤٤) آل وام الصبيان بر مبنای روان شناسی، مجله سخن، (بی جا).
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم الشامیة، چاپ اول.
- محمد حسین، (١٣٨٥) خرافه ستیزی در اندیشه دینی از دید گاه شهید مطهری، مجله اندیشه حوزه، شماره ٥٩.

- مخلص، عبدالرؤف (۱۳۹۲) تفسیر انوار القرآن، انتشارات شیخ الاسلام احمد جام.
- مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشیری النیسابوری (.....) (.....).....
الناشر: دار إحياء التراث العربي بيروت.

ننگیالی قادری

عضو کادر علمی پوهنځي شرعيات پوهنتون -

کابل

nangyalai20.23@gmail.com

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۹/۱۶

پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۲۶

www.dawat.edu.af
Journal@dawat.edu.af

بررسی سیر تاریخی و فقهی اصطلاحات رکوع و سجده در

مصحاف شریف

چکیده

این پژوهش به بررسی تاریخی اصطلاحات «رکوع» و «سجده» در مصحف شریف پرداخته و نقش آن‌ها را در قرائت و تلاوت قرآن کریم تحلیل کرده است. محدوده تحقیق شامل بررسی تاریخی، فقهی و کاربردی این اصطلاحات در مصاحف مختلف به ویژه در میان مسلمانان شبه قاره هند، پاکستان، افغانستان و بخارا است. هدف اصلی پژوهش، تبیین چرایی و چگونگی درج این اصطلاحات و تأثیر آن‌ها بر قرائت نمازگزاران و قراء است. اهداف فرعی شامل بررسی اختلاف نظر فقها در باره احکام سجده تلاوت و تعیین تعداد رکوعات در مصاحف مختلف می‌باشد. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی بوده و داده‌ها از منابع تفسیری، حدیثی، فقهی و تاریخی گردآوری شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که علامت رکوع برای تسهیل قرائت در نماز ایجاد شده و تعداد آن در مصاحف کنونی ۵۵/۸ عدد است. هم‌چنین، سجده تلاوت در نظر احناف واجب و نزد جمهور علماء سنت است.

کلید واژه: رکوع، سجده، قرآن کریم، مصحف، فقه.

Abstract

This research has studied the historical aspects of the terms "ruku" and "sajdah" in the Mushaf Sharif and analyzed their role in the reading and recitation of the Holy Quran. The scope of the research includes the historical, jurisprudential, and practical aspects of these terms in different Mushafs, especially among Muslims in the Indian subcontinent, Pakistan, Afghanistan, and Bukhara. The main objective of the research is to explain why and how these terms were included and their impact on the recitation of worshipers and readers. The secondary objectives include examining the differences of opinion among jurists regarding the rulings on prostration of recitation and determining the number of ruku's in different Mushafs. The research method is descriptive-analytical and the data has been collected from interpretive, hadith, jurisprudential, and historical sources. The findings show that the ruku' sign was created to facilitate recitation in prayer, and its number in the current Mushafs is 558. Also, prostration of recitation is obligatory according to the Hanafi school of thought and is considered a tradition by the majority of scholars.

Keywords: bowing, prostration, Holy Quran, Mushaf, jurisprudence.

Dawat Academic Journal

Fifth Year, Issue 2
(Fall & Winter 2024-2025)

Volume
11

Received: 2024-12-6
Accepted: 2025-2-14

www.dawat.edu.af
Journal@dawat.edu.af

مقدمه

الحمد لله رب العلمین والعاقبة للمتقین والصلاة والسلام علی أشرف الأنبیاء والمرسلین و علی آله و أصحابه اجمعین. اما بعد:

خداوند (جل جلاله) کلام خویش را برای هدایت و راهنمایی بشریت از تاریکی‌های کفر، شرک و ضلالت به روشنی و نور اسلام توسط جبرئیل علیه السلام در ماه مبارک رمضان به فرستاده خویش -صلی الله علیه وسلم- هنگامی که مشغول عبادت بود، نازل گردانید.

این کتاب به‌عنوان یکی از معجزه‌های جاویدان اسلام، همواره از ابعاد مختلف، مورد توجه مسلمانان و پژوهشگران علوم اسلامی قرار گرفته است. در این میان، اصطلاحات رکوع و سجده در مصاحف شریف یکی از موضوعاتی است که در حوزه علوم قرآنی و فقهی از اهمیت خاصی برخوردار است. این اصطلاحات که در طول تاریخ کتابت قرآن به شیوه‌های مختلفی به‌کار رفته‌اند، در تلاوت، تدبر و فهم آیات تأثیرگذار بوده و از جهات فقهی نیز مورد بررسی قرار گرفته‌اند. علی‌رغم کاربرد گسترده این اصطلاحات در قرآن کریم، منشاء تاریخی، مبانی فقهی و تأثیر آن‌ها بر قرائت قرآن همچنان جای بررسی دارد. اهمیت این پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که بررسی دقیق این اصطلاحات می‌تواند به فهم بهتر قواعد کتابت قرآن، دقت در تلاوت و احکام شرعی مرتبط کمک کند. همچنین، با توجه به تفاوت‌های موجود در مصاحف مختلف، بررسی مبانی این علائم در شناخت تطور تاریخی و معیارهای رسم‌المصحف سودمند خواهد بود. در این راستا، تحقیق حاضر به دنبال پاسخ به این سؤالات است که اصطلاحات رکوع و سجده در مصاحف مختلف چگونه شکل گرفته‌اند، چه تأثیری بر تلاوت و فقه دارند و چه تفاوت‌هایی میان مصاحف مناطق مختلف اسلامی وجود دارد.

این پژوهش یک پژوهش تاریخی-توصیفی می‌باشد که جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز به روش کتابخانه‌ای و با تمرکز بر نسخه‌های مختلف قرآن و دیدگاه‌های فقهی استوار می‌باشد. هدف اصلی پژوهش، شناخت تاریخی، تحلیل فقهی و مقایسه تطبیقی این اصطلاحات برای درک بهتر نقش آن‌ها در علوم قرآنی و فقهی است. در این پژوهش، ابتدا کلیات و مبانی نظری بررسی شده است و سپس تاریخچه و سیر تحول اصطلاحات رکوع و سجده تحلیل می‌شود و در نهایت، مقایسه‌ای تطبیقی میان مصاحف مناطق مختلف انجام خواهد شد تا تصویری جامع از این اصطلاحات ارائه گردد.

پیشینه تحقیق

در مورد اصطلاح رکوع و سجده در مصحف شریف تعداد زیاد از نویسندگان و قلم به دستان کارکرده اند و آثار خویش را به نشر رسانده اند که می‌شود به نمونه‌های زیر اشاره نمود:

- دکتر عبدالقیوم بن عبدالغفور سندی در مقاله‌ای با عنوان «مصطلح الركوع فی المصاحف (مدلوله، نشأت و اقوال العلماء فیہ)» در مجله تبیان (شماره ۲۴، سال ۱۴۳۷ هـ ق) به بررسی اصطلاح رکوع پرداخته است. طوریکه مدلول، نشأت و اقوال علما را در مورد آن بررسی نموده است. این مقاله دارای یک مقدمه بوده که در آن به موضوع تجزئه و تحزیب قرآن کریم نیز پرداخته است. در باره این مقاله باید گفت که باوجود جامعیت آن در موضوع خود، تنها به یک اصطلاح پرداخته که رکوع است و آن را مورد بررسی قرار می‌دهد. همچنان این مقاله به زبان عربی بوده از سوی دیگر اندکی طولانی‌تر نیز می‌باشد.

- رحیم‌بخش پانی‌پتی نیز در کتاب «الخط العثماني فی الرسم القرآنی»، اداره نشر و اشارة اسلامیات، ملتان، پاکستان، ط ۲ بعضی جوانب موضوع را مورد بررسی قرار

داده است. محتوای کتاب طوری است که در آن مؤلف در مقدمه به تعریف خط و رسم پرداخته سپس به قواعد و اصطلاحات مربوطه را بررسی و تاریخچه رسم الخط را نیز بررسی می‌دارد، سپس انواع خطوط قرآنی را معرفی و مقایسه نموده است. بعداً مطالعه تطبیقی میان مصاحف مختلف پرداخته است. در باره کتاب فوق باید گفت که با وجود اهمیت آن در موضوع بحث خود در باره موضوعی که ما می‌خواهیم آن را بررسی نماییم دارای معلومات خیلی‌ها اندک و یک بخش کوچک آن در این مورد می‌باشد. همچنان زبان نوشتاری کتاب اردو است.

- همچنین در باره اصطلاح سجده مباحثی پراکنده در کتب فقهی وجود دارد که به شکل غیر منظم و اکثراً به زبان عربی نگاشته شده اند.

مرور بر ادبیات گذشته نشان می‌دهد که موضوع بررسی تاریخی اصطلاح رکوع و سجده در مصاحف شریف به خوبی مورد بررسی قرار نگرفته و این مقاله به دنبال بررسی این موضوع می‌باشد.

تعریف مفاهیم

۱. مفهوم رکوع: رکوع در لغت از ریشه «رَكَعَ» به معنی انحنا، خضوع، سر خم کردن می‌آید. هر چیزی که سر خود را پایین‌کند او رکوع کرده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۸۸: ۱۸۸؛ رازی، بی‌تا: ۱۲۱، فیروزآبادی، ۱۴۲۶، ج ۱: ۹۳۶) رکوع در اصطلاح عبارت از خم کردن سر به همراه انحنا در پشت به شکل و هیئت خاص در نماز می‌باشد. (ابن عابدین، ۱۴۱۲، ج ۱: ۳۰۰) تعریف فوق تعریف فقهی رکوع می‌باشد؛ اما چیزی که در این جا برای ما مهم است، تعریف رکوع در بحث تقسیم‌بندی قرآن کریم است - طوری که قرآن کریم به اساس همین رکوعات به قسمت‌های مشخص، تقسیم‌بندی شده است - در باره تعریف رکوع در این باب، تا حد اطلاع بنده، علماء تعریف خاصی از آن

ارائه نکرده‌اند. عبدالقیوم سندی در باره اصطلاح «رکوع» مقاله‌ای نوشته است که ایشان در مقاله خود «رکوع» را این گونه تعریف نموده است: «الرکوع عبارة عن مقطع معين من الآيات القرآنية - دون تحديد-، لمعرفة مقدار ما قرأه القارئ في الصلاة أو خارجها». یعنی رکوع عبارت از مقطع معین از آیات قرآنی - البته بدون تعیین مقدار آن - است برای شناخت اندازه و مقداری که قاری در نماز، و یا خارج از آن، قرائت کند.

۲. **مفهوم سجده:** سجده در لغت به معنای خضوع، عاجزی، فروتنی و انحنا می‌باشد. ابن فارس رحمه الله می‌گوید: «سین، جیم و دال اصل واحدی است که دلالت به خضوع، ذل و عاجزی می‌کند. هر چیزی که ذلیل شد، در واقع سجده نموده است». ابوعمر و می‌گوید: «اسجد الرجل» وقتی گفته می‌شود که سر خود را پایین و خم نماید. (ابن فارس، ۱۴۲۰، ج. ۳: ۱۳۳) در مختار الصحاح، امام رازی رحمه الله می‌گوید: «سجد، یعنی عاجزی کرد». از همین باب است «سجود التلاوة». به تعبیر دیگر، سجده، نهادن پیشانی بر زمین را گفته می‌شود، اسم از آن «السجدة» به کسر سین می‌آید. (رازی، بی‌تا: ۱۲۱)

سجده در اصطلاح عبارت از نهادن تمام و یا بعضی از پیشانی بر زمین و یا آنچه متصل به آن است - به شرطی که آن شیء مستقر و ثابت باشد - به شکل هیئت مخصوص گفته می‌شود. (مجموعه از مؤلفین، ۱۴۲۷، ج. ۲۴: ۲۱۲)

۳. **مفهوم مصحف:** مصحف نام از برای مکتوبی است که در آن کلام الله متعال جل جلاله مطابق آنچه در زمانه و عهد خلیفه راشد ابوبکر و عثمان رضی الله جمع آوری شد نوشته شده است. فرق در میان محصف و قرآن کریم این است که مصحف عبارت از اسم قرآن نوشته شده‌ای است که در دو پوش جمع شده است؛ اما هر چه قرآن کریم است آن کلام الله متعال که خوانده

می‌شود و تلاوت آن عبادت و در مصاحف نوشته شده است. (رومی، ۱۴۲۲: ۳۰)

۴. مفهوم قرآن: قرآن کریم بنابر قول راجح مشتق بوده و مأخوذ از «قرأ یقرأ» قراءه و قرأناً، به معنای خواندن و تلاوت نمودن می‌آید؛ اما در اصطلاح، علما مطابق تخصصات‌شان برای آن تعاریفات متفاوتی انجام داده‌اند. شاید نزدیک‌ترین تعریف به صواب و جامع‌ترین تعریف قرآن کریم این باشد که گفت: «هو کلام الله تعالی المنزل علی محمد -صلی الله علیه وسلم- المتعبد بتلاوته». یعنی قرآن کریم کلام الله متعال جل جلاله می‌باشد که بالای پیامبر -صلی الله علیه وسلم- نازل شده و تلاوت آن موجب عبادت است. (رومی، ۱۴۲۲: ۲۳)

مبحث اول: رکوع

یکی از اصطلاحات رایج در مصاحف کشورهای افغانستان، پاکستان، هند و بعضی ممالک دیگر اصطلاح رکوع است. دانستن جزئیات این اصطلاح، علت کاربرد و پیشینه تاریخی آن یکی از موضوعات با اهمیت در حوزه دانش اسلامی است؛ بناءً طی این مبحث مطالب فوق مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. نشأت و تاریخچه رکوع

به صورت مشخص معلوم نیست که چه کسانی این رکوع‌ها را در مصحف شریف شامل ساخته است؛ ولی از تصریحات فقهاء معلوم می‌شود که اولین کسانی که این اصطلاح را به کار برده‌اند، علمای بخارا می‌باشد. شمس الأئمه سرخسی رحمه الله می‌گوید که از قاضی عمادالدین رحمه الله روایت است که گفت: «مشایخ بخارا قرآن کریم را به ۵۴۰ رکوع تقسیم نموده‌اند». در ادامه امام سرخسی رحمه الله می‌گوید: «به

جز از سرزمین بخاری در سایر مناطق و سرزمین‌ها، مصاحف به اساس آیت نشانی شده است- نه به اساس رکوع». (سرخسی، ۱۴۲۱، ج. ۲: ۲۶۱)

مقدم‌ترین نصی که در این باب وجود دارد، همین نص امام قاضی عماد الدین رحمه الله می‌باشد و امام سرخسی رحمه الله هم از جمله علمای قرن پنجم هجری می‌باشد. همچنان مشاهده می‌کنیم که وی نیز از قاضی عمادالدین نقل می‌کند. قاضی عمادالدین احتمالاً از جمله علمای است که در اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم زندگی می‌نمود.

شیخ رحیم بخش می‌گوید: «علامات رکوع مانند علامات تخمیس و تعشیر از شارع -صلی الله علیه وسلم- ثابت نبوده؛ بلکه آن را فقهاء و علمای ماوراءالنهر تقریباً در اوایل سال ۳۰۰ هجری ایجاد و مشخص نموده‌اند». (رحیم بخش، بی‌تا: ۳۴)

بنابراین، گفته می‌توانیم که اصطلاح رکوع در اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم توسط علمای بخارا برای تسهیل قرائت در نماز ایجاد شد و از آن زمان تا به امروز در سرزمین‌های بخارا و ماوراءالنهر، ترکیه، هند، افغانستان، پاکستان و ایران این علامات موجود می‌باشد. البته بعد از سقوط خلافت عثمانی در مصاحف ترکی استعمال آن ترک شده است.

۲. وجه تسمیه رکوع و وضع آن

الف) وجه تسمیه این علامت (رکوع) این بوده که چون به همین مقدار در هر رکعت نماز خوانده می‌شود؛ بناءً به آن اسم «رکوع» اطلاق می‌شود.

ب) علامه «رکوع» در مصاحف (ع) می‌باشد که در حاشیه مصحف در جای مشخصی که در آنجا رکوع است می‌گذارند. باید خاطر نشان ساخت که در مصاحف هند، پاکستان و افغانستان سه عدد هم به همراه نشانه فوق می‌نویسند که یکی آن در بالای آن دیگر در وسط و سوم هم در پایین آن که عدد بالا به عبارت از عدد «رکوع»

هر سورت می باشد. عدد وسط عبارت از شماره آیات در همان رکوع بوده و عدد تحتانی عبارت از تعداد رکوعات همان جزء از اجزای قرآن کریم می باشد. مثلاً اگر عدد فوقانی ۱۳، وسط ۱۱ و تحتانی ۲ باشد، چنانچه در رکوع ذیل به صورت نمونه است. به این معنا می باشد که این رکوع سیزدهم از همین سوره بوده و این رکوع مشتمل به ۱۱ آیت و رکوع ۲ همین جزء قرآن می باشد. چنانچه در تصویر شماره ۱ مشاهده می نمایم.



تصویر شماره ۱

در خصوص هدف وضع رکوع، شیخ رحیم بخش رحمه الله می‌گوید: «وقتی مشایخ احناف، خصوصاً مشایخ بخاری، مشاهده کردند که مردم برای شناخت قرائت در نماز تراویح از علامات تعشیر استفاده می‌کنند و بعد از قرائت هر «ده» آیت رکوع می‌کنند، به این معنا است که در یک ماه، یک بار، قرآن کریم را ختم می‌کنند؛ زیرا شمار رکعات تراویح بیست رکعت می‌باشد، پس اگر تعداد رکعات یک ماه آن حساب شود، ۶۰۰ رکعت می‌شود، پس اگر در هر شب، در هر رکعت، ده ده، آیت خوانده شود، در یک ماه قرآن کریم یک بار ختم می‌شود؛ چون تعداد آیات قرآن کریم چیزی زیادتر از شش هزار می‌باشد». (رحیم بخش، بی تا: ۳۴)

حالا وقتی که علمای فوق در این تقسیم‌بندی دقت کردند، بعضی ملاحظات را در آن دریافت نمودند، از جمله این که این علایم، دارای فایده و نفع خاصی نمی‌باشد؛ زیرا در آن رعایت موضوعات و معانی نشده؛ بلکه بعضی اوقات علامات فوق در جای گذاشته شده است که اتمام قرائت و رکوع بر آن مناسب نمی‌باشد؛ بلکه ضرور است که یک و یا دو آیت دیگر نیز به همراه آن، علاوه گردد تا موضوع مورد بحث در قرآن کریم تکمیل گردد. همچنان اگر علامات فوق (تعشیر) را رعایت کنیم، ختم در شب اخیر انجام می‌شود؛ در حالی که بنابر احادیث زیادی، احتمال بودن شب قدر در شب ۲۷ زیاد می‌باشد، پس به اساس رعایت مسائل فوق، تصمیم گرفته و علایم «رکوع» را وضع و ایجاد نمودند و تصمیم گرفتند که قرآن ۵۴۰ رکوع داشته باشد.

در انتخاب رکوعات، دو نکته مهم را در نظر گرفته اند:

اول: هیچ رکوع کمتر از مقدار قرائت واجبه در نماز نباشد. بنابر، همین علت مشاهده می‌کنیم که هیچ رکوعی وجود ندارد، کمتر از سه آیت کوتاه و یا یک آیت دراز باشد.

دوم: هر رکوع از لحاظ معنا مشتمل به موضوع کاملی باشد. البته رعایت کلمات را در رکوع‌ها نیز نموده اند. پس اگر موضوع زیادتر از یک الی ۵۴۰ کلمه می‌بود، آن را

در دو رکوع قرار می‌دادند؛ ولی اگر از این عدد کرده کمتر می‌بود، آن را جزء یک رکوع قرار می‌دادند. (رحیم بخش، بی‌تا: ۳۴-۳۶)

۳. تعداد رکوع‌های قرآن کریم

در باره تعداد رکوع‌ها در قرآن کریم علماء دارای سه نظر ذیل می‌باشند:

۱. علمای بخاری: علمای بخارا برای قرآن کریم ۵۴۰ رکوع را تعیین نموده‌اند. پس حالا اگر در نماز تراویح، در هر رکعت، یک رکوع خوانده شود، ختم قرآن کریم در شب ۲۷ رمضان حاصل می‌شود.

۲. علمای متأخرین: متأخرین تعداد رکوعات در نزد این‌ها به ۵۵۸ رکوع می‌رسد.

۳. قول امام محمد هاشم تتوی: تتویرحمه الله تعداد رکوع‌های قرآن کریم را ۴۸۰ عدد می‌داند. در صورتی‌که اگر در هر شب در نماز تراویح یک رکوع خوانده شود، بنابر قول ایشان ختم در شب ۲۴ رمضان حاصل می‌شود.

باید خاطر نشان ساخت که علامه تتوی رحمه الله در باره رکوع‌های قرآن کریم رساله مستقلی را نوشته و در آن بر رکوع‌های که توسط علمای بخاری ایجاد شده بود، بعضی ملاحظات را ذکر می‌کند، بعداً خود در رساله فوق اسم «رکوع» را به «مقرأه» تغییر داده و قرآن کریم را به ۴۸۰ «مقرأه» تقسیم می‌کند. روش کارش هم طوری که هر جز از ۳۰ اجزای قرآن کریم را به ۱۶ جز دیگر تقسیم نموده و هر جز از اجزای ۱۶ گانه را «مقرأة» نام‌گذاری نموده‌اند؛ در صورتی‌که ۱۶ را در ۳۰ ضرب بزینم عدد ۴۸۰ حاصل می‌شود. (هاشم تتوی، ۱۴۲۲: ۶۶-۶۸)

۱. احصائیه رکوع‌های قرآن کریم

در میان اقوال فوق، قول دوم امروز در مصاحفی که در ممالک هند، پاکستان و افغانستان مستعمل است. چنانچه بعد از احصائیه عدد فوق حاصل شد.

- جزء اول «۱۶» رکوع می‌باشد. در این خصوص باید گفت که سورة فاتحه در نزد علماء رکوع مستقل است؛ ولی آن را از ضمن رکوعات جز اول حساب نکرده‌اند. بنابر این، تعداد رکوعات جزء اول به همراه رکوع سورة فاتحه «۱۷» رکوع می‌شود.
- جزء دوم «۱۶» رکوع و دو ثلث می‌باشد و رکوع «۱۷» هم شامل است.
- جزء سوم «۱۷» رکوع می‌باشد.
- جزء چهارم «۱۴» رکوع به همراه ثلث رکوع پانزدهم.
- جزء پنجم «۱۷» رکوع و زیادت‌تر از نصف رکوع «۱۸» است.
- جزء ششم «۱۴» رکوع و زیادت‌تر از نصف رکوع «۱۵».
- جزء هفتم «۱۹» رکوع.
- جزء هشتم «۱۷» رکوع و نصف رکوع «۱۸».
- جزء نهم «۱۸» رکوع و تقریباً ثلث رکوع «۱۹».
- جزء دهم «۱۷» رکوع و کمتر از نصف رکوع «۱۸».
- جزء یازدهم «۱۶» رکوع و نصف رکوع «۱۷».
- جزء دوازدهم «۱۶» رکوع و نصف رکوع «۱۷».
- جزء سیزدهم «۱۹» رکوع.
- جزء چهاردهم «۲۲» رکوع.
- جزء پانزدهم «۲۱» رکوع و ربع رکوع «۲۲».
- جزء شانزدهم «۱۷» رکوع.
- جزء هفدهم «۱۷» رکوع.
- جزء هجدهم «۱۷» رکوع.
- جزء نوزدهم «۱۹» رکوع و یک سطر از رکوع «۲۰».

- جزء بیستم «۱۶» رکوع.
 - جزء بیست و یکم «۱۹» رکوع و یک ثلث از رکوع «۲۰».
 - جزء بیست و دوم «۱۸» رکوع و نصف رکوع «۱۹».
 - جزء بیست و سوم «۱۷» رکوع.
 - جزء بیست و چهارم «۱۹» رکوع و سه سطر از رکوع «۲۰».
 - جزء بیست و پنجم «۲۰» رکوع.
 - جزء بیست و ششم «۱۸» رکوع و ثلث رکوع «۱۹».
 - جزء بیست و هفتم «۲۰» رکوع.
 - جزء بیست و هشتم «۲۰» رکوع.
 - جزء بیست و نهم «۲۲» رکوع.
 - جزء سی ام «۳۹» رکوع.
- این بود به صورت مفصل بیان رکوع‌های هر جز از اجزای سی‌گانه قرآن کریم. در صورتی که اعداد فوق را جمع نماییم که عدد ۵۵۸ حاصل می‌شود. البته کسوری که در بعضی از اجزای قرآن کریم وجود دارد، آن در نزد علماء مطروح بوده و در حساب نمی‌آید.

مبحث دوم: سجده

در مبحث مفهوم شناسی کلمه سجده از نظر معنای بحث شد و بیشتر تمرکز به همان سجده‌ای بود که در نماز ادا می‌شود تا فروتنی و خضوع عابد و نمازگزار را نشان دهد. در این مبحث تمرکز بیشتر بر سجده تلاوت در قرآن کریم است که ابعاد مختلف آن به بحث گرفته می‌شود:

۱. معنای سجده تلاوت

تلاوت مصدر از باب «تلا یتلو تلاوة» می باشد به معنی خواندن می آید. گفته می شود که «تلاوت القرآن تلاوة» وقتی که آن را قرائت نماییم. پس سجده تلاوت عبارت از سجده است که سبب وجوب و یا استحباب آن تلاوت آیتی از آیات سجده باشد. (مجموعه از مؤلفین، ۱۴۲۷، ج. ۲۴: ۲۱۲)

اضافت در این جا از قبیل اضافت مسبب به سبب می باشد. مانند: خیار عیب، خیار روءة، حج البیت، صلاة الظهر. (زیلعی، ۱۳۱۳، ج: ۱: ۲۰۴) در کل باید گفت که سجده به سبب تلاوت آیت سجده، بالای شخص انجام آن لازم می شود.

۲. مشروعیت سجده تلاوت

فقههای کرام بر مشروعیت سجده تلاوت در وقت تلاوت آیات خاص به دلیل ورود آیات و احادیث در این باب اتفاق دارند.

الله متعال -جل جلاله- می فرماید: ﴿وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ﴾ [الانشقاق: ۲۱]. در این آیت الله متعال -جل جلاله- کسانی را که سجده نمی نمایند، مورد مذمت قرار داده است. امام سیوطی -رحمه الله- می گوید: «این آیت دلیل برای مشروعیت سجده تلاوت می باشد». (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۸۵)

همچنان عبد الله بن عمر -رضی الله عنهما- می گوید: «نبی اکرم -صلی الله علیه وسلم- قرآن تلاوت می نمود و هرگاه، یکی از سوره های دارای سجده را تلاوت می نمود، سجده می کرد؛ ما نیز همراه ایشان، سجده می کردیم و چه بسا که «به سبب ازدحام» جایی برای نهادن پیشانی بر زمین پیدا نمی کردیم». (مسلم، بی تا، شماره ۵۲۰)

۴. حکم سجده تلاوت

در باره حکم سجده باید گفت که فقههای کرام با هم اختلاف نموده اند طوری که ائمه ثلاثه (مالک شافعی و احمد) قائل به سنت بودن آن است؛ در حالی که امام ابوحنیفه

-رحمه الله- می گوید: «سجدة تلاوت واجب می باشد». (مجموعه از مؤلفین، ۱۴۲۷،

ج ۲۴: ۲۱۲)

دلایل جمهور

جمهور علماء (ابن قدامه، ۱۴۰۵، ج ۲: ۳۵۶) بر احادیث ذیل قول به سنت بودن سجدة تلاوت می نمایند. زید بن ثابت -رضی الله عنه- می گوید: «سوره نجم را نزد رسول الله -صلی الله و علیه وسلم- تلاوت کردم، ولی آن حضرت صلی الله و علیه وسلم سجده نکرد». (بخاری، ۱۴۲۲، شماره ۱۰۷۳)

همچنان از ابوبکر بن ابی ملیکه روایت است که ربیعہ از اشخاص نیکو بوده و مجلس عمر بن خطاب -رضی الله عنه- را دریافته بود گفت: «عمر بن خطاب -رضی الله عنه- در روز جمعه سورة النحل را بر منبر خواند و چون به آیه سجده رسید، فرود آمد و سجده کرد. آنکه که جمعة بعد فرا رسید، همان سوره را خواند و چون به آیه سجده رسید، گفت: «ای مردم! به آیه سجده می رسیم. هر آنکس که سجده می کند کاری شایسته می کند و اگر کسی سجده نمی کند، بر وی گناهی نیست». ولی عمر -رضی الله عنه- خود سجده نکرد. (بخاری، ۱۴۲۲: ۱۰۷۷)

دلایل احناف:

الف) قرآن کریم: الله متعال جل جلاله می فرماید: ﴿وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ﴾ [الانشقاق: ۲۱]

عینی -رحمه الله- می گوید: «الله متعال -جل جلاله- این ها را مورد مذمت قرار داد و استحقاق مذمت هم نمی باشد؛ مگر در ترک واجب». (عینی، ۱۴۲۰، ج ۲: ۶۶۱)

همچنان الله متعال -جل جلاله- می فرماید: ﴿فَأَسْجُدُوا﴾ (سوره النجم، آیه ۶۲)

وقوله تعالى في سورة اقرأ: ﴿وَأَسْجُدْ﴾ (سوره العلق، آیه ۱۹) در این دو آیت امر وارد

است و امر در صورتی که خالی از قرینه باشد برای وجوب می‌آید. (عینی، ۱۴۲۰، ج ۲: ۶۶۱)

ب) احادیث: از ابوهره -رضی الله عنه- روایت است که رسول خدا -صلی الله علیه وسلم- فرمود: «هرگاه انسان سوره‌ای که آیه سجده در آن است، بخواند و با رسیدن به آن آیه سجده کند، شیطان به گوشه‌ای می‌رود و گریه می‌کند و می‌گوید که وای بر من! آدمیان به سجده امر شدند و چون سجده کردند، بهشت را یافتند و من نیز بدان امر شدم؛ اما امتناع کردم و از همین روی آتش جهنم نصیب من گشت». (مسلم، بی‌تا، ۸۱)

وجه استدلال در این روایت وارد است که بنی آدم به آن شد و امر نمی‌باشد؛ مگر برای وجوب. در این جا اگر کسی اشکالی را وارد کند که در اصل این حکایت قول ابلیس بوده و حجت نمی‌باشد. جواب این که در این جا پیامبر -صلی الله علیه وسلم- از او روایت نموده و بر آن انکار نکرده؛ بلکه آن را تأیید نموده و پس از این معلوم می‌شود که آنچه را گفته است، حق و صواب می‌باشد. (عینی، ۱۴۲۰، ج ۲: ۶۶۴) همچنان می‌گویند:

- «تمام آیات سجده دلالت به وجوب می‌کنند؛ زیرا آیات سجده سه قسم می‌باشد:
- قسم اولی آنست که به صیغه امر می‌باشد و امر هم دلالت به وجوب می‌کند.
- قسم دیگر آنست که در آن فعل انبیاء علیهم السلام ذکر شده که آن‌ها سجده نموده‌اند و پیروی از انبیاء هم واجب می‌باشد.
- قسمی دیگر آنست که در آن سرباز زدن کفار از سجده ذکر است و مخالفت با آن‌ها واجب می‌باشد». (زیلعی، ۱۳۱۳، ج ۱: ۲۰۵)

مناقشه دلایل جمهور: احناف در بارة روایاتی که جمهور ذکر نموده‌اند می‌گویند که این احادیث دلالت به عدم وجوب سجده نمی‌کند؛ بلکه این احادیث دلالت می‌کند که فی الحال سجده نکردند. (زیلعی، ۱۳۱۳، ج ۱: ۲۰۵)

۵. دلیل سجده‌های تلاوت و تعداد آن در قرآن کریم

دلیل سجده‌های تلاوت، قرآن کریم و احادیثی می‌باشد که در این مورد وارد و آن‌ها را مشخص ساخته است. این دلایل که در کتب احادیث از قبیل صحاح، سنن و کتب فقهاء مذکور می‌باشد. هرچه در باره تعداد آن، علماء به سجده در ده آیت ذیل با هم اتفاق دارند:

❖ ﴿إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيُسَبِّحُونَهُ وَلَهُ يَسْجُدُونَ﴾ [الأعراف: ۲۰۶]

❖ ﴿وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلَالُهُم بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ﴾ [الرعد: ۱۵]

❖ ﴿وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةُ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ﴾ [التحل: ۴۹]. ﴿يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾ [التحل: ۵۰]

❖ ﴿قُلْ ءَامِنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا ﴿١٣٧﴾ وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا ﴿١٣٨﴾ وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا﴾ [الإسراء: ۱۰۷ - ۱۰۹]

❖ ﴿أُولَٰئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَّةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَءِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا﴾ [مریم: ۵۸]

❖ ﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ

عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ ﴿

[الحج: ۱۸]

❖ ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا

وَرَادَهُمْ نُفُورًا ﴿[الفرقان: ۶۰]

❖ ﴿أَلَا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبَاءَ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا

تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ﴿[النمل: ۲۵]

❖ ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿[النمل: ۲۶]

❖ ﴿إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ

وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ﴿[السجدة: ۱۵]

❖ ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا

لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿[فصل ۳۷]

أَسْتَكَبرُوا فَالَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا

يَسْأَمُونَ ﴿[فصلت: ۳۷ - ۳۸]

اما سجده‌های مختلف فيه، بنابر قول راجح، «پنج» می‌باشد که عبارت از: سجده

دوم سوره الحج، سجده سوره «ص» و سه سجده که در سوره‌های مفصل واقع است.

عبارت از سجده در سوره‌های النجم، الانشقاق و العلق می‌باشد. (ابن قدامه، ۱۴۰۵،

ج ۲: ۳۵۶)

قولی دیگری نیز وجود دارد که سجده‌های تلاوت را شانزده می‌داند، یک سجده را

در آیت ماقبل اخیر سوره الحجر یعنی آیه: ﴿فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُنْ مِنَ

السَّاجِدِينَ ﴿[الحجر: ۹۸] می‌داند باید گفت که این قول مخالف جمهور علماء و

قول شاذ می‌باشد. (ابن العربی، ۱۴۲۴، ج ۳: ۱۱۳۸)

۶. مذاهب فقهی اربعه

امام ابوحنیفه - رحمه الله - تعداد سجده‌های تلاوت را چهارده (۱۴) می‌داند که به نزد ایشان سجده دوم سوره الحج که عبارت از: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [الحج: ۷۷] است، شامل آیات سجده نمی‌باشد. احناف قائل به سجده در سوره «ص» در آیت: ﴿قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعَجْتِكَ إِلَىٰ نَعَاجِهِ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ وَظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ﴾ [ص: ۲۴] و سه سجده مفصل که عبارت اند از: ﴿فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَاعْبُدُوا﴾ [النجم، آیه ۶۲]

﴿وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْءَانُ لَا يَسْجُدُونَ﴾ (سوره الانشقاق، آیه ۲۱)

﴿كَلَّا لَا تَطِعُهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ﴾ (سوره العلق، آیه ۱۹) نیز اند.

خلاصه این که احناف به جز سجده دوم سوره الحج در ۱۴ سجده دیگر قائل به سجده می‌باشند. (سرخسی، ۱۴۲۱، ج ۲: ۶، کاسانی، بی‌تا، ج ۱: ۱۹۳)

امام مالک - رحمه الله - سجده‌های تلاوت را یازده (۱۱) سجده می‌داند. به نزد ایشان سجده دوم سوره الحج و سه سجده سوره‌های مفصل، شامل آیات سجده نمی‌باشد. بنابر قول راجح و معتمد در مذهب امام مالک - رحمه الله -، سجده سوره «ص» شامل سجده‌ها می‌باشد. (امام مالک، بی‌تا، ج ۱: ۲۰۷، ابن عبدالبر، ۱۴۰۰، ج ۱: ۲۶۱-۲۶۲)

امام شافعی و احمد - رحمهما الله - سجده‌های تلاوت را ۱۴ می‌دانند. به نزد این‌ها سجده سوره «ص» شامل سجده‌ها نمی‌باشد. (ابن قدامه، ۱۴۰۵، ج ۲: ۳۵۲؛ نووی، بی‌تا، ج ۴: ۵۹)

۷. سجده‌های مشهور مصاحف مطبوع

مصحف مطبوع در انتخاب سجده و اشاره به اختلاف فقهی در آن، متفاوت می- باشد؛ طوری که بعضی آن‌ها، اختلافات فقهی را ذکر و بعضی دیگر از آن صرف نظر کرده است. همچنین بعضی از مصاحف سجده‌های تلاوت را ۱۵ و بعضی دیگر ۱۴ ذکر نموده‌اند. چنان‌چه تفصیل مشهورترین مصاحف قرار ذیل است:

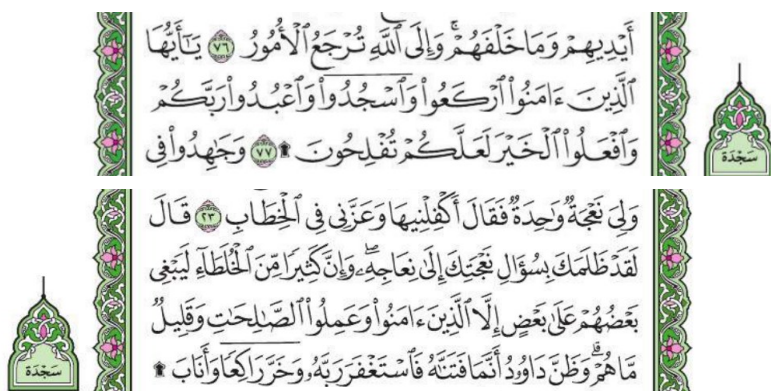
در مصحف الحرمین که به روایت حفص از عاصم می‌باشد و توسط محمد سعد ابراهیم مشهور به حداد (۱۹۱۹-۲۰۱۱) نوشته شده و در شرکت «الشمری لطبع و النشر» در قاهره به طبع رسیده که سجده‌های تلاوت ۱۵ انتخاب شده و به اختلاف فقهی در میان مذاهب اربعه نیز اشاره شده است.

به صورت نمونه به آیت ۷۷ سوره الحج و آیه ۲۴ سوره «ص» در این مصحف متوجه می‌شویم که در آن به اختلاف فقهی که در میان ائمه واقع است، اشاره شده است. به تصویر شماره ۲ و ۳ بنگرید.



تصویر شماره ۲،۳

در « مصحف المدینه النبویه » که به روایت حفص و شعبه از عاصم و دوری از ابو عمرو بصری می باشد و توسط خطاط توانا، دکتور عثمان عبده طه نوشته شده و در مجمع ملک فهد لطباعة و النشر به چاپ رسیده است. سجده های تلاوت « ۱۵ » انتخاب شده است. البته این ها به اختلافات فقهی در مواضع سجده اشاره نکرده و صرف به این قول « السجدة » در حاشیه مصحف اکتفا شده که به صورت نمونه در این مصحف نیز به آیه ۷۷ سوره الحج متوجه می شویم که صرف در حاشیه مصحف سجده نوشته شده و بس. به تصویر شماره ۴ بنگرید.



تصویر شماره ۴

در « مصحف قطر » که به روایت حفص از عاصم و توسط خطاط عبیده محمد صالح نوشته شده و در انتشارات ماس در شهر استانبول ترکیه به چاپ رسیده است، سجده های تلاوت « ۱۵ » انتخاب گریده، بدون اشاره به اختلاف فقهی در مواضع سجده و در این مصحف نیز صرف به نوشتن اصطلاح « سجده » در حاشیه مصحف اکتفا صورت گرفته است. (حیدر، ۱۴۳۵: ۱۹۶-۱۹۷)

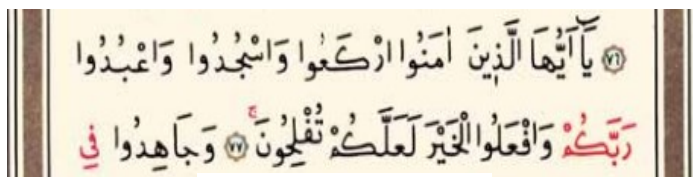
همچنان به صورت نمونه به آیه ۷۷ سوره « الحج » و آیه ۲۴ سوره « ص » در این مصحف متوجه شوید که در آن به اختلاف فقهی که در میان ائمه واقع است. اشاره

نشده است؛ اما در مصحف ترکی که توسط خطاط ماهر استاد احمد خسرو (۱۸۹۹-۱۹۷۷) - البته با اعتماد به مصحفی که توسط عثمان نوری قایشزاده (۱۸۳۴-۱۸۹۴) نوشته شده و توسط مؤسسه «الخیرات لنشر» در استانبول به چاپ رسیده، سجده‌های تلاوت مطابق دیدگاه امام ابوحنیفه -رحمه الله- «۱۴» انتخاب شده و سجده دوم در سوره الحج در آن مذکور نمی‌باشد. چنان‌چه همین مذهب امام ابوحنیفه -رحمه الله- نیز است.



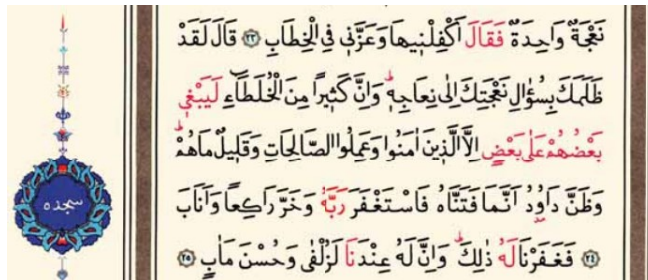
تصویر شماره ۵، ۶

آیه ۷۷ سوره الحج متوجه شوید که در آن، هیچ چیزی نوشته نشده و مطابق مذهب امام ابوحنیفه -رحمه الله- که سجده تلاوت را در آن نمی‌داند، می‌باشد. به تصویر شماره ۷ بنگرید.



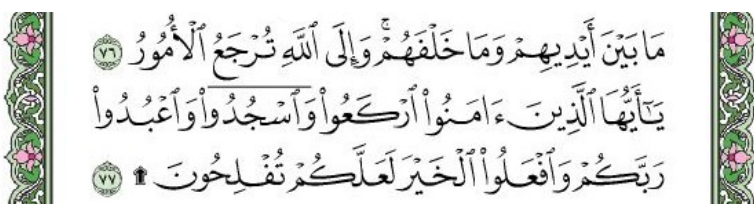
تصویر شماره ۷

اما چنانچه در مذهب احناف در سوره «ص» سجده می‌باشد، بناء می‌بینیم که در آن موضع سجده مشخص شده است. به تصویر شماره ۸ بنگرید.



تصویر شماره ۸

به همین منوال در مصحف «تاج» که در مجمع ملک فهد لطباعة المصحف الشریف تحت عنوان «مصحف نستعلیق» به چاپ رسیده که از جمله مشهورترین مصاحف در میان حفاظ قرآن کریم در افغانستان است- در این مصحف صرف در یکجا به اختلاف فقهاء اشاره شده و آن، موضع دوم سجده در سورة الحج می‌باشد. به تصویر شماره ۹ بنگرید.



تصویر شماره ۹

نتیجه گیری

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اصطلاح رکوع یکی از جمله اصطلاحات و مفاهیمی است که در مصحف شریف توسط علمای بخارا در اوایل سال ۳۰۰ هجری جهت تعیین و تسهیل قرائت و ختم در ماه مبارک رمضان و تلاوت نمودن مقداری معینی که از لحاظ معنا مشتمل به موضوع کامل باشد، ایجاد گردید. اصطلاح فوق در مصاحف افغانستان، شبه قاره هند، پاکستان، ایران، ترکیه و بعضی ممالک دیگر وجود دارد؛ در حالی که در مصاحف عربی این اصطلاح به چشم نمی‌خورد. رکوع‌های که در مصحف امروزی مستعمل است، ۵۵۸ رکوع می‌باشد که مبتنی بر دیدگاه متأخرین است.

اصطلاح و مفهوم دیگری که در مصحف شریف وجود دارد، اصطلاح سجده است. این اصطلاح دلالت به موضع سجدة تلاوت در مصحف شریف می‌نماید. سجدة تلاوت به نزد احناف واجب و در نزد جمهور سنت می‌باشد. با در نظر داشت دلایل فریقین، قول احناف راجح به نظر می‌رسد. سجدة تلاوت در نزد احناف «۱۴»، در نزد امام مالک یازده و در نزد امام شافعی و احمد بن حنبل -رحمهما الله- نیز «۱۴» می‌باشد. البته فرق‌شان به همراه احناف این است که احناف سجدة دوم سوره الحج را نمی‌شمارند؛ ولی سجدة سوره «ص» را شامل شمار سجده‌ها می‌کنند؛ در حالی که شوافع و حنابله دارای دیدگاه برعکس در این مسأله می‌باشند، در مصاحف مطبوع، موضعی که موجب سجده است، توسط خط افقی بالای آن و موضع سجده توسط نهادن علامه (﴿﴾ مشخص می‌باشد. البته در تمام مصاحف برای نشانی کردن جای سجده در حاشیه مصحف شریف (کلمه سجده) نوشته شده است.

سرچشمه‌ها

- ابن العربی، محمد بن عبدالله ابوبکر بن العربی المعافری الاشبیلی المالکی. (۱۴۲۴ق - ۲۰۰۳م) احکام القرآن، تحقیق: محمد عبد القادر عطا، دار الکتب العلمیة، بیروت - لبنان، چ ۳.
- ابن عابدین، محمد امین بن عمر بن عبد العزیز دمشقی حنفی (۱۴۱۲ق - ۱۹۹۲م) رد المحتار علی الدر المختار، دار الفکر - بیروت، چ ۴.
- ابن عبد البر، ابوعمر یوسف بن عبد الله القرطبی (۱۴۰۷ق) الکافی فی فقه اهل المدينة، دار الکتب العلمیة، چ ۱.
- ابن فارس، احمد بن فارس بن زکریا (۱۴۲۰ق) معجم مقاییس اللغة. دار الفکر، چ ۱.
- ابن قدامه، ابومحمد موفق الدین عبد الله بن احمد بن محمد بن قدامه الجماعیلی المقدسی، الدمشقی، الحنبلی. (۱۴۰۵ق) المغنی فی فقه الإمام أحمد بن حنبل الشیبانی. دار الفکر - بیروت، چ ۱.
- ابن منظور، محمد بن منظور افریقی (۱۴۱۴ق) لسان العرب، دار صادر بیروت لبنان. چ ۱.
- بخاری، ابوعبد الله محمد بن اسماعیل (۱۴۲۲ق) الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلی الله علیه وسلم وسننه وأیامه = صحيح البخاری. محمد زهیر بن ناصر الناصر، جلد ۲، بی جا: دار طوق النجاة، چ ۲.
- پانی پتی، رحیم بخش. (بی تا) الخط العثماني فی الرسم العثماني، اداره ی نشر و اشاعه اسلامیات، ملتان، پاکستان، چ ۲.
- تتوی، محمد هاشم بن عبد الغفور حارثی سندی (۱۴۲۲ق) تحفة القاری بجمع المقاری، اداره نشر و اشاعه اسلامیات، ملتان، پاکستان، چ ۱.

- حيدر، حازم بن سعيد (۱۴۳۵ق) مدخل الى التعريف بالمصحف الشريف، مركز الدراسات والمعلومات القرآنية بمعهد الإمام الشاطبي، ج ۱.
- رازی، زين الدين ابو عبدالله محمد بن ابی بكر بن عبد القادر، (۱۴۲۰ق- ۱۹۹۹م) مختار الصحاح، تحقيق: يوسف الشيخ محمد، المكتبة العصرية - الدار النموذجية، بيروت - صيدا، ج ۵.
- زيلعي، عثمان بن علي بن محجن البارعي، فخر الدين حنفي (۱۳۱۳ق) تبیین الحقائق شرح كنز الدقائق. المطبعة الكبرى الأميرية - بولاق، القاهرة، ج ۱.
- سرخسی، محمد بن احمد بن ابی سهل شمس الأئمه، (۱۴۲۱ق- ۲۰۰۰م)، المبسوط، تحقيق: خليل محيى الدين الميس، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت، لبنان، ج ۱.
- سندی، عبد القيوم بن عبد الغفور (۱۴۳۷ق) مصطلح الركوع في المصاحف مدلوله، نشأته و أقوال العلماء فيه. مجله التبيان ۱۴۳۷ق. (۲۴).
- سيوطي، عبد الرحمن بن ابی بكر جلال الدين. (۱۴۰۴ ق) الإكلیل فی استنباط التنزيل. تحقيق: سيف الدين عبد القادر الكاتب، دار الكتب العلمية - بيروت، ج ۱.
- عيني، ابو محمد محمود بن احمد بن موسى بن احمد بن حسين الغيتابي الحنفي بدر الدين (۱۴۲۰ ق - ۲۰۰۰ م) البناية شرح الهداية. دار الكتب العلمية - بيروت، لبنان، ج ۱.
- عيني، بدر الدين محمود بن احمد بن موسى. (۱۴۲۱ق ۲۰۰۱م) عمدة القارى فى شرح صحيح البخارى. تحقيق: عبد الله محمود محمد عمر، دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، ج ۱.
- فيروز آبادي، مجد الدين محمد بن يعقوب. (۱۴۲۶ق) القاموس المحيط. تحقيق: انس محمد الشامي وزكريا جابر احمد، درا الحديث القاهرة، ج اول.

- کاسانی، علاء الدین ابوبکر بن مسعود بن احمد حنفی (۱۴۰۶ق - ۱۹۸۶م)
بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع. دار الكتب العلمية، چ ۲.
- مجموعه مؤلفین (۱۴۲۷ق) الموسوعة الفقهية الكويتية. مطابع دار الصفوة
- مصر، چ ۱.
- مسلم، ابوالحسن القشیری النیشاپوری (بی تا) المسند الصحيح المختصر
بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم. محمد فؤاد عبد
الباقی، جلد ۷، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چ ۱.
- نووی، ابوزکریا محیی الدین یحیی بن شرف (بی تا) المجموع شرح المذهب،
دار الفکر، چ ۱.

رحیم حسین حسینی

استاد پوهنخی حقوق و علوم سیاسی موسسه

تحصیلات عالی زاوول

R.H.Hussaini1374@gmail.com

محمد سرور سروری

دانش آموخته رشته حقوق و علوم سیاسی

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۸/۱۶

پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۳۰

www.dawat.edu.af

Journal@dawat.edu.af

بررسی فرایند مشروعیت حکومت‌ها در اسناد بین‌المللی

چکیده

مشروعیت و شناسایی حکومت‌ها از مباحث اساسی در حقوق بین‌الملل هستند که تأثیر به سزایی بر روابط میان حکومت‌ها دارند. مشروعیت به معنای پذیرش و تأیید یک حکومت از سوی مراجع و جامعه بین‌المللی است. شناسایی حکومت‌ها در حقوق بین‌الملل، فرایندی است که طی آن حکومت‌ها یا نهادهای بین‌المللی وجود یک حکومت را به رسمیت شناخته و با پذیرش رسمی نماینده قانونی تأمین ارتباط می‌نمایند. فرایند شناسایی مستلزم فهم مفهومی مشروعیت در حقوق داخلی و شناسایی در حقوق بین‌الملل است تا معیارها و شرایط لازم روشن گردد. مسئله قابل تأمل این است که؛ فرایند شناسایی حکومت‌ها مستلزم کدام قواعد در عرصه ملی و بین‌المللی است؟ تا شرایط و وضعیت حاکم در کشور سازمان‌یافته و روزنه‌های بهبود در زمینه تبادل اندیشه و ارتباط مهیا گردد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شناسایی حکومت‌ها نه تنها به مشروعیت داخلی اعتبار می‌بخشد، بلکه زمینه‌ساز تعاملات دیپلماتیک با سایر کشورها و نهادهای بین‌المللی است. با این حال فرایند شناسایی ممکن تحت تأثیر منافع سیاسی و استراتژیک حکومت‌ها قرار گیرد که منجر به چالش‌ها و تضادهای بین‌المللی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: مشروعیت، شناسایی، حکومت و اسناد بین‌الملل

Abstract

Legitimacy and recognition of governments are fundamental issues in international law that have a significant impact on relations between governments. Legitimacy means acceptance and approval of a government by authorities and the international community. Recognition of governments in international law is a process through which governments or international institutions recognize the existence of a government and establish a relationship by officially accepting its legal representative. The recognition process requires a conceptual understanding of legitimacy in domestic law and recognition in international law in order to clarify the necessary criteria and conditions. The question to consider is; What rules does the process of recognizing governments require in the national and international arena? In order to organize the prevailing conditions and situation in the country and provide opportunities for improvement in the exchange of ideas and communication. The results of this research show that recognition of governments not only gives credibility to domestic legitimacy, but also paves the way for diplomatic interactions with other countries and international institutions. However, the recognition process may be influenced by the political and strategic interests of governments, leading to international challenges and conflicts.

Keywords: legitimacy, recognition, government and international documents.

Dawat Academic Journal

Fifth Year, Issue 2
(Fall & Winter 2024-2025)

Volume
11

Received: 2024-11-6
Accepted: 2025-2-18

www.dawat.edu.af
Journal@dawat.edu.af

مقدمه

کسب مشروعیت حکومت‌های جدید تأسیس و شناسایی آن‌ها از طرف کشورهای دیگر، از بنیادی‌ترین موضوعات در علوم سیاسی و حقوق بین‌الملل است که در تحلیل روابط حکومت‌ها و جامعه بین‌المللی نقش اساسی ایفا می‌کند. مشروعیت به معنای تأیید و پذیرش یک نظام سیاسی از سوی نهادها و مراجع بین‌المللی به‌عنوان پیش‌شرط اعمال قدرت و اقتدار درونی و بیرونی مطرح است. این مفهوم در طول تاریخ از تعاریف سنتی و الهی به‌سوی برداشت‌های پست‌مدرن مانند: رضایت مردمی، حاکمیت قانون و رعایت حقوق بشر تحول یافته است. در عین حال شناسایی حکومت‌ها در حقوق بین‌الملل به‌عنوان فرایند رسمی برای تأیید حضور یک حکومت در نظام بین‌المللی، پیامدها و الزامات خاصی به همراه دارد که می‌تواند بر روابط سیاسی و اجتماعی میان حکومت‌ها تأثیرگذار باشد. مشروعیت حکومت به طور عمده در دو سطح داخلی و بین‌المللی بررسی می‌شود. در سطح داخلی، مشروعیت مبتنی بر پذیرش قدرت حاکمه از سوی مردم است که با عوامل مختلفی همچون کارآمدی سیاسی، رعایت اصول عدالت اجتماعی، حاکمیت قانون، و ایجاد ثبات و امنیت ارتباط دارد. در این سطح، مشروعیت بازتابی از میزان اعتماد عمومی به نهادهای حکومتی و کارکرد آن‌ها در تأمین رفاه جامعه است. در مقابل مشروعیت بین‌المللی عمدتاً به تأیید یک حکومت از سوی حکومت‌ها و نهادهای بین‌المللی اشاره دارد. این نوع مشروعیت برخلاف مشروعیت داخلی، بیشتر متأثر از معیارهای حقوقی و سیاسی در عرصه بین‌المللی است که غالباً در چارچوب قواعد حقوق بین‌الملل و باتوجه به موازنه قدرت جهانی شکل می‌گیرد. بناءً مسئله اصلی این است که فرایند شناسایی حکومت‌ها تابع کدام اصول، قواعد و شرایط در نظم نوین جهانی است. در این تحقیق سعی می‌شود که فرایند چگونگی کسب مشروعیت حکومت‌ها در اسناد بین‌الملل مورد بررسی قرار گیرد. بناءً پرسشش اساسی این است که فرایند

مشروعیت حکومت‌ها مبتنی بر اسناد بین الملل چگونه است؟ با توجه به عنوان و هدف تحقیق، این تحقیق یک تحقیق توصیفی-تحلیلی است که اطلاعات لازم با استفاده از روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده و با استفاده از رویکرد کیفی تحلیل می‌شود.

پیشینه تحقیق

آنچه به عنوان پیشینه تحقیق در اینجا مطرح می‌شود، تحقیقات انجام شده است که طی سال‌های گذشته بر محور این مفهوم واکاوی گردیده است که در ذیل به چند مورد آن اشاره خواهد شد:

۱. سروش، محمد فریدون، (۱۳۹۳) شناسایی دولت در حقوق بین الملل «فصلنامه علمی تحقیقی مؤسسه تحصلات عالی غالب» شماره ۱. آنچه در این مقاله تدوین گردیده، محور آن شناسایی دولت‌ها بوده که بحث دولت‌ها به عنوان قاعده ثابت بوده و مورد توافق اراده‌ها نیز قرار گرفته که مسئله حکومت‌ها به عنوان دستگاه اجرایی دولت مورد توجه آنچنان که لازم است قرار نگرفته است. پژوهش حاضر نسبت به مقاله آقای سروش تخصصی‌تر بوده و به صورت موردی نیز مورد توجه قرار خواهد گرفت که خود زمینه‌ای کار را پیشنهاد می‌نماید.

۲. سرتیپی، حسین (۱۳۹۵) اصل مشروعیت، حاکمیت و دیگراندیشی در چارچوب‌های سنتی حقوق بین الملل «مؤسسه مجله پژوهش‌های حقوقی» شماره، ۲۹.

۳. ضیایی، محمدصادق؛ نرگسیان، عباس، کیا منفرد، منیژه، (۱۳۸۸) بررسی رابطه بین زبان اقتدار با مشروعیت دولت‌ها: (تحلیل گفتمان انتقادی سخنان مام خمینی) «نشریه مدیریت دولتی» دوره ۱، شماره ۳.

۴. قربان‌زاده سوار، قربانعلی، ایزدی، امیرمحمد، (۱۳۹۵) واکاوی مفهوم مشروعیت حکومت، بررسی مقایسه‌ای، دیدگاه‌های توماس اکوئیناس و خواجه نصرالدین طوسی، «پژوهش‌های سیاست اسلامی»، دوره ۹، شماره ۹.

متعاقباً؛ آنچه در آثار فوق تجلی‌یافته با توافق دیدگاه مقاله آقایی سروش با رویکرد دولتی تحلیل گردیده و شناسایی حکومت‌ها که چالش امروزی مانند مسئله مشروعیت بین‌المللی افغانستان پس از ۲۴ سنبله ۱۴۰۰ نیز است، موردتوجه آن‌چنان قرار نگرفته است. بناً در شرایط کنونی ایجاب می‌نماید که تحقیقات لازم در زمینه خلق اندیشه‌های جدید باتوجه به اصل استقلالیت داخلی و سیاست انزواگرایی سازنده بر محور منافع عمومی و خدمت عمومی تمرکز لازم صورت گرفته و اندیشه‌های ملی سرزمین را بازتاب جهانی دهند.

تعریف مفاهیم:

در اینجا مباحث مفهومی چون؛ مشروعیت، شناسایی و حکومت را با توجه به ارزش‌های پژوهشی در این اثر به بررسی مفصل خواهیم گرفت.

۱. مفهوم مشروعیت

اساس بحث مشروعیت، فهم و درک قدرت و ایجاد پذیرش برای اعمال آن بر شهروندان توسط فرمانروایان است. (خسروی، ۱۳۸۸: ۷۰) از این رو، واژه مشروعیت در زبان فارسی معادل (Legitimacy) در زبان انگلیسی است؛ به معنی قانونی بودن و مطابق قانون گرفته شده (حسینی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳) در گذشته در اروپای سده‌های میانه هم به همین معنی به کار می‌رفت. (عالم، ۱۳۸۷: ۱۰۵) البته مشروعیت صرفاً به قانون‌گرایی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه پذیرش اجتماعی آن از جانب شهروندان نیز مورد توجه است. (دولتیار، ۱۳۹۰: ۲۷۱) در حقیقت قانون همان بیان و نماد اراده عمومی است. (عمیدزنجانی، ۱۳۸۹: ۲۷۴) مفهوم مشروعیت نیز در نظریه

جدید سیاسی جایگاه مهم یافته است. اگرچه ریشه‌های این مفهوم را در نوشته افلاطون می‌توان دید که اندیشه عدل را در کتاب جمهور خود بصراحت توضیح داده است؛ اما متفکران جدید سیاسی آن را به طور منظم بیان کرده اند. قدرت، نفوس و اقتدار تنها در صورت مشروع بودن ممکن است مؤثر باشند. امروزه در روابط سیاسی، در نتیجه رشد فرهنگ و تمدن، نقش اجبار کاهش یافته است و قدرت اجبارگر را وحشی‌گری می‌دانند. روندهای جدید سیاسی از روش‌های غیر اجبارگر کنترل مانند نفوذ، ترغیب، رهبری، افکار عمومی و مانند آن‌ها بهره می‌برد. مشروعیت پیش شرط قدرت است. (عالم، ۱۳۸۷: ۱۰۵) سیسرون این واژه را برای بیان قانونی بودن قدرت به کار برد. بعدها واژه مشروعیت در اشاره به روش‌های سنتی و انطباق با سنت‌ها به کار برده شد. (سرتپی، ۱۳۹۵: ۲۶) در ادبیات علوم سیاسی، مشروعیت سیاسی بیان‌کننده رابطه میان افراد جامعه و قدرت سیاسی است. (محمد ضیای و همکاران ۱۳۸۸: ۸۹) ماکس وبر بدین باور است که هر نظام فرمانروایی که مبتنی بر توافق مردم باشد، مشروعیت است و او مبنای مشروعیت را توافق و رضایت مردم می‌داند. (عالم، ۱۳۸۷: ۱۰۶) مشروعیت سیاسی از محورهای است که بسیار از مباحث علوم سیاسی و نظام سیاسی برآن استوار می‌شود. (دولتیار، ۱۳۹۰: ۲۷۳) مشروعیت در نظریه جدید سیاسی جایگاه مهمی یافته است. (عالم، ۱۳۸۷: ۱۰۴) در باره مشروعیت دو دیدگاه وجود دارد: یکی دیدگاه فلسفی و دیگری دیدگاه جامعه‌شناسی که دانشمندان سیاست به طور غالب به بحث در باره مشروعیت در مفهوم جامعه‌شناختی آن می‌پردازند و نگاه فلسفی کلامی و اخلاقی به مشروعیت در دانش سیاست در اقلیت است. البته امروزه دیدگاه سومی که در آن به ترکیب نیز از سوی اندیشمندان ارائه شده است دو دیدگاه فلسفی و جامعه‌شناسی که هنجاری می‌نامند، پرداخته اند. (قربان زاده سوار و ایزدی، ۱۳۹۵: ۴۵) در مقام تعریف مفهوم مشروعیت تعارف گوناگون ارائه شده است که به برخی از آن‌ها در ذیل می‌پردازیم. مشروعیت عبارت از توجیه عقلانی

اعمال سلطه و اطاعت به این معنا که اعمال قدرت و سلطه از سوی حاکم باید توجیه عقلی داشته و رد چارچوب عقل و مدار عقلانی و منطقی باشد. (دولتیار، ۱۳۹۰: ۲۷۲) از این رو، مشروعیت یک نظام اجتماعی عبارت است از درجه اعتبار آن نظام در باور افراد که درون چارچوب نظام مزبور به کنش اجتماعی می‌پردازند. (ابولفضل کرمی و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۳) مشروعیت به کیفیتی است که قدرت خالص را به صورت اقتدار قانونی در می‌آورد. مشروعیت به نظم یا فرمان خصلتی اقتدارگرایانه یا الزام‌آور می‌دهد و تضمین می‌کند نه به دلیل ترس بلکه بر اساس و وظیفه از آن اطاعت شود. پس می‌توان نتیجه گرفت که مشروعیت به معنی توانایی ایجاد و حفظ این اعتقاد است که نظام سیاسی موجود برای جامعه مناسب است که توده‌ها باید بی‌اکراه از آن اطاعت کنند و تقدس آن را بپذیرند و آن را شایسته احترام و حرمت بدانند. (عالم، ۱۳۸۷: ۱۰۷) برای درک صحیح، مفهوم مشروعیت را باید در حقوق بین‌الملل مورد بحث و بررسی قرار داد. چنان پیداست در حقوق بین‌الملل به جای واژه مشروعیت از اصطلاح شناسایی استفاده شده است. شناسایی روش و تشریفات است که از قرن هجدهم به بعد در روابط بین‌المللی معمول گردیده است. (علی بابایی، ۱۳۸۴: ۳۷۱) شناسایی عبارت از عمل یکجانبه سیاسی است که یعنی قائل بودن اعتبار و صلاحیت برای حکومت شناسایی شونده از سوی حکومت شناسایی کننده به عنوان عضو از جامعه بین‌المللی. (امیدی، ۱۳۸۸: ۸۷)

۲. مفهوم شناسایی

در نظام بین‌المللی معاصر که بر برتری و تفوق حاکمیت‌ها کشوری پایه‌گذاری شده و محروم از ارکان عالی اجرایی است، شناسایی خصوصیت یک تأسیس (نهاد) اساسی را داراست. شناسایی روش و تشریفات است که به طور سنتی در روابط بین‌المللی معمول گردیده و آن به رسمیت شناختن کشورهای نوپدید توسط کشورهای دیگر است. (بیگدلی، ۱۳۹۸: ۱۵۷) جامعه بین‌المللی از ثبات و دوام همیشگی

برخوردار نبوده و تغییر اوضاع سیاسی، انقلاب‌ها و در بعضی مواقع توسل به حق تعیین سرنوشت سبب می‌گردد تا شاهد ظهور حکومت جدید در عرصه بین‌المللی باشیم. (سروش، ۱۳۹۳: ۶۵) حکومت مثل هر پدیده دیگری در یک مرحله خاصی متولد می‌گردد و در طول حیات آن تغییرات و تحولات زیادی پدید می‌آید و به عنوان عضو خانواده بین‌الملل دارای حقوق و تعهداتی است که اگر تعهدات خود را نقض کند، مسئولیت بین‌المللی پیدا می‌کند. (دانش، ۱۳۹۳: ۱۶۸) شناسایی عملی است که کشورهای قدیم به این وسیله روابط خود را با کشورهای جدید برقرار می‌نماید. (قریشی و وزیری، ۱۳۹۶: ۱۵۴) مؤسسه حقوق بین‌الملل در اجلاس بروکسل ۱۹۳۶، موضوع شناسایی را مورد بررسی قرار داد و آن را چنین تعریف کرد: «شناسایی عملی است که به موجب آن، کشورها وجود یک جامعه سیاسی جدید و مستقل را که قادر به رعایت حقوق بین‌الملل است، در سرزمین معینی تصدیق و تأیید می‌کنند و در نتیجه، اراده خود را دایر به شناسایی آن به عنوان عضو جامعه بین‌المللی اعلام می‌دارند». (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۸: ۱۵۸) شناسایی از نظر حقوق بین‌الملل بر دو گونه است:

۱- شناخت واقعیت یا شناسایی دو فاکتو و آن عبارتست از شناخت موجودیت یک حکومت یا کشور جدید در مقام کشور مستقل و توانا برای کاربرد قدرت در قلمرو خویش این شناسایی محدود است و روابط حقوقی و دیپلماتیک کامل ایجاد نمی‌کند. (آشوری، ۱۳۶۶: ۲۱۶)

۲- شناسایی دوژور که این نوع شناسایی کامل و قطعی است که معمولاً به دنبال شناسایی دو فاکتو صورت می‌گیرد. (علی بابائی، ۱۳۶۹: ۱۵۱) شناخت قانونی یا شناسایی دو ژوره که آن‌گونه شناسایی شامل روابط کامل دیپلماتیک و مصونیت برای نمایندگان سیاسی است. (آشوری، ۱۳۶۶: ۲۱۶) پوهاند دوکتور غلام سخی مصئون، شناخت را تحت عنوان «معاملات حقوقی یکجانبه» طوری توضیح نموده که هرگاه یک وضع و یا یک ادعای معین از جانب یک کشور شناخته شود، شناخت به مفهوم

حقوقی تحقق می‌پذیرد. مانند شناخت یک دولت، شناخت یک حکومت، شناخت یک اشغال و غیره. موصوف علاوه می‌کند یکی از اثرات مهم شناخت آن است که حکومت شناسنده وضع شناخته شده را در آینده مورد مناقشه قرار نخواهد داد. از تعریفاتی که اکثر نویسندگان حقوق بین‌الملل عمومی به شناخت داده‌اند، چنین نتیجه بدست می‌آید که شناخت یا به رسمیت شناختن یک اکت حقوق یک جانبه حکومت است که ذریعه آن طرف مورد شناخت بحیث یک حکومت مستقل؛ یعنی به عنوان یک شخصیت کامل حقوق بین‌الملل می‌شناسد و با آن روابط کامل دیپلماتیک برقرار می‌سازد. (صافی، ۱۳۷۰: ۴۸)

۳. مفهوم شناسی حکومت

حکومت یک تشکیل و سازمان و سعی است که قدرت سیاسی را در اختیار داشته و به مردم حکمروایی می‌کند. در واقع هیچ حکومت بدون جمعیت وجود ندارد و یک جمعیت بدون حکومت مانند توده‌ای از اجزا و اعضای است که به هم دیگر پیوستگی و ارتباط نداشته باشد. (دانش، ۱۳۹۳: ۱۲۶) حکومت مجموعه‌ای از سازمان‌های اجتماعی است که برای تأمین روابط طبقات اجتماعی و حفظ انتظام جامعه به وجود می‌آید (بابائی، ۱۳۶۹: ۱۰۰) مردم نمی‌توانند به هدف‌های مشترک دست بیابند، مگر آن‌که به درستی سازمان بیابند و قواعد معین طرز‌العمل را بپذیرند. کارگذاری که در سطح جامعه مسؤول اجرای این قواعد رفتار است و اطاعت را تأمین می‌کند، حکومت نامیده می‌شود. (عالم، ۱۳۷۳: ۱۴۳) در مفهوم حکومت یک نوع اعمال سلطه و فرمان‌راندن و اجبار و اکراه از یک طرف و اطاعت و فرمان‌بری از طرف دیگر نهفته است. هیچ جامعه متمدنی نمی‌تواند از حکومت بی‌نیاز باشد؛ زیرا حکومت است که فعالیت‌های مختلف افراد را زیر پوشش خود قرار می‌دهد و با بهره‌گیری از امکانات موجود زمینه رشد و توسعه را در ابعاد مختلف اجتماعی فراهم می‌کند و جامعه را به رفاه و آسایش می‌رساند و حقوق و وظایف افراد را در چارچوب قانون مشخص

می‌سازد. (دانش، ۱۳۹۳: ۱۲۷) خلاصه کلام این که حکومت کمیته اجرای است که به وسیله آن اراده تبارز می‌یابد، بیان می‌گردد و جامه عمل می‌پوشد. هر حکمرانی که بتواند در درون محدوده عرضی معین به منظور اجرای مقررات خویش دعوی انحصاری استفاده مشروع از زور را با موفقیت به کرسی نشاند حکومت خوانده می‌شود. (دولتیار، ۱۳۹۰: ۲۰۶) مسئله شناسایی یک حکومت در حقوق بین‌الملل شناخته شده است، حکومت مزبور نماینده آن کشور در روابط بین‌المللی قلمداد می‌شود و شناسایی معیارهای متفاوتی را می‌طلبد. (موسی‌زاده، ۱۳۸۰: ۶۱) در مورد شناسایی حکومت جدید، حکومت‌های شناسنده به معیارها و مسائل دیگری توجه دارند که یکی از این معیارها مشروع بودن موقع حکومت جدید است که مردم حکومتی خود را پذیرا باشند و معیار دیگری کنترل مؤثر بر اوضاع کشور است. هر دو معیار به شدت تحت تأثیر ملاحظات سیاسی و منافع ملی حکومت شناسنده قرار دارند. (عالیخانی، ۱۳۰۸: ۱۸۰) در علم نوین سیاست حکومت ابزاری تلقی می‌شود که برای برقراری نظم و ایجاد امنیت داخلی و خارجی و تأمین رفاه و خیر عموم، از طرف مردم اختراع شده است. این ابزار اختراعی امور عمومی را تنظیم، سیاست عمومی را اعمال و بالاخره خیر عمومی را گسترش می‌دهد. (عالیخانی، ۱۳۰۸: ۱۱۷) شناسایی؛ یعنی قائل بودن اعتبار و صلاحیت برای حکومت شناسایی شونده از سوی حکومت شناسایی‌کننده به عنوان عضو از جامعه بین‌المللی. (امیدی، ۱۳۸۸: ۷۸) در مورد نیز دو نظریه مشهور وجود داشته است که بنام دکترین توبار و دکترین استرادا مسمی گردیده اند:

۱. دکترین توبار وزیر خارجه اکوادور به این مفکوره بود که حکومت جدید التأسیس از طریق کودتا یا انقلاب باید به رسمیت شناخته نشوند؛ زیرا آن‌ها برخلاف قانون اساسی کشور مربوطه تأسیس شده و مشروعیت ندارند؛ یعنی تنها حکومتی که قدرت آن‌ها مشروعیت داشته باشد، بادید به رسمیت

شناخته شوند. (ودیر صافی، ۱۳۷۰: ۵۰) از همین لحاظ دکتربین متذکره به نام دکتربین مشروعیت نیز خوانده شده است. به پیروی از این دکتربین به تاریخ ۲۰ دسامبر ۱۹۰۷ پنج کشور امریکای مرکزی (کاستاریکا، گواتمالا، هندوراس، نیکاراگوئه، و السالوادور) قرارداد را به امضا رساند که حکومت جدیدالتأسیس خلاف قانون اساسی کشورهایشان را بر رسمیت نمی‌شناسند. (موسی‌زاده، ۱۳۸۰: ۶۳)

۲. دکتربین استرادا یا دکتربین (واقعیت) معروف است که بر ضد دکتربین توبار اعلام نمود که مشروعیت یا عدم مشروعیت حکومت موضوع داخلی کشورهای مربوطه است. امروزه حکومت‌های مختلف جهان نظر به تمایلات ایدئولوژیک و سیاسی خودشان در موارد معین از هر دو نظریه پیروی می‌کنند. (عالیخانی، ۱۳۰۸: ۱۸۶)

چگونگی شناسایی حکومت‌ها

در خصوص شناسایی حکومت‌ها روش خاصی وجود ندارد. (موسی‌زاده، ۱۳۸۰: ۶۳) معمولاً چگونگی شناسایی ساده و بی‌آلایش است. این امر ناشی از خصوصیت اعلامی آن است و چنین به نظر می‌رسد که نمی‌توان تحقق چنین عملی را تابع شرایطی خاص دانست. (ضیائی بیکدلی، ۱۳۹۸: ۱۶۰) کشوری که مایل به شناسایی حکومت جدید است، تصمیم خود را رسماً از طریق دیپلماسی به حکومت جدید اعلام می‌دارد. برای نمونه فرانسه مدیرکل سیاسی وزارت امور خارجه خود را مأمور کرد تا رسماً مراتب شناسایی حکومت فرانکورا برحسب سنت‌های سیاسی به وی اعلام کند. (موسی‌زاده، ۱۳۸۰: ۶۳) انگلستان در ژانویه ۱۹۵۰ با ارائه اعلامیه شناسایی به کنسول خود در تایوان حکومت چین ملی را به رسمیت شناخت. پیش از آن تاریخ گرومیکو وزیر امور خارجه شوروی ضمن ارسال تلگرامی حکومت تایوان را مورد شناسایی قرار داده بود.

فرانسه با نامه‌ای که برای وزیر خارجه جمهوری ویتنام جنوبی فرستاد آن کشور را مورد شناسایی قرار داد. (لطفی، ۱۳۹۸: ۶۶)

شرایط شناسایی حکومت

البته حکومت جدید باید شرط لازم را که معروف به شرط استقرار سلطه یا واقعی بودن قدرت است، دارا باشد. این اصل بدین معنی است که حکومت باید در سراسر قلمرو داخلی کشور از قدرت و حاکمیت واقعی و ثبات سیاسی برخوردار بوده و از سوی دیگر قادر به انجام تعهدات بین‌المللی کشور باشد. (دانش، ۱۳۹۳: ۱۷۷)

شناسایی مجموعه از شرایط را دارا می‌باشد که به شرح زیر می‌پردازیم:

الف- مشروعیت منشأ پیدایی

دکترین مشروعیت منشأ پیدایی حکومت‌ها به‌طور جدی در ارتباط با وقایعی که پس از انقلاب فرانسه رخ داد، مطرح شد. در آن زمان، دولت انگلیس با استناد به عدم مشروعیت حکومت انقلابی فرانسه آن را مورد شناسایی قرار نمی‌داد، در حال حاضر، دکترین و رویه قضایی بین‌المللی شرط مشروعیت را مورد اشاره و تأکید قرار نمی‌دهند و رویه دولت‌ها در سده اخیر نیز نشان نداده است که این دولت‌ها مشروعیت حکومت‌های جدید را ملاک شناسایی خود قرار داده باشند. (موسی‌زاده، ۱۳۸۰: ۶۲)

ب- شیوه تحول و تغییر انقلابی

در گذشته، رفتار خشونت‌آمیز حکومت‌های جدید موجب می‌شد که بعضی از دولت‌ها از شناسایی آن‌ها خودداری کنند. مثلاً رفتار انگلستان در قبال حکومت کنوانسیون فرانسه در سال ۱۷۹۳، حکومت صربستان در سال ۱۹۰۳ و حکومت یونان در سال ۱۹۲۲ از آن جمله می‌باشد. دولت انگلیس، حکومت‌های نامبرده را به دلیل رفتار خشونت‌آمیز سیاسی مورد شناسایی قرار نمی‌داد. به هر حال، با این ملاحظات به نظر می‌رسد که در مورد شناسایی حکومتی که قدرت مؤثر و سلطه واقعی خود را

اعمال می‌کند، بی‌اثر باشد. این امر از رویه موجود دولت‌ها آشکار می‌شود، می‌توان نمونه‌هایی نیز برای آن ذکر کرد: مثلاً کودتای ۱۹۵۸ عراق که با خشونت فجیعی همراه بود، مانع از شناسایی آن حکومت نشد و یا کودتای ارتش لیبریا به رهبری ساموئل دو در آوریل ۱۹۸۰ همانند سایر کودتاهای آفریقا و امریکای لاتین با مشکل شناسایی مواجه نشد. (لطفی، ۱۳۹۸: ۵۶)

ج. تمایل حکومت جدید در انجام تعهدات بین‌المللی

پیش از شناسایی یک حکومت جدید، دولت‌های دیگر تمایل این حکومت را به انجام تعهدات بین‌المللی بررسی کرده، پابندی آن را به مقررات حقوق بین‌الملل مورد ارزیابی قرار می‌دهند. تعهد حکومت جدید به مقررات بین‌المللی یکی از عوامل مؤثر و ترغیب برای شناسایی آن حکومت توسط سایر دولت‌ها خواهد بود. (موسی‌زاده، ۱۳۸۰: ۶۲)

د. مؤثر بودن یا واقعی بودن قدرت حکومت

حکومت جدید باید سلطه واقعی مؤثر خود را بر کل کشور اعمال کرده باشد و صرف کنترل بخشی از کشور برای شناسایی کافی نیست. (فروزان لطفی، ۱۳۹۸: ۴۰)

بحث و نتیجه‌گیری

مفهوم مشروعیت و شناسایی حکومت‌ها به‌عنوان دو ستون اصلی در علوم سیاسی و حقوق بین‌الملل، نقش محوری در تداوم نظام‌های سیاسی و تعامل آن‌ها در جامعه بین‌المللی دارند. مشروعیت که پایه‌گذار اعتماد و پذیرش داخلی است، از عوامل مختلفی همچون کارآمدی سیاسی، حاکمیت قانون و رضایت مردمی تأثیر می‌پذیرد. در مقابل شناسایی حکومت‌ها به‌عنوان فرایند حقوقی و سیاسی نقش اساسی در تثبیت جایگاه حکومت‌ها در عرصه بین‌المللی ایفا می‌کند. هرچند این دو مفهوم در بسیاری از موارد مکمل یکدیگرند. اما تضادها و چالش‌هایی که ناشی از منافع سیاسی موازنه قدرت و شرایط ویژه کشورهاست، گاه منجر به بروز بحران‌هایی در نظام بین‌المللی شده است. تحلیل مبانی مشروعیت و شناسایی نشان می‌دهد که ارتباط میان مشروعیت داخلی و شناسایی بین‌المللی رابطه‌ای پویا و پیچیده است. حکومت‌هایی که از حمایت مردمی و مشروعیت داخلی برخوردارند، معمولاً در فرایند شناسایی بین‌المللی با موفقیت بیشتر مواجه می‌شوند. با این حال، معیارهای شناسایی همواره از اصول حقوقی فراتر رفته و تحت تأثیر ملاحظات سیاسی، ایدئولوژیک، قرار گرفته‌اند این امر به‌ویژه در مورد حکومت‌هایی که پس از انقلاب‌ها یا جنگ‌های داخلی شکل گرفته‌اند، نمود بیشتری داشته است. در حقوق بین‌الملل، شناسایی حکومت‌ها نه تنها تأثیر مستقیم بر روابط بین‌المللی آن‌ها دارد؛ بلکه بستری برای تقویت یا تضعیف مشروعیت داخلی آن‌ها فراهم می‌آورد. از سوی دیگر عدم شناسایی یا تأخیر در شناسایی یک حکومت می‌تواند چالش‌های جدی برای آن ایجاد کند و حتی منجر به انزوای سیاسی شود. در این میان رویکرد جامعه بین‌المللی نسبت به رعایت حقوق بشر، حاکمیت قانون و حفظ ثبات منطقه‌ای نقش کلیدی در تعیین معیارهای شناسایی ایفا می‌کند. در نهایت می‌توان گفت که مشروعیت و شناسایی حکومت‌ها به‌عنوان مفاهیمی چند بعدی و مرتبط بازتاب‌دهنده تعامل میان ساختارهای داخلی حکومت‌ها و نظم جهانی هستند.

بررسی دقیق این مفاهیم می‌تواند ابزار ارزشمندی برای درک بهتر تحولات سیاسی و حقوقی معاصر ارائه دهد و زمینه‌ساز تدوین سیاست‌ها و راهبردهایی شود که از ثبات و توسعه نظام بین‌المللی حمایت کنند.

سرچشمه‌ها

- امید، علی (۱۳۸۸) حقوق بین الملل از نظریه تا عمل، نشر، تهران.
- آشوری، داریوش، (۱۳۶۶) دانشنامه سیاسی، تهران: انتشارات سهروردی.
- خسروی، حسن (۱۳۸۸) حقوق اساسی، شهرپور، انتشارات، پیام نور.
- دولت یار، دولت (۱۳۹۰) آموزش علم سیاست، کابل: انتشارات سعید.
- سرور، دانش، (۱۳۹۳) در آمد بر حقوق بین الملل عمومی، ناشر، مؤسسه تحصلات عالی ابن سینا.
- صافی، و دیر، (۱۳۷۰) حقوق بین الملل ی عمومی، ناشر، ریاست نشرات و تبلیغ حقوقی ستره محکمه، ج، ا.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۸) حقوق بین الملل ی عمومی، تهران: نشر گنج دانش.
- علی بابایی، غلامرضا، (۱۳۸۴) فرهنگ سیاسی آرش، تهران: نشر آشیان.
- علی بابائی، غلامرضا، (۱۳۶۹) فرهنگ اصطلاحات روابط بین الملل، تهران: نشر سفیر.
- عالم، عبدالرحمن، (۱۳۷۳) بنیاد های علم سیاست، تهران: نشر نی.
- عالیخانی، محمد، (۱۳۰۸) حقوق بین الملل، ناشر خط سوم.
- عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۸۹) نظارت بر اعمال حکومت و عدالت اداری، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- قریشی، ذبیح الله؛ وزیر، امین الله، (۱۳۹۶) حقوق بین الملل عمومی، انتشارات، مستقبل.
- موسی موسی زاده، رضا (۱۳۸۰) بایسته های حقوق بین الملل عمومی، تهران: نشر میزان.

- حسینی، کاظم، صدرا؛ علیرضا، شیروودی، مرتضی (۱۳۹۵) مشروعیت تطبیقی در اندیشه سیکولارستی ایران معاصر، «فصلنامه سیاست»، دور سوم، شماره ۹.
- سروش، محمد فریدون (۱۳۹۳) شناسایی دولت در حقوق بین الملل « غالب فصلنامه علمی تحقیقی مؤسسه تحصیلات عالی غالب» شماره ۱.
- سرتیپی، حسین (۱۳۹۵) اصل مشروعیت، حاکمیت و دیگراندیشی در چارچوب‌های سنتی حقوق بین الملل «مؤ سسه مجله پژوهشهای حقوقی» شماره ۲۹.
- ضیایی، محمدصادق؛ نرگسیان، عباس؛ کیامنفرد، منیژه، (۱۳۸۸) بررسی رابطه بین زبان اقتدار با مشروعیت دولت‌ها: (تحلیل گفتمان انتقادی سخنان امام خمینی) «نشریه مدیریت دلتی» دوره ۱، شماره ۳.
- قربان‌زاده سوار، قربانعلی؛ ایزدی، امیرمحمد، (۱۳۹۵) واکاوی مفهوم مشروعیت حکومت بررسی مقایسه‌ای دیدگاه‌های توماس اکوئیناس وخواجه نصرالدین طوسی، «پژوهش های سیاست اسلامی»، دوره ۹، شماره ۹.
- کرمی، ابوالفضل؛ نایی، هوشنگ؛ زاهد، محمدجواد، (۱۳۸۶) مشارکت در گروه‌های اجتماعی شهر بابل و عوامل مرتبط با آن، « فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی»؛ سال یازدهم، شماره ۴۳.
- لطفی، فروزان، (۱۳۹۸) مفهوم شناسی دولت‌ها در نظام حقوق بین الملل «فصلنامه علمی حقوقی قانون یار» دور سوم، شماره، دوازدهم.

علی عبدالله عنایت شفیع

دانشجوی مقطع ماستری روابط بین الملل

پوهنتون دعوت

aliabdullahenayat@gmail.com

تحت نظر دکتر عنایت الله خلیل هدف

استاد مقطع ماستری روابط بین الملل

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۸/۱۶

پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۲۶

www.dawat.edu.af
Journal@dawat.edu.af

مدل‌های حل و فصل منازعات بین‌المللی در چارچوب رنالیسم؛ از رقابت قدرت‌ها تا مدیریت تنش‌ها

چکیده

این تحقیق به بررسی ظرفیت‌های نظریه رنالیسم در ارائه مدل‌هایی برای حل منازعات بین‌المللی پرداخته است. نظریه رنالیسم، با تأکید بر اصولی همچون دولت‌محوری، آنارشی، بقا و خودیاری، چارچوبی تحلیلی برای تبیین رفتار دولت‌ها در نظام بین‌المللی فراهم می‌کند. در این راستا، شاخه‌های مختلف رنالیسم، از جمله رنالیسم کلاسیک، نئورنالیسم و رنالیسم لیبرال، و کارکردهای آن‌ها در مدیریت تنش‌ها و مهار بحران‌های بین‌المللی مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند.

فرضیه تحقیق بر آن است که نظریه رنالیسم، با وجود تأکید بر رقابت و تعارض میان دولت‌ها، از طریق مفاهیمی چون توازن قوا، بازدارندگی و مدیریت واقع‌گرایانه منافع، می‌تواند الگویی مؤثر برای کاهش ریسک درگیری و حفظ ثبات در نظام بین‌الملل ارائه دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در محیط آنارشیک بین‌المللی، منازعات اغلب ناشی از رقابت قدرت‌ها و تعارض منافع دولتهاست. با این حال، بهره‌گیری از سازوکارهای رنالیستی می‌تواند به مدیریت مؤثر بحران‌ها و مهار رفتارهای خصمانه بین دولت‌ها کمک کند.

نتایج تحقیق حاکی از آن است که با وجود محدودیت‌های موجود در ایجاد همکاری پایدار، نظریه رنالیسم همچنان می‌تواند به‌عنوان چارچوبی واقع‌گرایانه و کاربردی در تحلیل و حل منازعات بین‌المللی مورد توجه دانش‌پژوهان و سیاست‌گذاران قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: رنالیسم، منازعات بین‌المللی، توازن قوا، مدیریت تنش‌ها و حل منازعات.

Abstract

This study examines the potential of realism theory in providing models for resolving international conflicts. Realism theory, with its emphasis on principles such as state-centeredness, anarchy, survival, and self-help, provides an analytical framework for explaining the behavior of states in the international system. In this regard, different branches of realism, including classical realism, neorealism, and liberal realism, and their functions in managing tensions and containing international crises have been evaluated. The research hypothesis is that realism theory, despite its emphasis on competition and conflict between states, can provide an effective model for reducing the risk of conflict and maintaining stability in the international system through concepts such as balance of power, deterrence, and realistic management of interests. The research findings show that in an anarchic international environment, conflicts often arise from competition of powers and conflict of interests between states. However, the use of realist mechanisms can help effectively manage crises and curb hostile behavior between states. The results of the research indicate that despite the limitations in creating sustainable cooperation, the theory of realism can still be of interest to scholars and policymakers as a realistic and practical framework for analyzing and resolving international conflicts.

Keywords: realism, international conflicts, balance of power, tension management and conflict resolution.

Dawat Academic Journal

Fifth Year, Issue 2
(Fall & Winter 2024-2025)

Volume
11

Received: 2024-11-6
Accepted: 2025-2-14

www.dawat.edu.af
Journal@dawat.edu.af

مقدمه

حل منازعات بین‌المللی همواره یکی از چالش‌های اساسی در سیاست‌گذاری جهانی محسوب می‌شود. رقابت قدرت‌ها، پیگیری منافع ملی از سوی دولت‌ها، و تنش‌های ناشی از بحران‌های ژئوپلیتیکی و اقتصادی، موجب شکل‌گیری درگیری‌هایی شده‌اند که پیامدهایی عمیق برای امنیت و ثبات بین‌المللی در پی دارند. در چنین بستری، تحلیل نظری رفتار دولت‌ها و مکانیزم‌های حل منازعه، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای فهم پویایی‌های سیاست جهانی است.

یکی از مهم‌ترین چارچوب‌های نظری که به تحلیل رفتار بازیگران بین‌المللی می‌پردازد، نظریه رئالیسم است. این نظریه، با تأکید بر آثارشی ساختاری نظام بین‌الملل، عقلانیت راهبردی بازیگران و توازن قوا، به‌ویژه در قالب شاخه‌های کلاسیک، نورئالیستی و نورئالیسم تهاجمی، سعی دارد چرایی وقوع منازعات و امکان کنترل یا مهار آن‌ها را تبیین کند. با این حال، آنچه کمتر مورد توجه قرار گرفته، بررسی ظرفیت‌های عملی این نظریه برای ارائه مدل‌های مؤثر در حل منازعات و کاهش تنش‌ها در نظام بین‌الملل است. اگرچه نظریه رئالیسم در تبیین منطق رقابت و بقاء دولت‌ها موفق بوده است؛ اما همچنان این پرسش بنیادین مطرح است که آیا این نظریه تنها توجیه‌گر منازعه است یا می‌تواند چارچوبی برای حل آن نیز ارائه دهد؟ به‌ویژه در شرایطی که همکاری‌های نهادی تضعیف شده و ساختار قدرت بین‌المللی شکل چندقطبی یافته است، شناخت توانایی‌ها و محدودیت‌های مدل‌های رئالیستی برای حل و فصل منازعات، ضرورت نظری و کاربردی دارد. این مقاله، با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد کیفی، بر آن است تا نشان دهد که چگونه نظریه رئالیسم، با وجود تمرکز بر منازعه، می‌تواند ابزارهایی برای مهار بحران و جلوگیری از تشدید درگیری‌ها فراهم آورد. فرض بر این است که رئالیسم با تکیه بر منافع ملی و قدرت

سخت، مدل‌هایی برای مدیریت منازعات ارائه می‌دهد؛ اما به دلیل غفلت از عناصر نرم‌افزاری چون نهادهای بین‌المللی و هنجارهای مشترک، در برخی موارد با محدودیت‌هایی مواجه می‌شود.

پیشینه تحقیق

پیشینه نظری پژوهش نشان می‌دهد که اندیشمندانی چون هانس مورگنتاو، کنت والتز و جان مرشایمر تلاش کرده‌اند با تکیه بر رئالیسم کلاسیک و ساختاری، رفتار دولت‌ها در شرایط بحران و رقابت را تحلیل کنند. مورگنتاو با تأکید بر ذات قدرت‌طلب انسان، والتز با تمرکز بر ساختار نظام بین‌الملل، و مرشایمر با رویکرد تهاجمی، مدل‌هایی برای پیش‌بینی و توضیح رفتار دولت‌ها ارائه داده‌اند. با این حال، مطالعات اندکی به بررسی مدل‌های مشخص حل منازعه در این چارچوب پرداخته‌اند، به‌ویژه در زمینه کاربست عملی مفاهیمی چون توازن قوا، بازدارندگی و مدیریت تنش در شرایط واقعی.

انواع رئالیسم در روابط بین‌الملل

آیا رئالیسم در روابط بین‌الملل به یک قالب واحد محدود می‌شود یا تنوع و پیچیدگی‌های آن نیازمند بررسی عمیق‌تری است؟ نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل بر این باورند که رئالیسم به دلیل ماهیت چندبعدی خود، قابل تقلیل به یک نوع واحد نیست. تقسیم‌بندی تاریخی یکی از رایج‌ترین روش‌ها برای دسته‌بندی این نظریه است. بر اساس این رویکرد، سه شاخه اصلی رئالیسم عبارت‌اند از:

۱. رئالیسم کلاسیک: این رئالیسم تا اوایل قرن بیستم رایج بود و به مباحثی چون ذات انسان و ماهیت جنگ می‌پرداخت.

۲. رئالیسم مدرن: این رئالیسم در فاصله سال‌های ۱۹۳۹ تا ۱۹۷۹، با تأکید بر قدرت نظامی و موازنه قوا شکل گرفت.

۳. نئورئالیسم: این رئالیسم از سال ۱۹۷۹ به بعد، با تحلیل‌های ساختاری روابط بین‌الملل و نقش هرج‌ومرج در نظام بین‌المللی مورد توجه قرار گرفت. (Waltz, ۱۹۷۹: ۹۱-۱۰۴).

با این حال، این تقسیم‌بندی تاریخی نمی‌تواند به تنهایی پیچیدگی‌های درونی این نظریه را پوشش دهد. به عنوان نمونه، حتی در رئالیسم کلاسیک نیز اختلاف نظرهایی درباره ذات انسان و نحوه کارکرد موازنه قوا وجود دارد.

در این راستا، ر. بی. جی. واکر با ارائه رویکردی جایگزین، پیشنهاد کرده است که رئالیسم به دو دسته «تاریخی» و «ساختاری» تقسیم شود. (Walker, ۱۹۸۷: ۶) این تقسیم‌بندی امکان شناسایی چهار نوع متفاوت از رئالیسم را فراهم می‌آورد:

• رئالیسم تاریخی: این رئالیسم به تجربیات و رخداد‌های خاص تاریخی تأکید دارد.

• رئالیسم ساختاری: این رئالیسم بر شرایط نظام بین‌المللی و نقش نهادها و بازیگران ساختاری متمرکز است.

این چارچوب نشان‌دهنده تنوع دیدگاه‌ها و انعطاف‌پذیری نظریه رئالیسم در تحلیل مسائل روابط بین‌الملل است.

رئالیزم نوع اول: رئالیسم کلاسیک

رئالیسم کلاسیک که در آثار نیکولو ماکیاولی ریشه دارد، بر این اصل تأکید می‌کند که اصول اخلاقی به تنهایی نمی‌توانند هدایتگر سیاست دولت‌ها باشند. ماکیاولی، در اثر معروف خود شهریار، سیاست را عرصه‌ای متغیر و پیش‌بینی‌ناپذیر می‌داند که رهبران در آن باید با دقت، انعطاف‌پذیری، و تحلیل عمیق شرایط، تصمیم‌گیری کنند. (Machiavelli, ۱۹۸۵/۱۵۸۳: ۶۴)

این رویکرد در قرن بیستم توسط «ای.اچ. کار» گسترش یافت. او در کتاب بحران بیست سالگی بیان می‌کند که ترکیب قدرت و اخلاق، همچنین رضایت و اجبار، از ارکان سیاست خارجی موفق است. به باور او، چالش اصلی سیاست بین‌الملل، ایجاد تغییرات مسالمت‌آمیز میان قدرت‌های رضایت‌مند و ناراضی بدون توسل به جنگ است. (Carr, ۱۹۴۶: ۱۰۵) در ادامه، هانس مورگنتا، یکی دیگر از متفکران برجسته این جریان، در کتاب «سیاست میان ملل» بر اهمیت تلفیق اخلاق و سیاست تأکید کرد. او معتقد بود که اصول اخلاقی باید در خدمت سیاست باشد و رهبران هنر مدیریت و درک تغییرات در ساختار قدرت را بیاموزند. مورگنتا سیاست را عرصه‌ای پویا و پیچیده می‌داند که واقع‌گرایی و تحلیل دقیق تحولات در آن شرط اصلی موفقیت است. (Morgenthau, ۱۹۴۸: ۸)

این شاخه از رئالیسم، رهبران را به اتخاذ تصمیم‌هایی مبتنی بر واقعیات سیاسی ترغیب می‌کند و آرمان‌گرایی اخلاقی را در برابر ضرورت‌های عملی سیاست محدود می‌سازد. رئالیسم کلاسیک سیاست را نه عرصه‌ای از ایدئال‌ها، بلکه میدان تعاملات قدرت و مدیریت واقع‌بینانه می‌بیند.

رئالیزم نوع دوم: رئالیسم مدرن

رئالیسم مدرن یا ساختاری، ریشه در اندیشه‌های توسیدید دارد که سیاست قدرت را بنیادی‌ترین جنبه طبیعت بشری می‌داند. توسیدید، در اثر معروف خود «تاریخ جنگ‌های پلوپونزی»، سیاست بین‌الملل را بر اساس طبیعت خودخواهانه بشر تحلیل کرده و رقابت قدرت بین آتن و اسپارت را به‌عنوان نمونه‌ای از تعاملات بین دولت‌ها مورد بررسی قرار داده است. او به این نکته اشاره کرد که ترس متقابل آتن و اسپارت، به‌ویژه ترس اسپارت از قدرت رو به رشد آتن، منجر به جنگ شد. توسیدید معتقد بود

که سوء ادراکات و ترس‌ها از عوامل اصلی فاجعه‌های سیاسی هستند.
(Thucydides, 431 BCE/1972: 48-55)

این دیدگاه توسط هانس مورگنتا در قرن بیستم توسعه یافت. او در کتاب سیاست میان ملل، سیاست بین‌الملل را عرصه تنازع برای قدرت می‌داند. مورگنتا تأکید می‌کند که سیاست، مانند جامعه، توسط قوانین عینی و جهان‌شمولی که ریشه در طبیعت بشر دارند، اداره می‌شود. از دیدگاه او، عدالت و قانون در سیاست جایگاهی ثانوی دارند و قدرت‌طلبی دولت‌ها اصل غالب است. به گفته مورگنتا، فهم سیاست بین‌الملل بدون درک نقش قدرت در روابط بین‌الملل ممکن نیست. (Morgenthau, 1948: 4-5)

رئالیسم نوع سوم؛ نئورئالیسم

نئورئالیسم یا رئالیسم ساختاری، برخلاف رئالیسم کلاسیک که بر ویژگی‌های فردی دولت‌ها تأکید می‌کند و بر ساختار نظام بین‌المللی و تأثیر آن بر رفتار دولت‌ها تمرکز دارد. این رویکرد به نظریه سیاست بین‌الملل والتز باز می‌گردد که معتقد است منازعات بین‌المللی ناشی از آنارشی یا بی‌نظمی در سیستم جهانی است. بر اساس این نظریه، حتی اگر دولت‌ها نیت صلح‌آمیز هم داشته باشند، ساختار آنارشیک سیستم بین‌المللی آن‌ها را به سمت رقابت و درگیری سوق می‌دهد. (والتز، ۱۹۶۴: ۴۵)

والتز در کتاب «انسان، دولت و جنگ» (۱۹۶۴) سه عامل را به عنوان علل جنگ معرفی می‌کند: سرشت انسان، سیاست‌های دولت‌ها و ساختار آنارشیک نظام بین‌المللی. او به طور خاص ساختار سیستم جهانی را علت اصلی جنگ‌ها می‌داند؛ زیرا در این ساختار هیچ مرجع مرکزی برای ایجاد نظم وجود ندارد. (والتز، ۱۹۶۴: ۷۸)

والتز در نظریه خود، بر سه مؤلفه اصلی (اصل سازمان‌دهی آنارشی، کارکردهای مشابه دولت‌ها و توزیع نابرابر قدرت) تأکید دارد. این مؤلفه‌ها باعث می‌شوند که دولت‌ها در محیط بدون نظم مرکزی برای بقا و امنیت خود رقابت کنند. در این

سیستم، همکاری‌های بین‌المللی محدود است و دولت‌ها بیشتر به منافع نسبی خود توجه دارند؛ زیرا آن‌ها نگرانند که دیگران از این همکاری‌ها بیشتر بهره‌برداری کنند. (والتز، ۱۹۶۴: ۱۲۳)

والتز همچنین معتقد است که توزیع قدرت در نظام بین‌المللی تأثیر زیادی بر رفتار دولت‌ها دارد. در یک سیستم دوقطبی، دو قدرت بزرگ به حفظ تعادل توجه دارند؛ در حالی که در سیستم‌های چندقطبی، رقابت بین قدرت‌ها شدت می‌یابد. (والتز، ۱۹۶۴: ۱۴۵)

منتقدان نولیبرال والتز با تأکید بیش از حد او بر آنارشی، قدرت و نادیده‌گرفتن نقش نهادها و هنجارهای بین‌المللی انتقاد کرده‌اند. برخی معتقدند که نظریه والتز برای تحلیل واقعیت‌های پیچیده روابط بین‌الملل ناکافی است. (لمی، ۲۰۰۲: ۸۹)

در پاسخ به این نقدها، استیون لمی به انواع مختلف نئورئالیسم اشاره می‌کند. به عقیده او، نئورئالیسم می‌تواند به دو دسته تقسیم شود: نئورئالیسم تهاجمی که بر قدرت نسبی تأکید دارد، و نئورئالیسم تدافعی که در آن، همکاری‌های بین‌المللی و صلح به نوع کشور مخاطب بستگی دارد. (لمی، ۲۰۰۲: ۱۱۲)

در نهایت، نئورئالیسم با تأکید بر ساختار جهانی آنارشی و توزیع قدرت، رفتار دولت‌ها را به نحو متفاوتی از دیدگاه‌های کلاسیک و نولیبرال تحلیل می‌کند. (والتز، ۱۹۶۴: ۱۵۴)

رئالیزم نوع چهارم: رئالیسم لیبرال

رئالیسم لیبرال، شاخه‌ای از نظریه رئالیسم در روابط بین‌الملل، ریشه در آثار هابز دارد. هابز در اثر برجسته خود، لویاتان، با ارائه تصویری بدبینانه از سرشت انسان، زمینه‌ای برای برداشت‌های لیبرال از رئالیسم فراهم کرده است. او با مقایسه وضعیت طبیعی انسان‌ها و شرایط جنگ در روابط بین‌الملل، از نوعی جنگ سرد دائمی سخن

می‌گوید که در آن دولت‌ها همواره در هراس از تهدیدهای احتمالی به سر می‌برند. با این حال، به عقیده هابز، دولت‌ها نسبت به افراد در وضعیت طبیعی کمتر آسیب‌پذیر بوده و توانایی برقراری همزیستی دارند. (Vincent, ۱۹۸۱: ۹۰)

بر اساس دیدگاه هابز، زمانی که اصول اولیه همزیستی، همچون حاکمیت و عدم مداخله، به رسمیت شناخته شود، نظام آنارشی بین‌المللی می‌تواند به سوی نظم نسبی تحول یابد. این تحول، پایه‌ای برای شکل‌گیری رئالیسم لیبرال است که به ترکیبی از منافع قدرت‌محور و نظم‌گرایی در روابط بین‌الملل اشاره دارد. (Forde, ۱۹۹۵: ۱۴۱)

این رویکرد، به‌ویژه در میان نظریه‌پردازان مکتب انگلیسی برجسته شده است. برای نمونه، جان وینسنت، هابز را الگویی برای این مکتب می‌داند و از او تقدیر می‌کند. (Vincent, ۱۹۸۱: ۹۸)

با این حال، این قیاس میان افراد و دولت‌ها از سوی منتقدانی همچون سی. بیتز به چالش کشیده شده است. بیتز چهار نقد عمده را مطرح می‌کند:

۱. بازیگران بین‌المللی فقط به دولت‌ها محدود نمی‌شوند؛
 ۲. قدرت میان دولت‌ها به طور نابرابر توزیع شده است؛
 ۳. دولت‌ها در خلأ عمل نمی‌کنند و بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند؛
 ۴. در غیاب یک دولت جهانی، الگوهای همکاری وجود دارند. (Bates, ۱۹۷۵: ۳۴)
- رئالیسم، به‌رغم تنوع در شاخه‌هایش، همچنان سنت مسلط در روابط بین‌الملل باقی مانده است؛ اما با چالش‌هایی نظری مواجه است. فورد هشدار می‌دهد که تلاش برای تحمیل انسجام کلی بر این مکتب ممکن است مخاطره‌آمیز باشد؛ اما اصول مشترکی در میان رئالیست‌ها شناسایی می‌شود. این اصول شامل سه محور اصلی (دولت‌محوری، بقا، و خودیاری) است. این سه اصل، هسته مرکزی رئالیسم را تشکیل داده و مبنایی برای تحلیل نقش قدرت، شرایط همکاری، و تأمین صلح و امنیت در روابط بین‌الملل به دست می‌دهد. (Forde, ۱۹۹۵: ۱۴۱)

دولت محوری در رئالیسم

در نظریه رئالیسم، دولت‌ها مهم‌ترین و اصلی‌ترین بازیگران نظام بین‌الملل به‌شمار می‌آیند و برخورداری از حاکمیت، آن‌ها را به نهادهایی متمایز در عرصه داخلی و بین‌المللی تبدیل می‌سازد. از دیدگاه ماکس وبر، دولت نهادی است که انحصار مشروعیت استفاده از زور را در قلمرو معین در اختیار دارد. (Weber, ۱۹۴۷: ۷۸) این برداشت با فلسفه سیاسی هابز هم‌خوان است. او در لویاتان استدلال می‌کند که انسان‌ها به‌منظور بهره‌مندی از امنیت، آزادی‌های خود را به دولت واگذار می‌کنند. (Hobbes, ۱۶۵۱, ۸۹) از منظر رئالیسم، دولت‌ها در داخل مرزهای خود امنیت و نظم را برقرار می‌سازند؛ اما در عرصه بین‌المللی با فضای آنارشیک و تهدیدهای مستمر مواجه‌اند. (Waltz, ۱۹۷۹: ۱۱۳) در چنین محیطی، رقابت میان دولت‌ها امری اجتناب‌ناپذیر است که در ابعاد مختلفی چون امنیت، قدرت، نفوذ و منابع اقتصادی نمود می‌یابد و غالباً ماهیتی «بازی با حاصل جمع صفر» دارد.

هانس مورگنتاو قدرت را بنیان سیاست بین‌الملل دانسته و آن را به‌عنوان «کنترل انسان بر افکار و اعمال دیگران» تعریف می‌کند. (Morgenthau, ۱۹۴۸: ۲۵) از دید او، قدرت امری ارتباطی و نسبی است. (Forde, ۱۹۹۵: ۱۴۱) کنت والتز نیز در چارچوب رئالیسم ساختاری، به‌جای تمرکز صرف بر قدرت، مفهوم «قابلیت‌ها» را مطرح می‌کند که شامل عواملی نظیر جمعیت، منابع طبیعی، توان اقتصادی، نیروی نظامی و ثبات سیاسی است. (Waltz, ۱۹۷۹: ۱۳۱)

بر اساس نظریه «ثبات هژمونیک»، نظم اقتصادی بین‌المللی تنها در سایه وجود یک قدرت مسلط قابل تحقق است؛ چنین نظمی زمانی پایدار می‌ماند که یک دولت غالب اراده مدیریت آن را داشته باشد. (Kindleberger, ۱۹۷۳: ۳۰۳)

بقا در نظریه‌های رئالیستی

در نظریه‌های رئالیستی روابط بین‌الملل، بقا اساسی‌ترین هدف دولت‌ها در نظام آنارشیک بین‌المللی تلقی می‌شود. رئالیست‌ها بر این باورند که امنیت پیش شرط تحقق سایر اهداف ملی است و دولت‌ها همواره دغدغه حفظ بقا دارند. (Waltz, ۱۹۷۹: ۹۱) کنت والتز، در چارچوب رئالیسم تدافعی، بقا را انگیزه مشترک تمامی دولت‌ها می‌داند؛ اما معتقد است که راهبردهای آن‌ها برای تحقق این هدف می‌تواند متفاوت باشد. (Waltz, ۱۹۷۹: ۱۰۵-۱۰۹) همین تفاوت، مبنای شکل‌گیری دو رویکرد اصلی در رئالیسم شده است:

- رئالیسم تدافعی (والتز و گریکو): دولت‌ها تنها به دنبال تأمین امنیت خود هستند و از انباشت بیش از حد قدرت پرهیز می‌کنند؛ زیرا آن را تهدیدی برای امنیت می‌دانند. (Grieco, ۱۹۸۸: ۴۹۹)

- رئالیسم تهاجمی (مرشایمر): دولت‌ها ذاتاً قدرت‌طلب‌اند و به دنبال هژمونی در نظام بین‌الملل هستند؛ حتی اگر این مسیر با مخاطرات امنیتی همراه باشد. (Mearsheimer, ۱۹۹۴/۵: ۱۱)

تفاوت این دو رویکرد، در تفسیر پویایی‌های امنیت و رقابت در عرصه بین‌المللی نقش بنیادین دارد. رئالیسم تدافعی به حفظ وضعیت موجود و ثبات گرایش دارد؛ در حالی که رئالیسم تهاجمی، رقابت و تلاش برای برتری قدرت را امری اجتناب‌ناپذیر می‌داند.

خودیاری در نظریه رئالیستی

در نظریه رئالیستی، اصل «خودیاری» (Self-Help) یکی از بنیادهای تحلیل رفتار دولت‌ها در نظام بین‌المللی آنارشیک است. در چنین نظامی، هیچ قدرت برتری برای تضمین امنیت وجود ندارد و هر دولت ناگزیر است به‌طور مستقل از خود دفاع کند.

کنت والتز تأکید می‌کند که برخلاف نظام داخلی که در آن یک مرجع مرکزی نظم را برقرار می‌سازد، در سطح بین‌المللی هر دولت باید شخصاً امنیت خویش را تأمین کند و اتکا به دیگران، در چنین محیطی، غیرعقلانی است. (Waltz, ۱۹۷۹: ۱۰۴)

پیامد اصلی اصل خودیاری، شکل‌گیری معمای امنیتی است؛ حالتی که در آن اقدامات دفاعی یک دولت، از سوی دیگران تهدیدآمیز تلقی می‌شود و همین امر به تشدید رقابت نظامی و بی‌اعتمادی میان دولت‌ها می‌انجامد. این وضعیت سبب می‌شود که حتی اقدامات صلح‌آمیز یا تدافعی نیز با سوءتفاهم و واکنش متقابل مواجه شود. (Waltz, ۱۹۷۹: ۱۰۹-۱۱۰)

برای مقابله با بی‌اعتمادی و بی‌ثباتی، رئالیست‌ها از «موازنه قوا» سخن می‌گویند؛ مکانیزمی که تلاش می‌کند تا از شکل‌گیری سلطه یک دولت جلوگیری کند. این موازنه می‌تواند خودجوش یا برنامه‌ریزی شده باشد؛ اما هرگز تضمین‌کننده ثبات مطلق نیست. (Waltz, ۱۹۷۹: ۱۱۸-۱۲۲)

والتز در کتاب انسان، دولت و جنگ، با تمثیل شکار گوزن روسو، نشان می‌دهد که در شرایط بی‌اعتمادی، دولت‌ها منافع فردی را بر منافع جمعی ترجیح می‌دهند. این تمثیل نشان می‌دهد چرا همکاری‌های بین‌المللی اغلب ناپایدار باقی می‌مانند. (Waltz, ۱۹۵۹: ۱۶۹)

در این چارچوب، جوزف گریکو استدلال می‌کند که دولت‌ها نه تنها به منافع مطلق خود؛ بلکه به منافع نسبی در مقایسه با سایر بازیگران نیز توجه دارند. این حساسیت به سود نسبی، مانع مهمی بر سر راه همکاری پایدار بین دولت‌ها به‌شمار می‌رود. (Grieco, ۱۹۸۸: ۴۹۸)

در مجموع، اصل خودیاری و پیامدهای آن از جمله معمای امنیتی، بی‌اعتمادی و تلاش برای توازن قوا، از عوامل اصلی شکل‌دهنده رفتار دولت‌ها در عرصه بین‌المللی‌اند و پایداری نظم جهانی را همواره در معرض تهدید قرار می‌دهند.

آناشری و محدودیت همکاری

در نظام بین‌الملل آناشریک، فقدان اقتدار مرکزی موجب بی‌اعتمادی و رقابت میان دولت‌ها می‌شود و حتی در صورت وجود منافع مشترک، اراده برای همکاری را تضعیف می‌کند. واقع‌گرایان بر این باورند که نهادهای بین‌المللی توان محدودی در کاهش پیامدهای منفی آناشری دارند. جوزف گریکو در نقدی بر نهادگرایی نولیبرال، استدلال می‌کند که این رویکرد، تأثیرات آناشری و نگرانی‌های دولت‌ها نسبت به منافع نسبی را نادیده می‌گیرد. به باور او، دولت‌ها علاوه بر دغدغه فریب‌کاری، نسبت به دستاوردهای نسبی دیگران نیز حساسیت دارند؛ زیرا قدرت امروز می‌تواند تهدید فردا باشد. نولیبرال‌ها همکاری را امکان‌پذیر می‌دانند و بر نقش نهادهای بین‌المللی در کاهش هزینه‌های همکاری و جلوگیری از خیانت تأکید دارند؛ اما واقع‌گرایان معتقدند که بی‌اعتمادی ناشی از آناشری و نگرانی از منافع نسبی، محدودیت‌های اساسی در برابر همکاری ایجاد می‌کند. (Grieco, ۱۹۸۸: ۴۸۵-۴۹۸)

تقابل واقع‌گرایی و نهادگرایی لیبرال

واقع‌گرایی بر پنج اصل اساسی (محوریت دولت، حفظ منافع حیاتی، اولویت امنیت، جستجوی قدرت، و نقش حاشیه‌ای نهادهای بین‌المللی) تأکید دارد. در این نگاه، نظام آناشریک بین‌الملل موجب رقابت بی‌پایان میان دولت‌ها می‌شود و نهادهای بین‌المللی توان تغییر آن را ندارند. (Waltz, ۱۹۷۹: ۱۰۲-۱۰۶)

در مقابل، نهادگرایان لیبرال، واقع‌گرایان را با پنج نقد اساسی به چالش می‌کشند: توجه به بازیگران غیردولتی، تأثیر توزیع قدرت داخلی، کاهش تمرکز بر قدرت نظامی، تغییر اولویت‌های دولت‌ها، و نقش مؤثر نهادهای بین‌المللی در تسهیل همکاری. آن‌ها معتقدند که وابستگی متقابل و پیچیدگی روابط جهانی نیازمند نگاه متفاوت از واقع‌گرایی سنتی است. (Keohane & Nye, ۱۹۷۷: ۳۹-۴۵)

تحولات دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، از جمله رشد همکاری‌های اقتصادی و گسترش نهادهای بین‌المللی، نشان می‌دهد که دیدگاه واقع‌گرایانه نمی‌تواند به‌تنهایی پیچیدگی‌های روابط جهانی را توضیح دهد و باید با دیدگاه‌های جدیدتر تکمیل گردد. (Keohane, ۱۹۸۴: ۲۴۲-۲۴۷)

نهادگرایی لیبرالی جدید و واقع‌گرایی در تحلیل همکاری‌های بین‌المللی

نهادگرایی لیبرالی جدید می‌پذیرد که دولت‌ها بازیگران اصلی روابط بین‌الملل‌اند؛ اما برخلاف واقع‌گرایان، بر این باور است که حتی در نظام فاقد اقتدار مرکزی نیز همکاری میان دولت‌ها ممکن است، مشروط بر وجود انگیزه‌ها و ساختارهای مناسب. (Axelrod, ۱۹۸۴: ۵۴) رابرت اکسلرود با نظریه «مقابله به مثل» استدلال می‌کند که در شرایط آنارشیک، راهبردهای تکرار شونده می‌توانند اعتماد ایجاد کرده و همکاری پایدار به وجود آورند. استفن کوهین نیز، ضمن پذیرش مفروضات واقع‌گرایی، نهادهای بین‌المللی را ابزاری برای تقویت اعتماد و کاهش هزینه‌های نظارت بر تعهدات می‌داند. (Axelrod, ۱۹۸۴: ۹۶; Keohane, ۱۹۸۹: ۷۵-۱۲۲)

واقع‌گرایان همچنان معتقدند که در غیاب مرجع قدرت مرکزی، تضمینی برای جلوگیری از منازعه وجود ندارد. کنت والتز بر این باور است که دولت‌ها برای بقا به قدرت نظامی تکیه دارند. جوزف گریکو نیز استدلال می‌کند که نگرانی از قدرت نسبی دیگران، مانعی جدی برای همکاری‌های بلندمدت است. (Waltz, ۱۹۷۹: ۱۰۵; Grieco, ۱۹۸۸: ۶۰۷)

در مقابل، نولیبرال‌ها تأکید دارند که نهادهای بین‌المللی با افزایش شفافیت، کاهش احتمال تقلب، و تقویت هنجارهای رفتاری، می‌توانند زمینه‌ساز همکاری‌های پایدار میان دولت‌ها شوند. از این منظر، نهادگرایی به جای انکار ریسک‌های ناشی از

آنارشی، به دنبال راهکارهایی برای مدیریت آن‌هاست. ۹۶: ۱۹۸۴, Axelrod)
(Keohane, ۱۹۸۹: ۱۲۲)

فرصتی برای همکاری: رئالیسم مشروط و هرج و مرج معقول

چارلز گلاسر در نظریه «رئالیسم مشروط» معتقد است که رقابت دائمی میان دولت‌ها اجتناب‌ناپذیر نیست و در شرایط خاص، دولت‌های متخاصم می‌توانند برای تضمین امنیت همکاری کنند. او به سه نقص در رئالیسم ساختاری اشاره می‌کند:

۱. خودیاری لزوماً به رقابت دائمی نمی‌انجامد.
۲. دولت‌ها می‌توانند برابری نسبی را ترجیح دهند.
۳. تهدید فریبکاری اغراق شده است که همکاری در کنترل تسلیحات را محدود می‌کند. (Glaser, ۱۹۹۷: ۳۵-۴۷)

بری بوزان با مفهوم «هرج و مرج معقول» بیان می‌کند که کشورها می‌توانند با همکاری در نظام بین‌المللی، تنگناهای امنیتی را کاهش دهند. او به تحولات دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ اشاره می‌کند که موجب درک بهتر پیامدهای رقابت تسلیحاتی شد. بوزان تأکید می‌کند امنیت ملی متقابل است و سیاست‌های امنیتی یک‌جانبه در بلندمدت ناکارآمد خواهند بود. فرایند متمدن‌سازی اروپا می‌تواند به سایر مناطق جهان تعمیم یابد و جامعه‌ای جهانی امن‌تر ایجاد کند.

(Buzan, ۱۹۹۱: ۲۲-۲۸)

نتیجه‌گیری

تحلیل مقایسه‌ای میان فهم این نظریه‌های رئالیستی در روابط بین‌الملل نسبت به منازعات و همکاری، نشان می‌دهد که هر دو چارچوب مفهومی، در عین تفاوت‌های بنیادین، به یک دغدغه مشترک می‌پردازند: تضمین بقا و ثبات در نظام بین‌الملل. رئالیسم با تکیه بر ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل، به‌ویژه در شاخه‌های ساختاری و تهاجمی خود، منازعه را یک وضعیت طبیعی و گریزناپذیر تلقی می‌کند و راهکارهایی چون توازن قوا و بازدارندگی را برای بقا پیشنهاد می‌دهد. در این نگاه، همکاری همواره تحت سایه بی‌اعتمادی، دغدغه قدرت نسبی و تهدید تقلب قرار دارد. برخی وجوه نظریات رئالیستی، به‌ویژه در حوزه امنیت و رقابت قدرت، همچنان در تحلیل مناسبات جهانی نقش تعیین‌کننده دارند. تجربه‌های معاصر چون یک‌جانبه‌گرایی قدرت‌های بزرگ، ناکارآمدی نهادهای بین‌المللی در جلوگیری از جنگ، و استمرار منازعات منطقه‌ای، گواهی بر تداوم منطق رئالیستی در سیاست بین‌الملل است.

با این حال، ظهور شاخه‌هایی چون رئالیسم مشروط و نظریه هرج و مرج معقول، نشان از این دارد که حتی در دل پارادایم رئالیسم نیز گرایش‌هایی برای پذیرش امکان همکاری، کنترل منازعه، و عبور از بدبینی مطلق به وجود آمده‌اند.

سرچشمه‌ها

- Axelrod, R. (1984). The Evolution of Cooperation. Basic Books.
- Bates, S. (1975). States in Anarchy: The Realist Paradigm in Modern International Relations. Princeton: Princeton University Press.
- Buzan, Barry. The Logic of Anarchy: Neorealism to Structural Realism.
- Carr, E. H. (1946). The Twenty Years 'Crisis 1919–1939. Macmillan.
- Glaser, Charles. Realism and Conditional Cooperation.
- Hobbes, T. (1651). Leviathan. Oxford: Oxford University Press.
- Keohane, R. O. (1984). After Hegemony: Cooperation and Discord in the World Political Economy. Princeton University Press.
- Keohane, Robert O, & Nye, Joseph S. (1989). Power and Interdependence: World Politics in Transition. Little, Brown and Company.
- Kindleberger, C. P. (1973). The World in Depression, 1929-1939. University of California Press.
- Lamy, S. (2002). Theories of International Politics and Zombies. Pearson.
- Machiavelli, N. (1513/1985). The prince. Translated by Q. Skinner. Cambridge University Press.

- Morgenthau, H. J. (1948). Politics Among Nations: The Struggle for Power and Peace. Alfred A. Knopf.
- Thucydides. (431 BCE/1972). History of the Peloponnesian War. Translated by R. Warner. Penguin Books, pp. 48-55.
- Waltz, K. (1959). Man, the State, and War: A Theoretical Analysis. Columbia University Press.
- Waltz, K. (1979). Theory of International Politics. Addison-Wesley, pp. 91–104, 113, 131.
- Weber, M. (1947). The Theory of Social and Economic Organization. Free Press, p. 78.

مقالات

- Forde, S. (1995). International Realism and the Science of Politics: Thucydides, Machiavelli, and Neorealism. International Studies Quarterly, 39(2), 141–160.
- Grieco, J. M. (1988). Anarchy and the Limits of Cooperation: A Realist Critique of the Newest Liberal Institutionalism. International Organization, 42(3), 485–507.
- Mearsheimer, J. J. (1994/5). The False Promise of International Institutions. International Security, 19(3), p. 11.
- Vincent, R. J. (1981). Hobbes and the Politics of International Relations. International Affairs, 57(1), 90–102.

- Walker, R. B. J. (1987). Realism, Change, and International Political Theory. *International Studies Quarterly*, 31(1), p. 67.

پوهنوال دکنر جنید الله ظهیر

عضو هیئت التدریس فی جامعہ کابل، کلیة

الشریعة، قسم الثقافة الإسلامية

junaiddullahz@yahoo.com

پوهنوال دکنر نجیب الله فہیم

عضو هیئت التدریس فی جامعہ کابل، کلیة

الشریعة، قسم الثقافة الإسلامية

Najibullah.fahimv@gmail.com

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۰/۱۰

پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱۲/۰۵

www.dawat.edu.af

Journal@dawat.edu.af

مقصد رفع الحرج وعلاقته بالدعوة الإسلامية

الملخص

اتسمت الشريعة الإسلامية بالسماحة واليسر ورفع الحرج، وقد برز هذا الطابع في جميع مجالاته؛ وقد تعطي هذه الميزة لأحكامها الثبات والخلود والتعاطي مع القضايا المعاصرة، كما تجعلها مرنة، وصالحة لكل زمان ومكان. ولهذا يجدر للدعاة أن يصبغوا دعوتهم بهذا الطابع الأصيل حتى تشر دعوتهم، وتجنبي من ثمارها ما يحقق مقصد الشرع الحنيف ويكون وفقاً لمقتضى روح النصوص الدينية.

و قد تناولت هذه الدراسة التعريف الموجز برفع الحرج في الدعوة، وبيان المقصد من ذلك في ضوء القواعد والأصول الشرعية، وبيان أهمية تطبيق قاعدة رفع الحرج في مجال الدعوة التي هي مهمة الأنبياء عليهم السلام ومهمة الدعاة إلى الله في كل زمن؛ وذلك ليسهل على المشتغلين في مجال الدعوة ومقاصد الشريعة أن يستنبطوا في درب الدعوة ويستفيدوا من القواعد والضوابط المتصلة بالموضوع، والاستفادة منها بسهولة، وقد جعلتها كالنافذة لمن أراد أن يطل من خلالها على الموضوع المذكور.

الكلمات المفتاحية: المقاصد، رفع الحرج، الدعوة الإسلامية، الشريعة، اليسر، السماحة.

نچور

اسلامي شريعت په لورينی، اساني او د کړاونو په لري کيدو باندې پيژندل شوي، چې بيا دغه ځانگړتياوي يې په ټولو خواو کې يې څرگندي دي؛ چې له امله يې دغه شريعت ته داستقامت او تل پاتي کيدو او همداسي دنويو پيښيدونکو قضيو سره د تعامل او چلند او دهرې زمانې او ځای ته دجوگه کيدو صفت ور په برخه کړي دی.

له همدې امله اسلامي دعوتگرو ته په کار ده چې خپله بلنه په همدې بنسټونو سمبال کړي؛ تر څو مطلوبې پايلې لاس ته راوړي او خپله دنده داسلام د لوړ شريعت له مقاصدو، او ددیني نصوصو د روح او روان سره برابره شي.

دغه څيړنه په لنډ ډول ددې هڅه کوي چې په اسلامي دعوت کې دسختي او کړاو د لري کيدو بنسټ وپيژني، او بيا په دغه دنده کې چې په اصل کې دانبياوو عليهم السلام کار او ميراث دي د شرعي اصولو او نصوصو په رڼا کې ددغي قاعدې موخه او ارزښت په گوته کړي، تر څو ددغي فريضې لاروي اساني ومومي او له بل لوري يې کار دشریعت دمقاصدو او موخو سره سم روان وي. دغه څيړنه هڅه کوي چې ددغي برخې مينه والو ته همدا لار پرانيزي.

کلیدي کلمات: مقاصد، کړاو لري کيدل، اسلامي دعوت، شريعت، اساني، لورينه.

Dawat

Academic Journal

Fifth Year, Issue 2
(Fall & Winter 2024-2025)

Volume
11

Received: 2024-12-30
Accepted: 2025-2-23

www.dawat.edu.af
Journal@dawat.edu.af

المقدمة

الحمد لله الذي رفع الحرج عن هذا الدين، والصلاة والسلام على رسوله الأمين المبعوث رحمة للعالمين وعلى آله وصحبه ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين.
أما بعد:

فإن الدعوة إلى الله سبحانه وتعالى من أهم الفرائض التي وضعها الله تعالى على رسله ومن ثم على عباده لكي ينيروا الطريق القويم للآخرين، وخاصة على الأمة المحمدية التي ختم الله برسوله صلى الله عليه وسلم رسالته الخالدة وبذلك هو ربي أمة كانت خيرة لما قبلها لأمرها بالمعروف ونهيها عن المنكر، ومن ثم اختار لتلك الطائفة الدعوية منهجا وسطا اتسم بالخيرية، الوسطية، واليسر، والسماحة ورفع الحرج والمشقة التي كانت على الأمم قبلها.

ولما كانت هذه الشريعة آخر شريعة سماوية، كان لابد أن تكون مميزة بخصائص ومميزات تجعلها قابلة للثبات والاستمرار ومواكبة لحياة الإنسان مهما كان، وفي أي عصر كان وفي أي مكان، ومن أهم المميزات التي تميزت بها شريعتنا الغراء رفع الحرج عن المكلفين والتيسير عليهم، وهذه ميزة ميزت الشريعة الإسلامية عن غيرها من الشرائع السابقة التي ضَمَّنَهَا الله -عز وجل- من الأعمال الشاقة ما يتناسب وأحوال وأوضاع تلك الأمم، وكان من الأصول التي بنيت عليها الشريعة الإسلامية رفع الحرج عن المكلفين، فالشارع لم يكلف عباده بالشاق ولم يعنتهم في التكليف ﴿وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْنَتَكُمْ﴾ [البقرة: ٢٢٠]، وعند التأمل في القواعد الخمس الكبرى التي عليها مدار الفقه الإسلامي نجد أنها كلها تندرج تحت أصل رفع الحرج. والله من وراء القصد وهو الهادي إلى سواء السبيل.

أهمية الموضوع وأسباب اختياره

إن أهمية الموضوع تتصل باهتمام الإسلام بالسماحة واليسر ورفع الحرج وجلب السعادة للعباد في الدنيا والآخرة عاجلة وآجلة، وهذه الشريعة تلائم فطرة الناس وتلبي حاجاتهم في جوانب الحياة المختلفة دون افراط وتفریط.

والشريعة الإسلامية كما تحقق للإنسانية المصالح فكذلك تدرء عنهم المفسدات والمشقات التي تحول مصالحهم، وما أحسن ما قاله الإمام ابن القيم: "فَإِنَّ الشَّرِيعَةَ مَبْنَاهَا وَأَسَاسُهَا عَلَى الْحِكْمِ وَمَصَالِحِ الْعِبَادِ فِي الْمَعَاشِ وَالْمَعَادِ، وَهِيَ عَدْلٌ كُلُّهَا، وَرَحْمَةٌ كُلُّهَا، وَمَصَالِحُ كُلُّهَا، وَحِكْمَةٌ كُلُّهَا؛ فَكُلُّ مَسْأَلَةٍ خَرَجَتْ عَنِ الْعَدْلِ إِلَى الْجَوْرِ، وَعَنِ الرَّحْمَةِ إِلَى ضِدِّهَا، وَعَنِ الْمَصْلَحَةِ إِلَى الْمَفْسَدَةِ، وَعَنِ الْحِكْمَةِ إِلَى الْبُعْثِ؛ فَلْيَسْتَ مِنْ الشَّرِيعَةِ وَإِنْ أُدْخِلَتْ فِيهَا بِالتَّأْوِيلِ..." (ابن قيم الجوزية، ١٤١١هـ ١٩٩١م، ١١/٣).

ومن مظاهر هذه الملائمة أن الله سبحانه وتعالى لم يكلف عباده بما لا يطيقون عقيدة، سلوكاً وعملاً؛ وهكذا لم يكلف العقل بما ينفر عنه من العقائد الباطلة كالاعتقاد بما لا يعقل من الأوهام والخيالات، ولم يكلف القلوب بأن تتخلق بما تنفر عنه العواطف البشرية والمشاعر الإنسانية بل كلفهم بما يضمن لهم مصالحهم وكان هذا من أبلغ وجوه التيسير ورفع الحرج عن عباده.

وقد ورد في الآثار أن الله تعالى قد كرم هذه الأمة المحمدية فأعطاهما ما لم يعطه إلا نبي. روى الطبري في تفسيره أن قتادة قال: "أُعْطِيَتْ هَذِهِ الْأُمَّةُ مَا لَمْ يُعْطَهُ إِلَّا نَبِيٌّ، كَانَ يُقَالُ لِلنَّبِيِّ: اذْهَبْ فَلَيْسَ عَلَيْكَ حَرْجٌ وَقَالَ اللَّهُ: ﴿وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرْجٍ﴾ [الحج : ٧٨] وَكَانَ يُقَالُ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَنْتَ شَهِيدٌ عَلَى قَوْمِكَ وَقَالَ اللَّهُ ﴿لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ﴾ [البقرة : ١٤٣] وَكَانَ يُقَالُ لِلنَّبِيِّ

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: سَلْ تُعْطَهُ وَقَالَ اللَّهُ: ﴿أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾ [غَافِر: ٦٠] " (ابن جرير الطبري، ١٣٩٩هـ-١٩٧٩م، ١٦/٦٤٧).

وبناء على ذلك استقرت في ضمير هذه الأمة منذ عهد الصحابة وحتى اليوم أن الله قد يسر على عباده ما كان عسيراً، وخفف عنهم ما كان مرهقاً، وبالتالي رفع الحرج كان روح الشريعة وسمتها المميزة؛ وهو من مقاصدها العامة في جميع نواحي الشريعة من عبادات، ومعاملات، وجنایات وعقائد... عليه كل مدار الدين.

مشكلة الدراسة

هذه الدراسة تتناول مسألة مهمة وهي إثبات رفع الحرج والمشقة في الدعوة، بالأدلة الشرعية، وهي مسألة علمية جديرة بالعناية والدراسة نظراً للالتباس فيها لدى بعض الناس.

أسئلة الدراسة

- ١- ما المقصود برفع الحرج في الشريعة الإسلامية؟
- ٢- ما علاقة رفع الحرج بالدعوة إلى الله تعالى؟
- ٣- كيف نعرف قاعدة رفع الحرج، أو المشقة تجلب التيسير، و مدى تأثيرها؟

أهداف الموضوع

- ١- يهدف الموضوع إلى تيسير استفادة المشتغلين بالدعوة الإسلامية.
- ٢- معرفة رفع الحرج والتيسير في مجال الدعوة إلى الله تعالى.
- ٣- بيان عظمة هذا الدين ومواكبته للمستجدات لأنه دين صالح لكل زمان ومكان.
- ٤- معرفة قواعد الشريعة المرتبطة بالموضوع.

الدراسات السابقة

بعد البحث والتحري، لم أجد من أفرد الدراسة المذكورة ببحث ترقية علمية إلا أنه يوجد من تناول الموضوع المذكور في كتب متفرقة كالتالي:

١. رفع الحرج في الشريعة الإسلامية ضوابطه وتطبيقاته: للدكتور صالح بن حميد رئيس

مجلس القضاء الأعلى بالمملكة العربية السعودية.

٢. كتاب رفع الحرج في الشريعة الإسلامية دراسة أصولية تأصيلية: للدكتور يعقوب عبد الوهاب الباحسن.

٣. كتاب منهج التيسير المعاصر دراسات تحليلية: رسالة ماجستير: جامعة الإمام محمد بن سعود بالرياض، الدكتور عبد الله بن إبراهيم الطويل.

وقد بحثت الدراسات السابقة حول تعريف رفع الحرج، والأدلة الشرعية للقاعدة دون التعرض الجانب الدعوي للموضوع. ويختلف بحثي عن الدراسات السابقة بأنه قد تحدث عن مقصد رفع الحرج وعلاقته بالدعوة إلى الله تعالى.

منهج البحث

الإطار العام للدراسة:

- ١- هذه الدراسة دراسة وصفية تحليلية.
- ٢- جمع المادة العلمية للدراسة من خلال الكتب المعتمدة في الموضوع المذكور.
- ٣- ترتيب المادة العلمية حسب الخطة التي سأذكرها.
- ٤- توثيق المسائل الواردة في ثنايا البحث من مصادرها.
- ٥- عزو الآيات القرآنية الكريمة إلى مواضعها في السور مع ذكر رقم الآية.
- ٦- كتابة الموضوع وفق القواعد الإملائية الحديثة، والالتزام بعلامات الترقيم.

٧- تذييل الدراسة بنتائج الدراسة، وفهرس المصادر والمراجع.

محتويات الموضوع

يتكون هذا البحث من مقدمة، وأصل الموضوع، وخاتمة، وفهرس المصادر والمراجع

أولاً: المقدمة: وتشتمل على: أهمية وأسباب اختيار الموضوع، وسؤالات الدراسة، وأهدافها، ومنهج البحث فيها.

ثانياً: أصل الموضوع، وفيه:

المحور الأول: رفع الحرج ومظاهره في الشريعة الإسلامية، وفيه مطالب:

المطلب الأول: مفهوم رفع الحرج

المطلب الثاني: أدلة دفع الحرج في الشريعة الإسلامية

المطلب الثالث: مظاهر رفع الحرج في الشريعة الإسلامية

المحور الثاني: أهمية وتطبيق قاعدة رفع الحرج في الدعوة الإسلامية،

وفيه مطالب

المطلب الأول: مكانة قاعدة رفع الحرج في الدعوة الإسلامية

المطلب الثاني: أهمية قاعدة اليسر ورفع الحرج في الدعوة الإسلامية

الخاتمة: وفيها أهم نتائج البحث

قائمة المصادر والمراجع

المحور الأول: رفع الحرج ومظاهره في الشريعة الإسلامية

وفيه مطالب:

المطلب الأول: مفهوم رفع الحرج

إن مصطلح رفع الحرج رغم ثبوت حقيقته ومدلوله لم يرد في الكتاب والسنة لفظاً إلا أنه شاع على الألسنة في فترات تدوين الفقهاء وقد ظهرت إلى جانب هذا اللفظ تعابير أخرى تؤدي المعنى نفسه مثل دفع الحرج (الموصلي، ۱۳۹۷، ۱/۱۳۵)، ووضع الحرج ونفي الحرج. (ابن الهمام، بي تا، ۳/۶۲)

ويحسن بنا قبل أن نذكر التعريف الاصطلاحي لمصطلح رفع الحرج أن نبين المعنى اللغوي للحرج لأن المصطلح الأساسي ينطلق منه.

الرفع يطلق على معاني كثيرة ولكنها يرجع إلى معنى العلو، وجاء في المعاجم أن الرفع ضد الوضع ورفع الشيء إذا أزيل عن موضعه (الرازي، ۱۴۲۰هـ / ۱۹۹۹م، ۱۳۵)، وهذا المعنى الأخير هو الأقرب والأنسب في هذا المقام.

و الحرج لغة: تطلق على الضيق والشدة، وقال في الصحاح: مكان حَرَجٌ وَحَرَجٌ أي ضيق كثير الشجر لا تصل إليه الراعية. (الرازي، ۱۴۲۰هـ / ۱۹۹۹م، ۶۹)

الحرج اصطلاحاً: استعمل كلمة الحرج في القرآن الكريم في خمسة عشر موضعاً، منها قوله تعالى: ﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [النساء: ۶۵] واستعملت لمدلولات عديدة منها: الإثم والضيق، وهكذا الشدة التي كانت على بني اسرائيل من الآصار وأنه لا مخرج له، وبمعنى الشك، وبالتكليف التي لا يطاق.

وبناء على ذلك فالحرج أطلق على كل ما تسبب الضيق سواء كان على البدن، أو على النفس أو عليهما معا في الدنيا والآخرة او فيهما معا. (الباحسين، ۱۴۳۰هـ، ۳۷)

ويقول الشيخ أبو زهرة: هي المشقة غير المعتادة التي لا يمكن احتمالها، أو الاستمرار فيها إلا ببذل أقصى الطاقة أو ربما بتلف النفس أو العضو أو المال. (أبو زهرة، بي تا، ٣٠٥)

ويقول عنها إمام المقاصد الشاطبي في كتابه المصдري "الموافقات": الضيق الْمُؤَدِّي فِي الْغَالِبِ إِلَى الْحَرْجِ وَالْمَشَقَّةِ اللَّاحِقَةِ بِفَوْتِ الْمُطْلُوبِ. (الشاطبي، ١٤١٧هـ/١٩٩٧، ٢/٢١)

معنى رفع الحرج: كما هو الواضح فإن كلمة الحرج مصطلح قرآني وذكرت في عدد من الآيات القرآنية ولهذا قام المفسرون ببيان المقصود من رفع الحرج:

١- أنه وضع ما كان على بني إسرائيل أو الأمم السابقة من الآصار، وهو أحد تفاسير ابن عباس رضي الله عنهما كقرض موضع النجاسة، أداء ربع الزكاة، كون التوبة قتلاً وعدم حل الغنائم. (الرازي، ١٤٢٠هـ، ١٠/٥٥)

٢- عدم التكليف بما لا يطاق بل التكليف بما هو أوسع.

٣- عدم جعل الضيق على المكلفين بتكليف ما يشتد القيام عليهم، أي لم يكلفهم بما يشق عليهم ولكن كلفهم بما يقدرّون عليه.

٤- إيجاد مخرج من الضيق أي إيجاد وسيلة للخلاص منه أو مما يترتب عليه من الذنوب والعقاب.

ورفع الحرج عند الباحثين أو نفيه اتخذ طريقتين:

الأولى: رفع الحرج ابتداءً بعدم التكليف بما لا يطاق، أو ما يشتد القيام به علينا سواء كان موضوعاً على الأمم السابقة أو لم يكن.

الثانية: رفع الحرج الطارئ؛ وهذا الرفع متحقق بوسيلتين:

الف- الترخيص في الترك أو الفعل.

ب- تدارك ما وقع من الضرر أو الفساد سواء كان واقعا على حقوق الله أم حقوق العباد وذلك بالتوبة والكفارات والقصاص أو رد المظالم. (الباحسين، ۱۴۳۰هـ، ۴۱- ۴۲)

وبالجملة فرفع الحرج يقصد به ازالة ما يؤدي إلى المشاق، وتكون باليسير والتخفيف عن المكلف ورفع الحرج عنه، ولذلك يقول الشاطبي: "فَإِنَّ الرُّخْصَةَ مُسْتَمَدَّةٌ مِنْ قَاعِدَةِ رَفْعِ الْحَرَجِ". (الشاطبي، ۱۴۱۷هـ/ ۱۹۹۷، ۲۶۴/۱)

وبناء على ذلك فرفع الحرج واليسير هما شيء واحد كما اصطلح عليه علماء مقاصد الشريعة أو فقهاء القواعد الفقهية.

المطلب الثاني: أدلة دفع الحرج في الشريعة الإسلامية

لقد تضافرت أدلة رفع الحرج في الشريعة الإسلامية حتى وصلت مبلغ القطع في الكتاب والسنة، وهذه النصوص إما ناطقة بنفي الحرج أو دالة على التيسير والتخفيف، والبعض الآخر استنبطه الفقهاء والعلماء من استقراء النصوص الشرعية وأحكامه يدل على قطعية هذا المقصد؛ وفيما يلي ذكر لبعض هذه النصوص:

أولاً من القرآن الكريم:

١- اللات للآيات القرآنية يرى أن الله سبحانه وتعالى نفى الحرج وهي على طائفتين، أحدهما نفياً عاماً وأخرهما واردة في قضايا جزئية. فمن الآيات التي تفيد النفي العام قوله تعالى: ﴿وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ﴾ [الحج : ٧٨] وقوله تعالى: ﴿مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ﴾ [المائدة : ٦] وطائفة من الآيات من شأنها نفي الحرج في جزئيات معينة كما في قوله تعالى: ﴿لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ...﴾ [التور : ٦١]

٢- النصوص القرآنية ناطقة على التيسير والتخفيف لا يجامعان الحرج، فكل هذه النصوص ناطقة على يسر هذه الشريعة ونفي الحرج، مثل قوله تعالى: ﴿يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا﴾ [النِّسَاء : ٢٨] وقوله تعالى: ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ [البَقَرَة : ٢٨٦] وهكذا قوله تعالى: ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَاءً أَتَنَّهُا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا﴾ [الطَّلَاق : ٧] ففي هذه الآيات تجلت هذه المراعاة وذلك للضعف الإنساني الفطري من خلال تشريع الأحكام اليسيرة المقدورة على المكلفين لأنه مركز في فطرة الإنسان النفور من الشدة.

و من هنا يقول ابن عاشور: "وقد أراد الله تعالى أن تكون شريعة الإسلام شريعة عامة ودائمة، فاقترض ذلك أن يكون تنفيذها بين الأمة سهلاً. ولا يكون ذلك إلا إذا انتفى عنها الإعانات. فكانت بسماحتها أشد ملاءمة للنفوس، لأن فيها إراحة النفوس في حالي خويصتها ومجتمعها". (ابن عاشور، ١٤٢٥هـ/٢٠٠٤، ٣/١٩٣)

ثانياً من الأحاديث النبوية:

الأحاديث النبوية بكونها مبينة للآيات القرآنية حافلة برفع الحرج وتقدير اليسر والسهولة، وفيما يلي ذكر لبعض هذه الدرر منها:

أَنَّ أَعْرَابِيًّا بَالَ فِي الْمَسْجِدِ، فَتَارَ إِلَيْهِ النَّاسُ لِيَقْعُوا بِهِ، فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «دَعُوهُ، وَأَهْرِيقُوا عَلَى بَوْلِهِ ذُنُوبًا مِنْ مَاءٍ، أَوْ سَجَلًا مِنْ مَاءٍ، فَإِنَّمَا بُعِثْتُمْ مُبَسِّرِينَ وَلَمْ تُبْعَثُوا مُعَسِّرِينَ». (البخاري، ١٤٢٢هـ، حديث ٦١٣٨)

وقوله صلى الله عليه وسلم «إِنَّ الدِّينَ يُسْرٌ، وَلَنْ يُشَادَّ الدِّينَ أَحَدٌ إِلَّا غَلَبَهُ، فَسَدِّدُوا وَقَارِبُوا، وَأَبْشِرُوا، وَاسْتَعِينُوا بِالْغَدْوَةِ^(١) وَالرَّوْحَةِ^(٢) وَشَيْءٍ مِنَ الدَّلْجَةِ^(٣)». (البخاري، ١٤٢٢هـ، حديث ٣٩)

وكذلك نرى أن السنة النبوية تذكر رفع الحرج في مجال المقاصد الجزئية منها قوله صلى الله عليه وسلم: «لَوْلَا أَنْ أَشُقَّ عَلَى أُمَّتِي أَوْ عَلَى النَّاسِ لَأَمَرْتُهُمْ بِالسَّوَاكِ مَعَ كُلِّ صَلَاةٍ». (البخاري، ١٤٢٢هـ، حديث ٨٨٧)

المطلب الثالث: مظاهر رفع الحرج في الشريعة الإسلامية

الناظر للشريعة الإسلامية ليجد في أحكامها نوعا من اليسر والسهولة والسماحة وهذا ما يميزها عن باقي الشرائع الوضعية المتسمة بالمشقات وعدم الواقعية، وهذه السمة الأساسية أعطت لهذه الشريعة الغراء نوعا من المرونة وقابلية التطبيق وجعلها صالحة لكل زمان ومكان؛ ولا شك أن هذه السمة تناط في أصلها بمجموعة من الأسس والمظاهر نجملها فيما يلي:

الف- إن الله تعالى وضع عن هذه الأمة الإصر والأغلال التي كانت على من كان قبلهم، والمقصود بالإصر كما يقول القرطبي: "الإصر: الأمر الغليظ الصَّعب". (القرطبي، ١٣٨٤هـ/١٩٦٤، ٣/٤٣٢)

وقد وصف الله نبيه وحقيقته ما أرسل به بوضع الإصر والأغلال كما في قوله تعالى: ﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ ۚ فَالَّذِينَ ءَامَنُوا

(١) الغدو وهو السير أول النهار.

(٢) الرواح وهو السير في النصف الثاني من النهار.

(٣) الدلجة وهي السير آخر الليل.

بِهِ وَعَزَّزُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ ۖ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٥٧﴾ [الأعراف : ١٥٧] ولقد ذكر الله من دعاء المؤمنين في قوله : ﴿رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إَصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ ۖ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ۖ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا ۖ أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ [البقرة : ٢٨٦] ومن هنا يعلم أن هذه سمة خاصة في الشريعة المباركة؛ حيث رفع الحرج عن أهلها في أحكامها.

ب- إن الله تعالى لم يكلف عباده ابتداء بما لا يستطيعون وربما لا يقدرُونَ عليه رفعا للحرج عنهم كما قال تعالى: ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ [البقرة : ٢٨٦] وهكذا قوله تعالى: ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا﴾ [الطلاق : ٧]

وبناء على ذلك فأحكام الشريعة ابتداء سهلة مقدور عليها ليس فيها عنت ولا مشقة، فرفع الحرج وصف للشريعة كلها نابع من طبيعتها وسهولة في أحكامها. (اليوبي، ١٤١٨هـ/١٩٩٨، ٣٨٧)

ج- لقد وضع الشرع الحنيف الرخص في الأحكام الطارئة والتي تقع في المشقات غير المعتادة؛ وتسبب على إثرها التخفيف على المكلف، وخاصة في مجال العبادات وقد تنجم غالبا من أسباب كالسفر، الجهل، العسر وعموم البلوى، المرض، النسيان وغيره؛ وأما التخفيفات فأنواع:

- ١- الإسقاط: كإسقاط الجمعة والحج بالعذر.
- ٢- التوقيص وذلك كالتقص من الواجب الأصلي كالقصر في الصلاة أثناء السفر.
- ٣- الإبدال وذلك كإبدال الوضوء بالتيمم أثناء فقدان الماء .
- ٤- التقديم والتأخير في الصلاة أثناء السفر عند الجمهور.
- ٥- الترخيص في بعض الحالات للمحرمات كشرب الخمر للغصة.

- ۶- التغير في الهيئة كتغير الهيئة في صلاة الخوف. (ابن عبد السلام، ۱۴۱۴هـ، ۶/۱)
- والعمل بهذه الرخص قد تختلف فعلها عن بعضها البعض، فيرى الفقهاء:
- ۱- ما يجب فعلها ويؤثم تركها كأكل الميتة للمضطر الذي غلب على ظنه الهلاك.
- ۲- ما يثيب فعله كالقصر في الصلاة والفطر لمن يشق عليه الصوم.
- ۳- ما كان الأولى تركها كالمسح على الخف والفطر لمن لا يتضرر.
- ۴- ما يكره فعلها كالقصر في أقل من ثلاث مراحل. (محمد الزحيلي، ۱۴۲۷هـ/۲۰۰۶م، ۲۷۱/۱)

د- مقصد رفع الحرج في الشريعة الإسلامية لم ينحصر في مجال العبادات فحسب بل تتوسع إلى المعاملات وذلك ضمن قواعد تالية:

- ۱- الأصل في المنافع الحل، والدليل عليه قوله تعالى: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا﴾ [البقرة: ۲۹] وبناء على ذلك امتن الله على عباده بأن خلق لهم ما في الأرض وسخر لهم، ولا يمكن أن يكون ذلك الشيء، إلا مباحا.
- ۲- لقد أجازت الشريعة بعض العقود استثناء، بناء على مراعاة حاجة الناس ورفع الحرج عنهم.
- ۲- التعامل بين الناس على أصل الإباحة، فلهم أن يبيعوا كيف شاءوا ويتعاقدوا كيف شاءوا إلا أن يكون عقودهم على أمور قد نهى عنه الشرع. (اليوبي، ۱۴۱۸هـ/۱۹۹۸، ۳۸۸)
- ومن هنا يستدل شيخ الإسلام ابن تيمية رحمه الله قائلا: "وَالْعَادَاتُ الْأَصْلُ فِيهَا الْعَفْوُ، فَلَا يُحْظَرُ مِنْهَا إِلَّا مَا حَرَّمَهُ، وَإِلَّا دَخَلْنَا فِي مَعْنَى قَوْلِهِ: ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِنْ رِزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ حَرَامًا وَحَلَلًا قُلْ إِنَّ اللَّهَ أَذِنَ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ﴾ [يونس: ۵۹]، وَلِهَذَا ذَمَّ اللَّهُ الْمُشْرِكِينَ الَّذِينَ شَرَعُوا مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ وَحَرَّمُوا مَا لَمْ يُحَرِّمْهُ". (ابن تيمية، ۱۴۲۲هـ، ۱۶۴)

المحور الثاني: أهمية وتطبيق قاعدة رفع الحرج في الدعوة الإسلامية، وفيه مطالب:
المطلب الأول: مكانة قاعدة رفع الحرج في الدعوة الإسلامية
إن الدعوة إلى الله عزوجل من أهم الفرائض التي وضعها الله عزوجل على رسله
ومن ثم على عباده لكي ينيروا الطريق القويم والمستقيم للآخرين وخاصة على الأمة
المحمدية التي ختم الله برسوله صلى الله عليه وسلم رسالته الخالدة وبذلك هو ربى
أمة كانت خيرا لما قبلها لأمرها بالمعروف ونهيها عن المنكر، ومن ثم اختار لتلك
الطائفة الدعوية منهجا وسطا اتسم بالخيرية، و الوسطية، و اليسر، و السماحة ورفع
الحرج والمشقة التي كانت على الأمم قبلها.

ولقد وصف الله دعوة رسوله الكريم صلى الله عليه وسلم باليسر ودفع الحرج حيث
أنها اتسمت بهذه الصفة العظيمة وجعلت من مقاصدها العظمى كما يقول في شأن هذا
النبي الكريم ﴿وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ﴾ [الأعراف :
١٥٧] وهكذا جعل الله شريعته يسرا و أراد بذلك اليسر لعباده كما يقول: ﴿يُرِيدُ اللَّهُ
بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ﴾ [البقرة : ١٨٥] واتسمت هذه الشريعة باليسر
لأنها مطابقة للفطرة البشرية والتي يرى أن الإنسان مخلوق ضعيف وجبل على الوهن
كما يقول جل شأنه: ﴿يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا﴾
[التيساء : ٢٨]

والناظر إلى كل هذه الآيات الكريمة ليرى أن مفهوم اليسر ودفع الحرج ثابتة
بالآيات المتضافرة والأحاديث النبوية صلى الله عليه وسلم بصفتها البيان للقرآن
الكريم، وقد بينت مفهوم اليسر تفصيلا حتى أن الإمام الشاطبي رحمه الله يقول: "إِنَّ
الْأَدْلَةَ عَلَى رَفْعِ الْحَرْجِ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ بَلَغَتْ مَبْلَغَ الْقَطْعِ". (الشاطبي، ١٤١٧هـ/ ١٩٩٧،
٥٢٠/٢) وفيما يلي بيان لبعض هدي النبي صلى الله عليه وسلم والذي لقب بإمام
الدعاة صلى الله عليه وسلم:

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: (إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَخْلُقْكُمْ لِكُنْ بَعْثَنِي مُعَلِّمًا مُبْسِرًا). (مسلم، بي تا، حديث ۱۴۷۸)

وكان هذا دأب النبي صلى الله عليه وسلم في دعوته حتى أنه كان يذكر بهذا المقصد العظيم طلائع الدعاة الذين كان يرسلهم في أمر الدين؛ عَنْ أَبِي مُوسَى، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا بَعَثَ أَحَدًا مِنْ أَصْحَابِهِ فِي بَعْضِ أَمْرِهِ، قَالَ: «بَشِّرُوا وَلَا تُنْفَرُوا، وَبَشِّرُوا وَلَا تُعْسَرُوا». (مسلم، بي تا، حديث ۱۷۳۲)

و لقد جعل الإمام مسلم بابا في كتابه بعنوان: "باب في الأمر بالتيسير وترك التنفير"، ولقد بين الحبيب المصطفى صلى الله عليه وسلم أثر هذا المقصد فيقول: «إِنَّ الدِّينَ يُسْرٌ، وَلَنْ يُشَادَّ الدِّينَ أَحَدٌ إِلَّا غَلَبَهُ، فَسَدِّدُوا وَقَارِبُوا، وَأَبْشِرُوا، وَاسْتَعِينُوا بِالْعَدَاوَةِ وَالرُّوْحَةِ وَشَيْءٍ مِنَ الدَّلْجَةِ». (البخاري، ۱۴۲۲هـ، حديث ۳۹) ومن أجل هذا أن الصحابة رضوان الله عليهم دوما كانوا يدعون رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إَصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفُ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ. وهكذا ينبه الرسول صلى الله عليه وسلم أمته بأن يكف عن لقاء العدو فيقول: «لَا تَمَتُّوا لِقَاءَ الْعَدُوِّ، فَإِذَا لَقِيتُمُوهُمْ فَاصْبِرُوا». (مسلم، بي تا، حديث ۱۷۴۱)

وبناء على ذلك فعلى الداعي أن يركز في دعوته على مقتضيات الإيمان وآثاره وربط ذلك في واقع الحياة، وأما التفصيلات فإنه يتركها للمختصين في ذلك العلم، وعلى الداعية أن يطبق أصول الإيمان على قضايا العصر لأن لكل عصر قضاياها والداعية الناجح هو الذي يطبق الأصول على عصره وينطلق من ثوابت الدين لا من متغيرات العقول والعصور. (شمام، بي تا، ۱۹)

والداعية كما يحتاج إلى هذا المقصد في مضمون دعوته فإنه يجدر به أن يأخذ بها وسيلة لدعوته ولذلك يرفق على الكريم ويكون عرضه على الوجهاء بالتي هي أحسن وإلا لكان لدعوته ثمرة فاسدة، وقد ثبت أن النبي صلى الله عليه وسلم كان يعامل رأس

المنافقين أبي بن سلول رغم بدهاءة كفره بالتلطف لأنه كان رئيسا لقومه ويخشى من عصبية قومه له فيكون من ذلك فتنة للجماعة رغم شناعة أقواله، إلا أن النبي صلى الله عليه وسلم ما تعرض له قط حتى أن النبي صلى الله عليه وسلم يقول: «دَعُهُ، لَا يَتَحَدَّثُ النَّاسُ أَنَّ مُحَمَّدًا يَقْتُلُ أَصْحَابَهُ». (مسلم، بي تا، حديث ٢٥٤٨)

ومن هنا فعلى الداعية أن يختار منهج الرفق واليسر وأن يرفع عن الناس المشقة والحرَج والتي تسبب بفقدان روح سماحة الشريعة واليسر الغالبة عليها.

المطلب الثاني: أهمية قاعدة اليسر ورفع الحرج في الدعوة الإسلامية

إن التيسير ورفع الحرج في أحكام الشريعة الإسلامية عموما وفي الدعوة الإسلامية ليست منهجا عقيما أو قواعد صماء تحفظ بل هو روح يسري في كيان التشريع سريان الماء في العود، وتعود بعوائد الخير على الدين والمكلف والواقع المعاش، وذلك لأنه يتسبب المراد الإلهي من التكليف ويأنس الناس بتعليم الدين أنسا روحيا ويطرشد الواقع بقيومية الشرع وحكمه الباهرة، وفيما يلي بيان لأهمية هذا المبدأ بشيء من التفصيل:

١- استلهاهم روح النصوص: إن التيسير ورفع المشقة والحرَج استلهاهم لروح النصوص وتمثيل المقاصد الكبرى في اجراء التكليف على الوجه الأمثل، ولذلك يقول العلماء: فكلما كان الحكم صحيح المدرك، ميسر المحتوى إلا وجلى جوهر الدين، وممكن لفقه الدليل الذي لا يمكن أن يشذ عن أصل رفع الحرج وقد انبنت عليه العزائم وجرت به الرخص. (الريسوني، ١٤٢٨هـ/٢٠٠٧م، ١٧٧)

والناظر ليرى أن مهمة الداعي إلى الله هو توصيل الناس إلى جوهر الدين وتعاليمه العالي وتمكين تطبيق احكامه عليهم، ولا يمكن ذلك إلا أن تكون الرسالة مرنة تعطف عليهم، فليست شعائر الدين أغلالا تشد أعناق معتنقيه وبالتالي فالتيسير روح الدعوة الإسلامية.

۲- استئصال الفكر البدعي: إن التيسر ورفع الحرج يلزم منه تضيق الخناق على البدع والخرافات والتي من شأنه تضخيم التكاليف على المكلفين وتوسيع دائرة التنفير، وقد نبه نبي الإسلام أصحابه بأن يكونوا مبشرين لا منفريين، لأن هذا تعود بأضرار جسيمة؛ فوجد دوما أن الابتداع مضاد التيسير ومناف لمقصود الشارع في الحمل على الطاقة من غير تعنت، ولقد عاب الله الرهبان ببدعتهم حيث يقول: ﴿وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا﴾ [الحديد: ۲۷]

ومن هنا فقد ركز العلماء على أن التيسير والابتداع نقيضان لا يجتمعان فمتى استتب الفقه ضفت موارد الدين وطوى بساط البدع، ومن هنا قال الإمام ابن الجوزي: اعلم أن شرعنا مضبوط الأصول، محروس القواعد، لا خلل فيه ولا دخل، وكذلك كل الشرائع. إنما الآفة تدخل من المبتدعين في الدين أو الجهال". (ابن الجوزي، ۱۴۲۵هـ/ ۲۰۰۴م، ۱۲۹) وبناء على ذلك فعلى الداعية أن يكون دعوته مبنية على روح التيسير ورفع الحرج، ولا يدعو الناس بما لا يطيقون؛ وذلك لأن التبشير يجلب المودة والتعاطف والعنت والحرج يسبب بالعكس التنفير والفطور.

۳- التحقق من وسطية الإسلام: اتسمت شريعة الإسلام بالوسطية في كل الشرائع الدينية عقيدة، و شريعة وأخلاقا وسلوكا؛ وبالتالي فعلى داعية الإسلام أن يسلك في دعوته بالمنهج الوسطي الذي يعطي للدعوة قيمة وأهمية في جلب المدعويين، وهذه الوسطية كما يقول الباحثون معادلة تتركب من حقيقتين:

۱- مراعاة الثوابت والذهاب مع ركاب العصر بما يوفي مصالح الدين والناس.

۲- التيسير ورفع الحرج.

ولهذه المعادلة تجليات ومظاهر منشودة على الشعائر والأحكام الدينية أبرزها:

١- إن التيسير ورفع الحرج يصون التكاليف والأحكام الأصلية عن تلاعب الغلاة الضالين ويضمن في الوقت نفسه التكليف مع مقتضيات الأحوال الاجتماعية والفكرية والنفسية للمكلفين.

ب- التيسير قيمة مثلى لإقامة التوازن بين أشواق الروح والمادة وتلبي جميع المطالب الإنسانية في اطار المشروعية.

ج- إن التيسير همزة وصل بين الواقع الدنيوي وبرزخ الآخرة فهو يخفف من عبء المشقة في التكليف المحسوس ويوطئ لهذا التكليف نفسه سبل القبول في ميزان الأعمال مادام جاريا على أصول الشرع. (الريسوني، ١٤٢٨هـ/٢٠٠٧م، ١٧٨)

ولهذا قال الإمام الشاطبي رحمه الله: الشَّرِيعَةُ جَارِيَةٌ فِي التَّكْلِيفِ بِمُقْتَضَاهَا عَلَى الطَّرِيقِ الْوَسْطِ الْأَعْدَلِ، الْأَخِذِ مِنَ الطَّرَفَيْنِ بِقِسْطٍ لَا مَيْلَ فِيهِ، الدَّاخِلِ تَحْتَ كَسْبِ الْعَبْدِ مِنْ غَيْرِ مَشَقَّةٍ عَلَيْهِ وَلَا انْجِلَالٍ، بَلْ هُوَ تَكْلِيفٌ جَارٍ عَلَى مُوَازَنَةِ تَقْتَضِي فِي جَمِيعِ الْمُكَلَّفِينَ غَايَةَ الْإِعْتِدَالِ. (الشاطبي، ١٤١٧هـ/١٩٩٧، ٢/٢٧٩)

وغاية القول إن الوسطية والإعتدال روح الشريعة في جل أحكامها ويعطي لهذه الشريعة صلاحية البقاء والتطبيق في كل العصور والأمكنة.

٤- المداومة على العمل والقضاء على الغلو: التيسير ورفع الحرج منهج رباني يصون الأحكام الشرعية عن التعطيل وكذلك يضمن تنزيلها على الواقع بما يلائم الفطرة ويستوفي منها المصالح العاجلة والآجلة في الدنيا والآخرة، أما التشديد والحرص فتأتي بالنتائج العكسية. والتيسير يسبب الدوام على العمل والطاعة ومتابعة الدين، والمعهود أن العمل القليل الدائم خير من العمل الكثير المنقطع. ومن هنا فقد ذكر الشاطبي مخاطر المشقات على التدين والمدعوين قائلا: فَأَعْلَمُ أَنَّ الْحَرَجَ مَرْفُوعٌ عَنِ الْمُكَلَّفِ لَوْجْهَيْنِ:

أَحَدُهُمَا: الْخَوْفُ مِنَ الْإِنْقِطَاعِ مِنَ الطَّرِيقِ، وَبُغْضِ الْعِبَادَةِ، وَكَرَاهَةِ التَّكْلِيفِ، وَيَنْتَظِمُ تَحْتَ هَذَا الْمَعْنَى الْخَوْفُ مِنْ إِدْخَالِ الْفَسَادِ عَلَيْهِ فِي جِسْمِهِ أَوْ عَقْلِهِ أَوْ مَالِهِ أَوْ حَالِهِ.

وَالثَّانِي: [خَوْفُ التَّقْصِيرِ] عِنْدَ مُزَاحِمَةِ الْوُظَائِفِ الْمُتَعَلِّقَةِ بِالْعَبْدِ الْمُخْتَلِفَةِ الْأَنْوَاعِ، مِثْلَ قِيَامِهِ عَلَى أَهْلِهِ وَوَلَدِهِ، إِلَى تَكَالِيفٍ أُخْرَى تَأْتِي فِي الطَّرِيقِ، فَرُبَّمَا كَانَ التَّوَعُّلُ فِي بَعْضِ الْأَعْمَالِ شَاغِلًا عَنْهَا، وَقَاطِعًا بِالْمُكَلَّفِ دُونَهَا، وَرُبَّمَا أَرَادَ الْحَمْلَ لِلطَّرَفَيْنِ عَلَى الْمُبَالَغَةِ فِي الْإِسْتِقْصَاءِ، فَانْقَطَعَ عَنْهُمَا. (الشاطبي، ١٤١٧هـ/١٩٩٧، ٢/٢٣٣)

٥- تحقيق مقصد الشرع من التكليف: إن معرفة مقصد الشرع تعين المكلف على أداء التكليف على وجه أحسن ويشعر تجاهه نوعاً من المودة والمحبة، وذلك لأن كثيراً من الذين يجنحون للانحلال والتواهن هم الذين تركوا المذهب الوسط، وإذا تدينوا على بناء المعرفة انجزوا التكليف بقدر الوسع ويجدون في صدورهم نوعاً من الراحة والطمأنينة، ومن هنا قال الإمام ابن القيم الجوزية: "فَإِنَّ الشَّرِيعَةَ مَبْنَاهَا وَأَسَاسُهَا عَلَى الْحِكْمِ وَمَصَالِحِ الْعِبَادِ فِي الْمَعَاشِ وَالْمَعَادِ، وَهِيَ عَدْلٌ كُلُّهَا، وَرَحْمَةٌ كُلُّهَا، وَمَصَالِحُ كُلُّهَا، وَحِكْمَةٌ كُلُّهَا؛ فَكُلُّ مَسْأَلَةٍ خَرَجَتْ عَنِ الْعَدْلِ إِلَى الْجَوْرِ، وَعَنِ الرَّحْمَةِ إِلَى ضِدِّهَا، وَعَنِ الْمَصْلَحَةِ إِلَى الْمَفْسَدَةِ، وَعَنِ الْحِكْمَةِ إِلَى الْبُعْثِ؛ فَلَيْسَتْ مِنَ الشَّرِيعَةِ". (ابن القيم الجوزية، ١٤١١هـ/١٩٩١م، ٣/١١)

٦- تقوية النزعة الدينية: إن المكلف بحاجة إلى الرخص ودفع الحرج لكي يتقوى على مواصلة التكليفات والنهوض بها دون تقصير أو تفريط؛ ولا شك أن التيسير أمر مرغوب وأكثر التعسير تنفير ويجتنب عنه النفوس.

٧- الميل إلى كنف الإسلام وبيان محاسن الشريعة: إن الدين اليسر تجلب أنظار الناس إلى الهداية وتتجه جمع غفير من الناس بسبب طبيعة السمحة تعليمًا وسلوكًا وبذلك هم لا يخشون التعنت والعسر بل في المقابل يجدون من الأُنس الروحي الذي

يخفف آلام الحياة ومرورة العيش، وهم يجدون حلاوة الإيمان الذي يرتقي الذوق والخطر والوجدان إلى مرتبة الصفاء والنقاء.

إن هؤلاء المعتنقين يعلمون أن الإسلام يجب ما قبله فأقبل على هذا المورد العذب بإقبال يروي غليلهم، فكم من فاسق فاجر أقبل بهمة التوبة وأصبح وليا من أولياء الله بهمته. (شمام، بي تا، ٢١)

واخيرا إن الاستفادة من أصل التيسير ورفع الحرج يجلي محاسن الشريعة للمكلفين ويوازن بين الروح والمادة ورعاية المصالح، وتقدير الضعف البشري وخصوصيات الواقع يجعله صالحة لكل زمان ومكان.

الخاتمة

الحمد لله الذي وفقنا لاتمام هذا الموضوع، وفيما يلي اشارة إلى أهم النتائج التي توصلنا إليها من خلال البحث:

- ١- الإسلام عقيدة وشريعة اتسمت بالسماحة واليسر ورفع الحرج، وشريعته ثلاثم الفطرة وتحقق وتجلب للناس المصالح العاجلة والآجلة في الدنيا والآخرة.
- ٢- إن مصطلح رفع الحرج وإن لم يرد في القرآن والسنة فإنه ثابتة بهما، وشائع منذ قدم الزمان على ألسنة الفقهاء والأصوليين.
- ٣- رفع الحرج يراد به معنيين: عدم الضيق على المكلفين بتكليف ما لا يطاق، وإن وجد فهناك مخرج للخلاص منه.
- ٤- لقد تضافرت أدلة رفع الحرج حتى وصلت مرحلة القطع قرآنا وسنة، وهذه النصوص إما ناطقة برفع الحرج أو بمعنى التيسير بوجه آخر والذي يعني نفس المراد.
- ٥- إن مفهوم اليسر ورفع الحرج ميز هذه الشريعة عن باقي الشرائع الوضعية وجعلها صالحة لكل زمان ومكان.
- ٦- إن مظاهر رفع الحرج في الشريعة جلي يظهر للناظر من خلال التتابع في أحكامها، فلم يكلفهم الله بما لا يطيقون، ووضع عنهم الإصر التي كانت على الأمم قبلها، وكذلك شرع لهم الرخص في الأحوال الطارئة لكي يتمكن من أداء التكليف.
- ٧- إن الدعوة إلى الله عزوجل بكونها فريضة مهمة مبنية على أساس اليسر ورفع الحرج حتى أن إمام الدعاة صلى الله عليه وسلم وصف دعوته باليسر والبشر.
- ٨- الرسول الأعظم صلى الله عليه وسلم ربي جيلا داعيا بهذا المبدأ الكريم، ودوما ما يحث أمتة على اليسر ودفع العنت والمشقة.

- ٩- على الداعية أن يختار في منهجه ودعوته اليسر لأنه إذا كانت الشريعة مبنية على اليسر ورفع الحرج فالدعوة أولى أن تكون على أثرها لأنها وسيلة لها.
- ١٠- إن اتسام الدعوة باليسر ورفع الحرج أعطى لهذا المنهج ميزات ومحاسن تعود نتيجتها إلى: استلهم روح النصوص، واستئصال الفكر البدعي، وتحقيق المنهج الوسطي، والمداومة على العمل واقصاء الغلو، وتحقيق مقاصد الشريعة من التكليف والميل إلى كنف الإسلام وبيان محاسنه.
- ١١- الوسطية معادلة مركبة من مراعاة الثوابت والذهاب مع ركاب العصر وعنصر التيسير ورفع الحرج.

قائمة المصادر والمراجع:

- ۱- القرآن الكريم.
- ۲- الاختيار لتعليل المختار، عبد الله بن محمود بن مودود الموصلي البلدحي، مجد الدين أبو الفضل الحنفي، ط ۱، مطبعة الحلبي - القاهرة ۱۹۳۷م
- ۳- أصول الفقه، محمد أبو زهرة، دار الفكر، (ب ت ط).
- ۴- إعلام الموقعين عن رب العالمين، محمد بن أبي بكر بن أيوب بن سعد شمس الدين ابن قيم الجوزية تحقيق: محمد عبد السلام إبراهيم، ط ۱، دار الكتب العلمية - بيروت، ۱۴۱۱هـ - ۱۹۹۱م.
- ۵- التيسير الفقهي - مشروعيته وضوابطه وعوائده، الدكتور قطب الريسوني، ط ۱، دار ابن حزم للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت، ۱۴۲۸هـ - ۲۰۰۷م.
- ۶- جامع البيان عن تأويل آي القرآن (تفسير الطبري)، محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الآملي، أبو جعفر الطبري، تحقيق: الدكتور عبد الله بن عبد المحسن التركي، ط ۱، دار هجر للطباعة والنشر والتوزيع والإعلان، ۱۴۲هـ - ۲۰۰۱م.
- ۷- الجامع لأحكام القرآن، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري القرطبي، تحقيق: أحمد البردوني وإبراهيم أطفيش، ط ۲، دار الكتب المصرية - القاهرة، ۱۳۸۴هـ - ۱۹۶۴م.
- ۸- الدعوة الإسلامية في ضوء المقاصد الشرعية، د. بشير عبد العالي شمام، (بحث منشور على شبكة الإنترنت).
- ۹- رفع الحرج في الشريعة الإسلامية، يعقوب عبد الوهاب الباحسين، مكتبة الرشد، الرياض، ۱۴۳۰هـ.

- ١٠- صحيح البخاري، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري، المحقق: محمد زهير بن ناصر الناصر، ط ١، المحقق: محمد زهير بن ناصر الناصر، دار طوق النجاة، ١٤٢٢هـ.
- ١١- صيد الخاطر، جمال الدين أبو الفرج عبد الرحمن بن علي بن محمد الجوزي، ط ١، دار القلم - دمشق، ١٤٢٥هـ - ٢٠٠٤م.
- ١٢- فتح القدير، كمال الدين محمد بن عبد الواحد السيواسي المعروف بابن الهمام، دار الفكر.
- ١٣- قواعد الأحكام في مصالح الأنام، أبو محمد عز الدين عبد العزيز بن عبد السلام، راجعه وعلق عليه: طه عبد الرؤوف سعد، مكتبة الكليات الأزهرية - القاهرة، ١٤١٤هـ - ١٩٩١م.
- ١٤- القواعد الفقهية وتطبيقاتها في المذاهب الأربعة، د. محمد الزحيلي، ط ١، دار الفكر - دمشق، ١٤٢٧هـ - ٢٠٠٦م.
- ١٥- القواعد النورانية الفقهية، تقي الدين أبو العباس أحمد بن عبد الحليم ابن تيمية، حققه وخرج أحاديثه: د أحمد بن محمد الخليل، ط ١، دار ابن الجوزي، المملكة العربية السعودية، ١٤٢٢هـ.
- ١٦- مختار الصحاح، زين الدين أبو عبد الله محمد بن أبي بكر بن عبد القادر الحنفي الرازي، ط ٥، المكتبة العصرية - الدار النموذجية، بيروت - صيدا، ١٤٢٠هـ / ١٩٩٩م.
- ١٧- المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم (صحيح مسلم)، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري، المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي، دار إحياء التراث العربي - بيروت.

- ۱۸- مفاتيح الغيب، أبو عبد الله محمد بن عمر بن الحسن بن الحسين التيمي الرازي الملقب بفخر الدين الرازي، ط ۳، دار إحياء التراث العربي - بيروت، ۱۴۲۰ هـ.
- ۱۹- مقاصد الشريعة الإسلامية، محمد الطاهر بن محمد بن محمد الطاهر بن عاشور، المحقق: محمد الحبيب ابن الخوجة، وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية، قطر، ۱۴۲۵ هـ - ۲۰۰۴ م.
- ۲۰- مقاصد الشريعة الإسلامية وعلاقتها بالأدلة الشرعية، د. محمد سعد بن أحمد بن مسعود اليوبي، ط ۱، دار الهجرة للنشر والتوزيع - المملكة العربية السعودية، ۱۴۱۸ هـ - ۱۹۹۸ م.
- ۲۱- الموافقات، إبراهيم بن موسى بن محمد اللخمي الغرناطي الشهير بالشاطبي، المحقق: أبو عبيدة مشهور بن حسن آل سلمان، ط ۱، دار ابن عفان، ط ۱، ۱۴۱۷ هـ / ۱۹۹۷ م.

رهنمود تدوین مقالات علمی برای مجله تحقیقی پوهنتون دعوت

شرایط پذیرش مقاله

برای نشر در مجله علمی-تحقیقی دعوت مقالاتی پذیرفته و به داوری فرستاده می‌شود که معیارها و شرایط ذیل حین تدوین، رعایت شده باشد:

- مقاله اصلی، پژوهشی، ساختارمند و با معیاری‌های امروزی تحقیقات علمی برابر باشد.
- مقاله در نشریه دیگری به نشر نرسیده و یا زیر ارزیابی نباشد.
- مقاله حداقل پاسخگوی یکی از نیازمندی‌های جامعه باشد.
- اصول و قواعد نگارشی در متن مقاله رعایت شده باشد.
- منبع‌دهی با استفاده از روش درون‌متنی باشد.
- حجم مقاله حدود ۷۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ کلمه باشد.
- نویسنده حین تسلیم‌دهی مقاله، فورم دریافت مقاله و تعهدنامه را امضاء نماید.

ساختار مقاله

- عنوان: عنوان مقاله کوتاه، گویا، جذاب، جدید، دارای قلمرو مشخص، بیان‌کننده محتوای مقاله بوده و با هدف اصلی مقاله متناسب باشد.
- نام و نشانی نویسنده: بعد از عنوان مقاله، ابتداء نام و نام خانوادگی نویسنده، به ادامه موقف سازمانی، شماره تماس و ایمیل آدرس نویسنده درج مقاله باشد.
- چکیده: حداکثر ۱۵۰ کلمه بوده و باید حاوی سوال اصلی، فرضیه، روش تحقیق و یافته‌های تحقیق باشد.

یادآوری: چکیده ادبیات گزارشی داشته باشد و نیز از نقل قول مستقیم و کاپی پیست از متن مقاله و نتیجه‌گیری در آن جلوگیری شده باشد.

- **واژگان کلیدی:** واژگان کلیدی باید میان ۵ تا ۷ کلمه بوده و بعد از چکیده آورده شود.

- **مقدمه:** شامل بیان مسئله، اهمیت، ضرورت، سوال، فرضیه، روش تحقیق و معرفی نوع تحقیق باشد.

یادآوری: تمام موارد یاد شده، تحت عنوان مقدمه بحث می‌شود و عنوان جداگانه برای هر بخش لازم نیست.

پیشینه تحقیق: در این بخش مقاله، تحقیقات انجام شده در مورد و یا مرتبط به موضوعی که برای تحقیق انتخاب شده است، با نگاهی انتقادی بررسی و محقق جنبه نوآوری خود را بیان کرده باشد.

چارچوب نظری: کوشش شود مقاله‌های حوزه علوم بشری و اقتصادی دارای چارچوب نظری باشد، تا محقق به کمک نظریه‌های مرتبط، بتواند به تبیین درست مسئله بپردازد.

- **متن اصلی:** شامل عنوان‌های اصلی و فرعی، پی‌نوشت‌ها، جدول‌ها و گراف‌ها، تحلیل و مستندسازی دقیق باشد.

- **بحث و نتیجه‌گیری:** نتیجه‌گیری علمی، دقیق و با تحلیل علمی نویسنده همراه باشد. هم‌چنان نتیجه‌گیری نباید به شکل خلاصه مطلب باشد.

شیوه مرجع‌دهی

مرجع‌دهی به روش درون‌متنی (APA) باشد؛ یعنی بعد از نقل مطلب، منبع باید به این شکل درج شود (نام صاحب اثر، سال انتشار و شماره صفحه). مثال: (خلیل هدف،

۱۴۰۲: ۱۰۰)

نحوه نگارش منبع در فهرست منابع: با در نظر داشت نوع منبع، فهرست منابع به گونه زیر ترتیب گردد:

۱. مرجع دهی از کتاب‌ها: نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، عنوان کتاب (به شکل بولد)، (نام مترجم یا مصحح)، محل انتشار و ناشر.

۲. مرجع دهی از مقاله‌ها: نام خانوادگی نویسنده، نام، عنوان مقاله، نام مترجم، نام مجله داخل قوس «به شکل ایتالیک»، شماره مجله، صفحه، محل انتشار: ناشر و تاریخ نشر.

۳. مرجع دهی از سایت‌های معتبر اینترنتی: نام خانوادگی، عنوان مقاله یا کتاب (به شکل ایتالیک)، تاریخ نشر (روز، ماه، سال) تاریخ بازبایی (روز، ماه، سال)، نشانی صفحه اینترنتی.

فرایند دریافت، ارزیابی، نشر و اعلان نتایج مقاله‌ها

۱. ثبت مقاله در دیپارتمنت مربوطه و یا در دفتر آمریت تحقیقات علمی؛
۲. تکمیل فورم دریافت مقاله و امضای تعهدنامه توسط نویسنده؛
۳. بررسی مقدماتی مقاله‌ها توسط سردبیر و گزینش مقاله‌های قابل داوری؛
۴. ارسال مقاله‌های قابل داوری به داوران از طریق شورای مرکزی تحقیقات علمی؛
۵. ارسال مقاله‌های تایید شده و نیاز به اصلاح به نویسنده مقاله، بعد از داوری؛
۶. ارسال پیام از طریق ایمیل به نویسنده‌های که مقاله‌هایشان رد شده است؛
۷. مقاله‌ای در این مجله منتشر خواهد شد که بعد از ارزیابی، ۷۵ نمبر کسب کند و قبلاً در مجله دیگر یا سایت‌های اینترنتی منتشر نشده باشد؛
۸. نشر مقاله و نیز ارسال مکتوب تاییدی به نویسنده بابت نشر مقاله ایشان؛
۹. مجله در پذیرفتن و نپذیرفتن و نیز ویرایش مقاله‌ها، آزاد است.

موفق باشید!

The purpose of removing embarrassment and its relationship to Islamic advocacy

Juniedullah Zahir PhD

Faculty members at Kabul University department of Sharia.

Najubullah Fahim PhD

Faculty member of kabul university, department of Sharia.

Abstract

Islamic law is characterized by tolerance, ease, and the removal of hardship, a characteristic that is evident in all its fields. This characteristic gives its rulings stability, permanence, and the ability to address contemporary issues. It also makes them flexible and applicable to all times and places. Therefore, preachers should imbue their preaching with this authentic character so that their preaching can bear fruit and reap the fruits that fulfill the purpose of the true Sharia and are in accordance with the spirit of religious texts. This study provides a brief definition of the removal of hardship in preaching, explains its purpose in light of the rules and principles of Sharia, and highlights the importance of applying the principle of removing hardship in the field of preaching, which is the mission of the Prophets, peace be upon them, and the mission of preachers to God in all times. This makes it easier for those engaged in the field of preaching and the objectives of Sharia to gain insight into the path of preaching and to benefit from the relevant rules and regulations. It has been presented as a window for those who wish to explore the subject.

Keywords: objectives, lifting hardship, Islamic advocacy, Sharia, ease, tolerance

International Conflict Resolution Models in the Framework of Realism; From Power Competition to Tension Management

Ali Abdullah Enayat Shafea

Master of International Relations - Dawat University Under the supervision of Dr.
Enayatullah Khalil Hadaf

Abstract

This study examines the potential of realism theory in providing models for resolving international conflicts. Realism theory, with its emphasis on principles such as state-centeredness, anarchy, survival, and self-help, provides an analytical framework for explaining the behavior of states in the international system. In this regard, different branches of realism, including classical realism, neorealism, and liberal realism, and their functions in managing tensions and containing international crises have been evaluated. The research hypothesis is that realism theory, despite its emphasis on competition and conflict between states, can provide an effective model for reducing the risk of conflict and maintaining stability in the international system through concepts such as balance of power, deterrence, and realistic management of interests. The research findings show that in an anarchic international environment, conflicts often arise from competition of powers and conflict of interests between states. However, the use of realist mechanisms can help effectively manage crises and curb hostile behavior between states. The results of the research indicate that despite the limitations in creating sustainable cooperation, the theory of realism can still be of interest to scholars and policymakers as a realistic and practical framework for analyzing and resolving international conflicts.

Keywords: realism, international conflicts, balance of power, tension management and conflict resolution.

Considering the process of government legitimacy in international documents

Rahim Hossain Hossaini

Professor at Faculty of Law and Political Science, Zavol Institute of Higher Education.

Mohammad Sarwar Sarwari

Graduated in law and political science.

Abstract

Legitimacy and recognition of governments are fundamental issues in international law that have a significant impact on relations between governments. Legitimacy means acceptance and approval of a government by authorities and the international community. Recognition of governments in international law is a process through which governments or international institutions recognize the existence of a government and establish a relationship by officially accepting its legal representative. The recognition process requires a conceptual understanding of legitimacy in domestic law and recognition in international law in order to clarify the necessary criteria and conditions. The question to consider is; What rules does the process of recognizing governments require in the national and international arena? In order to organize the prevailing conditions and situation in the country and provide opportunities for improvement in the exchange of ideas and communication. The results of this research show that recognition of governments not only gives credibility to domestic legitimacy, but also paves the way for diplomatic interactions with other countries and international institutions. However, the recognition process may be influenced by the political and strategic interests of governments, leading to international challenges and conflicts.

Keywords: legitimacy, recognition, government and international documents

Consideration of the Historical and Jurisprudential Course of the Terms of Rokoa and Sajdah in the Holy Quran

Nangyali Qaderi

Member of the academic staff of the Faculty of Sharia, Kabul University.

Abstract

This research has studied the historical aspects of the terms “ruku” and “sajdah” in the Mushaf Sharif and analyzed their role in the reading and recitation of the Holy Quran. The scope of the research includes the historical, jurisprudential, and practical aspects of these terms in different Mushafs, especially among Muslims in the Indian subcontinent, Pakistan, Afghanistan, and Bukhara. The main objective of the research is to explain why and how these terms were included and their impact on the recitation of worshipers and readers. The secondary objectives include examining the differences of opinion among jurists regarding the rulings on prostration of recitation and determining the number of ruku’s in different Mushafs. The research method is descriptive-analytical and the data has been collected from interpretive, hadith, jurisprudential, and historical sources. The findings show that the ruku’ sign was created to facilitate recitation in prayer, and its number in the current Mushafs is 558. Also, prostration of recitation is obligatory according to the Hanafi school of thought and is considered a tradition by the majority of scholars. This research shows that the difference in the number and signs of bowing and prostration is due to different jurisprudential and historical approaches.

Keywords: bowing, prostration, Holy Quran, Mushaf, jurisprudence.

The Impact of Superstitions on Religious Beliefs and Their Reform in the Light of Islamic Law

Mojuboollah Rahimi

Member of the academic staff of the Faculty of Sharia, Dawat University

Abstract

Superstition means baseless talk, legend, and irrational and irreligious belief and behavior that lacks rational and religious support and is usually rooted in ignorance, fear, habit, or imitation of common false beliefs. Superstition has long been one of the factors affecting various aspects of human life, especially religious beliefs. The present article, using a descriptive-analytical method, aims to explain the effect of superstitions on religious beliefs, in order to answer the question of what effect superstition has on people's religious beliefs and how its harm can be prevented by using educational strategies? The research findings show that superstition, by weakening the power of reason, creates the basis for behaviors based on illusions and leads to the weakening of the foundations of belief. A study of Quranic and narrational teachings proves that superstition can affect religious beliefs from various angles; Including: incorrect knowledge of God Almighty, incomplete understanding of the resurrection, religious misunderstanding, promotion of obscenity, avoidance of jihad, de-religion, and closure of thinking. To deal with this phenomenon, negative and positive solutions can be used, the most important of which are: explaining the factors of superstition, explaining the consequences of superstition, and trying to eliminate superstition.

Keywords: Superstitions, religious beliefs, deviations of belief, religious reform, Islamic law

Condemnation of Extravagance in the Light of the Holy Quran (Thematic Research)

Nasruminalh Mujahid PhD

Professor at the Faculty of Sharia, Kabul University, and Member of Dawat Journal

Abstract

This brief article presents a thematic analysis of one of the important subjects in the Holy Quran—extravagance, or the misuse of wealth. The article uses a descriptive and analytical approach to collect and study Quranic verses that address this issue.

The Quran includes many verses related to extravagance; some of them explicitly prohibit it, while others condemn those who engage in it. Furthermore, the Quran likens extravagant people to the brethren of devils and highlights the destructive consequences of such behavior.

Without a doubt, extravagance is a harmful phenomenon that leads society toward ruin. It creates distances and divides among individuals, destroys love and affection, and gives rise to enmity and hatred.

The study concludes that derivatives of the word “extravagance” are mentioned 23 times in 21 verses of the Qur’an. Additionally, the synonymous term “Tabzir” appears 3 times, and the word “Farth” is used once in the same context. Extravagance is portrayed as an evil practice carried out by the devil's companions, leading individuals toward destruction and Hell in the Hereafter.

Keywords: Israf, Tabdheer, Holy Quran, Thematic, Condemnation, Research.

Great Power Competition in Central Asia

Said Taher Erfani PhD

Visiting Professor at the University of Dawat, Master's Degree in International Relations

Abstract

With the increasing economic dependence of the world on energy resources and the increasing importance of energy-producing regions, as well as the re-emergence of Russia as a major player in the world energy market, Central Asian oil and gas, and the rise of China as a very influential power in the international arena and the geopolitical network of Central Asia, competition and confrontation between the great powers in this important geopolitical region have increased. Long-standing conflicts between the great powers, the system for controlling the oil and natural gas resources of Central Asia have led to the formation of a "new great game" between the great powers. Russia as a major player in Central Asia and China as a new emerging power and neighbor of this geopolitical network want to play an active role in this region. The United States is also a trans-regional country that has defined important energy interests in this region for itself and wants the closest possible relations with this region. The question raised in this article is who is in the power game to dominate the resources of Central Asia and which one will win the battle? Our hypothesis is that, given the geopolitical importance of Central Asia for the great powers, the main system of competition and confrontation in this region will be between the great powers (America, Russia and China). The research findings show that due to the increasing power of China, it will be the main player in the future.

Keywords: Central Asia, Energy, New Great Game, Russia, America, China and Geopolitical Network

Measurment of the organizational effectiveness of public and private schools in the fifth educational district of Kabul city from 2020 to 2024

Lal Mohammad Doorandish

Head of Scientific Research and Editor-in-Chief of the Research Journal Dawat.

Abdul Wahid Dastager

Associate Member of the Research Department of Dawat University.

Ata Al Haq Ahamadi

Educational Director of Qatrat Noor High School - District 5, Kabul.

Abstract

This study aimed to measure the organizational effectiveness of public and private schools in the fifth educational district of Kabul from 2020 to 2024 using a descriptive-correlation method. The statistical population of this study consisted of 3,493 teachers of public and private schools in the fifth educational district of Kabul, who were selected as the research sample population using the Cochran formula with a 5% error rate and 95% confidence level using a cluster probability sampling method. The data collection tool in this study was a standard questionnaire, the validity of which was confirmed by experts and its reliability was obtained using the Cronbach's alpha test ($\alpha=0.93$). The data were analyzed in two descriptive and inferential sections using SPSS software. The results of the independent T-test showed that the level of organizational effectiveness of the schools was lower than the standard level ($Q1 > 9.90$). The results of the regression test showed that the job satisfaction index had the greatest impact on organizational effectiveness. The results of the Pearson correlation test indicated that all indicators had a positive and high relationship with organizational effectiveness, and the relationship of the organizational health component was higher than the others. The organizational effectiveness of public and private schools was reported to be the same, and Qatrat Noor Private High School was evaluated as more effective than other public and private schools.

Keywords: Organizational effectiveness, innovation, organizational commitment, job satisfaction, organizational health.



Dawat

Academic Journal

Fifth Year, Volume 2 (Fall & Winter 2024-2025)